





ثابت قدم در تحول (با همراهان نستوه) | جلد اول

تهیه و تنظیم: اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل
گردآوری و تدوین: صدیقه حسن‌زاده
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند
نمونه‌خوان: فروزان امیدی



تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش |
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ |

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | شماره: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir



کتاب مقدمه در محلول

(با هم‌راهان نستوه)

جلد اول

با مقدمه دکتر حسن ملکی
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

فهرست

پیش‌گفتار | ۵

فصل اول | دیدارها | ۹

فصل دوم | همایش‌ها | ۱۲۵

فصل سوم | طرح‌ها و برنامه‌ها | ۲۰۱

فصل چهارم | یادداشت‌ها | ۲۷۵



پیش‌گفتار

ندای تحول مشتمل بر مجموعه‌ای از رویدادهای علمی، آموزشی، فرهنگی و مدیریتی است که طی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به طرق گوناگون در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌وقوع پیوسته است. بدون شک همه‌ی آنچه که در این سال‌ها راجع به اقدامات تحولی صورت گرفت در این مجموعه قرار نگرفته است لکن در اسناد سازمانی وجود دارد. در ندای تحول آن بخش از اقدامات و یا فعالیت‌ها درج شده است که در روند تحولی اثرگذار بوده‌اند و امکان ثبت و تدوین آنها نیز فراهم گشته است.

این سال‌ها برای اینجانب تجارب جدیدی بود که امکان اجرای اندیشه‌ی تحولی بنده و همکارانم را فراهم ساخت و فصول دیگری را به کتاب حرفه‌ای‌ام افزود. فرصتی بود که از جهات گوناگون قابل تأمل و بررسی است. آن زمان که رهبر حکیم و فرزانه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای؛ خطاب به جامعه‌ی فرهنگیان و نخبگان فرمود:

در آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب آموزش و پرورش است، این قلب را گرامی بدارید، اهمیت بدهید و حفظ کنید؛ ... سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را جدی بگیرید، به آن اهمیت بدهید، آنجا را غنی کنید از لحاظ انسانهای دانا و آگاه و خوش فکر و متدین و انقلابی. از این رو اینجانب مصمم به بازگشت به سازمان شدم. بار نخست در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که قریب ۲۰ سال در همین سازمان خدمت کردم و از کارشناسی تا مدیرکلی دفتر تألیف کتاب‌های درسی مراحل اداری را گذراندم. در آن دو دهه مخصوصاً در سال‌هایی که مسئولیت دفتر را عهده‌دار بودم موفق شدم به کمک همکارانم اصول و روش‌های برنامه‌ریزی درسی را تا حدود زیادی استقرار بخشم و تقدم برنامه‌ریزی درسی بر تألیف و تدوین مواد آموزشی را در نظر و عمل تثبیت کنم. اکنون نیز همکاران من از آن سال‌ها به نیکی و با خاطره‌ی خوش علمی و حرفه‌ای یاد می‌کنند.

از آغاز دهه‌ی هشتاد از طریق دانشگاه علامه طباطبایی آثار علمی متعددی را به جامعه‌ی متخصصان و علاقه‌مندان عرصه‌ی علوم تربیتی تقدیم کردم. در این سال‌ها نیز به دلیل علاقه‌ی وافری که به آموزش و پرورش و به‌طور خاص به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی داشتم، ارتباطم با همکاران قطع نشد و در برخی شوراها و کمیته‌ها حضور یافتم تا اینکه در سال ۱۳۹۸ فرمان رهبر حکیم و فرزانه جهت حضور افراد مرتبط در سازمان پژوهش صادر شد. حقیقتاً این فرمان برای اینجانب جز تبعیت معنای دیگری نداشت لذا تصمیم گرفتم برای دیگر بار به این مکان و مکانت با ارزش برگردم. به‌طور هم‌زمان درخواست مسئولان محترم وقت نیز زمینه را فراهم نمود تا اینجانب از جهت اداری و رسمی و به‌صورت مأمور از دانشگاه حضور یابم. تجربه‌ی بسیار با ارزشی بود که تاکنون نیز ادامه دارد و لحظاتی که برای این حقیر سپری می‌شود با همه‌ی سختی‌هایش بسیار دلنشین است.

در آغاز مأموریت، معاونت ریاست سازمان و قائم‌مقامی ریاست را تجربه کردم و با فاصله‌ی اندکی پس از بازنشستگی ریاست محترم وقت سازمان، جناب آقای ذوعلم به‌عنوان مسئول سازمان انتخاب شدم. این انتخاب تعهد سنگینی را متوجه اینجانب کرد و با توکل بر خدا آغاز نمودم. تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی بر پایه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی هم جزء برنامه‌ی کاری اینجانب بود در مسیر مطالبات اصلی نظام تعلیم و تربیت نیز قرار داشت. حضرت آقا نیز مکرر تأکید فرموده بودند که سند تحول اجرا شود و از سستی در این مسیر گله‌مند بودند. مجموعه‌ی اینها باعث شد که با علاقه و اراده‌ی قوی برنامه‌ریزی براساس اسناد را آغاز نمایم.

از آنجا که به اوضاع سازمان و ضرورت‌های تحول اشراف لازم را داشتم هیچ‌گاه احساس ناتوانی و سستی در این رسالت مهم نداشتم بلکه برعکس سر تا پا شوق و تصمیم بودم تا این امر مهم در یک فرایند علمی و منطقی و زیرچتر فلسفه‌ی تربیتی اسلام پیش رود. ابتدا الگوی برنامه‌ریزی درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی تدوین شد و طی چند کارگاه آموزشی به همکاران آموزش داده شد و در کارگروه‌های یازده حوزه‌ی تربیت و یادگیری برنامه‌ریزی درسی آغاز گردید. سعی شد شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی با اعضای مناسب و تخصص‌های مورد نیاز تشکیل گردد تا قادر باشند برنامه‌های درسی تحولی را تدوین نمایند. با شرکت در جلسات شوراها و هم‌اندیشی با آنان زمینه‌ی خوبی برای تداوم برنامه‌ریزی فراهم گردید. در این میان از حوزه‌ی محترم علمیه نیز تقاضا شد نمایندگان جهت شرکت در شوراها سازمان معرفی نمایند. حضور آنان موجب گردید از همان آغاز، برنامه‌های درسی با معارف اسلامی پیوند بخورند و با صیانت از این پیوند و غنی‌سازی آن بسته‌های تربیت و یادگیری تولید شوند. البته برای

تحقق ماهیت اسلامی و بومی برنامه‌ها، اتصال بناها به مبانی فلسفی شرط مهم و بی بدیل است. لکن حضور اعضای متخصص در معارف اسلامی و تربیت قرآنی به این مهم کمک می‌کند. اگر این مرحله بدون ارتباط بنا و مبنا سپری گردد، در مراحل بعدی نمی‌توان اقدام مؤثری به عمل آورد. گاهی وصله‌هایی که از این جهت به بعضی برنامه‌ها زده شده بود، از این خلاء ناشی می‌شد. بدیهی است که اگر از ریشه، تحول آغاز نشود در شاخ و برگ نمی‌توان اقدام اساسی به عمل آورد. باید اعتراف کنم که این قسمت از اقدامات تحول ظریف‌ترین اقدامات است. چنانچه این کار یعنی اتصال معنادار و قوی "بنا به مبنا" به نحو مطلوب انجام گیرد بخش بنیادین تحول برنامه‌های درسی انجام گرفته است. برعکس اگر در این اقدام موفقیت حاصل نشود فعالیت‌های بعدی مؤثر واقع نخواهند شد. اگر فردی یا گروهی این حقیقت را انکار کند کل کار تحول را انکار کرده است. لذا شرط اصلی تحول از جهت نرم‌افزاری تدوین "الگوی ربط" است که بتواند این اتصال را ایجاد کند. الگوی تدوین برنامه‌های درسی که در سازمان پژوهش تهیه گردید همان الگوی ربط است که طبق آن برنامه‌های درسی یازده گروه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی به مبانی مرتبط شد

این مسیر منتهی به تولید راهنماهای برنامه‌ی درسی تحولی شد که برای نهایی شدن و تصویب به دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش ارسال گردیده است. در مجموع راه تحول راه پر مسئله و حساسی است که هم به دقت نیاز دارد و هم به سرعت. ما سعی کردیم از طریق تهیه‌ی الگوها و استفاده از ملاک‌های علمی دقت برنامه‌ریزی را بالا ببریم و از طریق مدیریت جهادی سرعت را افزایش دهیم. بدین ترتیب رویدادها و وقایعی که در قسمت‌های مختلف مجموعه‌ی ندای تحول ملاحظه می‌کنید، نشان‌دهنده‌ی راه طی شده است. با اینکه همه‌ی منزلگاه‌ها و ایستگاه‌های راه تحول در این مجموعه قرار نگرفته است لکن آنها تنظیم و ارائه شده است.

در پایان لازم می‌دانم از همه‌ی همکاران عزیز و کارشناسان محترم، مخصوصاً روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان که در تنظیم و آماده‌سازی ندای تحول زحمت زیادی کشیده‌اند صمیمانه تشکر کنم. امیدوارم بتوانیم با تشریک مساعی و با مدیریت جهادی این مسیر را ادامه دهیم و آنچه را که شایسته‌ی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است به انجام برسانیم.

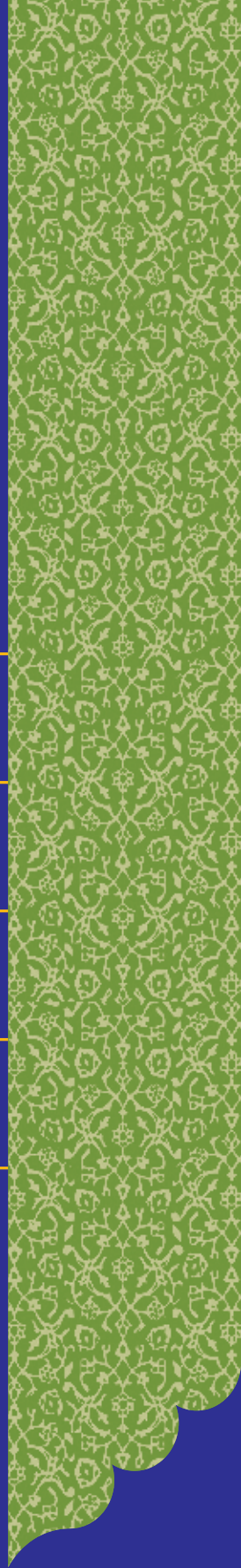
دکتر حسن ملکی

معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی

فصل اول

دیدارها





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

پیش نشست

«مناسبات علم دینی

و برنامه درسی

آموزش

و پرورش»



چهارمین پیش نشست از اولین کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علوم دینی» با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تحت عنوان «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش» یکشنبه ۱۳ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد.

در این پیش نشست دکتر حسن ملکی استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر محمد فتحعلی‌خانی استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بیان نظرات خود پرداختند.

در ابتدا حجت الاسلام رضا مالایی دبیر علمی این پیش نشست ضمن معرفی سخنرانان گفت: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه متناسب با نیاز علوم انسانی امروز کشور و فضای کشور به لحاظ شیوع ویروس کرونا، قصد برگزاری کنفرانس مجازی "مناسبات علم دینی در علوم انسانی از گفتگو تا تأسیس" را در آبان ماه

دارد. در همین راستا تا بحال چند پیش نشست برگزار شده و این چهارمین پیش نشست است. پیشنهاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه این بود که یک پیش نشست هم در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برگزار شود.

وی ادامه داد: ما اکنون درگیر تدوین راهنماهای برنامه درسی هستیم که سیاست گذاری فکر و اندیشه در فضای آموزش و پرورش است و از سوی دیگر مقوله علم دینی مقوله ای است که در تمامی حوزه تربیت و یادگیری تاثیرگذار است؛ به همین منظور پیش نشستی را تحت عنوان "مناسبات دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش" با دعوت از سه استاد بزرگوار که دغدغه مند علم دینی بودند و آثار مهمی را منتشر کرده اند؛ تدارک دیدیم.

آغاز سخنرانی‌ها توسط دکتر ملکی

در ابتدا دکتر ملکی درباره‌ی مفهوم علم دینی چنین توضیح داد: راجع به علم دینی معانی و مصادیق مختلفی در منابع مختلف مطرح شده است. گاهی گفته شده علم دینی علمی است که با ایمان تلازم داشته باشد. تلازم بین ایمان و علم، شکل دهنده علم دینی است. برخی دیگر معتقدند که علم دینی یک علم تأسیسی است و بر پایه‌ی پیش فرض‌های فلسفی و اعتقادی می‌توان علم دینی را پدید آورد.

برخی نیز اعتقاد دارند که علم دینی از ارائه فرضیه‌ها براساس ارزش‌ها و باورهای دینی و انجام یک کار تجربی بر روی آن فرضیه‌ها و رسیدن به مجموعه‌ای از گزاره‌ها پدید می‌آید و ما باید آن گزاره‌ها را علم دینی تلقی کنیم.

عده‌ای هم اعتقاد دارند که علم دینی همان تهذیب علم موجود است. یعنی اگر علمی که وجود دارد را مهذب کنیم و آن مواردی که با ارزش‌های دینی مغایر و متضاد است را پیرایش کنیم و بزدایم، علم دینی به وجود می‌آید.

یک دیدگاه هم این است که علم دینی همان علم نافع است. یعنی اگر بتوانیم علم نافع را پیدا و مدون کنیم و بر پایه علم نافع، تعلیم و تعلم نافع را ارائه بدهیم، ما در مسیر علم دینی حرکت می‌کنیم. وی افزود: احتمالاً دیدگاه‌های متعدد دیگری هم در جغرافیای مفهومی علم دینی مطرح است، اما مطلبی که بنده می‌خواهم ارائه بدهم آن دیدگاهی است که می‌گوید علم دینی بر پایه علم نافع مطرح می‌شود. لذا اگر بخواهم عنوانی برای عرایض خودم مطرح کنم، آن عنوان "علم دینی و دلالت‌های آن بر برنامه‌های درسی" است. بیشتر مایل هستم در موقعیتی که در آن قرار داریم

کمکی کنم. همکاران بنده با یک مدیریت جهادی مشغول تدوین برنامه‌های درسی تحولی هستند و شاید این عرایض بنده بتواند از این منظر به این کار مهم کمک کند.

علم نافع در قرآن

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره علم نافع عنوان کرد: نفع در لغت به معنای فایده، بهره و خیر است. یعنی وسیله‌ای که انسان را به مطلوبش برساند. در حقیقت در مقابل یک لغت دیگر به نام ضرر قرار می‌گیرد. این واژه و مشتقات آن حدود ۱۷ بار به اشکال گوناگون در قرآن کریم به کار رفته است و ما نفع مادی، نفع معنوی و نفع آخرتی را در آیات متعدد قرآن ملاحظه می‌کنیم. بنابراین وقتی ما از نفع صحبت می‌کنیم باید توجه کنیم که نفع گستره‌ی وسیعی دارد. ما این جغرافیا را باید در کارمان مد نظر قرار بدهیم و احتمالاً در برنامه‌های درسی هم همین نگاه را باید داشته باشیم.

دسته بندی علوم نافع



دکتر ملکی در ادامه سه دسته از علوم نافع را برشمرد و گفت: علم نافع علمی است که در زندگی فردی و اجتماعی فایده و خیر داشته باشد و در نیل به هدف‌ها یاری رساند. در واقع علم نافع ما را باید در نیل به هدف‌ها یاری کند. حال براساس این که آن هدف چه باشد، طبیعتاً مصداق علم نافع هم متفاوت می‌شود.

ما بر این اساس می‌توانیم سه دسته علوم نافع را نامگذاری و مطرح کنیم. یک سری علوم نافع دنیوی هستند که این علوم می‌توانند در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا مفید باشند. خیلی از علوم که ما یاد می‌گیریم از جمله علم پزشکی یا علم ژنتیک، علوم نافع در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا هستند. نوع علمی که ما آن‌ها را یاد می‌گیریم می‌توانند مصداقی از علوم نافع دنیوی باشند. رئیس سازمان پژوهش در تعریف علوم نافع اخروی بیان کرد: این‌ها علمی هستند که در راستای تعالی معنوی و به کمال رسیدن افراد کمک می‌کنند و در حیات اخروی مفید واقع می‌شوند. این علوم عبارت است از اصول، اعتقادات و باورهایی که از طریق تعلیم و تربیت دینی به ما آموخته

می‌شود و نوعاً هم مربوط به این می‌شود که ما طوری زندگی کنیم تا در عالم آخرت نزد خدا آبروی کسب کنیم. هر علمی که این اثر را داشته باشد علم نافع اخروی است. وی افزود: علوم نافع در دنیا و آخرت سومین دسته است. این‌ها علمی هستند که در رفع نیازهای دنیوی با نیت خدمت به خلق خدا و رضای الهی تعلیم و تعلم می‌شوند. این‌جا دیگر بحث انگیزه مطرح می‌شود. یعنی ما در هر جایی که علم یاد می‌گیریم یا تعلیم و تعلم می‌کنیم، اگر با نیت خیر و با نیت رضای الهی و خدمت به خلق خدا باشد، این علوم می‌شوند علوم دنیوی اخروی. در دنیا انجام می‌شوند ولی چون با نیت خیر صورت می‌گیرند طبیعتاً به آن‌ها اخروی هم می‌توان گفت.

دکتر ملکی ادامه داد: بین این تقسیم‌بندی‌ها یک حالت اصطلاحاً بتن آرمه‌ای وجود ندارد. یعنی وقتی علوم نافع اخروی را یاد می‌گیریم، آن‌ها آثار دنیوی و مادی هم دارند ولی معطوف به حیات اخروی هستند و در آنجا برای ما مفید خواهند بود.

جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی عنوان کرد: رسول خدا (ص) می‌فرماید: "اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع". به عبارت "انی اعوذ بک" عنایت کنید. ما معمولاً از شر شیطان به خدا پناه می‌بریم، اما علم غیر نافع چه ضرری دارد که ما در این دعا از واژه‌ی اعوذ بک استفاده می‌کنیم؟ معلوم می‌شود علمی که نفعی ندارد می‌تواند خاستگاه یک سری برنامه‌های ابلیسی هم باشد به دلیل آنکه همچون ابلیس از شر آن به خداوند پناه می‌بریم. امام علی (ع) هم چنین بیانی در نهج‌البلاغه دارند که می‌فرمایند: لا خیر فی علم لا ینفع" (در علمی که نفعی ندارد خیر و فایده‌ای نیست).

دیدگاه صاحب‌نظران اسلامی نسبت به علم نافع

دکتر ملکی در ادامه چند دیدگاه از صاحب‌نظران اسلامی را نسبت به علم نافع مطرح کرد. وی اظهار داشت:

حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: "هر علمی نافع است ولی عظمت علم از معلوم مشخص می‌شود. علم اصول دین از برترین علوم است ولی وقتی کاملاً نافع است که همراه عمل باشد."

ایشان تأکیدشان بر این است که علت اصول دین با آن عظمتش اگر همراه عمل نباشد از مصادیق علم نافع نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: "دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع باشد، نه فقط برای حال کشور بلکه برای ۱۰ سال بعد یا ۲۰ سال بعد کشور. ممکن است ما در ۲۰ سال آینده یک نیازی داشته باشیم که از امروز تحقیقات آن باید شروع شود." شهید مطهری نیز می‌فرماید: هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد و آن اثر را مفید و خوب بداند، آن علم مورد نظر و مورد توصیه و تشویق اسلام است." مرحوم علامه طباطبایی هم علم نافع را علمی می‌داند که انسان را در مسیر کمال یاری کند.

علم نافع در سفر زندگی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی گفت: زندگی یک سفر است. از زمانی که ما در یک سنی قرار می‌گیریم و تکلیف الهی بر ما مترتب می‌شود و ما راه را آغاز می‌کنیم، یک مبدأ سفر داریم، یک راه سفر داریم و یک مقصد سفر داریم. در مبدأ سفر، خودشناسی، خداشناسی، خلقت‌شناسی و دیگرشناسی و ارتباطات انسانی بسیار اهمیت دارد. در سنینی که دانش‌آموزان حضور دارند، خودشناسی تا یک حدی باید به آن‌ها آموخته شود و زمینه فراهم شود، چون تا خودشناسی نباشد نمی‌توانند این مسیر را بپیمایند. همچنین شناخت خدا، شناخت خلقت و شناخت انسان‌های دیگر هم اهمیت دارد.

دکتر ملکی ادامه داد: ما باید چه کار کنیم که در برنامه‌های درسی مان به خودشناسی کمک کنیم؟ استحضار دارید که در احادیث ما از معرفت نفس به‌عنوان "انفع المعارف" نام برده شده است، یعنی نافع‌ترین علوم معرفت به خود است. من مواردی که به این موضوع مربوط باشد را در کتاب‌های درسی، مخصوصاً در کتاب‌های معارف اسلامی دیده‌ام، اما نکته این است که ما این موضوع را چگونه مطرح و سازماندهی کنیم که خودشناسی جای خودش را باز کند. در ارتباط با خداشناسی که همایش ما هم خیلی به آن ارتباط پیدا می‌کند، محتواهای ما باید خدا محور باشند. محتوای خدا محور هم محتوایی است که بتواند بر محوریت علم دینی مبتنی شود.

وی افزود: ما در راه سفر وارد متن زندگی شده‌ایم. مراد ما از راه سفر یعنی متن زندگی. در این راه که دانش‌آموز به‌عنوان یک شهروند موثر و مفید وارد زندگی شده است باید از جامعه اسلامی رفع موانع شود. حال این موانع کدام موانع است؟ ممکن است موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا جمعیت‌شناسی



باشد. این مسئله‌ها باید در متن برنامه‌های درسی ما به نوعی درآمیخته شود.

دکتر ملکی خاطر نشان کرد: مسئله‌ی پیری جمعیت یک مثال عینی برای این موضوع است که اگر مراقب نباشیم به یک مانع تبدیل می‌شود. اعتقادات صحیح یک مسئله دیگر است. ما اعتقادات صحیح را از طریق

دروس معارف اسلامی آموزش می‌دهیم، اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که ما این اعتقادات را چقدر، چگونه و از چه منبعی باید بهره‌برداری کنیم که این اعتقادات کمک کند تا دانش‌آموز به یقین دست پیدا کند؟ موضوع نیت خالص هم یک موضوع دیگر است. ما اعتقاد داریم که اگر افراد دارای نیت خالص باشند، در زندگی دنیوی می‌توانند اصطلاحاً دنیوی اخروی زندگی کنند. ما باید به تزکیه نفس آن‌ها کمک کنیم، که در اینجا نقش معلم به‌عنوان فردی که برای تزکیه نفس از طریق برنامه‌های درسی زمینه‌سازی می‌کند مهم است. اگر ما این موضوعات را در طول سفر زندگی مد نظر قرار بدهیم و اصلاح کنیم، می‌توانیم به علم نافع دست پیدا کنیم. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در پایان صحبت‌های خود گفت: وقتی از علوم نافع و برنامه درسی حرف می‌زنیم باید بدانیم: (۱) علوم نافع مادی و برنامه درسی کدام علوم هستند؟ (۲) علوم آخرتی و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ (۳) علوم نافع در دنیا و آخرت و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ شاید نیاز باشد که دوستان در شوراهایی که تشریف دارند از این زاویه وارد شوند، مورد بحث قرار بدهند و ان شاء الله به جاهای شفاف‌تری برسند.

جمع‌بندی ابتدایی سخنان دکتر ملکی

در ادامه حجت الاسلام رضا ملائی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی دیدگاه دکتر ملکی در رابطه با علم دینی را جمع‌بندی کرد. دبیر علمی این نشست گفت: دکتر ملکی برای علم دینی سه مشخصه ذکر کردند. نخست این که علم دینی آن علمی است که در خدمت اهداف دینی قرار بگیرد، دوم آن که علم دینی باید متکی بر منابع دینی باشد و سوم این که علم دینی آن علمی است که پیش‌فرض‌های دینی را در علم دخالت بدهد.

رابطه نظری دین و علم

سپس دکتر محمد فتحعلی خانی استادیار پژوهشگاه حوزه سخنان خود را این گونه آغاز کرد: عنوان مطلبی که من تحلیل می‌کنم "بازتاب تعامل نظری و عملی دین و علم در آموزش و پرورش" است. یک تعامل متقابل بین علم و دین در حوزه نظر و حوزه عمل وجود دارد که اگر به آن توجه شود آموزش و پرورش جهت‌گیری و سمت و سوی متفاوتی را خواهد داشت.

وی افزود: من قبلاً درباره‌ی رابطه‌ی نظری علم و دین در یک همایش دیگری که به همت دوستان ما در آموزش و پرورش و با همراهی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام گرفت مطالبی را عرض کردم و مقاله‌ای را منتشر کردم که بیشتر ناظر به فرمایشات حضرت آیت‌الله جوادی آملی در موضوع علم دینی بود. آنچه مورد نظر بود این بود که بین معرفت دینی و معرفت عقلی و به طور خاص معرفت علمی، یک داد و ستد و رابطه متقابل وجود دارد.

دکتر فتحعلی خانی گفت: آنچه که من از "تعامل نظری علم و دین" تعبیر کرده‌ام این است که ما این دو و به طور خاص متون دینی را منبع معرفت‌زا می‌دانیم. این را براساس مبانی کلامی که داریم اثبات می‌کنیم. ما یک تلقی از وحی داریم و وحی را انتقال معرفت و معرفت‌زا می‌دانیم که اختصاص به پیامبر و معصومین (ع) دارد. بنابراین وحی موجب معرفت است، معرفتی که حیثیت حضوری دارد و مواجهه مستقیم با واقعیت است. این وحی وقتی در قالب گفتار و نوشتار درمی‌آید و از طریق متون دینی به مخاطبان دین منتقل می‌شود، از حوزه‌ی علم حضوری به حوزه‌ی علم حصولی منتقل می‌شود.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بیان کرد: بنابراین ما معتقدیم که متون دینی معرفت حصولی را در اختیار مخاطبان دین قرار می‌دهد، که البته باید با روش شناختی‌هایی که صورت می‌پذیرد و تحقیقاتی که در حوزه روش‌شناسی صورت می‌گیرد، روش تحصیل علم از طریق متون دینی را دریابیم. ما از آن طرف هم قائل به این هستیم که عقل علی الاصول قادر به معرفت نسبت به موضوعات است و می‌تواند موضوعاتی را که در قلمرو عقل قرار می‌گیرد را بکاود و درباره‌ی آن‌ها به داوری برسد. البته این داوری به شیوه‌ای روش‌مند و عقلانی صورت می‌گیرد. پس همه انسان‌ها دارای قوای مشترکی هستند که اگر آن‌ها را به کار بگیرند و از اصول به کارگیری آن‌ها تبعیت کنند می‌توانند معرفت پیدا کنند.

وی افزود: پس متون دینی از یک سو منبع معرفت است. قوای عقلی ما هم با روش‌های مختلفی که در علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و فلسفه وجود دارد به ما معرفت می‌دهند.

رفع تعارض بین علم و دین

محمد فتحعلی خانی خاطر نشان کرد: فراتر از همه‌ی این گونه‌های مختلف دانش، علم و معرفت؛ یک الزام عقلی وجود دارد که آن عبارت است از اینکه معرفت انسان‌ها با همدیگر باید در انسجام و سازگاری باشد. یعنی نمی‌شود شما یک روش را روش معرفت‌زا بدانید ولی نتایج آن با یک روش دیگری که آن را هم معرفت‌زا می‌دانید، در تعارض قرار بگیرد. بحثی که تحت عنوان تعارض علم و دین مطرح می‌شود هم در همین چارچوب است. یعنی اگر ما دین را معرفت‌زا می‌دانیم و عقل را هم معرفت‌زا می‌دانیم، قاعدتاً این دو نباید با هم در تعارض باشند.

وی افزود: اما اگر به موردی از تعارض برخورد کردیم؛ چه کنیم؟ در این جهت نظریات مختلفی پرداخته شده است. از جمله اینکه در قرون وسطی برخی قائل بر این بودند که هم آن‌چه که دین می‌گوید در جایگاه خودش درست است و هم آن‌چه علم، عقل و فلسفه می‌گوید در جای خود پذیرفتنی است و واجب است که پذیرفته شود. این نظریه گرچه نظریه قابل اعتنایی نیست ولی در روزگاری طرفدارانی داشته است. به این نظریه می‌گفتند نظریه حقیقت دوگانه یا حقیقت مضاعف. فتحعلی خانی اظهار داشت: برخی دیگر عقل‌گرایی افراطی را پیشنهاد می‌دهند. یعنی می‌گویند اگر تعارضی بین آموزه‌های برگرفته از متون دینی و آموزه‌های برگرفته از گونه‌های مختلف دانش برقرار شد، تعارض را این‌گونه رفع می‌کنیم که همیشه جانب عقل را مقدم می‌داریم. اگر این نظریه بخواهد پذیرفته شود یعنی دین همیشه ناگزیر است که تابع علم و فلسفه باشد. اما اگر ما وجوه دینی را معرفت‌زا بدانیم و روش‌های دریافت معرفت از متون دینی را به لحاظ فلسفی تثبیت کرده باشیم، این نظریه پذیرفتنی نیست. این‌ها هر دو در یک نقطه هستند و باید یکدیگر را تعدیل کنند؛ نمی‌شود که همیشه علم و فلسفه را مقدم بدانیم.

وی گفت: کسانی هم هستند که از جانب مقابل به سمت تفریط یا افراط دیگری رفته‌اند و بر این باور هستند که همیشه دین باید یافته‌های عقل را مدیریت کند. این هم پذیرفتنی نیست، چون فرض ما این است که عقل خودش مهمترین منبع معرفت است و چنانچه که ما عقل را از حیثیت خودش تنزل بدهیم اساساً دست یافتن به دین و معارف دینی هم تعطیل می‌شود. ما با کمک و مدد عقل است که به دین و معارف دینی دست پیدا می‌کنیم و به آن‌ها ایمان می‌آوریم.

فتحعلی خانی با بیان این‌که سه نظریه یاد شده هیچ‌کدام قابل قبول نیستند و ما نظریه چهارم را باید بپذیریم، درباره‌ی این نظریه گفت: نظریه‌ی چهارم همان نظریه‌ای است که من از آن به

نظریه تعامل معرفت علمی و معرفت دینی تعبیر کردم. به نظر می‌آید این نظریه معقول‌ترین دیدگاه در مباحث مربوط به تعارض علم و دین است. این نظریه می‌گوید که چنانچه علم و دین به یک معرفت واحد نرسیده باشند این دو باید با همدیگر مناسبات متقابلی را برقرار بکنند و همدیگر را تعدیل کنند و برای همگرا شدن به سمت معرفت واحد تشریک مساعی کنند. به این می‌گویند تعامل نظری علم و دین.

رابطه عملی بین علم و دین



محمد فتحعلی‌خانی پس از تشریح رابطه نظری علم و دین، بیان کرد: در مقام عمل هم بین علم و دین تعاملاتی وجود دارد. وقتی ما از عقلانیت نظری به عقلانیت عملی رجوع می‌کنیم به یک معنا داریم پای هر جهان‌بینی و هر مجموعه ارزش‌شناختی را باز می‌کنیم که آن مجموعه به ما می‌گوید چه

عمل‌هایی با چه اهدافی قابل پیگیری است. عمل همیشه هدفمند است و علم نافع‌ی که جناب استاد ملکی گفتند همیشه در همین جا وارد می‌شود. وقتی یک نظام ارزشی به ما ارزش‌هایی را می‌دهد در واقع سمت و سوی عمل ما را تعیین می‌کند و عقلانیت عمل ما از آن جهت رابطه عملی بین علم و دین را برقرار می‌کند، چون دین نظام ارزشی دارد.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: دین واجد جهان‌بینی است و مسئله مهم این است که جهان‌بینی‌ها دو کار را انجام می‌دهند؛ یکی این که به ما راهنمایی می‌کنند تا علمی را سامان بدهیم و محقق کنیم که در پشت آن جهان‌بینی وجود داشته باشد و این علم متناسب با آن جهان‌بینی باشد و در عین حال همین جهان‌بینی و همین نظام ارزشی به ما سبک زندگی بدهد. این جا نقطه عملی بین علم و دین است، چون هر دوی این‌ها با تناسب جهان‌بینی‌هایی که در پشتوانه‌ی خودشان دارند به ما علم و سبک زندگی می‌دهند.

تقابل جهان بینی مادی با جهان بینی الهی

فتحعلی‌خانی عنوان کرد: اکنون که هم علم و هم جهان‌بینی برخاسته از دین این ویژگی را دارند که به ما انتقال جهان‌بینی، معنا و ارزش بدهند، چنانچه آموزش و پرورش بر اصلاح سبک زندگی متمرکز شود یک رقیبی برای آموزگار فراهم کرده است. در واقع آن‌که نظام جهان‌بینی و ارزشی خاصی را آموزش و انتقال می‌دهد در قبالش با تغییر سبک زندگی با یک آموزگار رقیب مواجه می‌شود. البته این ممکن است ما را به نوعی تقابل و تعارض رهنمون کند ولی توجه داشته باشید که در وضعیت کنونی آموزش و پرورش ما این تقابل وجود دارد و ما ناچار یک دوشخصیتی را داریم به دانش‌آموز خودمان منتقل می‌کنیم. یعنی از طریق آموزش علوم به خصوص علوم پایه داریم جهان‌بینی مادی و تجربه‌گرا را منتقل می‌کنیم و از طریق تعلیمی که در دروس دینی و درس فارسی و ادبیات کلاسیک انتقال می‌دهیم هم یک جهان‌بینی متفاوت را عرضه می‌کنیم که جهان‌بینی الهی است.

وی افزود: این تقابل همین‌الآن هم وجود دارد، منتها از طریق دو تریبونی که یکی از آن‌ها دارد این جهان‌بینی را به صورت ناخودآگاه انتقال می‌دهد که همان آموزش‌های علوم پایه است و مؤثرتر است و دیگری به طور مستقیم گفت‌وگو می‌کند. در واقع این‌ها دو رقیب هستند که هر دو جهان‌بینی و نظام ارزشی خاصی را به صورت ناخودآگاه و به صورت ضمنی آموزش می‌دهند. این نوع تعلیم رسوخ بیشتری در اذهان دارد و منجر به این می‌شود که در درون آن‌گیرنده واحد که دانش‌آموز یا دانشجو است به تدریج رابطه‌ی تعدیلی بین این دو جهان‌بینی برقرار شود. یعنی این‌ها یکدیگر را انتقاد کنند. انتقاد این جهان‌بینی نسبت به آن جهان‌بینی و انتقاد آن جهان‌بینی نسبت به این جهان‌بینی.

دکتر فتحعلی‌خانی در پایان سخنان تأکید کرد: اگر نقطه توجه آموزش‌ها و دروس ما به سمت تغییر و تصحیح سبک زندگی قرار بگیرد، امکان تعامل نظری و عملی بین معرفت دینی و معرفت علمی برقرارتر خواهد شد و امید به همگرایی بیشتر فراهم می‌شود.

جمع‌بندی سخنان دکتر فتحعلی‌خانی

در ادامه حجت‌الاسلام ملائی گفت: دو نکته فوق‌العاده مهم در بیان فتحعلی‌خانی وجود داشت. نکته‌ی اول این است که علم دینی آن علمی است که محصول سازگاری فهم روش‌مند از دین و

فهم روش مند تجربی یا فهم روش مند عقلی است. بنابراین در آن حوزه‌ای که تعارض بین فهم دینی با فهم عقلی یا فهم تجربی به وجود بیاید، باید به قاعده‌ای که این تعارض را حل خواهد کرد، رجوع کنیم.

دبیر علمی این نشست افزود: نکته دوم که اتفاقاً نکته بسیار مهمی هم هست این است که در ساحت آموزش و پرورش دو جهان‌بینی در حالت انتقال به یک گیرنده (دانش آموز) است. یک جهان‌بینی از طریق دروس تعلیمات دینی و دروس فارسی به تسریع انتقال داده می‌شود و یک جهان‌بینی هم از طریق دروس علوم پایه مثل علوم تجربی و ریاضیات به تلویح و به شکل پنهانی انتقال داده می‌شود. این دو جهان‌بینی که یکی از آن‌ها جهان‌بینی برآمده از تفکر مدرن و دیگری جهان‌بینی برآمده از تفکر دینی است در گیرنده واحد ایجاد تعارض خواهد کرد و دانش آموز خودش را بین این دو جهان‌بینی دچار تعارض و ناسازگاری خواهد دید. باید برای این تدبیر اندیشید. طبیعتاً تدبیر این کار هم رفتن به سوی علم دینی در حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری است. حجت الاسلام مائلی گفت: برداشت من از راه‌حل آقای دکتر فتحعلی‌خانی برای این که علم دینی بسط پیدا کند این است که سبک زندگی تغییر پیدا کند. یعنی به جای این که تغییر را از ناحیه علم شروع کنند و به سمت سبک زندگی بروند، تغییر را از ناحیه‌ی سبک زندگی شروع خواهند کرد تا یک بستری برای ظهور علم دینی به وجود بیاید.

شاخص علم نافع از نگاه دکتر پارسانیا

دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز گفت: جناب آقای دکتر ملکی شاخصی را برای علم دینی مطرح کردند که آن نافع بودن علم دینی است. به نظرم شاخص مهمی است، منتها این شاخص اگر بخواهد دنبال شود با دیگر شاخص‌هایی که نسبت به این موضوع بیان می‌شود ربط پیدا می‌کند. آنچنان که آقای دکتر فتحعلی‌خانی بیان کردند، قاعدتاً در نظام آموزش ما دو علم با دو نوع جهان‌بینی القا می‌شود. یکی عیان و آشکار است و به بستر فرهنگی جامعه بازمی‌گردد که همان دروس مربوط به حوزه فرهنگی است و دیگری هم علوم پایه یا علوم اجتماعی است. این‌ها یک نوع جهان‌بینی را دارند القا می‌کنند که این مسئله خودش با مسئله‌ی نفع ربط پیدا می‌کند. یعنی جهان‌بینی که فقط دنیوی می‌بیند و این جهان را مستقل از جهان دیگر تفسیر می‌کند، با نفع به معنای دینی و معنوی ناسازگاری پیدا می‌کند. در واقع می‌خواهم بگویم که ما حتی معیار علم نافع را با معنایی که از نافع داریم بیان می‌کنیم.

پارسانیا افزود: جناب آقای دکتر فتحعلی‌خانی فرمودند که از متون دینی هم نوعی بهره‌وری و استفاده داشته باشیم، اما خود همین مسئله هم ممکن است با معیار نفع و نافع بودن نوعی تداخل داشته باشد. گاهی شما علم را به گونه‌ای معنا می‌کنید که معرفتی که متون دینی القا می‌کنند را اصلاً معرفت علمی نمی‌دانید و استفاده و تعامل علم با متون دینی را نفی می‌کنید و یا چارچوب بسیار مقیدی را برای آن بیان می‌کنید که هویت دینی بودنش دیگر نقشی ندارد که بخواهد با علم ارتباطی داشته باشد. این مسئله ممکن است به حوزه‌ی فرهنگ آسیب برساند. یعنی شما بخواهید یک جامعه‌ای داشته باشید که نفع را نفع اخروی معنا کند و بگوید ما نافع اخروی هم داریم و بعد نظام علمی شما بگوید اصلاً مفهوم اخروی یک مفهوم ایدئولوژیک است و اصلاً این‌ها مفاهیم علمی و واقع‌نما نیستند و این‌ها برساخت هستند و فقط یک نوع هویت فرهنگی دارند. در اینجا هم معیار نافع بودن با سایر معیارها تداخل پیدا می‌کند. بنابراین معیارهای مختلفی برای رابطه علم و دین مطرح می‌شود که اغلب این معیارها با همدیگر نوعی هماهنگی و تداخل هم دارند.

موضع‌گیری آموزش و پرورش نسبت به رابطه علم و دین

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیان کرد: بحث نسبت میان علم و دین محل گفت‌وگوهای جدی در مباحث علمی و دینی است و حتی آن‌هایی که با ارتباط این دو مخالفت می‌کنند نوعی موافقت خودشان را دارند اظهار می‌کنند. یعنی دارند یک موضع خاصی را بیان می‌کنند. یعنی حتی اگر حوزه علم را کاملاً از حوزه دین منفک در نظر بگیرند و اجازه تعامل بین این دو را ندهند، آن‌ها هم به نوعی به رابطه خاص علم و دین معتقد هستند، منتها رابطه سلبی برقرار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند رابطه‌ی ایجابی برقرار شود.

وی تأکید کرد: ما نسبت به رابطه‌ی علم و دین ناگزیر هستیم که یک نوع موضع‌گیری داشته باشیم. نظام آموزشی ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی‌توجه و خنثی باشد. این مباحث هر طرفش، طرف دارد و استدلالی دارد. یعنی در هر مبحثی ممکن است برخی با نظر شما مخالف باشند. بنابراین نظام آموزش و پرورش ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله موضعی نداشته باشد و بگوید من بدون این موضع می‌خواهم برنامه آموزشی خودم را داشته باشم. نظام آموزش و پرورش باید یک موضع شفاف و روشن در این زمینه داشته باشد. در اسناد مربوط به تحول آموزش و پرورش و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و نظام علمی نوعاً این موضع‌گیری بیان و اظهار می‌شود.

حمید پارسانیا اظهار داشت: مهم این است که ما در درون نظام آموزشی بدون مواضع نظری نمی‌توانیم وارد شویم و بعد باید اقدامات متناسب با آن مواضع نظری را سامان بدهیم. خلأیی که فکر می‌کنم در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش وجود دارد این است که این مواضع به صورت شفاف و گویا بیان نمی‌شود. عرض من این نیست که ما می‌توانیم یک نظریه‌ی خاصی را کاملاً مبنا قرار بدهیم و بگوییم یک حرفی را تا نهایت گفته‌ایم. ممکن است افراد یک نظر خاصی را داشته باشند و لوازم یک حرفی را تا آخر قبول کرده باشند که حتماً هم این‌گونه است، اما این مسئله اگر بخواهد در یک برنامه درسی و یک نظام آموزشی و اجتماعی محقق شود نوعی اجماع می‌خواهد. یعنی مستلزم نوعی حرکت برای هماهنگ کردن، گفت‌وگو کردن و پیش رفتن در این زمینه است. لذا در درون آموزش و پرورش ما باید یک گفت‌وگوهای زنده و مستمر برای شفاف کردن این مسئله و به تصمیم رسیدن و اصلاح کردن تصمیم‌های قبلی و گام پیش گذاشتن نسبت به مسئله وجود داشته باشد. این یک نکته مهم است. فقط مسئله ما هم نیست و جهان مدرن به طور کلی به آن پرداخته است.

درک درست از تعریف علم و دین

پارسانیا ادامه داد: یکی از مسائلی که در تأثیرگذاری بین علم و دین و نسبت بین آن‌ها خودش را نشان می‌دهد و تعیین‌کننده است، تعریف خود علم و تعریف خود دین است. البته منظورم وضع اصطلاح نیست، بلکه منظورم فهم ما از حقیقت دین و علم و تصدیق این مسئله است. یعنی بینیم دین چیست و چه چیزی را علم می‌بینیم. ما حقیقت دین و علم را درک کنیم بعد می‌توانیم وارد روابط میان آن‌ها شویم. من فکر می‌کنم نظام آموزشی ما اگر می‌خواهد برنامه‌ریزی درستی داشته باشد و ناآگاهانه وارد مسائل نشود باید اتخاذ موضع کند که چه چیزی را علم می‌داند و برداشتش از دین چیست. بنابراین ما در قدم اول باید تعریف و حقیقت علم و دین را درک کنیم تا بعد در ذیل تعریفی که ما از علم می‌کنیم مسائل بعدی از جمله علوم شکل بگیرد.

تفاوت Science با humanities

دکتر پارسانیا در ادامه به تقسیم‌بندی علوم پرداخت و گفت: ما در کمتر از ۱۰۰ سال اخیر واژه علم را معادل Science قرار داده‌ایم. خود Science هم از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد یک مفهوم کاملاً جدید و خاصی پیدا کرده است و این مفهوم در کشورهای اسلامی هم بسط پیدا کرده و لغت علم را تصرف کرده است. از این رو الآن واژه‌ی علم در نظام آموزشی معادل Science در نظر گرفته می‌شود

و به دنبال آن تقسیم‌بندی حوزه‌های آکادمیک و رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی ما متناسب تعریف Science تقسیم‌بندی می‌شوند.

وی افزود: یک حوزه‌ای از دانش‌های ما انسانیات (humanities) هستند. یعنی علم نیستند. هنر، کتاب دینی، حقوق و ادبیات فارسی humanities هستند. یعنی انسانیات هستند و انتقال فرهنگ را برعهده دارند. اگر با تقسیم‌بندی جهان مدرن همراه شویم حتی فلسفه و متافیزیک هم humanities هستند. لذا دانشکده ادبیات و علوم انسانی ما humanities است. Science همان دانشکده علوم است که شامل علوم محض و دروسی نظیر زیست، فیزیک و ریاضی و همین‌طور علوم کاربردی هستند که دانشکده‌های فنی و مهندسی، داروسازی و پزشکی بیشتر جنبه‌های کاربردی دارند. یک حوزه دیگر Science هم داریم که Social science (علوم اجتماعی) است و حوزه‌های روان‌شناسی و مشابه آن را در بر می‌گیرد. این‌ها هم علم هستند. ویژگی علم این است که باید تجربی و آزمون‌پذیر باشد. تفاوت علوم اجتماعی با علوم طبیعی هم در این است که علوم اجتماعی موضوع‌شان انسانیات و متن حیات انسان‌ها است.

دکتر پارسانیا با اشاره به این‌که نظام علمی ما براساس این تقسیم‌بندی کار می‌کند، خاطر نشان کرد: این تقسیم‌بندی کاملاً مدرن است. یعنی در طول تاریخ یک چنین تقسیم‌بندی سابقه نداشته است. این تقسیم‌بندی همچنین متأثر از یک مبنای معرفت‌شناسی است. مفاهیم جدیدی است که فیلسوفان دو، سه سده آن‌ها را استحکام بخشیده‌اند. با یک مدل از زندگی و زیست در جهان مدرن هم ارتباط داشته است. این تقسیم‌بندی مبتنی بر یک تعریفی از علم و یک تعریفی از دین است. دین بخشی از فرهنگ و بخشی از humanities است.

جمع‌بندی سخنان دکتر پارسانیا

پارسانیا، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در جمع‌بندی سخنانش گفت: عرض بنده این است که ما چه تعریفی از علم و چه نوع تقسیم‌بندی از علوم داریم؟ این‌ها با چه هستی‌شناسی و چه نوع فرهنگی سازگار است؟ باید اتخاذ موضع بکنیم. البته توقع بنده این نیست که کاری که می‌خواهد یک برنامه‌ریزی گسترده اجتماعی باشد با نظر یک نفر انجام بگیرد، بلکه می‌گوییم برای این مسائل باید در نظام آموزشی سهمی از گفت‌وگو، تعامل و خردورزی بین اندیشمندان وجود داشته باشد و پرونده را نسبت به این مسائل بسته شده ندانیم و دائماً برای اصلاح این حوزه کار کنیم. وی با تأکید بر این‌که ما نباید با مرجعیت مفاهیم مدرن به صورت چشم بسته و بدون گفت‌وگو و

بدون تعاملات دقیق فلسفی برخورد کنیم، بیان کرد: احساسم این است که در برنامه‌های درسی ما خلأ شناسایی مفاهیم و اصول پایه وجود دارد. اگر برخی رشته‌ها و گرایش‌ها آگاهانه‌تر عمل می‌کنند این یک امر منسجم، سازمان‌یافته و فراگیر نیست و اساساً یک برنامه مشترک وجود ندارد. این یکی از آسیب‌های ما است و ما نیاز داریم که این کار انجام شود. بنده از حضور آقای دکتر ملکی در سمت رئیس سازمان پژوهش و توجهی که به این مسئله دارند بسیار خوشحال هستم و امیدوارم با همت ایشان و عزیزانی که در حوزه برنامه‌ریزی درسی فعالیت دارند، طرح کلان این مسئله با جدیت بیشتری ساماندهی پیدا کند و یک گفت‌وگوی مستمر در این حوزه شکل بگیرد. خود این نشست نشانه اهمیتی است که دوستان به مسئله می‌دهند.

رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی در پایان نشست درباره‌ی سخنان دکتر پارسانیا گفت: شاید واژه کلیدی ایشان توجه نظام آموزشی به مفهوم علم باشد و اینکه نظام آموزشی از یک تلقی در ارتباط با مفهوم علم در حال تبعیت است، لکن وقتی قرار است برنامه‌ریزی کند و برای حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری، برنامه درسی بنویسد باید تلقی خودش را خیلی روشن و همراه با لوازم و پیامدهایش ارائه کند.

شایان ذکر است این برنامه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به منظور توسعه علم دینی، جذب توانمندی‌های داخلی و خارجی در زمینه علم دینی، ایجاد فرصت گفتگو و تعامل بین اندیشمندان مختلف در حوزه روابط علم و دین و اشاعه علم دینی در حوزه علوم انسانی و با همکاری نهادها و سازمان‌های مختلف اقدام به برگزاری این کنفرانس کرده است.

نقش معرفت دینی در پارادایم‌های علوم انسانی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی)؛ معرفت دینی و رشته‌های مختلف علوم انسانی (علوم انسانی محض و علوم انسانی کاربردی)؛ وضعیت شناسی مطالعات دین و علوم انسانی، مطالعات دین و علوم انسانی در ایران، مطالعات دین و علوم انسانی در جهان؛ معنویت دینی و علوم انسانی؛ محورهای اساسی این کنفرانس هستند.

شایان ذکر است حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی محمد حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان رئیس و دکتر ابوالفضل گایینی به عنوان دبیر کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علم دینی، فعالیت خواهند داشت.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نشست نقد

و بررسی الگوی

عملیاتی

برنامه درسی

الکترونیکی و تلفیقی



جلسه نقد و بررسی الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی و تلفیقی با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش، دکتر علی محبی معاون برنامه ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری، دکتر واحدی سرپرست تیم طراح الگو، سایر اعضای تیم طراحی و دیگر مسئولان سازمان پژوهش در تاریخ دوشنبه ۶ مهر برگزار شد.

تولید محتوای الکترونیکی، کاری اساسی است

در ابتدای جلسه دکتر حسن ملکی گفت: کار بسیار مهم تولید محتوای الکترونیکی که در این جلسه معرفی می‌شود کاری است که باید چند سال پیش انجام می‌شد. شاید اقداماتی در گذشته شروع شده، لکن به جایی نرسیده است. بنده همان ابتدا از آقای محمدی، مدیرکل محترم دفتر انتشارات و فناوری آموزشی تقاضا کردم که برای این مسئله فکری کنند. اگر این دفتر بتواند این کار را به درستی انجام دهد، گویی که جوهر کار خود را به نمایش گذاشته است، چون این کار، کار ریشه‌ای و اساسی است. ایشان هم بعد از مشورتی که با هم داشتیم این کار را به عهده جناب آقای دکتر واحدی قرار دادند که بنده از ایشان و افرادی که با ایشان در این کار همکاری کرده‌اند صمیمانه تشکر می‌کنم.

وی افزود: این نشست شاید معرفی مقدماتی است تا تعاملی بین اعضای جلسه و جناب آقای دکتر واحدی به عمل بیاید و ایشان با یک جمع‌بندی بتوانند کارشان را به شکل کامل‌تر ارائه دهند.

شیوه‌های مختلف اتخاذ تصمیمات در سازمان پژوهش

دکتر ملکی با بیان این که تصمیمات در سازمان پژوهش در حالت‌های مختلف اتخاذ می‌شود، اظهارداشت: یک حالت این است که ما کاری به این مهمی و امثال این کار را صرفاً با مباحث کارشناسی مرسوم و معمول خودمان انجام بدهیم. یعنی چند نفر دور هم جمع شویم و با هم گفت‌وگو کنیم و از قبیل گفت‌وگو به یک طرح یا الگو برسیم. منتها با جلسات کارشناسی نمی‌شود به الگو رسید. جلسات کارشناسی این مقدار ظرفیت را ندارد که مولد مدل باشد. می‌تواند منشأ یک ایده باشد. پس اگر در کار به بحث کارشناسی اکتفا بشود خروجی کار چندان قوی نخواهد بود، در عین این که بحث کارشناسی حدی از مطلوبیت را به طور طبیعی دارد.

وی ادامه داد: سطح دوم کار این است که ما بیاییم الگو و کارمان را براساس یک تحقیقی که دیگران انجام داده‌اند؛ بنا کنیم. این مرحله از مرحله اول برتر و بالاتر است چون مبتنی بر یک تحقیق است و آن تحقیق هم تحقیق مفیدی است، اما بنای ما بر روی نقشه‌ای است که دیگران طراحی کرده‌اند. چه بسا که درصدی از مطلوبیت هم در آن نقشه و مدل باشد، اما کار ما مبتنی بر تحقیقی است



که دیگران انجام داده‌اند. انتقان این مدل از حالت اول که کار کارشناسی صرف است قطعاً بیشتر است چون به هر حال بر یک تحقیقی مبتنی است، ولو اینکه آن تحقیق متعلق به ما نباشد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عنوان کرد: سطح سوم کار این است که مدل

ما مبتنی بر فرا تحلیل باشد. یعنی چند تحقیق را بررسی کنیم و فرا تحلیل بکنیم و از یافته‌های آن‌ها به یک ترکیب برسیم و الگوی خودمان را بر آن ترکیب بنا بنهیم. اعتبار این حالت بالاتر است. الگوی متخذ از یک نگاه ترکیبی به چند تحقیق می‌تواند معتبرتر باشد. اما سطح عالی کار این است که ما در زمین خود بنا درست کنیم. یعنی زمین مال ما باشد و نقشه هم مال خودمان باشد و با آن نقشه بر روی زمین خود خانه درست کنیم، نه در زمین دیگران. این حالتی است که خودمان مسئله را تعریف کنیم و برای پاسخ به آن مسئله طرح تحقیق داشته باشیم و آن طرح تحقیق را یک تیم با صلاحیت به انجام برسانند و از حاصل آن تحقیق به یک مدلی برسیم. این حالت برترین و مطمئن‌ترین حالت است زیرا تحقیق را خودمان انجام داده‌ایم و تحقیق هم بر پایه یک مسئله‌ای است که آن را قبلاً تعریف کرده‌ایم، فلذا مدل ما یک مدل طبیعی می‌شود، مانند نوزادی که به طور طبیعی از مادری متولد می‌شود.

ملکی افزود: کاری که آقای دکتر واحدی انجام داده‌اند الحمدلله از نوع چهارم است. یعنی مسئله را تعریف کرده‌ایم و تعریف کرده‌اند و بر آن پایه طرح تحقیقی نوشته‌اند و بررسی شده و تحقیقی انجام داده‌اند و بعد از آن تحقیق به یک مدل و الگو رسیده‌اند.

شکل‌گیری الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی و تلفیقی

در ادامه نشست، دکتر واحدی در گزارشی در رابطه با الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش مجازی، گفت: عنوان گزارش ما که بیش از ۴۰۰ صفحه است، "طراحی الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی و تلفیقی برای نظام برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران" است. بنده توفیق داشتم که مسئول هماهنگ‌کننده این کار با همکاری یک تیم علمی باشم. تیم علمی که این کار را انجام دادند

اساتیدی از دانشگاه‌های مختلف با تخصص‌های تکنولوژی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی هستند. وی درباره طراحی الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی و تلفیقی گفت: مسئله از اینجا شکل گرفت که ما در یک دوران بحرانی در حوزه آموزش قرار داریم و خواسته یا ناخواسته کمبودهای نظام آموزشی و نظام برنامه‌ریزی ما، خودش را در دوران همه‌گیری نشان داد. این شرایط باعث شد که خیلی سریع به این فکر بیافتیم که باید کاری کرد و طرحی در انداخت. در دورانی هستیم که نقش فناوری‌ها در نظام‌های تعلیم و تربیتی و نظام‌های برنامه‌ریزی دنیا کاملاً پیدا و موثر است، لذا نداشتن یا به طور ناقص تلاش کردن پیرامون برنامه درسی یادگیری الکترونیکی در نظام آموزش و پرورش کشور حقیقتاً در شأن نظام تعلیم و تربیتی ما نبوده و نیست و باید از این عقب‌ماندگی قدری کاست و به مرزهایی رسید که در حوزه دانش برنامه درسی و تکنولوژی آموزشی مورد استفاده است.

روند طراحی الگوی آموزش الکترونیکی

واحدی بیان کرد: وقتی عنوان "الگوی عملیاتی" را به کار می‌بریم منظورمان آن مدلی است که در آن عناصر برنامه درسی مختص یادگیری الکترونیکی معین شده‌اند و روابط بین این عناصر مشخص، تبیین و تشریح شده‌اند. وقتی می‌گوییم برنامه درسی الکترونیکی، منظورمان آن نوع از برنامه درسی است که به کمک فناوری‌های نوین ارتباطی و در بستر اینترنت و به کمک نرم‌افزارها و پلتفرم‌های مخصوص ارائه درس با تأکید بر فضای وب ارائه می‌شود. وقتی می‌گوییم برنامه درسی تلفیقی، منظورمان ترکیبی از مدل‌های حضوری و غیر حضوری آموزش است.

وی درباره روند طراحی الگوی مزبور عنوان کرد: کار ما به لحاظ روش‌شناسی در چند مرحله شکل گرفت. بعد از مطالعات نظری، چهار یا پنج جلسه خیلی جدی با حضور صاحب‌نظران داخل سازمان و اساتید محترم را در گروه‌های کانونی داشتیم تا به عناصر اصلی برنامه درسی یادگیری الکترونیکی برسیم. اساتید مستحضر هستند که نظریه‌های مختلفی درباره عناصر برنامه درسی داریم اما عمده آن‌هایی که وجود دارد مختص برنامه درسی حضوری هستند. بنابراین باید الگویی را طراحی می‌کردیم که عناصرش اختصاصاً برای Learning (خوانداری) باشند.

واحدی اظهار داشت: بعد از بررسی‌های زیاد به یک مدل رسیدیم، مدلی که ۶ عنصر دارد و در میانه و متن آن مفهومی قرار گرفته به نام برنامه درسی ملی. ما به این نتیجه رسیدیم که برنامه درسی ملی با همه ویژگی‌هایی که دارد همان منطقی است که باید سایر عناصر برنامه درسی خودشان را

با آن تنظیم کنند. هدف، محتوا، عوامل انسانی، فناوری، راهبردها و فعالیت‌های یادگیری و سنجش و ارزیابی، عناصری هستند که از میان مجموعه عناصری که در دیدگاه‌ها و نظریه‌ها وجود دارد، ۶ عنصر اصلی این مدل را شکل داده‌اند. ما برای تمام عناصر و زیر عناصر یک جدول را طراحی کرده‌ایم تا بتوانیم از عملیاتی بودن الگو دفاع کنیم. ما دو مزیت الکترونیکی و ترکیبی بودن را هر عنصر و زیر عنصر در نظر گرفته‌ایم.

داشتن نگاه جهادی دلیل اصلی ورود به این اقدام بزرگ

واحدی اظهار داشت: نگاه ما از نظر ورود ساختاری و مالی به این کار نگاه جهادی بوده است. من و همه عزیزانی که همکاری کردند از همان اول گفتیم که یک مأموریت و یک وظیفه اجتماعی نسبت به نظام تعلیم و تربیت کشور داریم. الان آموزش در بحران است و ما باید نقش خودمان را به قدری که می‌توانیم ایفا کنیم. به همین خاطر بود که دوستان به این مسئله ورود کردند. ان شاء الله کار تکمیل می‌شود و به جایی خواهد رسید که بتوانیم به جرأت از آن دفاع کنیم، به قدری که مورد استفاده نظام تعلیم و تربیت‌مان قرار بگیرد.

قدردان دوستان هستیم

در ادامه این جلسه دکتر محبی اظهار داشت: به کاری که آقای دکتر واحدی عزیز و دوستان انجام داده‌اند خیلی نمی‌شود خدشه علمی وارد کرد. این که دوستان بدون چشمداشت کار کرده‌اند برای من زیبا بود. بالأخره در دنیای امروزی کمتر پیدا می‌شود که یک تیم بخواهد کاری را بدون تعیین کردن مابه‌ازا انجام بدهند. شاید باور نکنید که کار تمام شده و دارد ارائه می‌شود ولی بحث مابه‌ازای این کار هنوز به سرانجام نرسیده است. البته سازمان قدر دوستان را می‌دانند و ان شاء الله در حد وسعش جبران خواهد کرد، اما باید در نظر گرفت که دوستان بدون این که قراردادی باشد دور هم جمع شدند و این طرح را ارائه کردند. این خودش برای ما یک الگو است که کارها را این گونه جهادی و با خلوص نیت پیش ببریم.

شناسایی مخاطبان طرح: اولویت اول

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری گفت: شاید اگر این کار قبلاً آماده می‌شد اکنون با آسیب کمتری مواجه می‌شدیم و به بحران در تعلیم و تربیت عمومی و تعلیم و تربیت تخصصی و دانشگاهی بر نمی‌خوردیم. نکته‌ای که در مورد کار ارائه شده به نظرم می‌رسد این است که ما باید ببینیم مخاطب ما در این طرح کیست؟ آیا مخاطب ما معلمان سراسر کشور هستند؟ آیا مخاطب ما برنامه‌ریزان سازمانی و مجریان ستادی هستند؟ اسم طرح ما الگوی عملیاتی است و الگوی عملیاتی الگویی است که کاملاً قابلیت پیاده شدن و اجرا را دارد. در طرح ارائه شده یک سری ویژگی برای معلمان در نظر گرفته شده است که باید ببینیم الان چند درصد از معلمان ما این سواد تخصصی را دارند که بتوانند این الگو را پیاده کنند. اگر قبول کنیم که درصد کمی از معلمان این سواد را دارند باید ببینیم برای بقیه می‌بایست چه کار کنیم.

وی افزود: به هر حال این الگو باید اکثریت جامعه مخاطبان ما را پوشش بدهد و برای اقلیتش کارهای دیگری انجام بدهیم. این یک سوال جدی است که اگر یک سری ویژگی‌ها را برای معلمان در نظر گرفته‌ایم (که من بعید می‌دانم آن را در زمان کوتاه بتوانیم محقق کنیم) آیا به الگوی عملیاتی ما یک مقدار خدشه وارد نمی‌شود؟ باید ببینیم چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم که این الگو را در فضای تعلیم و تربیت امروزی پیاده کنیم.

پیشنهاد ارائه این طرح در شورای معاونین وزارتخانه



سپس دکتر محبی پیشنهاد عرضه الگوی یاد شده در شورای معاونین وزارت آموزش و پرورش را مطرح کرد و گفت: به نظرم این طرح قابلیت ارائه در سطح وزارتخانه را دارد. این طرح فقط به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی اختصاص ندارد و به‌عنوان دستاورد سازمان می‌تواند در شورای معاونین ارائه شود، که

شاید خود وزارتخانه بتواند کمک کند که بخشی از کاستی‌هایی که من عرض کردم در یک فرآیند زمانی رفع شود.

رعایت بیشتر اصول برنامه درسی ملی در الگوی عملیاتی برنامه آموزشی الکترونیکی

افشار بهمنی، مدیرکل برنامه ریزی درسی و بسته های تربیت و یادگیری دفتر آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش نیز گفت: بعضی از اصولی که در برنامه درسی ملی به آن پرداخته شده است را در این طرح ندیده ام. مثلاً اهداف بر اساس حوزه های تربیت یادگیری یازده گانه بررسی نشده است و یا به عناصر و ساحت هایی که ما در برنامه درسی ملی داریم چندان دقیق پرداخت نشده است. کمبود دیگری که احساس کردم این است که زمان تدریس مشخص نشده است. ما اکنون کلاس های مجازی ۳۵ دقیقه ای را داریم. در این طرح هم باید مشخص شود که اگر یک مطلب یا محتوا قرار است آموزش داده شود باید در چه زمانی این اتفاق بیافتد.

بهمنی افزود: آقای محبی فرمودند که ما این طرح را در سطح وزارتخانه اجرا کنیم. ما به لحاظ اجرایی سامانه رشد را داریم که باید ببینیم مباحث مطرح شده در الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی در سامانه رشد چقدر قابلیت اجرایی دارد. بحث دیگر سامانه شاد است. بسیاری از مباحثی که در طرح ما مطرح شده باید به بحث محتوای الکترونیکی برسد. ما باید ببینیم این مسائلی که دوستان زحمت کشیدند و ارائه دادند چقدر امکان اجرا در سامانه شاد را دارد.

رضا خیرآبادی، سرپرست حوزه تربیت و یادگیری زبان های خارجی سازمان پژوهش نیز بیان کرد: مسئله ای که ما خیلی با آن درگیر هستیم بحث عدالت آموزشی است. به نظر من این موضوع در انواع مختلف مدارس شاید دارد به یک شکاف تبدیل می شود. بعضی از مدارس به دلیل امکاناتی که دارند از بسترها و پلتفرم های خیلی قوی و خوبی استفاده می کنند و برخی دیگر این حداقل ها را ندارند. حتماً دوستانی که الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی را ارائه داده اند به این موضوع توجه داشته اند و می توانند راه کارهایی را به ما ارائه بدهند که کلیت آموزش و پرورش بتواند از این شرایط استفاده کند و بحث رسیدن به عدالت آموزشی را در پیش بگیرد.

عضو دیگر حاضر در جلسه گفت: بحث یادگیری ترکیبی صرفاً یادگیری الکترونیکی نیست و خلط این موضوع می تواند سبب انحراف برداشت های متفاوت باشد. می تواند دامنه اش از صفر تا صد، متغیر و شناور باشد. هم در محیط عملیاتی حضوری صد درصد و هم در محیط یادگیری صد درصد غیر حضوری. حالا این که چه معیاری باشد و چگونه بخواهد انتقال پیدا کند، صرفاً بستر الکترونیک نیست.

وی افزود: قرار نیست برنامه درسی جدیدی بیاید، بلکه قرار است منطق و اساس کار در بستر

برنامه درسی ملی مصوب، روش یادگیری را تجویز کند که این روش یادگیری بتواند عملیاتی باشد. پیشنهاد بنده این است که این زحمت خوب اگر منتج به یک بسته عملیاتی نشود شاید در اجرا دچار آسیب‌های جدی شود. خواهشمندم که دوستان دفاتر تألیف و دفتر انتشارات و فناوری و دوستان بحث معاونت آموزشی سازمان هم کمک بکنند که ما الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش الکترونیکی را در قالب یک بسته عملیاتی داشته باشیم تا این بسته عملیاتی به ما این امکان را بدهد که ما بتوانیم از آن به‌عنوان یک مدل بومی ایرانی استفاده کنیم.

در ادامه برخی از اعضای تشکیل دهنده جلسه بحث عملیاتی نبودن الگوی یاد شده را مطرح کردند که اعضای تیم طراحی الگو به موارد مطرح شده پاسخ دادند.

طوفانی‌نژاد، عضو تیم طراحی الگو گفت: اگر ما چه دلخواه و چه به ناچار وارد فضای یادگیری الکترونیکی شدیم، این فضا، این بستر و این محیط همراه با خودش؛ یک سری نکات را دارد. شاید مهمترین نکته‌ی آن یادگیرنده محوری‌اش باشد. اگر ما وارد یک فضایی می‌شویم که می‌گوییم یک شبکه است، این شبکه از یک سری بازیگر تشکیل شده که این بازیگران در حقیقت یادگیرندگان هستند. ما شاید قبلاً یک سری تجویزها را انجام می‌دادیم و می‌گفتیم معلم چه کند و محتوا باید چه باشد ولی حالا باید از این سمت نگاه کنیم که یادگیرنده باید چه کار کند.

وی افزود: مجموعه فعالیت‌های یادگیرنده اگر در فضای یادگیری الکترونیکی درست طراحی شود خیلی بیشتر و سنگین‌تر است و آن کاری که انجام می‌دهد منجر به یادگیری عمیق‌تر هم می‌شود، ولو در مورد دروس عملی که برخی از دوستان به درستی به آن انتقاد کردند ولی قابل اجرا است.

سپس عضو دیگر تیم طراحی الگوی عملیاتی برنامه درسی الکترونیکی از عملیاتی بودن این الگو دفاع کرد و اظهار داشت که پیاده‌سازی این الگو نیاز به زیرساخت‌های زیادی دارد.

تفاوت برنامه درسی حضوری با غیر حضوری عمدتاً در مصادیق است نه در مفاهیم

در ادامه حسن ملکی جمع‌بندی خود از این نشست را مطرح کرد. رئیس سازمان پژوهش گفت: اگر بخواهم ضرورت‌های اصلاح و تکمیل این کار را در سه کلمه بیان کنم و بعد آن‌ها را تفصیل بدهم؛ باید اشاره کنم که عمق این کار باید بیشتر شود، دقت کار باید افزایش پیدا کند و تمایز این کار هم باید بیشتر شود. در واقع این کار باید از برنامه‌ریزی درسی غیر الکترونیکی و مرسوم متمایز شود.

حسن ملکی درباره صحبت‌های مطرح شده در این نشست اظهار داشت: عناصر تفاوت برنامه

درسی حضوری با غیرحضوری عمدتاً در مصادیق است نه در مفاهیم. مفهوم هدف، مفهوم محتوا، مفهوم روش، مفهوم ارزشیابی و نقش مربی چه در برنامه درسی حضوری و چه در برنامه درسی غیرحضوری وجود دارد. آنچه که بین این دو متمایز است مصادیق این عناصر است نه خود این عناصر. به نظر بنده باید به این مسئله خیلی توجه کنیم. ما وقتی از نقش معلم حرف می‌زنیم، نقش معلم در برنامه‌ریزی درسی مرسوم وجود دارد و در برنامه درسی الکترونیکی هم هست، اما نوع اعمال نقش‌ها فرق می‌کند. یا مثلاً در مورد روش ما باید درباره روش‌های متناسب با آموزش مجازی حرف بزنیم.

رئیس سازمان پژوهش افزود: بنده اصلاً تأیید نمی‌کنم که برنامه درسی ملی در مرکزیت قرار بگیرد، گویی که جای منطق را در مدل اگر گرفته است. این صلاح نیست. برنامه درسی ملی یک فضای مفهومی، فکری، فلسفی و تربیتی است و ما در برنامه‌ریزی درسی مجازی باید نسبت این دو را با هم تعریف کنیم. برنامه‌ریزی درسی ملی یک دایره وسیع و برنامه‌ریزی مجازی یک دایره کوچک در دل آن است. یعنی برنامه‌ریزی درسی ملی محیط بر برنامه درسی مجازی هم هست، کما این که محیط بر برنامه درسی غیرمجازی هم هست. اما وقتی برنامه‌ریزی درسی ملی را وسط قرار می‌دهیم گویی که می‌خواهیم بگوییم این هم یک عنصری است به مثابه همان عنصر منطق در الگوی اکر. از این باید پرهیز کنیم.

ملکی اضافه کرد: البته به نظر من هیچ ایرادی ندارد که عنصر منطق را هم اینجا بیاوریم، چون الگوی اکر و ۱۰ عنصری، خنثی است و بستگی دارد که شما آن را کجا به کار بگیرید. ما اتفاقاً خیلی راحت می‌توانیم در اینجا از عنصر منطق حرف بزنیم. یعنی از چرایی جهت‌گیری حرف بزنیم. عنصر منطق به ما می‌گوید چراها را پاسخ بگویید. لذا بنده پیشنهاد می‌کنم برنامه درسی از اینجا کوچ بکند و برود در یک موقعیت مبنایی قرار بگیرد.

رئیس سازمان پژوهش گفت: در بحث مبنایی یک سری مبنایی مثل فلسفی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، مبنایی ثابت ما هستند. یعنی ما در آموزش الکترونیکی نمی‌توانیم سخنی بگوییم و تصمیمی بگیریم که مثلاً کرامت انسانی را خدشه‌دار کند. این خط قرمز ما است. ما این خطوط قرمز را از مبنایی فلسفی، اعتقادی و امثالهم دریافت می‌کنیم. اما علاوه بر آن‌ها، یک مبنایی خاص برنامه درسی مجازی وجود دارد به نام مبنایی فناوری اطلاعات و ارتباطات. ما باید یک تحلیل عمیق از فناوری اطلاعات و ارتباطات داشته باشیم. رشته من تکنولوژی نیست بنده مبنایی درسی خوانده‌ام و همسایه دیوار به دیوار تکنولوژی هستیم. از این رو احساس من این است که بعد فناوری که بعد

اصلی است در این الگو بسیار ضعیف است و همین باعث شده که وجه تمایز این الگو با الگوهای حضوری چندان مشخص نشود. شاید روی این مبانی کار نشده است. اگر روی مبانی فناوری اطلاعات و ارتباطات کار می‌کردیم آن مبانی به ما دلالت‌هایی می‌داد که وجه تمایز این الگو با الگوی مرسوم و معمولی به خوبی متمایز می‌شد. در این الگو آن تمایز بسیار ضعیف است.

ملکی با اشاره به الگوی ارائه شده خاطر نشان کرد: در سازماندهی محتوا، بین رشته‌ای آمده موازی افقی و عمودی قرار گرفته است. آیا این‌ها موازی‌اند؟ بین رشته‌ای یکی از انواع روش‌ها و تکنیک‌های افقی است. ما در سازماندهی افقی انواعی داریم که یکی از آن‌ها بین رشته‌ای است. حالا این که بگوییم بین رشته‌ای و افقی، روا نیست. این یک مثال بود. دو، سه مورد دیگر هم بود که بنده آن‌ها را دیگر عرض نمی‌کنم.

الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش مجازی

رئیس سازمان پژوهش در ادامه بحث مخاطب و استفاده‌کننده الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش مجازی را مطرح کرد و گفت: این سوال مطرح است که کدام قشر باید از خروجی این تحقیق بهره‌برداری کند؟ برداشت خود من این است که مصرف‌کننده اولاً و بالذات همین کارشناسان سازمان پژوهش هستند. یعنی این‌ها باید براساس این الگو برنامه‌درسی الکترونیکی تولید کنند، که ما وعده داده‌ایم و مصمم هستیم که انشاءالله در سال ۱۴۰۰ برنامه درسی الکترونیکی تولید شود. اما آیا مخاطب این الگو معلمان نیز هستند یا نه؟ نمی‌دانم. این را باید در ضمن کار جواب داد. یعنی اگر معلمان هم بخواهند برنامه‌ریزی درسی با رویکرد کاهش تمرکز انجام بدهند آیا آن‌ها هم می‌توانند از این الگو استفاده کنند یا ظرفیت این الگو ظرفیت تک مخاطبی است و فقط برای کارشناسان است؟ البته من معتقدم که اگر ما فقط برای قشر کارشناسان کار را انجام بدهیم باز هم کلی کار کرده‌ایم چون ما در حال حاضر در اینجا خلاً داریم.

ملکی در پاسخ به پیشنهاد مطرح شده مبنی بر عرضه الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش مجازی در شورای معاونین آموزش و پرورش این چنین گفت: این خیلی عالی است اما عنایت داشته باشید که ما دیروز در شورای معاونان، شبکه ملی رشد را راست قامت



مطرح کردیم. من زحمت دوستان دیگر را برده بودم و فقط راوی قصه بودم، اما راوی راست قامت بودم. اما در مورد این الگو هنوز کار داریم. هنوز این سفره در شورای معاونان قابل پخش نیست. باید به یک نقطه‌ای برسد که با اطمینان این طرح را مطرح کنیم. هنوز به آن استحکام نرسیده‌ایم. البته من با توجه به قابلیت‌هایی که در دکتر واحدی دیده‌ام باور دارم که به این استحکام می‌رسیم. این کار شدنی است اما هنوز راه داریم.

رئیس سازمان پژوهش در ادامه بیان کرد: حسم این است که بعد تحقیقی و تحلیلی این کار ضعیف است. یعنی در مرحله توصیف عجله کرده‌ایم و خیلی زود وارد تجویز شده‌ایم. بنده توصیه می‌کنم که برگردید، در مرحله توصیف بایستید و جای پای خودتان را محکم کنید. اگر مرحله توصیف بخواهد قوی شود باید مایه‌های تحقیقی قوی شود. من این را با عرض معذرت ضعیف می‌بینم. زود رفته‌ایم سراغ عناصر. سعی کرده‌ایم الگو ارائه بدهیم، در حالی که این الگو میوه آن درخت تحقیق است و به نظر بنده آن درخت ضعیف است.

دکتر ملکی در ادامه این سوال را مطرح کرد که اگر الگوی طراحی شده بخواهد بومی باشد چه ملاحظاتی را باید در نظر گرفت و سپس به این سوال چنین پاسخ داد: اولاً با مبانی فلسفی مربوط به برنامه درسی ملی نباید مغایر و متضاد باشد. ما در مبانی فلسفی برنامه درسی ملی ارزش‌هایی داریم که این الگو نباید آن ارزش‌ها را خدشه‌دار کند. ما خطوط قرمز داریم و سر آن خطوط قرمز هم با هیچ نظریه‌ای معامله نمی‌کنیم چون مال ما نیست، بلکه متعلق به دین، فلسفه و ارزش‌های ما است. البته این معنایش این نیست که ما باید دچار تحجر شویم. ما باید مراقب خط قرمزها باشیم ولی در عین حال بیاییم از تجارب جهانی هم استفاده کنیم. ما همچنان که در الگو نباید فقر داشته باشیم در تجارب دیگران باید حریص باشیم.

وی افزود: دین ما در صدر اسلام فرمود که به چین بروید. مگر در چین تفسیر قرآن بود؟ فرمودند در چین علوم معمولی است ولی بروید یاد بگیرید. ما اینجا هم باید بینیم نمونه‌های درسی الکترونیک در کشورهای دیگر چطور است. من گزارش را خواندم و به وجوه مثبت مختلفی برخورد کردم ولی تجارب جهانی را ندیدم. اگر تجارب جهانی نباشد کار ما ضعیف خواهد بود. ما نباید از دیگران الگو قرض کنیم. اگر الگو قرض کنیم بخته‌ایم ولی در مواد و مصالح باید حریص باشیم و دریافت کنیم. تلاش ما بر این است که الگو از خودمان باشد ولی در این الگو باید مصالحی هم به کار برود که ما می‌توانیم آن‌ها را از دیگران بگیریم.

دکتر ملکی در ادامه خطاب به طراحان الگوی عملیاتی برنامه درسی آموزش مجازی گفت: نکاتی که در این جلسه مطرح شد همان محدودیت‌های ما است. رعایت این محدودیت‌ها یعنی بومی کردن الگو، وگرنه بی‌اعتنایی به این‌ها باعث می‌شود که الگوها اجرا نشوند. الگوهای ترجمه‌ای غیرقابل اجرا بسیار است. ما باید محدودیت‌ها را خوب بفهمیم و خوب تحلیل کنیم. اگر خوب تحلیل نکنیم، الگویی ناآشنا با مدارس و نظام تعلیم و تربیت ارائه خواهیم داد. ما این همه پول خرج کنیم و وقت بگذاریم برای یک الگوی غریبه؟ الگوی ما اگر بخواهد بومی باشد باید تحلیل درستی از واقعیت‌های درست خودمان داشته باشیم. من نمی‌بینیم که این‌ها را انجام داده باشید.

وی افزود: نسبت الگوی محتوای الکترونیکی با دوره‌های تحصیلی و شاخه‌ها چیست؟ این مسئله هم باید در این الگو تحلیل شود. مثلاً اگر الگوی ما بسیار عام باشد، کاربرد ندارد. به نظر بنده ایرادی ندارد که شما الگوی تان را قید یک دوره بزنید. عیب ندارد که برای دوره ابتدایی و دوره راهنمایی الگوی مختلف ارائه بدهید چون حال و هوای آن‌ها با همدیگر فرق می‌کند. آموزش الکترونیکی در دوره ابتدایی با تفکر عینی با دوره جوانی در دانشگاه که تفکر انتزاعی در اوج خودش است یکی نیست. اینجا تفکر متصل به واقعیت است و آنجا تفکر دارد اوج می‌گیرد. پیشنهاد من این است که یک الگوی مادر در نظر بگیرید و بعد آن الگو به دوره ابتدایی، دوره متوسطه و حتی شاخه فنی حرفه‌ای شکسته شود. واقعاً شاخه فنی حرفه‌ای با شاخه نظری تفاوت ماهوی دارد. من معتقدم در تیم تحقیق باید روی این مسئله کار شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در پایان نشست به دکتر واحدی توصیه کرد که تیم تحقیق را تکمیل کند و سپس سخنان خود را این‌گونه به پایان رساند: من فکر می‌کنم مهم‌ترین نقش در این تیم را باید تکنولوژیست‌های عزیز ایفا کنند. درست است که باید افراد مختلف باشند ولی استاد‌های تکنولوژی آموزشی باید مؤثرترین نقش را داشته باشند. البته برنامه‌ریزان درسی هم باید نقش داشته باشند. نمایندگان معاونت‌های مختلف نیز باید آنجا حاضر باشند. تیم باید تبدیل به تیمی شود که وقتی الگو تولید شد؛ گویی از صافی اندیشه این عوامل گوناگون عبور کرده است.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش عالی

نشست بررسی

تفاهم نظری

و فرصت‌های

همکاری با دفتر

تبلیغات حوزه علمیه قم



میز آموزش و پرورش مستقر در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم را می‌توان یکی از جدیدترین میزهای تخصصی دانست که به دلیل نیاز نظام آموزش و پرورش کشور به مشارکت و همیاری سایر نهادها از سال ۹۵ تشکیل و با احصاء و انتخاب مسایل دارای اولویت در حوزه آموزش و پرورش کار خود را آغاز نمود. از این رو با توجه به سابقه همکاری و تعامل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با دفتر تبلیغات حوزه، در بعضی از فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و... در برخی برنامه‌های مشترک از جمله برگزاری همایش رابطه علم و دین و کاربست آن در کتاب‌های درسی و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای تعدادی از گروه‌های درسی در تهران و قم؛ اعضای میز آموزش و پرورش بنا به دعوت ریاست سازمان در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۹۹ مهمان سازمان بودند تا ضمن معارفه اعضا؛ گزارشی از کارهای در دست اقدام و امکانات موجود در دفتر تبلیغات حوزه و در نهایت از نظرات و دیدگاه‌های ریاست سازمان برای پیشرفت ارتقا فعالیت‌ها مورد تبادل قرار گیرد.

در شروع این جلسه دکتر حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان بیان کرد: بنده باور و اعتقاد راسخ به این مسئله دارم که اگر ما بخواهیم مسئله‌ی تحول در برنامه‌های درسی را براساس سند تحول بنیادین عملیاتی کنیم و در این عملیاتی شدن در صراط اصلی تربیت خودمان قدم برداریم و خیال‌مان راحت باشد که درست عمل می‌کنیم، باید حتماً یکی از ارکان اصلی و مفید شوراهای اصلی برنامه‌ریزی درسی ما صاحب‌نظران معارف اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی یا اخلاق اسلامی باشند و در تصمیم‌گیری‌های ما موثر واقع شوند تا نهایتاً استانداردهای برنامه درسی که خروجی این شوراها خواهد بود؛ روح دینی، معقول، منطقی و قابل دفاع داشته باشد. این چند جمله را عرض کردم که بدانید موضع مشخص ما این است و جز این هم فکر نمی‌کنیم.

میز آموزش و پرورش

سپس مهدی اعتصامی، مسئول میز آموزش و پرورش اظهار داشت: از نظر بنده دفتر تبلیغات اسلامی مهمترین بخش از حوزه است که کارهایش می‌تواند با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی گره بخورد. یعنی هم جنبه‌ی روزآمدی دفتر تبلیغات که به تعبیر مقام معظم رهبری بخش روشنفکری حوزه علمیه است و هم جنبه‌های علمی این دفتر کمک می‌کند که ما بتوانیم در آینده یک مشارکت قوی‌تری را با سازمان پژوهش داشته باشیم. میز آموزش و پرورش هم که در دفتر تبلیغات تشکیل شده نشان‌دهنده این است که آموزش و پرورش به‌عنوان یک مسئله‌ی روز دغدغه این دفتر بوده است.

معرفی دفتر تبلیغات اسلامی



در ادامه محمدکاظم احمدی حاجی به معرفی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پرداخت و گفت: این دفتر اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به دستور حضرت امام خمینی (ره) و با کمک بخشی از علمای حوزه علمیه تأسیس شد. شاید بتوان گفت اولین نهاد فرهنگی انقلابی بود که بعد از انقلاب تأسیس شد. آن زمان دایره فعالیتش محدود به حوزه تبلیغ بود و کم‌کم در دهه‌های بعد توسعه پیدا کرد و تقریباً همه حوزه‌های پژوهشی و فرهنگی را در بر گرفت.

وی با بیان این که حوزه معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی شامل سه مجموعه دانشگاه باقرالعلوم، موسسه امام رضا (ع) و موسسه معصومیه است، توضیح داد: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در حال حاضر به عنوان یک نهاد چند ضلعی حوزه‌های مختلفی نظیر آموزش، پژوهش، فرهنگی و تحقیقی و اخیراً حوزه فضای مجازی و هنر و رسانه را شامل می‌شود. دانشگاه باقرالعلوم (ع) حوزه معاونت آموزش دفتر تبلیغات است که طلاب و به نسبت کمتری دانشجویان هم در آن فعالیت می‌کنند. آنجا قبلاً عنوانش موسسه باقرالعلوم بود و بعد از سال ۱۳۸۵ به دانشگاه باقرالعلوم ارتقاء پیدا کرد. این دانشگاه شامل سه دانشکده است؛ دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری که ریاست دانشکده برعهده حاج آقا پارسانیا است، دانشکده تاریخ و تمدن مطالعات سیاسی که ریاست آن را آقای دکتر لک زایی برعهده دارد که ایشان رئیس پژوهشکده دفتر تبلیغات اسلامی هم هستند و دانشکده فلسفه و اخلاق که ریاست آن برعهده آقای واعظی (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی) است. گروه‌هایی هم به اسم گروه فقه مضاف و گروه فلسفه مضاف داریم که آن‌ها هم به صورت مستقل فعالیت دارند.

احمدی حاجی بیان کرد: در حوزه‌ی معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی در کنار دانشگاه باقرالعلوم، موسسه حوزوی امام رضا (ع) را هم داریم که از مراکز تخصصی حوزوی است و طلبه‌ها را در رشته‌های تبلیغ، دانش اجتماعی و فقه در سطوح تخصصی ۲، ۳ و ۴ جمع می‌کنند و آموزش می‌دهند. موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه را هم داریم که برای طلاب خواهر است. این موسسه شاید بعد از جامعه الزهرا (س)، بزرگترین موسسه آموزش عالی مدرسه علمیه است که گروه‌های اخلاق و تربیت، مشاوره، تاریخ، تفسیر، فقه، کلام و مطالعات اسلامی زنان آنجا فعالیت دارند. وی افزود: شعبه مرکزی دفتر تبلیغات اسلامی در قم است و ما در مشهد و اصفهان هم شعبه داریم. یک نمایندگی در ایرانشهر و یک نمایندگی هم در دفتر تهران داریم. یک نمونه کوچکی از دفتر تبلیغات قم را در شعبه اصفهان و شعبه خراسان فعال است.

پژوهشکده‌های دفتر تبلیغات اسلامی

دبیر قطب بنیادهای نظری و نظام متقن علوم اسلامی در دفتر تبلیغات اظهار داشت: حوزه‌ی معاونت پژوهش دفتر تبلیغات عملاً روی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی متمرکز است که این پژوهشگاه ۱۰ پژوهشکده دارد. پژوهشکده اسلامی و تمدنی ما در شعبه مشهد فعالیت دارد که در حوزه‌های هنر و تمدن، فقه کاربردی، حکمت و کلام جدید و قرآن و مطالعات اجتماعی فعالیت

می‌کند. پژوهشکده الهیات و خانواده هم در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان فعالیت دارد. بقیه پژوهشکده‌های شامل پژوهشکده‌های قرآن، تاریخ، مهدویت و آینده‌پژوهی، فقه و حقوق، فلسفه و کلام و علوم اندیشه سیاسی است. رئیس پژوهشگاه هم آقای دکتر نجف لک زایی هستند.

احمدی حاجی بیان کرد: حوزه دیگر فعالیت دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت تبلیغات فرهنگی است که شاید اسم دفتر تبلیغات هم از همین حوزه فعالیت و مأموریتی برگرفته شده باشد. وظیفه‌ی اعزام مبلغ به حوزه علمیه برعهده معاونت تبلیغ است. البته معاونت میدانی آن‌ها با سازمان تبلیغات اسلامی است. من راجع به تفاوت دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات هم این را عرض کنم که سازمان تبلیغات مثل وزارتخانه فرهنگ و ارشاد است که در سراسر کشور شعبه دارد، اما دفتر تبلیغات فقط داخل قم، اصفهان و مشهد نمایندگی دارد. حوزه معاونت تبلیغات فرهنگی به صورت منظم در ماه محرم، ماه رمضان و ایام مناسبتی تبلیغ دارد. یکی از کارهایی که ما در همین معاونت با میز آموزش و پرورش داریم این است که طلبه‌هایی را به داخل بعضی از مدارس می‌فرستیم.

وی افزود: معاونت دیگری که اخیراً به واسطه‌ی ضرورتی که بحث فضای مجازی داشت در دفتر تبلیغات اسلامی تأسیس شد، معاونت فضای مجازی، هنر و رسانه است. معاونتی تازه تأسیس که ریاست آن را آقای علیزاده برعهده دارد. ما قبلاً یک مرکز فرهنگی و هنری داشتیم که انجمن‌های هنری طلاب در این مرکز متمرکز بود که بعد آن مرکز و یک سری مجموعه دیگر در داخل دفتر تبلیغات اسلامی ارتقاء پیدا کردند و اکنون در قالب معاونت فضای مجازی هنر و رسانه فعالیت می‌کنند.

احمدی حاجی ادامه داد: مرکز دیگری که در داخل دفتر تبلیغات وجود دارد مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی است که مرکز بسیار فعالی است و در حوزه‌های قرآن، حدیث، اخلاق، احکام، مشاوره و روان‌شناسی پاسخگویی آنلاین دارد.

قطب‌های چهارگانه در دفتر تبلیغات اسلامی

محمدکاظم احمدی حاجی با اشاره به گستردگی فعالیت‌های دفتر تبلیغات تا سال ۱۳۹۲ خاطر نشان کرد: مجله پویک و سنجاک برای کودکان، مجله‌ی سلام بچه‌ها برای نوجوانان و مجلات تخصصی علمی و پژوهشی را داشتیم. از سال ۹۲، هیات امنای دفتر تصمیم بر این گرفت که حوزه‌های مأموریتی خودش را محدود کند. دفتر تبلیغات مأموریت خودش را واسط فعالیت بین حوزه و نظام و مردم تعریف کرده بود و باید نیازهای آن‌ها را جوابگو می‌بود. یک نیازسنجی شد و ۱۵۰ نیاز

احصاء شد و این‌ها در قالب ۱۵ مسئله اصلی اولویت‌بندی شد. این ۱۵ مسئله در ۴ حوزه مأموریتی شکل گرفتند که این ۴ حوزه مأموریتی تبدیل به ۴ قطب فکری و فرهنگی شد. احمدی حاجی در تشریح قطب‌های ۴گانه دفتر تبلیغات اسلامی بیان کرد: یکی از قطب‌های مذکور قطب بنیادهای نظری و نظام متقن علوم اسلامی و انسانی است که حوزه علوم اسلامی را در بر می‌گیرد و سه میز توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی، میز اسلامی‌سازی علوم انسانی و میز آموزش و پرورش زیر مجموعه‌اش است. ریاست قطب را هم حاج آقا پارسانیا برعهده دارند. در هر کدام از میزها هم یکی از عزیزان مسئولیت دارند که در میز آموزش و پرورش خدمت آقای دکتر اعتصامی هستیم. حوزه دیگر مأموریت ما که بخشی از آن ۱۵ مسئله را پوشش می‌داد قطب نظام سیاسی و مسائل اجتماعی اسلام و ایران است که آن هم سه میز کار تخصصی اعم از میز نظام سیاسی، میز مسائل اجتماعی و میز تمدن داشت. ریاست قطب را هم خود حاج آقا واعظی، ریاست دفتر تبلیغات برعهده دارند.

وی افزود: حوزه دیگر فعالیت ما قطب تعمیق ایمان دینی و مقابله با فرق انحرافی که ریاست قطب را حاج آقا محمد تقی سبحانی برعهده دارند. آن قطب هم ۴ میز کار تخصصی دارد؛ اعم از میز قرآن، میز مقابله با فرق انحرافی، میز مقابله با وهابیت و میز تعمیق ایمان دینی. قطب آخر ما هم قطب اخلاق خانواده و سبک زندگی است که سه میز خانواده، سبک زندگی و اخلاق زیر مجموعه آن فعالیت می‌کنند.

احمدی حاجی خاطر نشان کرد: وظیفه‌ی قطب‌ها و میزها، راهبری، سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری برای صفوف دفتر است. خودشان هیچ‌گونه بازوهای مبارشتی ندارند و اصلاً بنا نیست در صف دخالت کنند ولی وظیفه‌ی جهت‌دهی و خط‌مشی‌گذاری در راستای ۱۵ مسئله اصلی که تعیین شده است را برعهده دارند. این ساختار جدید در سال ۱۳۹۲ به دفتر مقام معظم رهبری معرفی شد و دفتر هم آن را بسیار پسندید و حتی به‌عنوان یک نمونه موفق آن را به بقیه نهادها ترویج کرد. رهبر معظم انقلاب مشخصاً به موضوع قطب‌ها تأکید ویژه‌ای داشتند و از این ساختار و طراحی جدید استقبال کردند.

تعامل میز آموزش و پرورش و سازمان پژوهش

در ادامه نشست حجت الاسلام سید محمود شریعتمداری، دبیر میز آموزش و پرورش عنوان کرد: فعالیت‌هایی که میز آموزش و پرورش داشته در دو جنبه قابل بررسی است. بخش اول برنامه‌هایی بوده

که مشخصاً با خود سازمان پژوهش همکاری شده است و بخش دوم پروژه‌هایی است که اکنون در دست اجرا داریم. در بخش اول چند پروژه مشترک بین دفتر با سازمان پژوهش انجام شده که مورد نخست آن همایش رابطه علم و دین و کاربست آن در آموزش و پرورش بود. بخش بعدی در بحث تأمین مدرس بعضی کتب بود که سه دوره برگزار شده است. دو دوره مربوط به بحث مطالعات اجتماعی و بحث جامعه‌شناسی و یک دوره هم که شهریور پارسال برگزار شد؛ تأمین مدرس کتاب فلسفه بود. در بحث نوشتن کتاب‌های درسی از جمله فلسفه و جامعه‌شناسی نیز همکاری‌هایی بین میز آموزش و پرورش و سازمان پژوهش انجام شد.



سپس مهدی اعتصامی بیان کرد: در مورد کتاب فلسفه که تألیف جدید آن عرضه شد، آقای دکتر شیروانی و آقای دکتر پارسانیا رکن اصلی کار بودند. میز آموزش و پرورش هم جلسات را در قم تشکیل می‌داد. خدمت خانم دکتر ملکی و دوستان دیگر بودیم. خدا را شکر اقدامات خوب و موثری صورت گرفت. بعد از

آن هم چون وزارت آموزش و پرورش برنامه آموزش معلم‌ها را تعطیل و به فضای مجازی تبدیل کرده بود، ما دیدیم که می‌توانیم از امکانات میز آموزش و پرورش استفاده کنیم و تأمین مدرس که آموزش کتاب جدید باشد را از طریق میز انجام بدهیم. فضای خیلی خوبی در قم تشکیل شد. معلمین و سرگروه‌های فلسفه از تمام استان‌ها جمع شدند و یک آموزش خوب داده شد. یک نگرشی هم نسبت به حوزه و دفتر تبلیغات پیدا کردند که از آن جهت خیلی موثر بود.

وی افزود: در درس علوم اجتماعی هم این کار دو بار صورت گرفت. البته یک‌بار در کل تهران انجام شد ولی بخشی از بودجه کار را میز آموزش و پرورش تهیه کرد. الحمدلله در زمینه‌ی کتاب‌ها درسی همکاری‌های خوبی بین میز آموزش و پرورش و سازمان پژوهش صورت گرفت.

پروژه‌های میز آموزش و پرورش

سید محمود شریعتمداری در ادامه بیان کرد: بقیه فعالیت‌های میز آموزش و پرورش به صورت شاخه‌ها است. یعنی ما در شاخه پژوهش ۸ پروژه داریم که پروژه گزارش راهبردی مدارس یکی از این پروژه‌ها است که به پایان رسیده و آقای همتی فر گزارش آن را ارائه می‌دهد. یک پروژه دیگر هم تحت عنوان

نقد و ارزیابی محتوای علوم انسانی و پایه جهت تدوین نقدنامه متن درسی داشتیم که براساس همین یک پروژه دیگری تحت عنوان تبیین مفاهیم کلیدی در سند برنامه‌ریزی درسی تعریف شده است. پروژه دیگرمان، تعیین راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت نیروی انسانی آموزش و پرورش با تأکید بر جذب معلمان است. این پروژه برعهده آقای دکتر سلمانی بوده و ناظر پروژه هم آقای دکتر ذوعلم است که اگر ایشان تأیید بکنند این پروژه هم تمام می‌شود. همچنین پروژه کاوش‌ها و چالش‌های اخلاقی در فرآیند سازمانی آموزش و پرورش را داریم. مورد بعدی هم تأثیر سیاست‌های کلان و آیین‌نامه آموزش و پرورش در رشد معرفت دینی معلمان است. پروژه بعدی‌مان، واکاوی تأثیر متن درسی و برنامه درسی بر معرفت دینی در آموزش و پرورش است. یک پروژه دیگر داریم که معرفت‌سنجی معلمان و دبیران سراسر کشور است، و همچنین پروژه حمایت از پایان‌نامه‌های دکتری که خود همین ۴ پایان‌نامه دکتری در دانشگاه‌های مختلف است و جنبه حمایتی از دانشجویان دارد.

وی افزود: در حوزه آموزش هم دو برنامه داریم که یکی از آن‌ها دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان است و دوره‌های دیگر هم دوره‌های آموزش و تربیت روحانیون است که در مدارس فعالیت می‌کنند. در حوزه تبلیغ هم بحث مرکز ملی پاسخگویی را داریم که همان سامانه پاسخگویی ویژه معلمان سراسر کشور است. بحث کاربرد محتوای بین‌الصلاتین هم داریم که این کار در نمایندگی اصفهان دارد انجام می‌شود.

اصلی‌ترین بحث، دوره‌های تربیت محور

دبیر میز آموزش و پرورش گفت: اصلی‌ترین بحثی که در حوزه تبلیغ داریم بحث دوره‌های تربیت محور است. یک دوره‌هایی با نگاه تخصصی به بحث تربیت و ارتباط طلبه‌ها بین سه ارگان مدرسه، خانه و مسجد طراحی شد که این دوره‌ها در ۴ شهر قم، تهران، اصفهان و اراک برگزار می‌شود. در تهران ۱۲ مدرسه، در قم حدود ۲۰ مدرسه، در اراک ۲ مدرسه و در اصفهان ۲ مدرسه انتخاب شده‌اند سرگروه‌های تخصصی تربیتی که با کانون مسجد هم همراهی دارند وارد فضای مدرسه می‌شوند و یک ارتباط دائمی بین کادر مدرسه، بچه‌ها و والدین با آن معلم تربیتی ایجاد می‌شود. فعالیت این مربی‌ها یک مقدار جهت شناسایی و به صورت عمومی برای همه بچه‌ها است و بخش دوم کارشان این است که مربی‌ها برای بچه‌هایی که احساس می‌کنند با آن‌ها می‌توانند ارتباط بیشتری از جهت نگاه تربیتی برقرار کنند یک فعالیت فوق برنامه ویژه آن‌ها اجرا می‌کنند. وی درباره سایر فعالیت‌های میز آموزش و پرورش گفت: بحث ساخت مستند را هم داریم که این

کار را مرکز هنر و رسانه دفتر تبلیغات اسلامی انجام داده است. تا به حال چهار مستند ساخته شده است. مستندها مربوط به روحانیونی می‌شود که در حوزه آموزش و پرورش فعالیت داشته‌اند. مستند آقای حسینی اخلاق در خانواده، مستند شهید بهشتی، شهید باهنر و مستند آقای باغنوی نیشابوری ۴ مستندی است که ساخته شده و بجز مستند شهید باهنر بقیه مستندها در تلویزیون پخش شده‌اند و پخش مستند شهید باهنر هم تا یکی دو ماه آینده خواهد بود.

ارائه گزارش پروژه‌های میز آموزش و پرورش

در ادامه همتی‌فر به مسائل مختلفی که در میز آموزش و پرورش به آن‌ها پرداخته شده است اشاره کرد و گزارشی درباره فعالیت‌های انجام شده ارائه داد. او مسائل مختلفی از جمله مسئله کنکور، سنتز مطالعات مرتبط با آسیب‌های فضای مجازی، سند ۲۰۳۰، مسئله خصوصی‌سازی و تهدید جدی در مقابل مردمی‌سازی آموزش پرورش، بحث مفهوم سکولاریسم تربیتی و بحث الگوهای تربیتی وارداتی برای گروه سنی کودک را نام برد و گفت هر یک از این مسائل توسط تیم‌های مختلف و جداگانه بررسی شده‌اند و گزارش مدون آن‌ها تکمیل و یا در حال تکمیل شدن است.

نقش ستاد همکاری‌های حوزه و وزارت آموزش و پرورش چیست؟

سپس علیرضا رحیمی، معاون ستاد همکاری‌های حوزه و وزارت آموزش و پرورش بیان کرد: حوزه‌های علمیه تقریباً ۱۲۰ تفاهم‌نامه با دستگاه‌های مختلف در سطح کشور دارند. تنها تفاهم‌نامه‌ای که دارای دبیرخانه و دارای تشکیلات اجرایی است، تفاهم‌نامه بین حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش

است. حتی بین حوزه علمیه با آموزش عالی هم چنین تفاهم‌نامه‌ای وجود ندارد. یکی از بندهای تفاهم‌نامه حوزه علمیه و آموزش و پرورش که خبرش را ما امروز شنیدیم حضور اندیشمندان حوزه‌های علمیه در گروه‌های درسی سازمان پژوهش است. بحث‌های نقد و بررسی کتاب‌های درسی کار خوب و لازمی



است ولی خیلی دیر هنگام است. یعنی ما کتاب را تولید و توزیع می‌کنیم و معلم را هم آموزش می‌دهیم و بعد نقد می‌کنیم و می‌گوییم این اشکالات را دارد، در حالی که می‌توانیم به جای آن به پیشگیری مشغول شویم و در همه‌ی هزینه‌ها هم صرفه‌جویی کنیم.

رحیمی افزود: در چند سالی که من در ستاد همکاری‌ها فعال بودم خیلی تلاش کردم که این امر محقق شود. عوامل مختلفی مانع از تحقق این امر شده بود، اما خوشبختانه با حضور حضرت عالی و پیگیری‌های مجدانه‌ای که جناب آقای خادیمان داشتند؛ امیدوار هستیم که این اتفاق به صورت عملیاتی و سیستماتیک رخ بدهد. کار بسیار مبارکی است و ما امیدواریم که با ارتباط بیشتر بین حوزه و سازمان پژوهش و حوزه و میز آموزش و پرورش در دفتر تبلیغات اسلامی، بتوانیم در جهت خواسته‌های مقام معظم رهبری و تحقق سند تحول بنیادین که آرمان همه است گام‌هایی برداریم.

جمع‌بندی نشست توسط دکتر ملکی

در بخش پایانی این جلسه دکتر ملکی به جمع‌بندی مطالب ارائه شده پرداخت و نقطه نظرات خود را به‌عنوان رئیس سازمان پژوهش بیان کرد. ملکی گفت: من در دو بخش مطالبی را عرض می‌کنم که انشاءالله به ادامه‌ی همکاری‌های ما کمک کند. با گزارشی که الان داده شد، اسم و مسما‌ی دفتر تبلیغات اسلامی خیلی فریه و خیلی وسیع است. ما یک انتظار معینی از یک دفتر داریم، اما ماشاءالله ذیل این دفتر چقدر فعالیت‌های گسترده‌ای انجام می‌شود و شاید لازم باشد به خاطر این که بین عنوان و کارهای وسیعی که انجام می‌شود یک توازنی به وجود بیاید، روی عنوان این دفتر هم تأمل کرد چون یک مقدار عدم توازن احساس می‌شود.

وی افزود: البته این به مسائل داخلی دفتر محترم تبلیغات اسلامی برمی‌گردد، اما آن‌چه که به ما ارتباط پیدا می‌کند این است که یک ظرفیت بسیار بالایی در دفتر تبلیغات اسلامی وجود دارد که خود بنده هم تا به حال از آن خبر نداشتم. بنده همین امروز و همین لحظه اعلام می‌کنم که ما آمادگی برای توسعه فراتر از میز داریم. میز آموزش و پرورش خودش مغتنم است و می‌شود کارهای وسیع‌تری انجام داد. یعنی به اعتقاد بنده سازمان پژوهش با دفتر تبلیغات اسلامی باید وارد ارتباطات وسیع‌تری شود.

لوازم همکاری سازمان پژوهش و دفتر تبلیغات اسلامی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درباره‌ی لوازم همکاری میان این دو نهاد گفت: اگر دو نهاد بخواهند ارتباطات خود را توسعه بدهند یکی از لوازمش این است که اهداف ارتباط معلوم شود و لازمه دیگر این است که ظرفیت‌های طرفین را بشناسیم. در گزارشی که ارائه شد بنده احساس کردم ظرفیت خیلی بالایی از نظر ابعاد پژوهشی، آموزشی و فرهنگی در دفتر تبلیغات اسلامی وجود دارد و عمدتاً هم مرتبط با کارها و مأموریت‌های سازمان پژوهش. همچنین ظرفیت‌هایی که ما در سازمان پژوهش داریم هم باید برای دفتر تبلیغات اسلامی شناخته شود. لازمه دیگر این است که برای این همکاری برنامه عملیاتی تعریف کنیم و بعد آن را اجرا نماییم. پیشنهاد بنده این است که اگر موافق باشید یک تفاهم‌نامه شفاف و روشن در اسرع وقت امضاء کنیم که نقشه راه ما برای برقراری ارتباط در آنجا ترسیم شود.

ملکی ادامه داد: می‌شود انتظارات را خیلی کوچک کرد ولی چرا این کار را نکنیم؟ چرا قدری اوج نگیریم؟ چرا ارتفاع پروازمان را بیشتر نکنیم؟ هر مقدار که توانستیم عمل کنیم همان مقدار عمل می‌کنیم ولی سعی کنیم نقشه راه را کامل‌تر ببینیم.

ملکی: برای کمک به تحقق سند تحول به سازمان پژوهش آمده‌ام

ملکی در ادامه با بیان این که قسمت دوم صحبت‌هایش قدری کاربردی‌تر خواهد بود و با قسمت اول صحبت‌هایش مانع‌الجمع نیست، اظهار داشت: قسمت دوم عرایضم این است که ما الآن در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی داریم در یک تحول به سر می‌بریم. تحولی به این معنا که ما بنای قاطع، جدی، بدون تعارف و شفاف داریم که برنامه‌های درسی را بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی مبتنی کنیم.

رئیس سازمان پژوهش گفت: بنده اعتقاد دارم که دو سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی با همه اشکالاتش، بسیار بسیار قدم مبارکی است که در آموزش و پرورش تولید شده است، چون آموزش و پرورش ایران قبل از این سند قطعاً بی‌شناسنامه بود. یعنی هیچ سندی نبود که آن سند بگوید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، هویت یا مبانی فلسفی و مبانی اجتماعی‌اش چه بود. انصافاً هیچی نبود. این که حضرت آقا این همه تأکید می‌فرمایند



چرا سند تحول بنیادین عملیاتی نمی‌شود، با همین حکمت می‌فرمایند، چون اگر این هم عملیاتی نشود مگر چیز دیگری می‌خواهد اتفاق بیفتد؟ اشکالاتی هم دارد که عیبی ندارد. هر چیزی که انسان‌ها درست کنند بدون اشکال نیست. اما تلاش کرده‌اند و پژوهش‌ها و کارهای متعددی انجام شده که سند تحول به وجود آمده است.

حسن ملکی خاطر نشان کرد: آن‌چه که برای بنده به‌عنوان مسئول سازمان اهمیت دارد و آن‌چه که همکاران بنده به‌طور صریح از بنده شنیده‌اند و الآن داریم دنبال می‌کنیم این است که ما می‌خواهیم بناهای تربیتی خودمان را بر مبنای سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی مبتنی کنیم. البته کار آسانی نیست. خود بنده شخصاً به‌عنوان یک کارشناس در کنار گروه‌ها هستم تا بتوانیم این کار را به شکل بالینی پیش ببریم. در واقع رفع ابهام‌ها، تعامل‌ها و هم‌اندیشی‌ها انجام بشود و به یک جایی برسیم. بنده حقیقتاً برای کمک به این مقصود به سازمان آمده‌ام. یعنی اگر این مبنا نبود آمدن بنده به سازمان هیچ توجیه ظاهری نداشت. من ۲۰ سال قبل در سازمان پژوهش مدیرکل دفتر تألیف بودم. یک عده تعجب کردند که بنده الآن بعد از ۲۰ سال برگشته‌ام. گفتم تعجب نکنید. الآن فضا فرق می‌کند. الآن باید رفت و کمک کرد. بنده احساس کردم می‌توانم کمک بکنم و آمدم. با نیت و بدون چشمداشت و بعضی مسائل آمده‌ام و الآن با بعضی از همکاران وارد این مسائل شده‌ایم.

ملکی به برخی زمینه‌ها که دفتر تبلیغات اسلامی می‌تواند به سازمان پژوهش کمک کند اشاره کرد و گفت: علم دینی از ضرورت‌های تحول بنیادین برنامه‌های درسی ما است و باید ببینیم دفتر محترم تبلیغات در این زمینه چگونه می‌تواند ما را هدایت کند. بنده راجع به علم دینی مطالعاتی داشته‌ام و همایش‌هایی برگزار و کتاب‌هایی نوشته‌ام اما الآن چه کار کنیم که روح برنامه درسی گروه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ما بشود علم دینی؟ نه علم مبتنی بر حس و تجربه و علم با نگاه پوزیتیویستی و امثالهم. این مسئله درباره تک تک گروه‌های پژوهشی ما وجود دارد. خب گره‌های ما الآن این سوالات و مسائل است.

مسائل اساسی از نگاه دکتر ملکی

دکتر ملکی در ادامه گفت: آقای همتی فر به مسائلی اساسی مثل کنکور و خصوصی سازی اشاره کردند که بنده خوشحال شدم. درست است، این‌ها واقعاً مسائل هستند ولی ما یک سری مسائل ساختاری در جامعه خودمان یا داریم یا صدای پای‌شان به گوش می‌رسد. با آن‌ها چه کنیم؟ یک مثال عرض می‌کنم که بدانید منظورم چیست. حضرت آقا فرمودند مسئله جمعیت دارد رو به سوی پیروی می‌رود. چند بار هم این را فرمودند. حتی یک تعبیری فرمودند که آدم جرات نمی‌کند تکرار کند. اما چون ایشان سخنرانی فرمودند آدم به خودش اجازه می‌دهد این را مطرح کند. فرمودند من استغفار می‌کنم که ما گفتیم جمعیت را تعدیل کنید. جای دومی وجود ندارد که ایشان فرموده باشند من استغفار می‌کنم. این نشان می‌دهد که قضیه خیلی مهم است.

رئیس سازمان پژوهش در ادامه گفت: سوال اول این است مسئله‌های اصلی ما کدامند؟ و ثانیاً اگر این مسئله‌ها بخواهد به تدریج از طریق برنامه‌های درسی حل و فصل شود و برنامه‌های درسی با این مسئله‌ها مواجهه داشته باشند، چه کار باید کرد؟ چگونه و با چه روش‌هایی؟ البته ما یک تجربیاتی در سازمان داریم ولی می‌خواهم بگویم که ما دیگر باید به فکر روش‌های نو باشیم. ثالثاً، سنن آموزشی ما که ریشه در تاریخ دارد را باید چگونه احضار کنیم و روی میزمان بیاوریم و الآن از آن‌ها مدد بگیریم؟ چون ما به روش‌های آموزشی ترجمه شده غربی اکتفا کنیم به جایی نمی‌رسیم. می‌شود یک قدم‌هایی برداشت ولی آن‌ها ما را به سوی تمدن اسلامی نمی‌برد. ما باید یک نگاهی به سنت‌های آموزشی خودمان داشته باشیم که ریشه‌دار است و نظریه‌های تربیتی ریشه‌دار که مربوط به فرهنگ خودمان است را بفهمیم و بعد از آن‌ها برای پاسخ به سوالات تربیتی خودمان بهره‌برداری کنیم. البته حوزه و دانشگاه یک سری کتاب‌ها از صاحب‌نظران اسلامی منتشر کرده‌اند و بنده از آن‌ها خبر دارم، اما نمی‌دانم این کتاب‌ها آن‌چه که عرض می‌کنم را پاسخ می‌دهد یا قدم دیگری باید برداشت. باید براساس سنت‌های آموزشی نظریه‌های تربیتی بومی تدوین کرد.

وی افزود: مسئله دیگر این است که ما چگونه می‌توانیم از طریق پژوهش‌های انجام شده مبانی برنامه درسی خودمان را تدوین کنیم؟ یعنی می‌خواهیم همه چیز را از صفر شروع کنیم؟ ما الآن هیچ خبر نداریم که در آرشیو پژوهشی ما چه چیزهایی وجود دارد. چه بسا اگر سر بزیم خیلی از نیازهای ما برای تدوین مبانی را تأمین کند، چون استحضار دارید که شرط تدوین مبانی یا انجام پژوهش‌ها و یا استفاده از پژوهش‌هایی است که دیگران انجام داده‌اند. اصلاً مبانی بدون بهره‌برداری از پژوهش امکان‌پذیر نیست، چون تدوین مبانی از جنس پژوهش است.

ملکی گفت: سوال دیگر این است که چگونه می‌توان از ظرفیت نهادهای فرهنگی و تربیتی بیرون برای نیل به اهداف یاری گرفت؟ آیا در این جا می‌شود روی الگویی اندیشید و فکر کرد؟ رئیس سازمان پژوهش گفت: ما یک مسئله‌ای در تعلیم و تربیت مان داریم به نام تزکیه. به نظر بنده خورشید کهکشان تربیتی ما همین تزکیه است. یعنی اگر ما نظام تعلیم و تربیت خودمان را به یک منظومه تشبیه کنیم، خورشید این منظومه تزکیه است. اما ما چه مقدار در مزکی کردن دانش‌آموزان موفق هستیم؟ البته مزکی کردن نه به این معناست که آن‌ها گناه کارند، چون تزکیه یک پیوستار است و نقطه نیست. ما چه کار کنیم که دانش‌آموزان ما دیپلم می‌گیرند و از مدرسه بیرون می‌آیند با تزکیه خو گرفته باشند و روح پرهیز از گناه داشته باشند؟ البته این حرف‌ها با اوضاعی که ما داریم شاید به قدری به طنز شباهت داشته باشد. اما خب این‌ها واقعیت هستند و ما هم باید براساس آرمان‌های خود کار کنیم و نقشه‌ای نو بیاوریم. من از این بابت خودمان را شدیداً ناتوان می‌بینم. بلد هستیم تعلیم بدهیم ولی بلد نیستیم مزکی کنیم. چه کار باید کرد؟ برنامه‌های درسی چه کار بکنند؟ معلمان چه نقش‌هایی دارند؟

رئیس سازمان پژوهش خطاب به نمایندگان دفتر تبلیغات اسلامی گفت: ما تحت مسئله مادر که مسئله تحول است یک چنین نیازهایی داریم. حالا شما راهنمایی خواهید فرمود که ما برای تأمین این نیازها ما این نسبت را چگونه تعریف کنیم. یک موقع ممکن است که به برگزاری نشست‌ها اکتفا کنیم. عرض کردم که آن‌ها در جای خود خیلی مفید هستند، اما برگزاری نشست‌ها کلید طلایی اوضاع کنونی ما نیستند. بنده که الان مسئولیت سازمان را دارم به این‌ها فکر می‌کنم. در مورد بقیه مسائل بالأخره کارشناسان هستند و حل و فصل‌شان می‌کنند. من مدام به این فکر می‌کنم که ما قول دادیم تحول ایجاد شود و همه هم به یک نوعی منتظرند. من برنامه درسی مطالعات اجتماعی را با چه مدلی باید به سند تحول بنیادین وصل ساختار و ارگانیکی کنم؟ من هنوز اینجا سوال دارم. یعنی هنوز مسئله برای ما روشن نیست.

ملکی در پایان جلسه بیان کرد: بنده آمادگی دارم که یک کارگروه تشکیل بدهیم تا روی نحوه‌ی ارتباط دو نهاد سازمان پژوهش و دفتر تبلیغات اسلامی با این تفکر که می‌خواهیم پاسخ مسائل اساسی را پیدا کنیم، چاره‌اندیشی کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش

نشست معارفه‌ی

نمایندگان محترم

حوزه‌ی علمیه قم

با مسوولان

سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی

در خصوص حوزه‌های

تربیت و یادگیری



اولین نشست نمایندگان حوزه علمیه قم با مسوولان سازمان پژوهش و سرپرستان حوزه‌های تربیت و یادگیری در تاریخ ششم مهرماه سال ۹۹، با هدف فراهم کردن زمینه تعامل و همکاری‌های سازنده در راستای ارتقاء سطح کیفی محتوای کتاب‌های درسی برگزار شد. آنچه از نظر می‌گذرد متن کامل این نشست است.

دکتر حسن ملکی معاون وزیر و ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با تأکید بر این که جلسه حاضر بسیار مهم است، سخنان خود را این گونه آغاز کرد:

تحول بنیادین در تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی، هدف اصلی ما است و بنا داریم این هدف را انشاءالله با یک مدیریت جهادی ادامه بدهیم. قبل از بنده در سازمان پژوهش اقدامات خوبی انجام شده است و ما هم ادامه‌ی همان کارها را با یک فضای قدری متفاوت در برخی امور دنبال می‌کنیم. اما در بحث تحول نیازمند چند اقدام اساسی هستیم که این اقدامات تمام‌شدنی نیست.

یک سری اقدامات امتدادی است، یعنی اقداماتی است که به نظر می‌آید در هر مرحله‌ای باید مسئول وقت کارهایی را صورت بدهد، اما نقطه‌ی پایان جمله و پایان خط نیست؛ مرحله‌ای است که در گذشته انجام شده و اکنون هم ادامه پیدا می‌کند.

اقدامات و الزامات تحقق تحول در برنامه‌ریزی درسی

وی افزود: یکی از اقدامات برای این که ما به تحقق طرح تحول کمک کنیم، اقدامات نرم‌افزاری بوده و هست. یعنی یک قواعد، مبانی، اصول، توصیفات و تجویزهای گوناگون باید در قالب اسناد شکل می‌گرفت که بنده اسم این را می‌گذارم "اقدامات نرم‌افزاری". در رأس آن‌ها سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که این سند سال ۱۳۹۰ مصوب شده است. بحث تحول بنیادین در گذشته هم مطرح شده است منتها شاید کار در یک لایه قدری سطحی‌تر دنبال شده است، در حالی که شأن کار حکم می‌کند با این قضیه عمیق‌تر برخورد شود. براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک سند برنامه درسی ملی و بعدها الگوی تدوین برنامه‌های درسی تولید شده است.



ملکی ادامه داد: اقدامات نرم‌افزاری مشتمل بر اسناد تحول است و قاعدتاً کسی ادعا نمی‌کند که این اسناد بی‌عیب هستند. اشکالاتی دارند، اما آموزش و پرورش قبل از تولید این اسناد، بی‌شناسنامه بود. شناسنامه اعتقادی و فرهنگی نداشت. بنده در آموزش و پرورش بزرگ شده‌ام و تا حدودی اوضاع از بعد نرم‌افزاری در دستم

است. معتقدم که باید تاریخ تولد سند تحول بنیادین را در آموزش و پرورش جشن گرفت. مولود مبارکی متولد شده است. برنامه‌ی درسی ملی و سایر اسناد براساس آن تولید شده است. این‌ها دارای اشکالاتی هم هستند ولی هنوز اجرای کامل نشده‌اند که بگوییم در فلان نقطه ایراد دارند. این هم یک خلأیی بوده که متأسفانه اتفاق افتاده است. حدود ۹ سال از تصویب سند تحول بنیادین می‌گذرد و حضرت آقا به طور مکرر فرموده‌اند چرا سند تحول عملیاتی نشده است؟ این حرف هنوز حرف نویی است. رئیس سازمان پژوهش با بیان این که اقدام دومی که لازم است انجام شود تا تحول راه خود را با مشکلات کمتری بپیماید، اقدامات ساختاری است، افزود: همین امروز که در خدمت شما هستیم

ساختار تشکیلاتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بر روی میز رئیس محترم سازمان امور اداری و استخدامی است که تصویب کنند و به ما ابلاغ شود. به این دلیل برای تغییر ساختار اقدام شد چون احساس شد تشکیلات قبلی دارای اشکالات و نواقصی است. ما سعی کرده‌ایم در ساختار جدید آن نواقص را تا حدود زیادی برطرف کنیم. باز هم شاید به طور کامل موفق نشده باشیم ولی به طور نسبی یک قدم‌هایی برداشته‌ایم. اعتقاد ما بر این است که در ساختار جدید، ظرفیت برای تحول بیشتر شده است.

ملکی بیان کرد: فرض بفرمایید که ما در سازمان پژوهش، برنامه‌های درسی را طراحی می‌کنیم و کتاب‌های درسی بر آن اساس تولید می‌شود، اما مکان و دفتری برای توانمندسازی نیروی انسانی در اینجا نداریم. دفتری که مسئول باشد به محض تغییر برنامه‌های درسی معلم‌های آن درس را آماده کند و برنامه‌ریزی جدید را به موقع شروع نماید. وقتی این سازمان که محصول تولید شده‌ی آن بر سر سفره‌ی هر خانواده‌ای هست جایی برای توانمندی معلم‌هایش نداشته باشد، این یعنی یک نقص تشکیلاتی و یک خلأ ساختاری. اصلاً تا معلم آماده نشود برنامه‌ی درسی کاری نمی‌تواند بکند. ما در ساختار تشکیلاتی جدیدمان باید اموری از این قبیل را ساماندهی کنیم.

ملکی با اشاره به این که اقدامات سومی که باید انجام بدهیم اقدامات آموزشی است، خاطر نشان کرد: ما به خاطر این که تحول کارآمدتر بشود لازم دیدیم که کارشناسان مربوط به برنامه‌های درسی را آموزش بدهیم. درست است که کارشناسان خودشان انصافاً اهل نظرند اما در همه‌ی ابعاد به طور طبیعی آمادگی نداشته‌اند. فضای تحولی، حال تحول و نگرش، دانش و مهارت‌های تحولی می‌خواهد. بنابراین ما در یک نظام آموزشی تحول‌گرایانه باید با کارشناسان وارد گفت‌وگو می‌شدیم. این مسئله از سال قبل شروع شده و ما اکنون قدری به آن شتاب داده‌ایم و سعی کرده‌ایم یک نظام بهتری به آن بدهیم و الآن هم ادامه دارد.

چتری به نام فطرت‌گرایی توحیدی

وی ادامه داد: کارشناسانی که می‌خواهند تحول ایجاد کنند باید قاعده‌ی تحول را بلد باشند. این قاعده در فضای فعلی، رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی است. یعنی ما و شما سروران عزیز که از امروز همکاری‌مان آغاز می‌شود خودمان را زیر یک چتر قرار داده‌ایم که آن چتر نامش "فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی" است و این چتر را اسناد تحولی از جمله سند تحول بنیادین

و برنامه درسی به دست ما داده است. البته ما اسنادی هم تولید کرده‌ایم و بنده حقیر روی یکی دو کتاب هم کار کرده‌ام. از آنجایی که زمینه‌ی فعالیت علمی بنده از سال‌های پیش همین بوده، اخیراً نظریه "فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی" بنده چاپ شده و الآن در انتشارات مدرسه عرضه شده است.

ملکی افزود: چتری که به دست ما است را براساس مبنای فلسفی و اعتقادی خودمان در دست گرفته‌ایم و معتقد هستیم که اگر برنامه‌های درسی در این مسیر حرکت کند انشاءالله ما به سوی تمدن اسلامی بنیادین حرکت می‌کنیم و دانش‌آموزان را در این مسیر پیش خواهیم برد.

رئیس سازمان پژوهش عنوان کرد: اقدام چهارم، اقدامات ارتباطی است. ما باور داریم که اگر سازمان پژوهش با بعضی مراکز مرتبط نباشد، رو به افول می‌رود و سست می‌شود و نمی‌تواند مأموریت خودش را به درستی انجام بدهد. ما باید با مراکزی ارتباط بگیریم تا به یک نظام باز از جهت ارتباطی تبدیل شویم و بتوانیم از طریق تبادل فکر، اندیشه و تجربه زنده بمانیم. شرط ماندن و بقا ارتباط است. نظام ارتباطی سازمان باید تعریف شود.

دکتر ملکی اظهار داشت: یکی از مراکزی که احساس کردیم با آن ارتباط داشته باشیم ترجیحاً حوزه‌ی علمیه قم و همین‌طور سایر مراکز مشابهی است که در شهر قم وجود دارد. البته این طرز تلقی الآن نیست بلکه طرز تلقی گذشته ما است که الآن به بار نشسته است. بالأخره آن مکان برای ما مکان خاص، منحصر به فرد، قابل احترام و مقدسی است. بنده اعتقاد دارم که حیات طیبه سازمانی ما منوط بر برقراری ارتباط درست و نظام‌مند با حوزه محترم علمیه است. در حوزه علمیه، علما، اندیشمندان، صاحب‌نظران، اسلام‌شناسان و آن‌هایی که در معارف اسلامی کار تحقیقی انجام داده‌اند و آن‌هایی که اخلاق اسلامی در رأس تعلیمات‌شان است، متمرکز هستند و ما هر چقدر با این حوزه ارتباط داشته باشیم؛ برنامه‌های درسی‌مان به تفکر اسلامی و معارف اسلامی نزدیک‌تر می‌شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: برنامه‌های درسی ابعاد مختلفی نظیر بعد علمی، بعد آموزشی و بعد دینی دارند که بنده اعتقاد دارم اتصال برنامه‌های درسی به اعتقادات دینی ما هم عرض نسبت برنامه‌های درسی با سایر ابعاد نیست. این شاید قدری مسئولیت شما سروران محترم را سنگین‌تر بکند. برنامه درسی اگر از علم هم سخن می‌گوید آن علم باید علم دینی باشد. اگر از جامعه هم سخن می‌گوید آن جامعه باید زیر چتر تفکر اجتماعی اسلام معنی و مفهوم پیدا کند. الآن وقتش است که ما سنت‌های آموزشی دنیای اسلامی را احیا کنیم و بر سر سفره خودمان بیاوریم.

وی افزود: آیا ما می‌خواهیم فقط روش‌های تدریسی که در مغرب‌زمین ترجمه شده و در کتاب‌ها ارائه شده است را مبنا قرار بدهیم؟ اگر فقط آن‌ها مبنا باشد چه فرقی بین برنامه‌های درسی جمهوری اسلامی ایران با برنامه‌های درسی مثلاً ژاپن وجود دارد؟ ما قطعاً از تجربیات دنیا بهره‌مند می‌شویم ولی هنر ما در برنامه‌ریزی درسی هم‌سو با تمدن اسلامی این است که این برنامه‌ها اولاً به معارف دینی ما و ثانیاً به سنت‌های آموزشی که در مراکز علمی اسلامی نهادینه شده‌اند متصل شوند. برای برقراری این اتصال باید یک عده از متخصصان معارف اسلامی در شوراهای ما عضویت داشته باشند و آن‌ها راهنمایی و کمک کنند تا روح دینی بر پیکر برنامه‌های درسی ما دمیده شود. انتظار اصلی ما از شما برادران این است.

دکتر ملکی تأکید کرد: متعهد شده‌ایم که راهنماهای برنامه‌ی درسی ما تا بهمن‌ماه به پایان برسد. منظور از راهنماهای برنامه‌ی درسی یعنی نقشه‌ی راه تولید بسته‌های تربیت و یادگیری. الان هم نمی‌گوییم کتاب، بلکه می‌گوییم بسته‌ی تربیت و یادگیری که یکی از آن‌ها کتاب است. اما اسناد تحولی به ما می‌گوید کتاب درسی برای کشیدن بار تربیت فضای تنگی است. تربیت به فضای فراخ نیاز دارد. کتاب درسی قابل حذف نیست ولی کتاب درسی نباید به تنها ماده آموزشی تبدیل شود و ما تصور کنیم که هر آن‌چه در کتاب درسی هست یعنی همان تربیت؛ این‌طور نیست. به همین خاطر ما صحبت از بسته می‌کنیم، بسته‌ای که یکی از عناصر آن کتاب درسی است.

حضور نمایندگان حوزه در شوراهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در راستای تقویت ستاد همکاری‌های حوزه و دانشگاه



در ادامه نشست حجت الاسلام و المسلمین مهدی رجایی‌نیا، مدیر دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی حوزه‌های علمیه تأکید کرد: حوزه علمیه یک جایگاه والا برای آموزش و پرورش در برنامه‌های خودش قائل است و تا به حال در قالب ستاد همکاری‌های حوزه و آموزش و پرورش فعالیت‌های بسیار ارزنده‌ای

انجام شده است. یک کار خیلی خوب که هم به امضای مقام محترم وزیر آموزش و پرورش و هم مدیر حوزه‌های علمیه رسید این بود که ما یک برنامه ۵ ساله همکاری تعریف کردیم که در قالب آن

برنامه این همکاری‌ها در بیش از ۲۰ برنامه مختلف شکل گرفته و گسترش پیدا خواهد کرد. یکی از آن موارد همین بحث حضور نمایندگان حوزه در شوراهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی است. وی افزود: امیدواریم با ارزش و اهمیتی که حوزه‌های علمیه و وزارت محترم آموزش و پرورش برای تعلیم و تربیت نسل جوان ما قائل هستند، انشاءالله به سراغ این برویم که برای بعد از خودمان نسل پاکی را تحویل آیندگان بدهیم. انشاءالله بتوانیم در این مسیر گام برداریم.

سپس حجت‌الاسلام و المسلمین حمید محمدی، مشاور عالی سازمان پژوهش با مغتنم شمردن حضور دکتر ملکی در سازمان پژوهش و ابراز خرسندی از اهتمام ورزیدن به ایجاد ارتباط بین حوزه علمیه قم با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، اظهار داشت: با تصویری که آقای دکتر ملکی از ارتباط سازمان پژوهش و حوزه علمیه دادند، به نظرم حوزه علمیه بعد از این دیگر نمی‌تواند بهانه بیاورد که نگذاشتند و دعوت نکردند. این جلسه، جلسه‌ی اتمام حجت است، برای این که حوزه هر چه توان دارد و می‌تواند در تمام گروه‌ها کمک کند، عرضه نماید و نقش اساسی خودش را در جهت‌گیری‌های سازمان، در تولید محتوا یا حداقل در تربیت نسل ایفا کند.

مشاور عالی سازمان پژوهش تأکید کرد: اگر حوزه علمیه بخواهد رسالت‌های ویژه خودش را به صورت اصولی اجرا کند، دو کار بزرگ باید انجام بدهد؛ یک دستش باید در دست سازمان پژوهش باشد و یک دستش هم در دست دانشگاه فرهنگیان. دو بال اصلی پرواز نظام تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش این دو جا هستند که حوزه برای هر دو حرف دارد.

حجت‌الاسلام حمید محمدی اظهار داشت: حوزه هیچ حرف غیر معقول و هیچ حرفی که خلاف اصول اساسی و علمی برنامه‌ریزی درسی باشد، ندارد. حوزه ضمن این که برای خودش دارای سبک و روش ویژه‌ای است و محتوای غنی و عمیقی را دارد که برگرفته از کتاب، سنت و عقل است، در عین حال در تعامل روشن و پیش‌برنده با تمام دستاوردهای دانش بشری می‌تواند در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی متبلور شود و به رسیدن این سازمان به اهداف بلندش کمک کند.

دکتر محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری سازمان پژوهش نیز گفت: برای ما که متولی تدوین برنامه‌های درسی هستیم امروز روز بزرگی محسوب می‌شود، چرا که یک همکاری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی که آرزوی دیرینه ما بود خیلی هدفمند و منسجم در حال شکل‌گیری است. از این بابت از آقای دکتر ملکی، آیت‌الله اعرافی، آقای خادمیان و همه عزیزانی که در این زمینه نقش داشتند؛ تشکر می‌کنم.

وی افزود: بنده به عنوان کسی که مدتی هم در حوزه علمیه تلمذ کرده‌ام عرض می‌کنم که اگر ما بتوانیم از آن‌چه که در حوزه علمیه، خصوصاً آن شیوه‌ی سنتی که سالیان سال در آنجا بوده است، از حیث جدیت در کسب دانش و نگاه به کسب دانش که نگاه فطرت‌گرایی و واقعی الهی است و همچنین از حیث روش‌های مباحثه‌ای و فعال که در حوزه‌ی علمیه وجود دارد و نیز حتی در زمینه ارزشیابی که در حوزه‌های علمیه در حیطه مهم خودارزیابی مطرح می‌شود و منجر به اعتماد به نفس، خوداتکایی و امانت‌داری می‌شود استفاده کنیم، حتماً تجربیات خوبی به دست می‌آوریم. می‌خواهم بگویم که نتایج این همکاری فقط منحصر به محتوا نمی‌شود.

محبی عنوان کرد: شاید بتوان ادعا کرد روزی که حضرت امام رضوان الله تعالی علیه، وحدت حوزه و دانشگاه را مطرح می‌کردند، یکی از اهداف اصلی همین بود که دانشگاه‌های ما از حوزه‌های علمیه ما الگو بگیرند. اما خب در ادامه اتفاقات دیگری افتاد که باعث شد ما در این زمینه توفیق آنچنانی نداشته باشیم و شاید آسیب‌هایی را هم به دنبال داشت، از جمله تأثیرپذیری حوزه‌ها از دانشگاه در زمینه مدرک و خیلی از مسائل دیگر.

وی ادامه داد: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت را در ۶ ساحت برای ما تعریف کرده است؛ (۱) تربیت اخلاقی و اعتقادی (۲) تربیت سیاسی و اجتماعی (۳) تربیتی زیستی و بدنی (۴) تربیت زیبایی‌شناختی (۵) تربیت اقتصادی و حرفه‌ای (۶) علمی و فناوری. این ۶ ساحتی است که دانش‌آموز ما باید در هر کدام از این ۶ ساحت به استاندارد و حد لازم برسد. سند تحول بنیادین این ۶ ساحت را در برنامه درسی ملی در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری مجسم کرده است تا ساحت‌های مذکور از طریق آن ۱۱ حوزه محقق شود. این ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری همان ۱۱ تایی است که هر کدام از عزیزان حاضر نماینده حوزه علمیه در یکی از این ۱۱ حوزه هستند. در واقع پوشش دهنده آن ۶ ساحت تربیت هستند. برای اینکه این کار اتفاق بیفتد، پایه و اساس تدوین برنامه‌های درسی در گروه‌های پژوهشی ما شکل می‌گیرد که متناسب با این ۱۱ حوزه شکل گرفته‌اند.

محبی اظهار داشت: ما ۱۱ گروه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی به‌علاوه یک گروه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی پیش‌دبستانی داریم. یک گروه هم برای برنامه‌ریزی و هماهنگی کلی که بحث تلفیق را در بر دارد. این گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی ما شوراهایی دارند که ۵ گروه متخصصان موضوعی، متخصصان تعلیم و تربیت، ذی‌نفعان اصلی (دانش‌آموزان، معلمان و والدین)، مجریان (معاونت‌های آموزشی و پرورشی و مدارس) و ذیربطان اصلی (سازمان‌ها و نهادهای اصلی و مرتبط) در آن عضو هستند.



وی در ادامه بیان کرد: بزرگوارانی که از حوزه علمیه به سازمان پژوهش می‌آیند هم به‌عنوان ذیربطان اصلی و هم به‌عنوان متولیان تعلیم و تربیت اسلامی (متخصصان تعلیم و تربیت) نقش‌آفرینی انجام می‌دهند. ضمن این‌که نقش‌عزیزانی که از حوزه علمیه می‌آیند برای ما در زمینه مبانی دینی و فلسفی

هم بسیار پررنگ است و این عزیزان از نظر ارزش‌های دینی و حاکمیتی می‌توانند به ما کمک فراوانی بکنند.

سیدياسر حسینی، از نمایندگان حوزه علمیه قم و معرفی شده برای حوزه فرهنگ و هنر در ادامه گفت: طبیعتاً طرح تحول از سمت یک سازمان آموزشی به یک سازمان تربیتی حرکت می‌کند. اگر محور آموزش باشد خوب مسئله اصلی کتاب درسی است، اما اگر مسئله تربیت و فرهنگ باشد، سوال اصلی این است که آیا خود سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آماده تحول به سمت یک سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی تربیتی و فرهنگی هست؟ من قبول دارم که سازمان آموزش و پرورش برای این‌که به یک سازمان تربیتی تبدیل شود باید گام زیادی بردارد، اما آقای دکتر ملکی که فرمودند طرح تحول خود سازمان پژوهش را داده‌اند در میان اشارات‌شان چندان اشاره‌ای به تغییر بنیادین در این سازمان نداشتند. بنده اگر نقطه تمرکز برنامه‌هایی ناظر بر تحول محیط آموزشی و تربیتی باشد، ابزارهایی می‌خواهم. آیا می‌توانم به این سمت پرواز کنم یا نه؟

دکتر ملکی در پاسخ به سخنان حسینی گفت: پرداختن به مسئله تربیت مانند پرداختن هر امر فرهنگی و تربیتی، ذومراتب است. به عبارتی یک امر تشکیکی است. ما باید ببینیم در شرایط موجود تلاش‌های ممکن ما چه چیزهایی است. ما کار غیرممکن که نمی‌توانیم تصور کنیم. هر شرایطی هم امکانات خاص خودش را دارد. همین سازمان پژوهش و وزارتخانه آموزش و پرورش به طور طبیعی از جهت عوامل و منابع موثر در مقوله تربیت محدودیت‌هایی دارد، که البته امکاناتی هم دارد. به‌علاوه این‌که ما باید تلاش کنیم که امکان‌آفرینی هم بکنیم. اما آن‌چه مسلم است این است که در مدیریت‌های اجرایی مقید به قیودی هستیم.

ملکی افزود: در پاسخ به فرمایش شما عرض کنم که سازمان پژوهش برای رسیدن به حد کاملاً ایده‌آل و مطلوب آمادگی کامل دارد. این را می‌توانم به شما عرض کنم که سازمان پژوهش امروز

نسبت به سازمان پژوهش ۱۰ یا ۱۵ سال قبل آمادگی بیشتری دارد، چه از نظر نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها، خواسته‌ها، نیت‌ها و انگیزه‌ها و چه از جهت توان کارشناسی که الآن در خود سازمان وجود دارد. این کارشناسان امکانات و توانایی ما هستند. ما امید داریم بخش قابل توجهی از انتظارات تربیتی را به کمک همین نیروهایی که الآن وجود دارند و به کمک افرادی که از بیرون دعوت خواهیم کرد، تحقق ببخشیم.

رئیس سازمان پژوهش تأکید کرد: بنده واقع‌بینانه به شما عرض کنم که ما در اینجا انتظار ایده‌آل و قله کار را نداشته باشیم. به سمت قله در حال حرکت هستیم. بنده، معاونین، مدیران کل محترم، کارشناسان گروه و همه در یک موضوع اتفاق نظر داریم و آن هم این است که تلاش کنیم بخش قابل توجهی از دلالت‌های اسناد تحولی را در قالب برنامه‌های درسی تحقق ببخشیم. بنده به شما اطمینان می‌دهم که ما از تلاش دریغ نخواهیم کرد. حالا این که این مسافت را به چه مقدار بپیماییم، الله اعلم. اجازه بدهید این را خود مسیر تعیین بکند.

در ادامه یکی دیگران از نمایندگان حوزه علمیه قم اظهار داشت: نخست ما باید ببینیم که می‌بایست آرمان‌گرا باشیم یا واقع‌گرا؟ طبیعتاً واقع‌گرایانی هستیم که به سمت آرمان‌گرایی حرکت می‌کنیم. مسئله بعدی، وظایف، انتظارات و امکانات است. یعنی دقیقاً باید وظایف دوستان، انتظارات طرف مقابل و امکانات دو طرف مشخص شود. طبیعتاً اهداف ما باید براساس این سه بخش تنظیم شود. موضوع دیگر این است که ما معتقدیم خروجی گفتار و رفتار افراد تابع افکارشان است و افکارشان هم تابع باورشان است. اگر قرار است اقدام بنیادینی صورت بگیرد آن اقدام بنیادین، تعقل در باور افراد است و به دنبال تعقل در باور، طبیعتاً تعقل در افکار و رفتار هم می‌آید.

وی افزود: ما دو بخش داریم؛ یک بخش شکل و یک بخش محتوا. تقاضای من این است که اگر خواهیم مصداق این حدیث که "قَلِيلٌ مَدْوَمٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ" باشیم و آهسته و پیوسته حرکت کنیم، باید تدبیر و تدبیر در این همکاری وجود داشته باشد. ما خودمان را دو بخش نمی‌بینیم. دشمن همه ما را در یک جبهه می‌بیند. ایجاد کردن این دو قطبی‌ها به ضرر ما است. یعنی اگر خدایی نکرده اتفاقی بیافتد این شکست برای همه است. بنابراین خواهش ما این است که این دوگانگی و دو بخش بودن را حذف کنید.

استاد حوزه علمیه قم گفت: این انتظار را هم داریم که رابطه تعاملی و تکاملی اتفاق بیافتد. دوستانی که انتخاب شده‌اند، غیر از بنده حقیر، تقریباً عصاره و چکیده‌ای هستند که می‌توانند انتقال‌دهنده باشند، منتها معمولاً وقتی قرار است افرادی به یک سازمان تزریق شوند شاید از نظر روانی یک

مقدار طول بکشد که افراد قبلی پذیرای افراد جدید باشند. این هم در مورد ورود افراد درون سازمانی صدق می‌کند و هم افراد برون سازمانی. حالا اگر افراد تازه وارد برون سازمانی باشند ممکن است این پروسه یا فرآیند یک مقدار طولانی باشد. من تصور می‌کنم که دشمن این تحول را زودتر از ما آغاز کرده است و ما متأسفانه در حرکت آفندی و پدافندی بسیار دیر عمل کرده‌ایم، اما به هر صورت ناگزیر هستیم که یک جوری به درمان، ترمیم و التیام زخم‌ها بپردازیم تا انشاءالله یک قدرت تدافعی کامل هم پیدا کنیم.

در ادامه سید محمدحسین نواب، دکترای فلسفه هنر گفت: من می‌خواهم به نادیده گرفتن هنر در نظام آموزشی اشاره کنم. ما در نظام آموزشی فقط به‌عنوان آموزش هنر نیستیم. هنر کارکردهای دینی، اجتماعی و اخلاقی بسیاری دارد و حتی در فلسفه ما، از فارابی گرفته تا خود جناب ملاصدرا، به آن اشاره کرده‌اند و مبانی فلسفی محکمی با این مضمون وجود دارد که هر چقدر انسان هنرمندتر شود، اخلاقی‌تر می‌شود و به فضائل آراسته‌تر می‌شود. متأسفانه فشار و استرس پهلوی، خصوصاً پهلوی دوم، باعث شده که بعد از انقلاب یک بی‌تفاوتی به هنر ایجاد شود. متأسفانه آن‌ها هنر مدرن و هنر غربی را جا انداختند و هنر سنتی و هنر ایرانی اسلامی را به حاشیه بردند و همین باعث شد که هنر بعد از انقلاب نادیده گرفته شود.

نواب تأکید کرد: اگر واقعاً هنر دیده شود، کارکردهای سیاسی بسیاری دارد. اگر ما یک مقدار درست برنامه‌ریزی می‌کردیم می‌توانستیم بچه‌ها را از همان ابتدا با هنر مانوس کنیم و آن‌ها را اخلاقی‌تر کنیم. به خاطر داشته باشیم که آن چرخه اقتصادی که هنر و صنایع خلاق می‌توانند برای کارآفرینی ایجاد کنند با هیچ‌کدام از صنایع دیگر قابل مقایسه نیستند. متأسفانه در نظام آموزشی ما در این زمینه بی‌توجهی شده است. اگر دنیا این روزها به هنر و صنایع خلاق توجه می‌کند فقط به خاطر انعکاس مسائل هویتی فرهنگی‌اش نیست، بلکه به خاطر این است که مسئله خودش را در کارآفرینی و در فیزیک و ریاضی هم حل کند.



در پایان نشست دکتر ملکی خطاب به سید محمدحسین نواب گفت: من از این نگاه جناب عالی و این رویکرد شما واقعاً تقدیر می‌کنم. نگرش خیلی خوبی دارید. من خیلی خوشحال شدم چون ما ارتباط حوزه‌های یازده‌گانه تربیت و یادگیری سازمان پژوهش را کاملاً

شبکه‌ای و بین رشته‌ای تلقی می‌کنیم و بنده فکر می‌کنم که گروه ریاضی که با عدد و ارقام سر و کار دارد نیز باید نسبتش را با هنر تعریف کند و هنر نیز نسبتش با همان گروه را باید تعیین کند. ما این را به‌عنوان یک راهبرد برنامه‌ریزی درسی در فضای جدید تلقی می‌کنیم. راهبرد تلفیقی و بین‌رشته‌ای نگاه کردن. البته تمام این ارتباطات باید زیر یک چتری به نام نگاه توحیدی به عالم هستی پیش برود.

به پایان جلسه رسیدیم لازم می‌دانم بار دیگر از همه‌ی شما استادان محترم که از قم تشریف آوردید تشکر کنم. از مدیران محترم گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی تقاضا دارم از امروز ارتباط مؤثر با نمایندگان محترم حوزه علمیه برقرار نمایند و مباحث کارشناسی را در جلسات پیگیری کنند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

نشست مشترک

مسوولان

سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی با مدیریت

حوزه علمیه قم



نشست دکتر حسن ملکی با رئیس حوزه علمیه قم

نشست دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی مدیر حوزه علمیه قم و نمایندگان این حوزه در سالن جلسات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ در قم برگزار شد.

در شروع این نشست علیرضا حاجیان‌زاده مشاور عالی وزیر و دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش بیان کرد: همکاری بین آموزش و پرورش و حوزه علمیه در موضوعات مختلف طراحی شده و بخش‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در بخشی از برنامه‌ها و تعاملات مسئولیت دارند. این برنامه‌ها عبارت از برنامه‌های پرورشی، برنامه‌های

پژوهشی، برنامه‌های مربوط به نیروی انسانی و رشد، تربیت و جذب نیروی انسانی و برنامه‌های مربوط به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و موضوع منابع و کتاب‌های درسی و آموزشی است که در این جلسه راجع به بخش مربوط به برنامه‌های سازمان پژوهش صحبت خواهیم کرد. روزی وجود داشت که هیچ ارتباطی بین روحانیت و حوزه نبود اما امروز روحانیت هم در مدارس و هم در کتاب‌های درسی، منابع آموزشی و پژوهش‌ها حضور دارد و هم امکان ایجاد مدرسه برایش فراهم شده است. فرصت خیلی مغتنمی ایجاد شده است. ان شاء الله این جلسه آغاز یک ارتباط مستمر خواهد بود.

اسناد بالادستی به عنوان نرم افزارهای تمدنی هستند

در ادامه این نشست دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش بیان کرد:

دیدار با آیت‌الله اعرافی یک خواسته درونی برای بنده و همکارانم بود و بنده خودم هم پیگیر بودم که زودتر نائل به زیارت حضرت ایشان شویم. بنده به جناب آقای اعرافی ارادت دیرینه و خیلی ریشه‌داری دارم و ایشان را از معماران نظام تعلیم و تربیت تحولی تلقی می‌کنم. برقراری ارتباط با حوزه بی بدیل علمیه قم که توسط آیت‌الله اعرافی اداره می‌شود برای ما از جمیع جهات مغتنم است. بنده به اسناد بالادستی که در وزارتخانه‌های مختلف از جمله در آموزش و پرورش تولید شده است به عنوان نرم‌افزارهای تمدنی نگاه می‌کنم. اگر ما بخواهیم به تدریج به سوی تمدن اسلامی ایرانی حرکت کنیم باید قواعد عمل را از این اسناد تحولی بگیریم. غیر از این‌ها محل رجوع و راه و چاره‌ای نداریم. اسناد بالادستی بالای سر ما است و ما باید تحت این اسناد بالادستی عمل کنیم، منتها در آموزش و پرورش با اسناد چند جور برخورد شد. برخی مخالف مفاد و محتوای این اسناد بودند. بعضی‌ها هم بی اعتنا بودند. برخی دیگر هم متمایل به سند بودند ولی متعهد به آن نبودند. اما آنچه که ما با سند تحول مواجهه داریم این است که اسناد تحولی مبنا هستند و برنامه‌های درسی بنا. اگر ما بتوانیم بنای برنامه‌های درسی را به بنای اسناد تحولی متصل کنیم و بتوانیم با شواهد، دلایل و مدارک بگوییم که برنامه‌های درسی تحولی از آن مادر متولد شده است، تا حد زیادی به مقصودمان رسیده‌ایم. ما در برنامه‌ریزی آموزشی دنبال این قاعده هستیم. الآن حدود دو سال است که حرکت به سوی انجام این راهبرد و عملیاتی کردن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای ما یک فرض مسلم، یک راهبرد اصلی و یک باور عمیق است.

بدون ارتباط با حوزه علمیه نمی‌توانیم به اهداف تحولی برسیم

ما برای تحقق هدفمان احتیاجاتی داشتیم که این احتیاجات تا حدودی برطرف شده است اما همچنان باقی است. یکی از احتیاجات ما این بود که ما باید با الهام از برنامه‌ریزی درسی یک الگوی ربط طراحی می‌کردیم و این الگوی ربط می‌توانست کمک کند که ما بنای مان را به مبنا متصل کنیم. این کار را تحت عنوان الگوی تدوین برنامه‌های درسی انجام دادیم. البته خود این الگو هم برای آینده به بلوغ احتیاج دارد.

نیاز دیگر ما این بود که از طریق هم‌اندیشی‌های متعدد با کارشناسان به یک ادبیات واحد می‌رسیدیم. اگر این ممکن نشود ما نمی‌توانیم حرکت کنیم. ما به یک مفاهمه علمی احتیاج داریم که برای اینکه این مفاهمه علمی انجام بگیرد حدود ۹ کارگاه آموزشی برای کارشناسان برگزار کردیم و در آنجا بحث و هم‌اندیشی کردیم و سعی کردیم به یک مفاهمه برسیم، چون در سازمان اگر مفاهمه برقرار نشود پیشرفت به سوی اهداف کار آسانی نیست.

کار سوم که به آن احتیاج داشتیم این بود که یک نظام ارتباطی معنادار، مؤثر و عمیق با حوزه‌های علمیه که جلوه و تجلی اصلی‌اش در حوزه علمیه قم است T برقرار کنیم. ما اگر با مراکز اعتقادی علمی مستقر در قم و یا در تهران ارتباط نداشته باشیم نمی‌توانیم به هدف‌های تحولی خودمان برسیم. باور بنده این است و باید این مسیر را محقق کنیم.

نمایندگان حوزه علمیه باید عضو نافذ شورای برنامه‌ریزی درسی باشند

رئیس سازمان پژوهش سپس خطاب به مدیر و نمایندگان حوزه علمیه قم گفت: شما عضو شورای برنامه‌ریزی درسی ما هستید اما تقاضا دارم که عضو نافذ باشید نه عضو معمولی. ما اگر برنامه‌های درسی تحولی را به یک پیکر تشبیه کنیم این پیکر یک روح دارد که روح این پیکر باید روح دینی باشد. باید مشخص کنیم که حضور دین در علوم، ریاضی، مطالعات اجتماعی، فارسی و دروس دیگر به چه معناست.

یکی از استلزاماتش این است که عضو محترمی که در شورا حضور دارد، ماهیت دروس را بشناسد. موضوع دیگر این است که این قبیل امور نیازمند سعه صدر، حوصله و استمرار است. در شورای برنامه‌ریزی درسی آدم‌ها با هم یکی نیستند و ممکن است در آن شورا یک تعدادی روحیه محاجه

خیلی قوی‌تری داشته باشند ولی آنچه که بنده یقین دارم این است که کارشناسان شورا طالب این هستند که حقیقت برایشان روشن شود و من فردی که مخل کار شورا شود را نمی‌شناسم.

رویکرد تحولی رویکرد تازه‌ای است

رویکردی که ما شروع کرده‌ایم رویکرد تازه‌ای است. حداقل در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی رویکرد تازه‌ای است. در حدود ۱۰ سال گذشته در سازمان پژوهش انصافاً زحمت زیادی کشیده‌اند و برای همه آن‌ها باید احترام قائل شویم اما خودشان اعتراف می‌کردند که ما برنامه‌ها را همسوسازی کرده‌ایم، در حالیکه همسوسازی مطلوب ما نیست و ما به دنبال این هستیم که موجودیت برنامه درسی را بر مبنای اسناد تحولی مبتنی کنیم.

ما نمی‌خواهیم فردا روز فقط به اسم تحول افتخار کنیم بلکه ما به رسم تحول محتاج هستیم. اسم تحول مشکل ما را حل نمی‌کند. آرزوی من این است که ما به محضر حضرت آقا برویم و بگوییم شما ۱۰ سال فرمودید سند تحول بنیادین عملیاتی نمی‌شود و ما به کمک این جمع به این خواسته شما عمل کرده‌ایم و این هم مرحله اول کار ما است. بعد اگر ما یک لبخندی بر چهره مبارک ایشان به‌عنوان یک انسان حکیم شاهد باشیم، مزدمان را گرفته‌ایم.

دو تأثیر روحانیت در آموزش و پرورش

در ادامه این نشست نوذری نماینده حوزه علمیه قم بیان کرد: روحانیت به دو نحو در آموزش و پرورش تأثیر گذاشته است. یکی اینکه به حوزه مبانی نظری ورود کرده و تأثیر گذاشته است و دیگری اینکه یک سری اصلاحات جزئی در کتب درسی یا نحوه آموزش به کمک روحانیت انجام گرفته است. اما اگر می‌خواهیم بعد از ۴۰ سال به جایی برسیم که نتیجه ملموسی در تربیت دانش‌آموزان دیده شود و دانش‌آموز تراز جمهوری اسلامی ایران تربیت شود باید به این مسئله یک نگاه دیگر داشته باشیم.

آموزش و پرورش بر یک سری مسائل و بنیان‌های علمی گذاشته شده است که بدون توجه به آن بنیان‌های علمی، حضور حوزه علمیه قم و اصلاحات جزئی که انجام می‌شود به جایی نخواهد رسید. بنابراین پیشنهاد من این است که نگاه ما به این همکاری یک نگاه بلند مدت باشد که ایده اولیه راجع به مسائل بنیانی با حضور نمایندگان حوزه علمیه تولید شود تا با روشن شدن این مسئله همکاری‌ها رنگ مشخص‌تری بگیرد.

وی ادامه داد: بنده پیشنهاد می‌کنم یک دبیرخانه در حوزه تشکیل شود و دوستان بیایند مسائل بنیادی را شناسایی کنند و درباره آن‌ها بحث کنند و بعد بتوانیم با سازمان پژوهش گفت‌وگو کنیم و از طریق گفت‌وگو اقعان کنیم. به هر حال آموزش و پرورش ساختار خودش را دارد و ما برای ثمربخشی این همکاری‌ها هیچ راهی جز اقعان سازی نخواهیم داشت.

ما ابتدا باید ایده را تولید کنیم و بعد چندین جلسه طولانی داشته باشیم. اگر این کارها انجام بگیرد و جلسات ما با صبر و حوصله برگزار شود، حوزه علمیه می‌تواند یک حضور جدی در آموزش و پرورش داشته باشد.

ظرفیت طلایی برای تأثیرگذاری حوزه در آموزش و پرورش

سیدمحمد تقی ابطحی موحدی نیز بیان کرد: برای تأثیرگذاری حوزه علمیه در آموزش و پرورش یک ظرفیت طلایی فراهم شده است و این تأثیرگذاری در تداوم خودش می‌تواند در آموزش عالی هم مؤثر واقع شود. اگر ما بتوانیم در این گام موفق شویم در حقیقت یک بستری را فراهم می‌کنیم که برای آموزش عالی هم ظرفیت تحول خوبی ایجاد شود.

جلسه اول ما با آقای دکتر ملکی ۶ مهرماه برگزار شد و در آن جلسه آقای دکتر ملکی گفتند چون راهنماهای برنامه درسی بنا است در ماه بهمن تصویب شود حتماً با کارشناسان جلسات مستمر داشته باشید، اما اولین جلسه گروه ما ۲۰ دی برگزار شد. به نظرم برای بستن این برنامه درسی تعجیل نداشته باشیم. می‌توان ۲-۳ ماه دیگر هم فرصت گذاشت تا بین نمایندگان یک اقعان به وجود بیاید.

در ادامه این نشست فقیهی به لزوم برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیق‌تر و مشخص شدن موضوع جلسات تأکید کرد و سپس امین‌الله زرگریان عضو گروه ریاضی گفت: اگر قرار باشد یک جمعی از افراد با یک ترکیب انضمامی در کنار هم قرار بگیرند که هر کس ساز خودش را بزند آن جمع به نتیجه نمی‌رسد. البته ما می‌خواهیم وحدت وجودی داشته باشیم که این وحدت هم فقط در اعتقاد ممکن است به وجود بیاید. یعنی شما که از طرف آموزش و پرورش هستید و ما که از طرف حوزه هستیم باید به یک چیز معتقد باشیم.

متأسفانه در عمل، از نظر روحانیت در گروه‌های مشورتی تدوین دروس استفاده نمی‌شود و حتی گاهی فرصت اظهارنظر به آنان داده نمی‌شود. ضمناً اگر در سازمان پژوهش انتظار داشته باشند که ما

فقط جهت دینی برنامه را لحاظ کنیم مسئله‌ای حل نمی‌شود. ما ادعا داریم که در اصل محتوا هم دخیل هستیم. اینکه بگویید دو دو تا چهار تای ما همین است و شما فقط بیاید یک حدیث به این کتاب اضافه کنید، جواب نمی‌دهد. اگر دوستان در سازمان پژوهش واقعاً جدی هستند تا ما هم به صورت جدی ورود کنیم.

سپس نورمحمدی عضو شورای تدوین سلامت و تربیت بدنی با بیان اینکه ما به دنبال این هستیم که از راه‌های مختلف به صراط مستقیم برسیم، اظهار داشت: ما برای اینکه یک کار خوب را انجام دهیم باید انگیزه خوب، طرح خوب و اجرای خوب داشته باشیم. این در حالی است که ما فعلاً فقط در انگیزه خوب مشترک هستیم و دو مورد دیگر را در حال حاضر نداریم و یا در حداقل ممکن داریم.

در اسناد بالادستی، اساساً نگاه دینی به شکل مورد نیاز به مباحث وجود ندارد و همین امر سبب می‌شود هر چقدر ما نمایندگان در شوراها بحث نماییم و دیگر اعضا را هم اقناع نماییم به علت مغایرت با اسناد بالادستی بی نتیجه می‌ماند.

من در جلسه ۶ مهر پیشنهاد دادم که هم پیشینه سازمان، هم اسناد بالادستی و هم کلیه لوازمی که وجود دارد را به عنوان نرم‌افزار در اختیار دوستان قرار دهید اما این اتفاق انجام نشد. اگر این نرم‌افزار آماده می‌شد و در قالب یک بخش کوچک در اختیار عزیزان قرار می‌گرفت بسیاری از دغدغه‌ها و شبهات حل می‌شد.

آیت‌الله اعرافی: حوزه علمیه در برابر آموزش و پرورش دارای‌های خوبی دارد

در ادامه این نشست حجت الاسلام و المسلمین اعرافی مدیر حوزه علمیه قم بیان کرد: مدیریت حوزه در چند سال اخیر وارد یک طراحی کلان در نظامات حوزه شده است که حاصل این طراحی‌ها عبارت است از ۲۰ سند راهبردی بلندمدت و یک برنامه ۵ ساله با ۴۰ مضمون و ۹۰۰ برنامه که در ذیل این ۹۰۰ برنامه و طرح حدود ۲۰۰ طرح بسیار مهم و شاید ۱۰۰ طرح تحولی اساسی طراحی شده است.

برای اولین بار است که یک منظومه فکری به شکل نظام‌مند و البته نسبی در قالب اسناد بالادستی بلندمدت، سند میان‌مدت و ۵ ساله اول حوزه و ده‌ها طرح کلیدی، بزرگ و مهم به انجام رسیده است و یا برخی از آن‌ها مراحل میانی و نهایی خود را طی می‌کند. البته ما در این مسیر اقدامات

گوناگون، متعدد و فراوانی را در قم و سایر استان‌ها آغاز کرده‌ایم و در استان‌ها تأکیدمان بر واسپاری اختیارات و ارتقای استان‌ها در پاسخگویی به نیازهای خود استان‌ها بوده است.

طرح درختواره رشته‌های حوزه به‌عنوان یکی از نمونه طرح‌هایی که در ذیل اسناد قرار دارد؛ با کار سه ساله و مشارکت ۶۰۰ استاد و کارشناس در حوزه و ۵۰ جلسه‌ی شورای گسترش و ده‌ها جلسه کارشناسی، برای اولین بار آماده شده است که در این درختواره ۱۶ حوزه‌ی دانشی تعیین شده و ذیل این ۱۶ حوزه دانشی حدود ۴۰۰ رشته گرایش در مقاطع مختلف مشخص شده است و به دنبال آن سرفصل نویسی، یافتن منابع، طراحی‌های اجرایی و نقشه راه برای اجرای بین ۱۰ تا ۲۰ سال، آن هم نه فقط با تکیه بر مراکز مستقیم خود حوزه بلکه با همه نهادها، در حال طراحی است.

یک نمونه دیگر طرح آمایش حوزه است. آمایش حوزه هم تقریباً همین وضع درختواره را دارد. این طرح طی ۴ سال با جمع‌آوری اطلاعات از همه نهادهای فرهنگی کشور و تعیین کارویژه‌های حوزه و روحانیت انجام شد و از میان ۲۰۰ کارکرد ریز و درشت روحانیت در عصر جدید ۵۰-۶۰ مورد برجسته شد. این طرح یک نوع اعلام آمادگی اولیه حوزه است که چنانچه شرایط فراهم شود ما می‌توانیم هم در تربیت نیرو و هم در تولید محتوا اقدام کنیم.

در ذیل آمایش، طرح ارتباط نظام‌مند حوزه با نهادها و دستگاه‌هایی است که با قلمروهای کارویژه‌ها در ارتباط هستند. در این نظام ارتباطی هم تفاهم‌نامه مقصد نیست. با هر جایی که وارد کار می‌شویم هدفمان این است که به یک برنامه ۵ ساله برسیم که پیوست برنامه حوزه علمیه با نهادی باشد که با آن همکاری می‌کنیم. یک دبیرخانه هم ایجاد می‌کنیم که کار را دنبال کند. در ۲۰ دستگاه این کار قدم به قدم جلو می‌رود. یک نمونه‌اش آن چیزی است که در آموزش و پرورش رقم خورد.

ما یک سال و نیم قبل در اواخر دوره وزیر سابق آموزش و پرورش با همین نگاه و رویکرد به یک برنامه ۵ ساله رسیدیم و ستاد همکاری حوزه و آموزش و پرورش مسئول این برنامه شد. این برنامه ۴۰ محور دارد. این جلسه که امروز تشکیل داده‌ایم درباره یکی از آن ۴۰ محور است. در آن برنامه یک بخشی حوزه‌های عمیق‌تری است که باید در طول زمان پایه‌ریزی شود. شاید ۳۰-۴۰ رشته از مجموعه درختواره با حوزه آموزش و پرورش ارتباط دارد و این‌ها باید گام به گام فعال شود تا به محورهای متعدد دیگر برسد.

حوزه علمیه در برابر مسائل تعلیم و تربیت و مشخصاً نظام آموزش و پرورش، بعد از ۴۰ سال داری‌های خوبی دارد. در بخش‌های مختلف اعم از کتاب، مقاله، نظریه، آثار، پایان‌نامه، رشته و امثال آن یک منظومه‌ای از دستاوردها و داشته‌ها فراهم شده است و همین‌طور در حوزه‌های فرهنگی، تبلیغی،

ارتباطی و تعاملی یک سرمایه‌هایی اندوخته شده که کم نیست. اما اگر کسی از بنده به‌عنوان کسی که در ۴۰ سال گذشته تقریباً هیچ روزی را بدون توجه به مسائل آموزش و پرورش سپری نکرده‌ام؛ سوال کند، می‌گویم که بله نقص‌های متعددی در کار خود حوزه وجود دارد. همان‌طور که در سوی دیگر هم طبیعتاً نقص‌های متعددی وجود دارد.

حضور روحانیت در آموزش و پرورش عالمانه و سنجیده باشد

اولاً ورود ما در این عرصه باید عالمانه، مبتنی بر نگاه علمی و فکر و معرفت و نظریه باشد. ثانیاً این ورود همراه با دقت به این نکته باشد که دوستان با عنوان حوزه علمیه در این صحن و نقش حضور پیدا می‌کنند که این دقت‌ها و مراقبت‌های خودش را دارد. سوم اینکه از نظر بنده هم این حضور باید یک حضور موثر، نافذ، دلگرم‌کننده و معطوف به نتیجه باشد.

من بارها در طرح امین و طرح‌های گوناگون مرتبط با آموزش و پرورش که دائماً در حال افزایش است تاکید کرده‌ام که حضور روحانیت اگر عالمانه، حکیمانه و متناسب با آموزش و پرورش نباشد، مفید نیست و حتی گاهی اوقات عدم حضور بهتر از حضور نسنجیده است. لذا حضور روحانیت در هر بخشی از آموزش و پرورش و همین‌طور دانشگاه و امثالهم باید حضور عالمانه و سنجیده‌ای باشد. سهم بانوان در آموزش و پرورش باید افزایش یابد و از نظرات آنان به ویژه در مسائل اختصاصی دانش آموزان دختر استفاده بیشتری شود.

این دبیرخانه باید نیازها و اقتضائات کار را روشن کند تا بینیم حوزه علمیه و خود سازمان پژوهش در بحث پشتیبانی باید چه کارهایی انجام دهند. اگر کار بنا است ادامه داشته باشد این جمع نمایندگان در حوزه برنامه‌ریزی درسی بایستی برای خودشان هم یک برنامه‌ی یک، دو یا سه ساله در کارهای آینده داشته باشند.

جمع‌بندی

در پایان نشست دکتر حسن ملکی جمع‌بندی خود از سخنان مطرح شده را این گونه تشریح کرد:
من در همین جلسه احساس کردم که ما داریم در مسیرمان پیش می‌رویم و حرکت‌مان رو به جلو است. دلیلش هم این است که راهی که آغاز کرده‌ایم هم راه جدیدی است و هم طولانی است. طبیعی است که در چنین راهی که هم نو است و هم طولانی است، قدم‌های اول باید لرزان باشد. فلذا

من فرمایشات سروران محترم را کاملاً طبیعی می‌دانم. شما وارد شورایی شده‌اید که در آن بحث‌های جدیدی مطرح می‌شود. بنابراین درخواستم این است که سعه صدر داشته باشیم و مسائلی که پیش می‌آید مایوس مان نکنند.

نکته دیگر این است که ما یک جبهه هستیم و با هم می‌خواهیم برنامه‌های تحولی را پیش ببریم. یعنی ما این طرف نیستیم و شما آن طرف. ما مشترکاً می‌خواهیم یک مسئله را حل کنیم و آن مسئله این است که برنامه‌های درسی را با رویکرد دینی ولی با ملاحظات علمی و استدلالی محقق کنیم. این کار مشترک ما است. در این کار مشترک مسائل ما هم مشترک است و باید این مسائل را با هم حل کنیم.

بحث علم دینی هنوز مسئله ما است. بنده اطلاع دارم و شما مستحضر هستید که بحث علم دینی در مقالات تبیین شده است ولی به طور ساختاری پای سفره آموزش و پرورش نیست. بنده به عنوان یک خدمت‌گذار در سازمان پژوهش برای همکاری با حوزه علمیه قم کاملاً جدی هستم. کاملاً جدی و صادقانه وارد این عرصه شده‌ایم و از شما هم صمیمانه تشکر می‌کنم.





نشست دکتر ملکی با آیت الله میرباقری

نشست دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری عضو مجلس خبرگان رهبری روز ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ در شهر قم برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر ملکی درباره اهمیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: در کل کشور یک جا به نام سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد که برنامه‌های درسی و مواد آموزشی اول ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را طراحی، تدوین و چاپ می‌کند. بنابراین این سازمان در نوع خودش جای منحصر به فردی است.

برنامه‌های درسی وسیله‌ای هستند که اهداف تربیتی ما را می‌توانند محقق کنند تا ما ان شاء الله به هدف متعالی خودمان که تمدن اسلامی است برسیم. ما رسیدن به تمدن اسلامی را به‌عنوان یک هدف کلی‌تر تلقی می‌کنیم، هر چند هدف غایی ما این است که بتوانیم سوق دادن دانش‌آموزان به صراط مستقیم را دنبال کنیم که کار پیچیده و سختی است اما چیزی نیست که ما بتوانیم به آن کم اعتنا یا بی اعتنا باشیم.

در سال‌های گذشته برای تحول برنامه‌های درسی یک اقداماتی را در کشور و در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام داده‌اند و تلاش‌هایی را کرده‌اند، منتها یک اقدام مانده بود و آن را بنده و همکارانم می‌خواهیم تا جایی که مقدور است عملیاتی کنیم. آن اقدام این است که برنامه‌های درسی ما بر مبنای اعتقادی، فلسفی و اجتماعی ما مبتنی شوند.

بنا داریم برنامه‌های درسی را بر مبنای سند تحول مبتنی کنیم

نسل قبلی که سازمان پژوهش و آموزش و پرورش را اداره می‌کردند به همسوسازی برنامه‌های درسی با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش معتقد بودند و خودشان اظهار می‌کردند که ما قصد نداشتیم برنامه‌های درسی استنتاج شده از سند تحول باشند. این در حالی است که ما بنا داریم برنامه‌های درسی را بر یک مبنا مبتنی کنیم که این مبنا همان سند تحول بنیادین است. البته سند تحول بنیادین هم بدون مشکل نیست ولی فعلاً تنها سند قابل رجوع برای ما است.

برنامه‌های تحولی سازمان براساس الگوی فطرت‌گرایی توحیدی اتفاق خواهد افتاد و روی الگوی فطرت‌گرایی توحیدی فکر و تلاش زیادی شده است ولی ما همچنان به سه چیز احتیاج داریم که آن سه عبارتند از علم، معلم و عالم. این سه مانند اضلاعی هستند که وجود هر سه آن‌ها در کنار هم یک مثلث را تشکیل می‌دهد. طبیعتاً نبود یکی از آن‌ها مثلث را از بین می‌برد.

ما صحبت علم دینی را در کشور خودمان زیاد کرده‌ایم اما چند سؤال وجود دارد. آیا علم دینی از جهت تولیداتی که الآن وجود دارد کفایت لازم را می‌کند که ما خیال‌مان راحت باشد و بگوییم الحمدلله تکلیف علم دینی در کشور ما حل شد؟ در علم دینی کدام نظریه و کدام تئوری می‌تواند جای خودش را در آموزش و پرورش باز کند؟ در علم دینی دیدگاه‌ها و رویکردهای متعددی وجود دارد. ما کدام دیدگاه و رویکرد را باید پای سفره تعلیم و تربیت بیاوریم؟ پاسخ این سؤال‌ها باید برای ما روشن شود.

درباره موضوع معلم مسئله‌های زیادی داریم. هنوز دل‌مان آرام نیست که اگر برنامه‌های درسی‌ای کاملاً مطمئن و مبتنی بر فلسفه اسلامی خودمان طراحی کردیم؛ معلمانی داریم که آن را می‌خواهیم درست اجرا کنند. هنوز در این زمینه در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها نقص داریم. استحضار دارید که اگر معلم نباشد بهترین متن آموزشی، یک متن صامت است. معلم است که آن را اصطلاحاً به نطق می‌آورد و پرورش می‌دهد. ما نیروی انسانی مؤثری که برنامه‌های درسی از طریق او به دانش‌آموز منتقل شود را تا یک حد و اندازه‌ای داریم اما کفایتش هنوز محقق نشده است.

اما ضلع عالم، این ضلع در جهات مختلف می‌تواند برای ما بسیار الهام‌بخش باشد. ما اعتقاد داریم که برای تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و حتی برای الهام‌گیری برنامه‌ریزان و طراحان درسی، وجود علمای عالی مقام و مزکی لازم است و آنان سرمایه‌های بی‌بدیلی هستند که جایگزین ندارند.

آغاز تولید بسته‌های تربیت و یادگیری از سال ۱۴۰۰

برنامه‌های تحولی سازمان در حال حاضر در مرحله طراحی عناصر برنامه‌های درسی است و طبیعتاً در آغاز سال ۱۴۰۰ یک فضای دیگری به نام تولید بسته‌های تربیت و یادگیری ایجاد خواهد شد. بسته‌های تربیت و یادگیری قرار است جایگزین کتاب‌های درسی شوند. البته کتاب درسی قابل حذف نیست ولی در بسته‌های تربیت و یادگیری همراه با آن اجزا و عناصر دیگری هم خواهد آمد. تجربیات و هدف‌های تربیتی تحولی این را به ما نشان داده است که فقط کتاب درسی کفایت نمی‌کند و همراه با کتاب درسی باید فرصت‌های تربیتی دیگری را هم فراهم کنیم. کتاب درسی اهمیت دارد اما هدف‌های تربیتی در این ظرف محدود نمی‌گنجد. باید در کنار آن در فکر فرصت‌های متعدد و مواد آموزشی کمکی دیگر هم باشیم اما این‌ها منجسم و با هم یکپارچه باشند. به خاطر انسجامی که وجود دارد عنوان بسته تربیت و یادگیری را روی این مواد آموزشی گذاشته‌ایم.

الآن مرحله طراحی بسته‌های تربیت و یادگیری رو به اتمام است و مرحله تدوین بسته‌ها می‌خواهد آغاز شود. البته آن بسته‌ها ادامه همین طراحی‌اند اما با این تفاوت که بسته‌ها قرار است وارد مدارس شوند.

ما در این فضای تحولی به شنیدن رهنمودهای دینی، رهنمودهای برخاسته از فلسفه اسلامی و رهنمودهای تربیتی آمیخته به اندیشه دینی احتیاج داریم.

باید انسان‌های در تراز انقلاب اسلامی تربیت کنیم

در ادامه این نشست حجت‌الاسلام و المسلمین میرباقری درباره برنامه‌های تحولی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد:

همان‌طور که اشاره کردید سند تحول بنیادین فاقد نقص نیست ولی شاید تنها سندی که بین بنیان‌های آن با تربیت رسمی یک ارتباط حقیقی برقرار شده همین سند است. بنابراین ایده سازمان که کتب درسی را مبتنی بر این سند تدوین می‌کند ایده خوبی است. مسیر شما مسیر حساب شده و فکر شده‌ای است و به خصوص اگر با الگوی فطرت‌گرایی همراه شود تقریباً کامل می‌شود. در کشور ما از یک طرف امثال شهید سلیمانی و شهید حججی تربیت می‌شوند و از طرفی دیگر هم سلبریتی‌ها تربیت می‌شوند. این یک چالش هویتی جدی در جامعه است. بنابراین ما در تربیت نسل جدید هم از زاویه هویت، هم از زاویه تفکر و دانش و هم از زاویه کارکرد و مهارت‌های عملی باید تلاش کنیم به سمت خلوص هویت دینی و هویت اسلامی خودمان حرکت کنیم و لایه هویت غربی را حذف کنیم.

انسان در تراز انقلاب و تمدن اسلامی، انسانی است که هویتش را متعلق به اسلام می‌داند نه هویت متعلق به جامعه جهانی مدرن. شما شهید حججی را هر چه زیر و رو کنید احساس تعلق به جامعه مدرن در او نمی‌بینید. بعضی از سلبریتی‌ها هم ممکن است احساس تعلق به هویت اسلامی داشته باشند ولی بعضی از آن‌ها این احساس تعلق را ندارند. علوم تربیتی ما اگر انسانی شود به ما کمک می‌کند که ما خلوص در هویت ایجاد کنیم.

انسان ایرانی و انسان غیر تمدن اسلامی باید در مقابل غرب احساس عزت کند و در مقابل تحقیرشدگی که بر ما تحمیل شده بود و حتی گاهی هویت مذهبی خودمان را عامل حقارت خودمان می‌دانستیم، ایستادگی نماید و احساس شکوه کند که مسلمان است و عضو انقلاب اسلامی است. این احساس ایجاد شد اما الآن شیب منفی پیدا کرده و دوباره جریان غرب‌گرایی دارد به وجود می‌آید.

نگاه به دین باید نگاه حداکثری باشد

ما باید یک نظام فکری ایجاد کنیم که دانش‌آموز درگیری حق و باطل در تاریخ را بر محور توحید و بر محور انبیای الهی بفهمد. به لحاظ علمی، محتوایی که به آنان ارائه می‌دهیم؛ علم دینی باشد.

یعنی تمام علوم تجربی و علوم نظری ذیل وحی شکل بگیرند. ما در مرحله نظام فکری می‌توانیم اسناد و متون آموزشی‌ای را تولید کنیم که تلقی از دین را در نگاه مخاطب ما روشن کند تا نگاه آن‌ها از یک دین حداقلی به دین حداکثری ارتقا پیدا کند. اما در حوزه علوم اگر بتوانیم کار کنیم به شکل حداقلی است چون بسترها و زیرساخت‌هایی که به تولید متون درسی مبتنی بر دین منتهی می‌شود، آماده نشده است. البته در بعضی از رشته‌های علوم انسانی می‌شود یک کاری کرد اما واقعاً در این زمینه هنوز در آغاز راه هستیم.

در حال حاضر این امکان وجود دارد که نگاه انتقادی به غرب و علم غرب را گسترش داد. یعنی دانش‌آموز ما به جای اینکه فریفته باشند، نگاه انتقادی داشته باشند. این قابل انتقال است. الآن شما می‌توانید پیوست‌هایی در همین متون درسی بنویسید که دانش‌آموز وقتی این متون را می‌خواند احساس حقارت نکند و نگاه انتقادی داشته باشد. شما می‌توانید دانش‌آموزی را تربیت کنید که بعدها او را برای تولید علم دینی در پژوهشگاه‌هایتان به کار بگیرد.

ما به لحاظ مهارت‌ها هم باید دانش‌آموزی را تربیت کنیم که توان درگیری در میدان حیات اجتماعی را داشته باشد و رابطه بین اندیشه و عمل اجتماعی او برقرار باشد.

من احساس می‌کنم آن‌هایی که متون آموزش و معارف دینی را در این دوره ۱۸ ساله تنظیم می‌کنند، نگاه‌شان به دین تقریباً حداقلی است. یک درک روشن ندارند. نگاه‌شان به غرب هم نگاه غربی نیست. غرب را به صورت یک مجموعه به هم پیوسته که دارای بنیان ایدئولوژیک و فلسفی است نمی‌بینند و حداکثر دنبال مدرنیته اسلامی هستند. اکثر متونی که من می‌بینم اینگونه است. باید تلاشی صورت بگیرد که این گلوگاه‌ها از این تفکر نجات پیدا کند.

سازمان پژوهش از مهم‌ترین مراکز کشور است

مقیاس کار ما در ایجاد تحول باید خیلی با توجه به شرایط کنونی و با تیزهوشی انتخاب شود. دشمن دارد فضای دگرگونی را با فضای مجازی تغییر می‌دهد و جهان را وارد یک فضای جدیدی می‌کند. به نظر من می‌خواهند همه را از عالم حس بمیرانند و در عالم تخیل احیا کنند. این یک طرح بزرگ است که ما داریم عقب می‌افتیم. البته خوبی‌اش این است که ما در حکمرانی مجازی خیلی از دشمن عقب نیستیم چون هنوز آن‌ها خودشان را زیاد شکل نداده‌اند و به نظر من در حرکت به سمت حکمرانی مجازی ناچار به یک سزارین شده‌اند.

اگر فضای حکمرانی مجازی شکل بگیرد مقیاس همه این بحث‌ها عوض می‌شود. نمونه‌اش طرح

۲۰۳۰ است که ادامه طراحی آموزش رسمی در جهان است و سخت‌ترین مرحله نفوذ قدرت در علم است. شما گفته‌اید این طرح اجرا نشود اما با سوءاستفاده‌ای که از شرایط موجود و آموزش مجازی کرده‌اند بدتر از طرح ۲۰۳۰ دارد محقق می‌شود. ۱۴ میلیون نفر به این فضا برده شده‌اند و بعد می‌خواهیم یک مرکز خیریه راه بیندازیم تا به دست جوانان تبلت بدهیم و اسمش را هم می‌گذاریم خدمت. این‌ها را می‌خواهید چه کار کنید؟ از این طریق آموزش دارد به یک سمت دیگری می‌رود. تحول ما باید متناسب با تحولاتی که اتفاق می‌افتد باشد و الا عقب می‌افتیم.

دکتر حسین سوزنچی سرپرست دفتر تالیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری، سیدسعید بدیعی مدیرکل حوزه ریاست و ابوالفضل خادیمان مشاور رییس سازمان پژوهش نیز در این نشست حضور داشتند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



دیدار

دکتر ملکی

با

آیت اللہ

حسینی بوشہری



دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با همراهی جمعی از مدیران سازمان، با آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، مدرس حوزه علمیه قم و نماینده مجلس خبرگان دیدار کردند.

در ابتدای این جلسه که در قم برگزار شد، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اظهار داشت:

مسئولان محترم سازمان در سال‌های گذشته تلاش‌هایی کردند که ان‌شاءالله از خدای متعال اجرشان را بگیرند ولی آنچه که اتفاق نیفتاد این بود که بنا بر مبنا استوار نشد. برنامه‌های درسی ما بناهای متعددی هستند که باید به طور مشخص بر مبانی فلسفی، اجتماعی و سایر مبانی سند تحول بنیادین مبتنی شوند. بنده زمانی که به سازمان آمدم تصمیم گرفتم که این کار معوقه را به کمک همکارانم انجام دهم زیرا اعتقاد داریم که اگر برنامه‌های درسی بر آن مبانی استوار نشوند تحول معنا پیدا نمی‌کند.

شوراها و کمیته‌های مختلفی در راستای این امر تشکیل شده است؛ ما یک الگوی تدوین برنامه درسی مبتنی بر فطرت‌گرایی توحیدی طراحی کردیم و برای کارشناسان کارگاه گذاشتیم و مرحله به مرحله پیش رفتیم. بر این اساس در یازده حوزه تربیت و یادگیری، راهنماهای برنامه درسی، یعنی نقشه‌های راه را طراحی کردیم. این اسناد را به شورای عالی آموزش و پرورش ارسال کرده‌ایم و اکنون منتظر هستیم که راهنماها را در آن شورا بررسی و تصویب کنند و به ما برگردانند تا ما بتوانیم بر آن اساس، بسته‌های تربیت و یادگیری را به طور تدریجی و آزمایشی شروع کنیم.

ما همراه با این حرکت بنیادین، یک سری اقدامات مربوط به کتاب‌های درسی را هم فراموش نکرده‌ایم. مقام معظم رهبری حدود سه سال قبل فرمودند این تحول که می‌خواهید شروع کنید خوب است ولی چند سال طول می‌کشد بنابراین شما باید معارف انقلاب اسلامی را در کتاب‌های درسی فعلی بیاورید. این کار را هم شروع کرده‌ایم و اکنون محتواهای درسی قریب به ۳۰ عنوان کتاب درسی ما، معارف انقلاب اسلامی به معنای خاص کلمه است و مسائلی مانند ریشه‌های انقلاب، خدمات انقلاب، دشمنان انقلاب و مسئله اسناد لانه جاسوسی را در کتاب‌ها آورده‌ایم.

ما از طریق نصب رمزینه‌های سریع پاسخ یک سری محتواهای تکمیلی را به کتاب‌های درسی اضافه کرده‌ایم، به گونه‌ای که دانش‌آموز در هر درس و در هر فصل آن درس می‌تواند به یک سری محتواهای تکمیلی و نو که متناسب با اوضاع و احوال کنونی است دسترسی پیدا کند.

آموزش و پرورش، پایه و اساس مجموعه نیروی انسانی کشور است

در ادامه این جلسه، آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، مدرس حوزه علمیه قم و نماینده مجلس خبرگان با اشاره به اینکه در آستانه شهادت حضرت جواد الائمه (ع) هستیم، بیان کرد:

امام جواد (ع) می‌فرمایند مؤمن به سه ویژگی نیازمند است. ویژگی اول این است که مشمول مدد و توفیق الهی گردد. ویژگی دوم این است که انسان خود واعظ خود باشد و ارزیابی و آسیب‌شناسی از خودش باشد. سومین ویژگی هم این است که گاهی انسان در موعظه خودش حالت غنا پیدا نمی‌کند و نیازمند استاد و راهنما است تا او چراغ راه انسان شود. بنابراین ویژگی دیگری که مؤمن باید داشته باشد این است که موعظه دیگران نسبت به خودش را با جان و دل بپذیرد.

ما حقیقتاً آموزش و پرورش را پایه و اساس نیروی انسانی کشور می‌دانیم. گام‌هایی که عالی‌ترین شخصیت امروز کشور برداشته از آموزش و پرورش شروع شده و در مورد فقها، مراجع، دانشمندان هسته‌ای و سایر دانشمندان و مخترعان نیز به همین ترتیب بوده است. بنابراین فونداسیون کار منابع انسانی ما آموزش و پرورش و مجموعه تعلیم و تربیت است. در نتیجه اگر همه اضلاع آموزش و پرورش یک کشور، درست، به جا، سنجیده و براساس عقلانیت و خواست خدا باشد، طراحی و برنامه‌ریزی شود مطمئن باشید که خروجی آن تشکیل جامعه صالح خواهد بود.

کار شما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کار بسیار سنگینی است منتها برای کار سنگین باید مایه گذاشت. به روزمرگی و باری به هر جهت گذراندن، ره به جایی نخواهد برد هرچند این در قاموس شما و همکاران شما نیست. اینکه می‌فرمایید ۱۰ سال از سند تحول گذشته و هنوز عملیاتی نشده، دلیلش این است که کارهای روزمره بر کار بنیادینی به نام تحول، مقدم داشته شده است.

عملیاتی کردن سند تحول مهم‌تر از خود تدوین سند است

برای تدوین سند تحول بنیادین وقت زیادی گذاشته شد و حوزه، دانشگاه و مراکز مختلف نظر دادند تا به اینجا رسید بنابراین برای عملیاتی کردن آن یک سال تعلل زیاد بود چه برسد به ۱۰ سال. البته می‌دانم که اجرای درست سند تحول کار ساده‌ای نیست و چه بسا اگر سند تحول درست اجرا نشود آثار سلبی آن بیش از وضع موجود ما باشد. بنابراین طراحی اجرایی هم کار بسیار مهمی است و بنده حتی معتقدم که عملیاتی کردن سند تحول مهم‌تر از خود تدوین سند است.

فلاسفه بحث قشنگی دارند که اسلام آن را تکمیل کرده است، بعضی از فلاسفه معتقدند که سعادت جامعه با قانون مترقی تأمین می‌شود و عده دیگری معتقدند که اگر مجریانی صالح در یک جامعه باشند سعادت جامعه تأمین خواهد شد. اما نگاه اسلام تک ضلعی نیست بلکه سه ضلعی است. در اسلام، هم قانون باید مترقی باشد، هم مجریان باید صالح باشند و هم گروه هدف خواهان این

قانون مترقی باشند و به استقبال مجریان صالح بیایند. بنابراین گروه هدف آموزش و پرورش که همان دانش‌آموزان هستند نیز باید توجیه شوند و در فضای آموزش قرار گیرند. در کشور ما رشته علوم انسانی در خط آخر قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان کمتر سراغ این رشته می‌روند، در حالیکه در دنیای استکبار روی علوم انسانی حساب باز می‌کنند. نیروهای فارغ‌التحصیل و استعدادهای برتر ما را برای کارهای فنی و اجرایی خودشان جذاب می‌کنند ولی خودشان در اتاق‌های فکر مشغول طراحی هستند و این ره‌آورد همان بحث‌های علوم انسانی است.

سند تحول بنیادین یک اتمام حجت است

بنده فکر می‌کنم سند تحول بنیادین یک اتمام حجت است. هم مورد تأیید مقام معظم رهبری رسیده و هم خیرخواهانی مثل شما و همکاران‌تان و نیز حوزویون و دانشگاهیان برای آن وقت گذاشته‌اند. بنده فکر می‌کنم قانون مترقی است و مجریان هم ان‌شاءالله صالح‌اند بنابراین اگر پیوند بین قانون و اجرا حاصل شد و طراحی اجرا منطبق بر این بنا و مینا شد و دانش‌آموزان و معلمان هم توجیه شدند، ان‌شاءالله نتیجه لازم از اجرایی شدن سند تحول حاصل خواهد شد. بنده ضمن تشکر از حرکت خوب و تلاش قابل تقدیر شما عرض می‌کنم که جوانب مختلف قصه را رصد کنید به طوریکه یک گوشه خالی باقی نماند مگر اینکه از دید تیزبین شما رد شده باشد. اگر این اتفاق افتاد، نتیجه کار نتیجه مبارکی است.

در پایان این نشست دکتر حسن ملکی خطاب به آیت‌الله بوشهری حسینی بیان کرد:

ما این اطمینان را به حضرتعالی می‌دهیم که با کمک کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در همین مسیری که ترسیم فرمودید و در مدار تحولی که مقام معظم رهبری از سازمان پژوهش و آموزش و پرورش انتظار دارند، حرکت کنیم و ان‌شاءالله کار را به سرانجام برسانیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



بازدید

دکتر حسن ملکی

از مرکز تربیت معلم مبلغ

و مرکز تحقیقات کامپیوتری

علوم اسلامی (نور)



بازدید دکتر حسن ملکی از مرکز تربیت معلم مبلغ

دکتر حسن ملکی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به همراه تعدادی از مدیران و معاونان این سازمان در سفر به قم با رئیس مرکز تربیت معلم مبلغ حوزه‌های علمیه و جمعی از اساتید و مدیران حوزه علمیه قم دیدار کرد.

حجت الاسلام و المسلمین محمد اسماعیل عبداللهی رئیس مرکز تربیت معلم مبلغ حوزه‌های عملیه بیان کرد:

با گذشت ۴۰ سال از انقلاب هنوز مناسباتی بین حوزه و آموزش و پرورش طراحی نشده است. این در حالی است که در حوزه ظرفیت‌های بسیار خوبی از نظر پژوهشی و علمی و... وجود دارد که از آن غفلت شده است و نتوانسته‌ایم برای پیشبرد اهداف نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش از آن استفاده کنیم.

در دوره مدیریت آیت‌الله اعرافی شاهد ارتقای مناسب بین دو نهاد و استفاده از ظرفیت‌های آن بودیم که از جمله، راه اندازی این مرکز بوده است.

این مجموعه از زمان افتتاح، توانسته بارقه امید زیادی در دل طلاب در عرصه نظام تعلیم و تربیت ایجاد کند، تا بتوانند در امر پیاده‌سازی نظام تربیتی مبتنی بر دین و اسلام قدمی بردارد که یکی از آن موارد در آموزش و پرورش است.

همه تلاش ما در این مرکز این است با تربیت طلاب معلم مبلغ بتوانیم گام‌های خوبی در عرصه نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش برداریم. این حرکت در این مرکز شروع شده و روز به روز شاهد اتفاقات بهتری در اینجا هستیم.

دغدغه‌های مرکز تربیت معلم مبلغ

در این مرکز چند دغدغه داریم. از جمله آنکه "جریان سازی حرکت معلم به معلم مبلغ" برای همه افرادی که به نظام تعلیم و تربیت معلم دغدغه‌مند هستند. بر این اساس هر معلم باید خودش را در نقطه‌ای بداند که مؤظف است در امر تبلیغ دین، الگو باشد. یکی دیگر از دغدغه‌های ما این است بتوانیم در عرصه "جذب طلاب مستعد در بحث تعلیم و تربیت و تحول در این نظام" گام‌های بهتری برداریم و با جذب این افراد، آن‌ها را به عنوان معلم مبلغ تربیت وارد آموزش و پرورش کنیم تا آنها هم بتوانند با ظرفیت و استعدادی که دارند نظام تعلیم و تربیت آموزش و پرورش را متحول و عرصه جدیدی در بحث تربیت تبلیغ نوین باز کنند. در این رابطه تلاش ما این است بهترین و مستعدترین افراد شناسایی و جذب شوند، چرا که معتقدیم طلاب مستعد به دنبال کار تربیتی تبلیغ نوین هستند. تلاش دیگر ما این است با جذب مستعدترین طلبه‌ها در این مرکز حرکتی در بحث تعلیم و تربیت در تعامل با آموزش و پرورش به وجود بیاوریم و این امر زمانی میسر می‌شود که همه مسئولین مختلف آموزش و پرورش با حوزه همکاری کنند.

تأکید بر همکاری بین سازمان پژوهش و مرکز تربیت معلم مبلغ

کاری که امروز در مرکز تربیت معلم مبلغ آغاز شده یک حرکت ابتدایی است. این حرکت پایگاهی است که امروز همه حوزویان دغدغه‌مند عرصه‌ی تعلیم و تربیت را در خودش جمع کرده است، بنابراین بنده با اکتفاء بر دو هزار طلبه مرتبط با حوزه کاری آموزش و پرورش و ظرفیتی که از استعداد های حوزوی می‌شناسم، اعلام آمادگی می‌کنم که با جان و دل در حرکت تحولی سازمان پژوهش به شما کمک کنیم.

اینجا حوزه علمیه قم است و در اینجا علما و اساتید بزرگواری وجود دارند که بدون هیچ منت و توقع آمادگی دارند برای نظام تعلیم و تربیت حکومت اسلامی جان فدا کنند.

در ادامه این نشست دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش درباره بازدید از پردیس تربیت معلم مبلغ بیان کرد:

بی تردید حضور نمایندگان سازمان پژوهش در این مرکز به مثابه آغاز همکاری‌های مفید و موثری بین سازمان پژوهش و مرکز تربیت معلم حوزه علمیه قم خواهد بود. آنچه که برای بنده به عنوان عضو جامعه تعلیم و تربیت و مسئول سازمان پژوهش خوشحال‌کننده است، تلاش‌های هدفمند بسیار مؤثر و صادقانه حضرت آقای عبداللهی است که بنده خبر دارم برای اینکه این تشکیلات نهادینه شود و پا بگیرد، ایشان چقدر در عرصه‌های مختلف از جمله برقراری ارتباط با نهادها و شخصیت‌های مؤثر در کار تلاش می‌کنند و امیدوارم اجرشان را از خدای متعال دریافت کنند.

دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه مأموریت‌مدار است

دانشگاه فرهنگیان به مثابه درختی است که شاخه‌های آن در قالب پردیس‌های مختلف در استان‌های ما پخش شده و ما امروز بر روی یک شاخه‌اش، یعنی شاخه مربوط به پردیس فرهنگیان حوزه محترم علمیه نشستیم که البته این شاخه خوش‌نمایی است و بی تردید میوه‌ای که بر روی این شاخه ظاهر خواهد شد با سایر میوه‌های این درخت متفاوت خواهد بود. دانشگاه فرهنگیان که در اصل یک دانشگاه مأموریت‌مدار است، از جهت ماهوی با همه

دانشگاه‌های موجود در کشور متفاوت است و البته دانشگاه شهید رجایی که بیشتر در حوزه فنی و حرفه‌ای فعالیت می‌کند نیز در کنار دانشگاه فرهنگیان قرار می‌گیرد. موجودیت و مأموریت دانشگاه فرهنگیان، با غایت و نهایت نظام جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده است. یعنی اگر ما این را بپذیریم و به خودمان متذکر شویم که غایت نظام اسلامی، اخلاق و تربیت است و نه سیاست، اقتصاد و چیزهای دیگر، بنابراین دانشگاه فرهنگیان متصل به غایت و متصل به تعلیم و تربیت اسلامی است.

دانشگاه فرهنگیان را باید قرارگاه گونه اداره کرد

در این دانشگاه، سهل‌انگاری و سطحی‌نگری نمی‌شود کرد و این دانشگاه، عرصه جدیت، مدیریت جهادی و تلاش خستگی‌ناپذیر در تحول برنامه‌های درسی است و متأسفانه علیرغم تلاش‌های بسیار زیاد و دلسوزانه‌ی برادرانی که در آن دانشگاه مسئولیت داشته‌اند و الآن الحمدلله افراد شایسته‌تری حضور دارند، ما در این مسئله گیر اساسی داریم.

بنده به‌عنوان عضو تعلیم و تربیت این جامعه معتقدم که در دانشگاه فرهنگیان از منظر تحول، محتاج کار زیر بنایی‌تر تحولی هستیم. کار پیچیده و سخت است و انجام این کار سخت نیازمند یک مشی جهادی و قرارگاه گونه در دانشگاه فرهنگیان است. بنابراین من اعتقاد دارم دانشگاه فرهنگیان را باید قرارگاه گونه اداره کرد.

اضلاع مختلف تربیت معلم طراز

دانشگاه فرهنگیان به صورت ماهوی با دانشگاه‌های دیگر فرق دارد و این تفاوت در ماهیت باید خودش را در تفاوت برنامه‌ها نشان دهد. این یکی از نقص‌هایی است که هنوز در دانشگاه فرهنگیان وجود دارد اما بنده معتقدم که این نقص می‌تواند در دانشکده تربیت معلم مبلغ حوزه محترم علمیه، به‌عنوان یک اسوه و نمونه پرورش پیدا کند و تبدیل به طراز شود. طراز بودن منشور گونه است و ابعاد و اضلاعی دارد که یک ضلع تربیت معلم این طراز، برنامه درسی تحول یافته مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلام است.

الآن دوستان در دانشگاه فرهنگیان خیلی تلاش می‌کنند ولی اغلب سرفصل‌های آنجا سرفصل‌های متناسب با شئون دانشگاه فرهنگیان نیست که نباید این طور باشد. البته اصلاح سرفصل‌ها به تنهایی به معنای طراز نیست بلکه مدرسانی که در تربیت معلم تدریس می‌کنند نیز باید طراز باشند.

بنابراین اگر برنامه درسی ما تحول یافته شد ضرورت دیگر این است که مدرسان ما نیز طراز شده باشند و قابلیت‌های لازم را داشته باشند.

ضلع سوم تربیت معلم طراز نیز فضا و روابط انسانی حاکم بر آن تربیت معلم است زیرا روابط انسانی معجزه می‌کند. ضلع چهارم نیز روش‌های تربیتی است که در حال اجرا است. ممکن است مدرسان مسئله نداشته باشند ولی صلاحیت تدریس و تربیت به او آموخته نشده است بنابراین باید تلاش کنیم روش‌های تربیتی مؤثر و مفید را اعمال کنیم تا معلمان ما در این زمینه ماهر باشند.

عقد اخوت تربیتی بین سازمان پژوهش و مرکز تربیت معلم حوزه علمیه

با توجه به قابلیت‌هایی که این پردیس دارد اعتقاد بنده این است که اگر نمی‌توانیم دانشگاه فرهنگیان را در کل کشور، متناسب با شئون این نظام به وجود آورد، یک مرکز تربیت معلم اسوه ایجاد کنیم تا ان شاء الله بتوانیم از طریق ارتباط با این پردیس تربیت معلم مبلغ و حوزه علمیه قم، بُعد تحول در برنامه‌های درسی را به مقدار زیادی پیش ببریم. ما باید با حوزه محترم علمیه مرتبط باشیم و تغذیه شویم زیرا معتقدم که این ضرورت و واجب تربیتی است. بنابراین باید این ارتباط را غنی و محکم کنیم و به این سمت برویم که بین سازمان پژوهش و مرکز تربیت معلم حوزه علمیه قم، یک عقد اخوت تربیتی، خوانده شود.

گویی در این مرکز دو نقش مختلف به آموزش داده می‌شود که البته این دو نقش به هم گره خورده است. یکی نقش معلمی و دیگری نقش مبلغی است. البته بنده اعتقاد دارم خود معلم در اصل مبلغ است، منتها مبلغ کسی است که پیام را به طور کامل به مخاطب برساند.

حلقه انقطاع ما در حوزه مسائل تربیتی، تهذیب اسلامی معلم است

در ادامه این نشست، دکتر محمدابراهیم محمدی مدیرکل دفتر فناوری آموزشی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری سازمان پژوهش گفت:

حلقه انقطاع ما در حوزه مسائل تربیتی، تهذیب اسلامی معلم است. بنده در دوره‌ای که معاون پرورشی استان بودم، احساس کردم که سلوک، معنویت و اعتقادی که خداوند برای ما می‌طلبد، حلقه مفقوده ما در تربیت اسلامی است. بنابراین درخواست من از شما این است؛ معلمان که

می‌خواهند در مدارس فعالیت کنند، تجهد، دعا و مناجات را جزو الزامات کارشان قرار دهند زیرا در این صورت است که موفق خواهیم شد.

نکته دیگر این است که ما در ساحت نظام جمهوری اسلامی، ابتدا باید کار کنیم و بعد تبلیغات انجام دهیم در حالیکه گاهی عکس این اتفاق رخ می‌دهد. ما اگر معلم و مربی طراز را تربیت کنیم و به کف مدرسه بفرستیم و اثرگذاری‌اش را ببینیم، خود به خود تبلیغات صورت خواهد گرفت.

ما در سازمان پژوهش، مجلات رشد دانش‌آموزی را داریم که بیش از ۵۰ سال عمر و قدمت دارند بنابراین من فکر می‌کنم بهتر است که معلمان این مرکز با مجلات رشد و شبکه ملی رشد و مزیت‌های آن آشنایی پیدا کنند.

لزوم توجه بیشتر به تربیت مربی در حوزه‌های کار و فناوری و علوم تجربی

سپس دکتر افشار بهمنی، مدیرکل دفتر آموزشی‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیان کرد:

حلقه گمشده عدم اجرای سند تحول بنیادین، عمل کردن و نگرش انسان‌های تحولی است. اگر آقای دکتر ملکی در این دو سال پرچم تحول‌خواهی را در آموزش و پرورش علم کرده‌اند و مصادیق آن را در عمل عرضه کرده‌اند، آقای دکتر عبداللهی و دوستان ما در حوزه نیز این مرکز را به‌عنوان یکی از مصادیق تربیت معلم و مربی عرضه کرده‌اند و این‌ها خودش مصادیق عملیاتی کردن اسناد تحولی ماست.

در جغرافیای فعلی نظام تعلیم و تربیت، وجود چنین انسان‌هایی نیاز به توجه و بسترسازی دارد. قطعاً ناملازمات و سختی‌هایی در این مسیر وجود داشته و دارد ولی ما امیدواریم که این فعالیت‌ها و این گام‌ها زمینه تربیت معلمان، مدیران و افرادی که نگرش تحول‌خواهی دارند را بیشتر مهیا کند که شواهد نشان داده این اتفاق خوب دارد می‌افتد.

ما در مباحثی که طی دو سال گذشته با دوستان مان در سطح حوزه و تعاملات‌شان با سازمان دنبال می‌کردیم، کمتر به تربیت مربی در حوزه‌هایی مثل کار و فناوری، علوم تجربی و علوم پایه که فکر می‌کنم اثرگذاری بیشتری در مخاطبان و شرکای ما دارد، توجه شده است و نیاز است که بیشتر به این موضوع ورود کنیم. ما آماده‌ایم که این دوستان ما در حوزه کار و فناوری هم با حضور نمایندگان حوزه این گام را برداشته‌اند ولی تقاضایم این است که این مرکز هم به این حوزه‌ها بیشتر توجه کنید.

لزوم به کارگیری روش‌های نوین در آموزش و پرورش

در ادامه، حجت الاسلام سلطانی بیان کرد:

از ده‌ها سال پیش سبک و روشی در آموزش و پرورش شروع شده که بحث‌های امروز نشان‌دهنده عدم رضایت از به‌کارگیری این سبک است. بنابراین بنده معتقدم که باید برای ایجاد روش‌های نوین و خلاقانه در تدریس نیز یک جایی بگذاریم و دید ما این نباشد که این روش می‌خواهد تا ابد بماند و فقط باید آن را کارآمدتر کرد.

سپس حجت الاسلام جوانی، معاون دانش‌آموختگان حوزه خواهران، شیوه آموزشی جدید که به ابتکار خود طراحی کرده است را ارائه کرد و گفت:

مقدار زیادی از این شیوه برگرفته از شیوه‌های کهن و کارآمدی است که در مکاتب سابق آموزشی ایران اسلامی ما بوده است و مقدار زیاد دیگری از آن وامدار شیوه‌های کارآمد حوزه‌های علمیه است و در کنار آن با ابزارآلات آموزشی روز استفاده حداکثری خواهد شد. الحمدلله می‌توانیم بگوییم که بسته‌های آموزشی و نرم‌افزارهای علمی خوبی در حوزه‌های علمیه آماده شده که شما آن‌ها را در هیچ مراکز دانشی دیگری پیدا نمی‌کنید.

سعی ما بر این بوده که ما روش‌های کارآمد را با ابزارآلات جدیدی که در انقلاب اسلامی به وجود آمده است ترکیب کنیم و سبک متفاوت‌تری ارائه دهیم. این سبک آموزشی سبک خودباوری است به طوری که استعدادهای دانش‌آموز به او شناخته می‌شود و بعد خود دانش‌آموز به شکوفایی استعدادهايش می‌پردازد. لذا دانش‌آموزان از سنين کم آموزش پیدا می‌کنند و شکوفا می‌شوند. نشاط آن‌ها نیز بسیار بیشتر از نشاطی است که در شیوه آموزش رایج وجود دارد و میزان لذت بردن آنها از دانش نیز بیشتر خواهد بود.



بازدید دکتر حسن ملکی از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)

دکتر حسن ملکی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به همراه تعدادی از مدیران سازمان پژوهش، از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) در قم بازدید کردند.

در این دیدار حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین بهرامی، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به ارائه گزارشی از دستاوردهای این مرکز پرداخت و گفت: این مرکز سال ۱۳۶۸ با حمایت مقام معظم رهبری تأسیس شد و راهبری این مرکز را نیز در چهار- پنج سال اول خود ایشان برعهده داشتند. هدف اولیه این مرکز، تسهیل دسترسی محققان به منابع علوم اسلامی بوده است و محصولات این مرکز بیشتر با نگاه تخصصی تولید می‌شوند. با وجود اینکه خیلی از محصولات مرکز برای عموم هم قابل استفاده است، اما هدف اصلی از تأسیس مرکز ارائه عمومی نبوده و حال و هوای کارهای عمومی در محصولات مرکز یک مقدار کم‌رنگ است. یکی از دستاوردهای مرکز نور در این ۳۰ سال، دیتای حجیم، غنی و نسبتاً بی نظیری است که تولید شده است. ما بخش عمده‌ای از منابع اسلامی را تبدیل به نسخه دیجیتال کرده‌ایم و بخش دیگری از منابع که نسخه دیجیتال داشته است را گردآوری کرده‌ایم. تقریباً تمامی منابع حدیثی شیعه، با اعراب و با برچسب‌زنی‌های محتوایی، تایپ شده است که این برای کارهای هوش مصنوعی و بازیابی اطلاعات کاملاً مفید هستند.

ما تقریباً تمام مجلات علوم انسانی و اسلامی که از حدود ۱۲۰ سال پیش تا به حال در کشور چاپ شده است را در پایگاه «نورمگز» داریم و تنها جایی هستیم که نسخه دیجیتال تولید می‌کنیم. الان حدود ۱۲۰۰ عنوان نشریه علوم انسانی و علوم اسلامی در مرکز گردآوری شده که مورد استفاده دانشگاه‌های مختلف کشور قرار می‌گیرد.

دستاوردهای مرکز نور در حوزه توان فنی و نرم‌افزاری

دومین دستاورد مرکز نور در حوزه توان فنی و نرم‌افزاری است. مرکز نور در حوزه desktop و نرم‌افزارهای ویندوزی، در حوزه سایت و اپلیکیشن‌های موبایل فعال بوده و ما الان بیش از ۱۰۰ نرم‌افزار در حال عرضه داریم که این نرم‌افزارها در حوزه علوم اسلامی از جمله قرآن، حدیث و تاریخ است. همچنین بیش از ۲۰۰ نرم‌افزار را هم برای مراکز دیگر تولید کرده‌ایم. الان روزانه بالای صد هزار کاربر به پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت و بالای پنجاه هزار کاربر نیز به پایگاه نورمگز مراجعه می‌کنند. اپلیکیشن‌های ما از جمله اپلیکیشن نهج البلاغه یا اپلیکیشن جامع الاحادیث نیز مراجعه‌کنندگان فراوانی دارند.

دستاورد سوم ما در زمینه پردازش‌های هوشمند است. ما حدود ۱۰ سال است که از بحث هوش مصنوعی در طول و استفاده از محتوای علوم اسلامی بهره‌برداری می‌کنیم. یک نمونه از این کارها، بحث اعراب‌گذاری احادیث است که آن را از طریق ماشین انجام می‌دهیم. نمونه دیگرش، پایگاه سمیم نور (پایگاه مشاهده‌یاب مقالات) است که الآن در دانشگاه‌های علوم انسانی-اسلامی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. بحث OCR یا نویسه‌خوانی نیز از قابلیت‌های دیگر در این زمینه است.

دانش دیگری در مرکز شکل گرفته که امروز در دنیا به عنوان Digital humanities شناخته می‌شود. ما این دانش بینارشته‌ای که اکنون در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی فراگیر شده است را در مرکز نور به صورت تجربی به دست آورده‌ایم و امروز در حوزه Digital humanities زبان فارسی و علوم اسلامی با گرایش شیعی، پروژه‌هایی در خارج از کشور در حال انجام است.

ورود مرکز نور به حوزه خط و زبان فارسی

متأسفانه در کشور در حوزه فضای دیجیتال و خط و زبان فارسی، کمتر کار شده است و انتظارات برآورده نشده است بنابراین ما محصولات صوتی و بصری ویژه و جذابی را در حوزه زبان و ادبیات فارسی تهیه کرده‌ایم. یکی دیگر از محصولات ما، بانک غلط‌یاب فارسی است که از طریق آن واژگانی که از نظر املائی اشتباه نوشته می‌شود، اصلاح خواهد شد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین بهرامی بیان کرد: آورده دیگر مرکز، مرجعیتی است که توانسته کسب کند. واقعیت این است که مرکز نور امروز در سطح مراجع و بزرگان مورد استفاده قرار می‌گیرد و این بزرگان وقتی به منابع ما مراجعه می‌کنند دیگر دغدغه‌ای ندارند. این مرجعیت اتفاقی به دست نیامده است. الآن تقریباً ۹ دانشگاه معتبر دنیا در اروپا و آمریکا، از جمله آکسفورد و کمبریج، مشترک پایگاه نورمگز هستند و هر کدام حدود ۲۵۰۰ دلار برای اشتراک این پایگاه پرداخت کرده‌اند. همچنین، دستاورد دیگر مرکز نور، تغییر فرهنگ آموزشی پژوهشی در حوزه‌هاست.

لزوم ایجاد ارتباط ساختاری میان سازمان پژوهش و مرکز نور

پس از ارائه این گزارش، دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: بنده با برخی از محصولات مرکز نور آشنا هستم و طبیعتاً با برخی هم آشنا نیستم. بنده به همکارانم در کتابخانه سازمان پژوهش اعلام می‌کنم که ارتباط خود را با این مرکز قوت ببخشند و خود ما هم باید یک اشراف کافی راجع به ظرفیت این مرکز به دست آوریم. این مرکز یک منبع معتبر علمی است و کار شما در این مرکز واقعاً بزرگ و ستودنی است زیرا کار را برای پژوهشگران آسان کرده‌اید. کارشناسان ما به صورت فردی و به عنوان پژوهشگر یک ارتباط‌هایی با مرکز نور دارند اما ارتباط ساختاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با این مرکز باید بیشتر شود.

بازآفرینی کتاب‌های درسی در مرکز تحقیقات کامپیوتری نور

سپس دکتر محمدابراهیم محمدی، مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش با اشاره به اینکه مجلات رشد سازمان پژوهش در مرکز نور نیز ارائه می‌شود، بیان کرد: درخواست من این است که در صورت امکان کتاب‌های درسی ما در مرکز نور نمایه‌سازی شود. یعنی سی‌دی کتاب‌های درسی به مرکز نور داده شود و در اینجا بازآفرینی صورت بگیرد و در اختیار مردم قرار بگیرد.

درخواست دیگر بنده این است که شما در مرکز نور، مجلات رشد را به برنامه‌هایی مستقل تبدیل کنید تا در اختیار معلمان کشور قرار گیرد. مثلاً مجموعه تاریخ یا مجموعه جغرافیا، به نرم‌افزارهایی مستقل تبدیل شوند.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

گزارش بازدید

معاون وزیر و رئیس

سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی

از استان زنجان

به مناسبت بازگشایی مدارس
در سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰



این گزارش در قالب چهار بخش شامل بازدیدهای ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از استان زنجان و چند شهرستان تابعه استان می‌باشد که همزمان با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در تاریخ سوم مهر ۱۴۰۰ صورت پذیرفت.

گزارش نخست: آیین بازگشایی مدارس شهر زنجان

در ابتدای این مراسم، دکتر حسن ملکی ضمن سلام و درود به ارواح طیبه شهدای اسلام، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مخصوصاً معلمان و دانش‌آموزان شهید، بیان کرد: لازم است سلام ویژه به روح طیبه دانش‌آموز قهرمان ایذه‌ای، علی لندی، داشته باشیم که شما در این ایام در جریان قهرمانی این نوجوان دلیر مرد، انسان و پاکبخته قرار گرفتید؛ نوجوانی که وقتی دید دو نفر از همسایگانش در آتش می‌سوزند قبل از آتش‌نشان‌ها خودش را به آتش زد و آنان را نجات داد و بار دیگر نشان داد که بین انقلاب اسلامی ایران و خون پاک نوجوانان رابطه خاصی وجود دارد.

نوجوانان هم در پیروزی انقلاب خون دادند و شهید شدند و هم در جنگ تحمیلی در عرصه دفاع از اسلام و کشور پیش‌قدم بودند. مگر امثال شهید حسین فهمیده از یاد ما می‌رود؟ نوجوان قهرمانی که دو نفر از همسایگان خود را نجات داد و خود سوخت و به ملکوت اعلی پیوست نیز در ادامه همان نقش نوجوانان باید معنا و تعبیر شود.

نوجوانان باید افتخار کنند که گاهی چنین نمونه‌هایی از میان آنان بر می‌خیزد و علم انقلاب را در دنیا به اهتزاز در می‌آورد و اعلام می‌کنند که ملت ایران در برابر استکبار یا در برابر سایر نیروهایی که بر علیه این نظام مقابله و توطئه می‌کنند خسته نمی‌شود و تا زمانی که عالم باقی است و انقلاب اسلامی ایران تداوم خواهد داشت در برابر آنان خواهد ایستاد.

بنده از دیروز تا کنون، از زبان مدیرکل محترم، محبوب و دلسوز آموزش و پرورش زنجان، مکرر شنیدم که امام جمعه محترم زنجان حضرت آیت‌الله علی خاتمی چه زیبا و مستمر، حامی و هدایت‌گر تعلیم و تربیت در شهر زنجان هستند و در سطح کشور هم گاهی از فرمایشات و افاضه این شخصیت محترم بهره‌مند می‌شویم. من از این حمایت و هدایت‌گری صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش، از استاندار محترم استان زنجان و همه روسای محترم نهادها و سازمان‌های استان که با تشریک مساعی دست به دست هم داده‌اند تا بتوانیم از مخمسه خاص ویروس کرونا که مسلط بر کل دنیا و کشور ما شده است عبور کنیم، مراتب تشکر و قدردانی خودم را اعلام می‌کنم.

فاصله آموزش حضوری و غیر حضوری از زمین تا آسمان است

همگان به خصوص دانش‌آموزان عزیز این معنا را درک کرده‌اند که فاصله آموزش‌های حضوری با آموزش‌های غیرحضوری حتی با پیشرفته‌ترین فناوری و ابزار، از زمین تا آسمان است. اگر دقیق اندیشه کنیم و بدانیم که چه سرمایه‌ای در آموزش حضوری وجود دارد که هرگز در آموزش‌های غیرحضوری نمی‌توان یافت، از این فاصله متعجب نمی‌شویم. آموزش حضوری سرمایه است ولو اینکه بخواهد در حد نازل برگزار شود. در آموزش حضوری است که دانش‌آموز، معلم را و معلم، دانش‌آموز را می‌بیند و سوال و جواب می‌شود و در این تعاملات، دانش‌آموز و حتی خود معلم ساخته می‌شود. اصولاً اگر بین مربی و متربی واسطه باشد، به همان اندازه تعلیم و تربیت افول می‌کند. خدای متعال، انبیا خود را برای یک مأموریت فرستاد و آن یک مأموریت تعلیم و تربیت، انسان‌سازی و هدایت است. اگر انبیا سراغ جنگ و جهاد، معیشت مردم و مسائل سیاسی زمان خود رفته‌اند، همه معبر بوده است نه مقصد. همه برای این بوده است که انسان و معنویت رشد کند. مردم با انبیا و امامان علیه‌السلام، به صورت مستقیم و بدون واسطه در ارتباط بودند چون خداوند متعال می‌داند که بین مربی و متربی نباید فاصله بیافتد، ولو به وسیله گوشی همراه، اینترنت و تبلت، که البته همه آن‌ها ضروری است و باید از آن‌ها بهره‌برداری کرد ولی آن‌ها هرگز جای لبخند و قهر معلم و جای تعاملات معلم با دانش‌آموز را نمی‌گیرد.

امروز که در محضر شما هستیم، از رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهور محترم، محبوب، انقلابی و مردمی کشور تا سطوح پایین، همه به اتفاق مصمم هستند که به سوی آموزش‌های حضوری حرکت کنیم. البته این حرکت به صورت تدریجی و اقتضایی خواهد بود اما باید بدانیم این مسیر آغاز شده است و از این مسیر کسی نباید برگردد و تردید کند.

کلاس درس جای مقدس و با ارزشی است. هر شخصی به جایی رسیده از کلاس درسش به آنجا رسیده است نه از تعلیم و تربیت باز، رها و غیرحضوری. هرچند آموزش غیرحضوری نیز در جای خود دارای ارزش است و در جای خود باید از ابزارهای فناوری استفاده کرد. می‌خواهم بگویم اکنون که طبق بخشنامه وزارت آموزش و پرورش بناست در سه مرحله به صورت حضوری آموزش حرکت کنیم، تردید نکنیم و گام‌های محکم برداریم و مبادا مسائل حاشیه‌ای مطرح شود. این مسیر باید راست قامت، هوشیارانه و عالمانه و نیز تدریجی ولی مدبرانه باشد.

اولویت آموزش و پرورش، حفظ سلامت دانش آموزان است

بنده شب گذشته در مصاحبه تلویزیونی شبکه اشراق عرض کردم که آنچه برای ما اصل است، سلامت دانش آموزان است. در هر جایی اگر مدیر محترم احساس کند با آموزش حضوری سلامت دانش آموزان به خطر می افتد، آنجا خط قرمز ما است و باید به منطقه و ناحیه خودش اعلام کند تا بعد از اعلام بتوانند تصمیمات دیگری را اتخاذ کنند. اما آنچه که مسلم است راه حرکت به سوی آموزش های حضوری، راه تردید پذیر نیست و ما ان شاء الله با کمک هم خواهیم توانست به آن سمت حرکت کنیم.

بنده متوجه شدم که استاندار محترم استان زنجان از طریق شورای آموزش و پرورش استان، هدایتگر تدبیر به سوی آموزش های حضوری هستند که من از این بابت صمیمانه تشکر می کنم. امیدوارم والدین گرامی به وسیله تشویق شان، معلمان عزیز به وسیله تدبیرشان، مدیران عزیز به وسیله رهبری شان، روسای محترم آموزش و پرورش به وسیله مدیریت شان و حضرت آیت الله خاتمی، امام جمعه محترم، به وسیله هدایتگری دائمی همیشگی شان و استاندار محترم به زمامدار اجرایی در استان، دست به دست هم دهند تا نشان دهند که استان زنجان در این زمینه هم قادر و نمونه است.

ملت ایران در برابر یک موقعیت حساس قرار گرفته که البته الحمدلله رو به اتمام است. این را بدانید که لیاقت ها در مواجهه با بحران ها نمایان می شود. جا دارد یادای کنم از شهید چمران که جمله ای را درباره نبرد با دشمن در میدان جنگ مطرح کرده است و این جمله از جهتی بی ارتباط با عرایض بنده هم نیست. ایشان می فرماید وقتی شیپور نبرد نواخته می شود مرد از نامرد شناخته می شود. تا زمانی که شیپور نبرد نواخته نشده، همه ادعای مردی می کنند اما مرد آن است که وقتی شیپور نبرد نواخته شد با پای محکم و استوار به سوی دشمن حمله ور شود تا ان شاء الله پیروزی به دست آید.

در پایان سخنرانی دکتر حسن ملکی، زنگ بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی در استان زنجان نواخته شد.



گزارش دوم: جلسه رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با مدیرکل آموزش و پرورش زنجان و روسای آموزش و پرورش نواحی و مناطق استان زنجان

در این جلسه روسای آموزش و پرورش نواحی و مناطق استان زنجان در خصوص بازگشایی حضوری مدارس زنجان، ثبت‌نام دانش‌آموزان، کلاس‌بندی‌ها، ابلاغ‌ها و... به ارائه گزارش پرداختند. مجید دویرانی سرپرست آموزش و پرورش ناحیه دو زنجان گفت: مدارس روستایی با جمعیت دانش‌آموزی زیر ۱۵ نفر برای هر کلاس، از امروز فعالیت خود را به صورت حضوری شروع کرده‌اند. هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش نیز به خاطر ماهیت دروس این رشته‌ها به صورت حضوری بازگشایی شده‌اند. اما در مورد مدارس پرجمعیت شهری قرار بر این شده که روند بازگشایی حضوری مدارس به صورت آرام و تدریجی انجام شود.

ثبت‌نام دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی بالاتر از پیش‌بینی‌ها بوده و حدود ۱۰۳ درصد ثبت‌نام محقق شده است که این امر در خصوص پایه هفتم ابتدایی حدود ۹۶ درصد و در پایه دهم نیز حدود ۸۵ درصد بوده است.

سپس الیاس بیگدلی سرپرست آموزش و پرورش ناحیه یک زنجان بیان کرد: ۲۲ کلاس زیر ۱۵ نفر داریم که امروز دایر شده و معلمان در کلاس درس حضور دارند. ۳۷ کلاس نیز بین ۱۵ تا ۳۰ نفر هستند که دانش‌آموزان این کلاس‌ها نیز به صورت گروه‌بندی در کلاس حضور خواهند داشت. در مورد کلاس‌های غیر حضوری، دانش‌آموزان از طریق سامانه شاد با معلمان ارتباط پیدا می‌کنند و برخی نیز با توجه به نواقصی که سامانه شاد دارد از پلتفرم‌های داخلی استفاده کرده‌اند.

نعمت بیگدلی رئیس آموزش و پرورش سجاسرود نیز گفت: صد درصد دانش‌آموزان ما در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی ثبت‌نام شده‌اند و این آمار در مورد متوسطه نظری حدود ۸۵ درصد و کاردانش نیز ۶۰ درصد است. در مورد صدور ابلاغ نیز وضعیت مان خوب است و تمام تلاش مان را می‌کنیم که ان‌شاءالله تا آخر این هفته به صد درصد برسد.

تمامی مدارس ما در روستاها به صورت حضوری بازگشایی شده‌اند و همه مشغول امر آموزش هستند. فقط در شهر سجاس بحث آموزش حضوری را نداریم که تعدادی از اولیاء درخواست کرده‌اند آموزش‌ها در این شهر نیز حضوری شود و ان‌شاءالله اگر بتوانیم فضای مناسب را فراهم کنیم کلاس‌های مدارس این شهر را نیز به صورت حضوری برگزار و رضایت اولیاء را جلب می‌کنیم.

حضور مسئولین محلی در مراسم بازگشایی مدارس

صیاد سلامی معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان که در روز بازگشایی مدارس در شهرستان خدابنده حضور داشت نیز بیان کرد: من امروز از این همه شور و شوق در مدارس شهرستان خدابنده به ویژه مدارس روستایی به وجد آمدم. دانش آموزان پای کار هستند و معلمان نیز با جان و دل زحمت می کشند. مراسم بازگشایی مدارس شهرستان با حضور امام جمعه محترم، فرماندار محترم و فرماندهی محترم سپاه در شهرستان برگزار شد و همراهی خیلی خوبی صورت گرفت.

قاسم علی افشاری مدیر آموزش و پرورش شهرستان خدابنده نیز گفت: از امروز تمامی مدارس روستایی شهرستان خدابنده به صورت حضوری و نیمه حضوری باز است و در مدارس شهری نیز هنرستانی ها و مهارتی ها و دانش آموزان کلاس اول و دوم سر کلاس ها حضور دارند.

سپس سید مجتبی حسینی رئیس آموزش و پرورش منطقه افشار اظهار داشت: مدارس منطقه افشار با حضور تمامی مسئولین محلی بازگشایی شد و استقبال خوبی نسبت به بازگشایی مدارس شکل گرفت. با توجه به بافت روستایی منطقه افشار، تمامی مدارس ابتدایی این منطقه بازگشایی حضوری شد. صدور ابلاغ ها و کلاس بندی ها نیز در حال انجام است.

داوود کاظمی رئیس آموزش و پرورش بزینه رود نیز گفت: حدود ۵۰ درصد از مدارس ابتدایی بزینه رود، حضوری هستند و کلاس ها دایر هستند. ۱۰ مدرسه از ۲۷ مدرسه متوسطه اول به صورت حضوری و ۴ مدرسه از ۸ مدرسه متوسطه دوم نیز حضوری هستند.

در ادامه، مهدی زمانی رئیس آموزش و پرورش سلطانیه بیان کرد: امروز در شهرستان سلطانیه به تبع کل کشور، در دبیرستان علامه حلی شهرستان سلطانیه که ۱۸ شهید را تقدیم انقلاب کرده است مراسم بازگشایی مدارس را با حضور فرماندار، امام جمعه و سایر مسئولین شهرستان سلطانیه برگزار کردیم. از ۷۲ مدرسه شهرستان سلطانیه، ۴۹ مدرسه به شکل حضوری بازگشایی شدند و ۲۳ مدرسه دیگر قرار است در آبان ماه به شکل تدریجی بازگشایی شوند.

مهدی صیادی رئیس آموزش و پرورش ماهنشان نیز از حضور امام جمعه، معاون فرماندار، سرپرست شهرداری و فرمانده نیروی انتظامی این شهرستان در مراسم بازگشایی مدارس ماهنشان خبر داد و گفت: از ۸۱ مدرسه شهرستان ماهنشان، ۵۳ مدرسه روستایی و عشایری داریم که از امروز کلاس شان را به صورت حضوری شروع کرده اند. کلیه کلاس های مدارس ما معلمان دارند و خوشبختانه هیچ مدرسه ای کار خود را بدون معلم آغاز نکرده است.

آموزش حضوری مدارس روستایی در استان زنجان

اکبر محمدی رئیس آموزش و پرورش انگوران نیز گفت: امروز مدارس روستایی انگوران با توجه به دستورالعمل بازگشایی مدارس، با رعایت دستورالعمل‌ها به صورت حضوری بازگشایی شدند و فقط در ۸ مدرسه شهری فعالیت‌های ما به صورت غیرحضوری و ترکیبی خواهد بود. سپس زهرا شریعی مدیر آموزش و پرورش ایجرود بیان کرد: مراسم بازگشایی مدارس در ایجرود با حضور مسئولین محترم شهرستان، امام جمعه محترم و فرماندار محترم برگزار شد. در پایه اول ۱۰۰ درصد، در پایه هفتم ۹۸ درصد و در پایه دهم ۸۶ درصد ثبت‌نام داشته‌ایم که ان‌شاءالله در مورد پایه‌های هفتم و دهم نیز به صد درصد خواهیم رسید.

اشتیاق دانش‌آموزان برای حضور در مدارس

نقی صفری رئیس آموزش و پرورش طارم نیز از حضور مسئولان محلی در مراسم بازگشایی مدارس این شهرستان خبر داد و گفت: ما امروز دیدیم که دانش‌آموزان بی‌صبرانه خواستار فعالیت حضوری در مدارس هستند. سعی کردیم به دانش‌آموزانی که امروز حضور داشتند جوایزی را با حضور مسئولین اهدا کنیم تا در آن‌ها انگیزه ایجاد شود. از ۱۴۶ مدرسه شهرستان طارم، نزدیک ۱۰۰ مدرسه ما روستایی هستند و تراکم پایین دارند و از نظر فعالیت حضوری مشکلی در این مدارس وجود ندارد. فقط ۲۵ الی ۳۰ مدرسه شهری با تراکم بیش از ۲۰۰ نفر داریم که آموزش این دانش‌آموزان فعلاً به صورت غیر حضوری است.

بهزاد جمادی، سرپرست آموزش و پرورش خرمدره نیز گفت: امروز مراسم بازگشایی مدارس خرمدره را با حضور نماینده محترم، فرماندار معزز و امام جمعه محبوب شهرستان و با حضور معاونت پشتیبانی اداره کل در هنرستان برگزار کردیم و دوستان از مناطق روستایی نیز بازدید کردند. کارگروه سلامت پروژه مهر را تشکیل دادیم و برای ۲۵ واحد آموزشی در ۱۱ روستا مجوز بازگشایی صادر شد و فقط یک مدرسه به خاطر شبانه‌روزی بودنش مجوز آموزش حضوری پیدا نکرده است. در راستای کلاس بندی‌ها در سطح شهرستان، کلاس بندی ۹۴ درصد مدارس انجام شده و دوستان پیگیر این مسئله هستند. در دوره ابتدایی ۹۸ درصد ابلاغ‌ها صادر شده و این در دوره متوسطه اول ۹۷ درصد، متوسطه دوم ۶۰ درصد و فنی و حرفه‌ای ۹۸ درصد است.

رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مدارس استان

سپس محمدحسین شریفی رئیس آموزش و پرورش ابهر گفت: مراسم بازگشایی مدارس ابهر با حضور فرماندار شهرستان، امام جمعه محترم و نماینده محترم مجلس شورای اسلامی در مدرسه کاشانی برگزار شد و الحمدلله استقبال خوبی از آن صورت گرفت. مدارس روستایی شهرستان از امروز به شکل حضوری برگزار می‌شود و در مورد رعایت پروتکل‌های بهداشتی و شیوه‌نامه مربوط به شبکه بهداشت نیز جلسه‌ای را با نیروهای خدماتی داشتیم و تمامی شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بهداشتی را برای این عزیزان تبیین کردیم و امروز ۷ گروه از همکاران بنده از مدارس مختلف بازدید داشتند و الحمدلله مدارس ما در کمال آرامش در حال فعالیت هستند.

فیروز مهدی رئیس آموزش و پرورش زنجانرود نیز اظهار داشت: در مقطع ابتدایی و متوسطه اول ۱۰۰ درصد و در مقطع متوسطه دوم ۹۳ درصد ثبت‌نام‌ها انجام شده است که مقام اول را در این حوزه دارا هستیم. از ۱۰۶ مدرسه زنجانرود، ۹۴ مدرسه به صورت حضوری بازگشایی شده است که از این حیث نیز رتبه اول در استان زنجان متعلق به زنجانرود است. حدود ۵۷ درصد ابلاغ‌ها نیز صادر شده و ۴۳ درصد دیگر در حال تأیید هستند.

سه مسئله مهم و اورژانسی در آموزش و پرورش

در بخش دیگر این جلسه، دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ضمن تشکر از گزارش‌های ارائه شده، بیان کرد: در حال حاضر سه مسئله مهم در آموزش و پرورش وجود دارد که برای ما اصطلاحاً اورژانسی و غیر عادی است و باید در پیگیری‌هایمان یک مواجهه خاص با این مسائل داشته باشیم. این سه مسئله شامل ثبت‌نام، کلاس‌بندی و صدور ابلاغ‌هاست که باید به طور ویژه به آن‌ها توجه بفرمایید.

بنده حدود چهار روز قبل از آقای مظفری تقاضا کردم که لطف کنند آمار از معدل صدور ابلاغ‌ها به من ارائه دهند که آن زمان ۵۰ درصد صدور ابلاغ‌ها انجام شده بود و الآن الحمدلله در کل استان ۶۰ درصد انجام شده است. قاعدتاً ۴۰ درصد باقی‌مانده باید با شتاب و مداخلات ویژه از سوی شما شکل بگیرد.

من تأکید می‌کنم که شما حتماً در فکر مداخله‌های ویژه باشید. منتظر نمایم که بعضی از اشکالات

فنی از مرکز طوری روان شود که بتوانید در منطقه کارتان را انجام دهید. با اینکه دارد در این زمینه تلاش می‌شود اما بعید است در این برهه زمانی چنین اتفاقی بیافتد، بنابراین شما با مداخلات خودتان می‌توانید رشد بیشتری بکنید و پیشرفت داشته باشید تا معدل کار بالاتر برود. مسئله‌ها را با مداخله‌های به موقع رفع کنید، مداخلات زمانی مؤثر خواهد بود که شما با مسئله‌هایتان به طور بالینی برخورد کنید. باید مداخلات به هنگام داشته باشید. حقیقتاً احساس می‌کنم اگر این کار را انجام ندهید عقب می‌مانید.

از شور و شوق دانش‌آموزان صیانت کنیم

شور و شوق قابل توجهی در استان وجود دارد که این یک سرمایه اجتماعی است، اما این شور و شوق، وظیفه‌ای را برعهده بنده و شما قرار می‌دهد که صیانت از این شور و شوق است. اگر مراقب نباشیم ممکن است این اشتیاق افول کند. باید به وسیله نظارت‌های پی در پی و مراقبت‌های بالینی، از این اشتیاق صیانت کنیم.

حضور استاندار و امام جمعه استان زنجان، فرمانده سپاه، مدیر هلال احمر و فرماندار شهرستان‌ها در مراسم بازگشایی رسمی مدارس، خودش یک سرمایه است و نشان می‌دهد که همه مصمم هستند به سمت بازگشایی حرکت کنند. حرکت به بازگشایی حضوری قطعی است و این چیزی نیست که از آن عدول کنیم اما در بازگشایی حضوری مدارس، سه اصل تدریجی، اقتضایی و اقناعی مد نظر ما خواهد بود. بنابراین در اینجا اجبار اصلاً مطرح نیست.

مناطق مختلف استان زنجان اکثراً وضع مشابه دارند و من تمایز زیادی در مناطق استان نمی‌بینم. این نشان‌دهنده این است که آموزش و پرورش استان، مدیریت منظم و نظام‌مندی دارد و مناطق هم مسائل خیلی متفاوتی ندارد. در جلسه ویناری که چند روز قبل داشتیم گزارش‌ها نشان می‌داد که چند منطقه در برخی امور موفق‌ترند که من تقاضا کردم شما از راهبرد تبادل تجربه درون استانی استفاده کنید. امروز بار دیگر به این راهبرد تأکید می‌کنم زیرا ان شاء الله با کمک این راهبرد همه مناطق موفق خواهند شد.

آموزش‌های غیر حضوری و گاهی تعطیلی مدارس، قریب به ۱۹ ماه بر ما تحمیل شد. در این ۱۹ ماه، دانش‌آموزان، معلمان و والدین به این عادت کردند که در منزل خود بنشینند و تدریس یا تحصیل کنند و حالا قرار است به مدرسه تشریف بیاورند که این ممکن است قدری برای آن‌ها دشوار باشد. بنابراین ما باید کمک کنیم تا دانش‌آموزان بازسازی روحی و روانی داشته باشند. در این

زمینه در استان زنجان و استان‌های دیگر باید از مشاوران مدارس و متخصصان کمک بگیریم تا دانش‌آموزان از جهت روحی و روانی آماده حضور در کلاس‌ها باشند.

بازدید مدیرکل حوزه ریاست سازمان از مدارس زنجان

سپس سیدسعید بدیعی، مدیرکل حوزه ریاست سازمان پژوهش گفت: امروز سعادت پیدا کردیم که به همراه جناب آقای امیری در خدمت همکاران ناحیه یک زنجان باشیم و از سه آموزشگاه این ناحیه بازدید داشته باشیم. از کارگاه‌های یک هنرستان بازدید کردیم که هنرآموزان محترم نیز با رعایت پروتکل‌ها و فاصله‌گذاری‌ها در سالن بودند. معلمان و هنرجویان بسیار خوشحال بودند و این ما را نیز خوشحال کرد. به یک مدرسه شبانه‌روزی رفتیم که در آنجا ابتکار خیلی جالبی را اجرا کرده بودند. با توجه به اینکه سامانه شاد هنوز راه‌اندازی کامل نشده بود، از یک برنامه داخلی استفاده کرده بودند و با دورترین نقاط استان ارتباط داشتند و ما هم از آن طریق با دانش‌آموزان صحبت کردیم. همکاران در آن مدرسه نیز آرزو داشتند که شرایط هر چه زودتر مهیا شود تا دانش‌آموزان را در مدرسه داشته باشند. برای بازگشایی رسمی مدارس به مدرسه شاهد در ناحیه یک زنجان رفتیم و خدمت دوستان رسیدیم. مراسم خیلی خوبی برگزار شد. تعدادی از همکاران خود مدرسه به همراه یکی از آزادگان عزیز و یک خانم پرستار در مراسم حضور داشتند. مراسم خیلی خوبی بود و زحمت زیادی کشیدند. بنده از زحمت آقای مظفری در اداره کل آموزش و پرورش و زحمت تمام دوستان در ۱۴ منطقه زنجان تشکر می‌کنم. استان زنجان دارای پتانسیل‌های خیلی خوبی است و شور و شوق معلمان در مدارس ما را به کار بیشتر دعوت می‌کند.



گزارش سوم:
نشست ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با جمعی از
بسیجیان فرهنگی استان زنجان

حسن مظفری مدیرکل آموزش و پرورش استان زنجان در شروع این جلسه گفت:

جناب آقای دکتر ملکی از افتخارات و بزرگان استان در سطح ملی هستند. ایشان از رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس و اندیشمند فرزانه در حوزه تعلیم و تربیت هستند که افتخار دادند در مراسم رسمی بازگشایی مدارس و به صدا درآمدن زنگ آغازین مدارس استان زنجان حضور داشته باشند.

سردار کرمی بزرگوار نیز مایه افتخار برای استان زنجان هستند. ایشان از رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس و فرماندهان به نام زنجان و فردی اخلاق مدار، با نجابت و دوست داشتنی هستند. سردار کرمی در استان به رزم مشهور بود. زمانی که ما به عنوان یک سرباز در محضرشان بودیم، نظم در امورات را از ایشان آموختیم. ایشان جزو فرماندهانی است که در زنجان همه از ایشان به نیکی، نجات و بزرگی یاد می کنند.

در این جلسه دکتر حسن ملکی ریاست سازمان پژوهش ضمن تبریک هفته دفاع مقدس، گفت:

بسیار خوشحالم که خداوند توفیق داد در این نشست مبارک که در ارتباط با امر مبارکی به نام دفاع مقدس تشکیل شده است، حضور داشته باشم، به خصوص اینکه توفیق پیدا کردم سردار کرمی، فرمانده محترم سپاه زنجان را نیز زیارت کنم.

سپاه بدون کوچکترین تعارف به گردن همه ملت ایران حق دارد. با اینکه خود سپاهیان بنا بر تکلیف الهی، متواضعانه انجام وظیفه می کنند اما عملکرد سپاه در تاریخ انقلاب طوری است که امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید اگر سپاه نبود؛ کشور نبود. این جمله ماندنی و برای ملت ما معنادار است.

خداوند در سوره آل عمران می فرماید: "یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون" یعنی، همه آیات قرآن درس هدایت، مقاومت، پایداری، ارزش مداری در مسیر دفاع از حریم حق است اما بعضی از آیات از جمله آیه آخر سوره آل عمران الهام بخش ویژه هستند و اثرگذاری خاصی روی انسان دارد.

خداوند متعال در این آیه، ایمان آورندگان را مورد خطاب قرار می دهد و به ایشان می گوید صبر پیشه کنید که در اینجا صبر به معنای انفعال نیست بلکه مقاومت و پایداری و فعال بودن جهت دار ایمانی است. فردی که صبر می کند همیشه فعال است منتها فعالیت خود را مدبرانه تدبیر می کند تا بتواند به هدفها برسد. در انقلاب اسلامی این رزمندگان، سربازان و بسیجیان ما بودند که صبر پیشه کردند. این آیه فقط در صبر متوقف نمی شود. می فرماید صبر پیشه کنید و همدیگر را به صبر دعوت کنید. این بُعد اجتماعی صبر است. یعنی اینکه من و شما صبور باشیم کافی نیست بلکه باید همدیگر را به

پایداری و مقاومت دعوت کنیم و صابر اجتماعی باشیم.

خداوند در ادامه می‌فرماید "ابطوا". یک معنایش قدری سطحی و ظاهری است. یعنی ای کسانی که صبر می‌کنید و همدیگر را به صبر دعوت می‌کنید، با یکدیگر ارتباط برقرار کنید و ربط پیدا کنید. یعنی امت و جامعه ایمانی را شکل دهید. اما معنای دیگری هم برای ابطوا در تفاسیر آمده است. یعنی مراقب توطئه‌های دشمن باشید و در مرزها مرزبانی کنید که دشمن در قلمرو ایمانی و در قلمرو کشور شما نفوذ نکند. کما اینکه الآن ملاحظه می‌کنید دشمن از غرب و جاهای دیگر مرتب بر علیه کشور ما در حال توطئه است و به لطف خدا سپاهیان غرور و مرزبانان رشید ما توطئه‌ها را سرکوب کرده‌اند. در ادامه این آینده‌واژه‌ای آمده که هشداردهنده است. خداوند متعال به ایمان‌آوردندگان می‌فرماید تقوا پیشه کنید. یعنی تمام کارهایی که انجام داده‌اید به شرط تقوا مقبول است. افرادی که در جبهه باطل می‌جنگند هم ممکن است صبر کنند اما پایداری و صبوری که آمیخته با تقوا و پرهیزگاری باشد مقبول است. پاداش خداوند به ایمان‌آوردگان صبور، مرزبان و با تقوا، رستگاری است، رستگاری میوه است، تقوا روح است و صبر پیشه کردن، دیگران را به صبوری دعوت کردن و مرزبانی کردن، راهبرد است. در این صورت پیروزی متعلق به جامعه ایمانی است. دفاع مقدس و انقلاب اسلامی ما با این فرمول پیروز شدند و از این پس نیز تداوم انقلاب اسلامی ان‌شاءالله با همین قاعده پیش خواهد شد و همه توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دشمن شکست خواهد خورد.

سپس سردار جهانبخش گرمی فرمانده سپاه انصارالمهدی (عج) استان زنجان بیان کرد:

حضور آقای دکتر ملکی در این شرایط در استان زنجان خیر و برکت است و ان‌شاءالله به مشکلات و مطالبات معلمان توجه ویژه صورت بگیرد. بچه‌ها که سرمایه‌های عظیم این ملت هستند در کلاس درس این معلمان تعلیم و تربیت می‌شوند و ما در دوران دفاع مقدس حماسه آنان را دیدیم. صادقانه عرض می‌کنم که ما در هیچ دولتی با عزیزان آموزش و پرورش هیچ مشکلی نداشته‌ایم و نهایت تعامل، هماهنگی و همکاری صورت گرفته است. با جناب آقای مظفری و همکاران ایشان نیز بیشترین تعامل را داشته‌ایم و اثربخش‌ترین برنامه‌ها اجرا شده است. ما معلمانی در طول دوران دفاع مقدس داشتیم که هم معلمی می‌کردند و هم اسلحه به دست می‌گرفتند و خطاشکن بودند. در تمام عملیات‌ها چنین معلم‌هایی را داشته‌ایم. به ارواح مقدس ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز و حدود ۵ هزار شهدای معلم و تمامی شهدای فرهنگی استان زنجان درود می‌فرستیم. در پایان این نشست از برخی بسیجیان و رزمندان دفاع مقدس تجلیل به عمل آمد.



**گزارش چهارم:
نشست ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با شورای معاونین
اداره آموزش و پرورش شهرستان سلطانیه**

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در این جلسه حجت الاسلام و المسلمین سیدعمران حسینی نسب امام جمعه سلطانیه ضمن تسلیت اربعین حسینی و گرامیداشت هفته دفاع مقدس و یاد ۳۵۳۵ شهید استان زنجان بیان کرد: روایت است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید "مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ (ع) وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ". یعنی هر کس خداوند خیر او را بخواهد در قلب او محبت امام حسین ع و محبت زیارت امام حسین را می‌افکند. "قَدَفَ" به معنای پرتاب کردن با قدرت و انرژی است که اگر به هدف بخورد در هدف می‌ماند، لذا همین محبت‌هاست که به قلوب شیعیان و محبان اهل بیت (علیه السلام) پرتاب شده و بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان محبت به امام حسین و اهل بیت ایشان و زیارت امام حسین (علیه السلام) در قلوب انسان‌ها و خصوصاً شیعیان و محبان شعله‌ور است. روایت مشابهی وجود دارد که می‌فرماید علم نوری است که خداوند آن را در قلب هر کسی که بخواهد پرتاب می‌کند. لذا هم محبت امام حسین و هم علم، انسان سازی می‌کنند.

الحمد لله آموزش و پرورش ما انقلابی است

الحمد لله آموزش و پرورش ما انقلابی است و سند تحولی دارد که نقشه راه برای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش یک سنگر فرهنگی است و تربیت اولیه نیروهای انقلاب از همین آموزش و پرورش شروع می‌شود، همچنان که در فرمایشات حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) هست که امید ما به شما دبستانی‌هاست.

شورای آموزش و پرورش در شهرستان سلطانیه شورای خوبی است و اعضای شورا همکاری و تعامل خوبی با هم دارند و ریاست محترم آموزش و پرورش شهرستان نیز انصافاً پرکار، اهل تعامل و اهل مشورت است و در بحث کارهای فرهنگی و انقلابی و بحث مربوط به دفاع مقدس واقعه نماز، با نهادهای فرهنگی همکاری‌های خوبی دارد. من علاقه وافری به ایشان دارم و اگر من به جای مدیرکل آموزش و پرورش استان باشم آقای زمانی را به‌عنوان مدیر آموزش و پرورش استان حفظ می‌کنم تا ان شاء الله از وجود ایشان و همکاری‌های ایشان در شهرستان بهره ببریم.

آقای دکتر ملکی افتخار شهر و استان ما هستند و ما در دانشگاه از کلاس‌های درس ایشان و از آورده‌ای که ایشان در سطح علمی کشور داشته‌اند بهره‌مند شده‌ایم. من از ابتدای دوران دانشجویی خود به خاطر دارم که نظریات آقای دکتر ملکی در آموزش و پرورش، نقطه عطف و تحول در تألیف کتب درسی بود. مثلاً نظریه "انتظار دانش" که آن موقع مطرح کردند مسیر آموزش را در کشور

متحول کرد و از آن روز تا امروز جامعه علمی کشور از دستاوردهای علمی ایشان بهره‌مند می‌شوند. ان‌شاءالله این توفیق را داشته باشیم که از محضر ایشان استفاده وافر را ببریم.

صد در صد شهرستان سلطانیه تحت پوشش تحصیلی است

سپس مهدی زمانی مدیر آموزش و پرورش شهرستان سلطانیه بیان کرد:
شهرستان سلطانیه این افتخار را دارد که ۴۶ دانش‌آموز و ۴ فرهنگی شهید را تقدیم انقلاب کرده است و این وظیفه ما در اداره آموزش و پرورش را سنگین‌تر می‌کند.

جلسات پروژه مهر بازگشایی مدارس از ماه‌های قبل شروع شد و تمام برنامه‌ها بر اساس این پروژه پیش رفت. ما یکم مهرماه جشن شکوفه‌ها را داشتیم و سوم مهرماه با حضور امام جمعه محترم شهرستان، فرماندار محترم و اعضای محترم شورای اداری در دبیرستان علامه حلی، جشن بازگشایی مدارس شهرستان را برگزار کردیم. دبیرستان علامه حلی دبیرستان نمونه‌ای در استان زنجان است به جهت اینکه ۱۸ شهید دانش‌آموز از این مدرسه تقدیم انقلاب شده است.

ما در سلطانیه امام جمعه فرهیخته‌ای را داریم که همواره نسبت به آموزش و پرورش لطف و محبت دارند و همیشه بنده حقیر را شرمنده خودشان می‌کنند و من از عنایت ایشان تشکر می‌کنم. ایشان تمام روحانیون شهرستان سلطانیه را دسته‌بندی کرده‌اند و مخصوصاً قبل از ایام کرونا، نماز جماعت در اکثر مدارس ما به همت امام جمعه محترم و روحانیون سلطانیه دایر شد. همچنین ما شورای آموزش و پرورش بسیار فعالی داریم که انصافاً پای کار هستند و ما هم اعتقاد داریم این‌ها شرکای آموزش و پرورش هستند و ما بدون تعامل، همدلی و مشارکت این بزرگواران نمی‌توانیم کارها را پیش ببریم.

در شهرستان سلطانیه ۷۲ باب مدرسه و ۴ فضای آموزشی داریم و پیش‌بینی ما برای امسال این است که ۵۷۰۰ دانش‌آموز را در مدارس شهرستان ثبت‌نام می‌کنیم. تا به امروز، ۱۰۰ درصد ثبت‌نام‌ها در مقطع ابتدایی انجام شده و در متوسطه اول ۹۸ درصد و در پایه دهم نیز بالای ۹۰ درصد ثبت‌نام‌ها انجام شده است.

بر اساس پیش‌بینی‌ها، امسال ۳۲۶۳ دانش‌آموز ابتدایی، ۱۴۶۲ دانش‌آموز متوسطه اول و ۸۵۷ دانش‌آموز متوسطه دوم در مدارس سلطانیه تحصیل خواهند کرد. تعداد دانش‌آموزان سلطانیه به‌علاوه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی به حدود ۶ هزار نفر می‌رسد. یعنی نزدیک ۶ هزار نفر از جمعیت ۳۰ هزار

نفری شهرستان سلطانیه، دانش آموز آموزش و پرورش هستند. ۲۷۰ کلاس در مدارس سلطانیه تعریف شده است و ۸۰ کلاس هنوز به خاطر چند پایه بودن و مشکلات سامانه‌ای تعریف نشده است. ۳۷۵ ابلاغ، یعنی نزدیک به ۵۰ درصد ابلاغ‌های شهرستان نیز صادر شده است. مشکلاتی که در سامانه وجود دارد از دلایلی است که باعث می‌شود کارها کمی کند پیش برود.

یوشش تحصیلی ما در شهرستان سلطانیه صد درصد است، افتخار ما این است که به لطف انقلاب و جمهوری اسلامی، هر جا دانش‌آموزی وجود دارد کلاس و مدرسه ما دایر است. در این شهرستان حتی برای یک نفر هم مدرسه تشکیل داده‌ایم و معلم به آنجا فرستاده‌ایم. از محروم‌ترین روستای شهرستان پرنگین تا خود شهر، هیچ دانش‌آموزی محروم از تحصیل نیست.

در این جلسه دکتر حسن ملکی اظهار داشت:

آموزش و پرورش در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، اساس، مادر و مبنای همه آرزوها، خواسته‌ها و آرمان‌هاست. در این مسئله مبالغه نیست، بلکه حقیقتی است که اگر کسی این معنا را درک نکند که آموزش و پرورش با هیچ کار دیگری در نظام جمهوری اسلامی ایران قابل مقایسه نیست و عمق معنایی آن را متوجه نشود، باید در منش، روش و شخصیت خودش تجدیدنظر کند. نظام جمهوری اسلامی ایران اولاً و بالذات برای انسان‌سازی و زمینه‌سازی برای پرورش فطرت الهی انسان شکل گرفته است. تمام تلاش‌هایی که در این نظام انجام می‌گیرد اعم از امور اقتصادی، فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های انتظامی و فعالیت‌های نظامی، معبری برای آن مقصد هستند بنابراین اگر کسی جای این دو را عوض کند به این نظام، خواسته یا ناخواسته، خیانت کرده است.

مأموریت پیامبران تعلیم و تربیت بود

در آیه شریفه "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ" از سوره بقره، خدای متعال انبیاء را برای یک مأموریت اصلی مبعوث کرد که آن مأموریت، تعلیم و تربیت است. اگر به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود برو به سوی فرعون که او طغیان کرده است، این مقصود اصلی نیست بلکه وسیله است. یعنی تا طغیان‌گران از بین نروند راه هدایت باز نمی‌شود. با فرعون و طاغوت مبارزه کن اما در این مبارزه متوقف نشو. این کار را انجام بده زیرا فرعون، نمرود، اشراف قریش، معاویه بن ابی سفیان، یزید بن معاویه و طاغوت، مانع هدایت هستند.

خداوند می‌فرماید در مبارزه کردن تردید به خود راه ندهید اما فراموش نکنید که این‌ها همه وسیله است، بنده این تذکر را به‌عنوان هدیه‌ای فرهنگی تقدیم می‌کنم که فراموش نکنید در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه هدف با وسیله نباید جابه‌جا شود. هر کسی این جایگاه را جابه‌جا کند خائن است. در آن صورت، آدم سیاسی تبدیل به آدم قدرت‌طلبی می‌شود که حاضر است هر چیزی را فدای قدرت‌طلبی کند، یا یک آدم اقتصادی تبدیل به یک آدم ثروت‌پرست می‌شود.

هدف ما در آموزش و پرورش انسان‌سازی است

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه می‌فرماید اگر تزکیه نباشد علم توحیدی هم به درد نمی‌خورد. به تعبیر بنده، ایشان معتقد است بدون تزکیه، علم اصول، علم فقه و علم تفسیر هم به درد نمی‌خورد تا برسد به علوم پایه، ریاضی و امثالهم. پس مسئله بسیار حساس است. این تذکر ابتدا به خود بنده است که مسئولیت کل کتاب‌های درسی کشور را عهده‌دار هستم. بنابراین اول به خودم و بعد به شما سروران محترم تذکر می‌دهم که در آموزش و پرورش این نشانی نباید فراموش شود که باید برای معبر تلاش کنیم اما هدفمان رسیدن به مقصد باشد که همان انسان‌سازی است.

خیانت یک فرد در آموزش و پرورش، موج ایجاد می‌کند

باید مراقبت کرد که آنقدر در راه گرفتار نشویم که مقصد را فراموش کنیم. این خطرناک است. برای اینکه گرفتار این خطر نشویم راه‌هایی وجود دارد و اولین راه این است که هر کسی به اندازه خودش اهل تزکیه باشد زیرا اگر شخصی که در آموزش و پرورش کار می‌کند خدایی ناکرده مسیرش عوض شد، مسیرها را عوض می‌کند چون اختیاردار است. خیانت یک فرد آموزش و پرورش، موج ایجاد می‌کند.

شخصی که در آموزش و پرورش کار می‌کند باید با برنامه حرکت کند. همه جا برنامه لازم داریم و این نیاز در آموزش و پرورش به طور مضاعف احساس می‌شود زیرا ظرافت و حساسیت‌ها بالاست. فله‌ای عمل کردن ما را به جایی نمی‌رساند بنابراین باید هدفمند حرکت کنیم. اصل سوم این است که باید مدیریت جهادی داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران نیازمند مدیران جهادی است. یعنی مدیری که چندان به بخشنامه، آیین‌نامه، زمان و ساعت، مقید نیست و برای

دستیابی به هدف مجاهدت می‌کند و مجاهدت‌گری را در بین دیگران هم ترویج می‌دهد زیرا به تنهایی نمی‌شود به جایی رسید و باید با هم حرکت کرد. مدیر جهادی مقید به زمان و مقید به بخشنامه‌ها نیست که فقط دستور بدهند تا او کار کند، بلکه مدیر جهادی برای نیل به اهدافش سر از پا نمی‌شناسد.

کل آموزش و پرورش برای عملیاتی کردن سند تحول بسیج شوند

سند تحول بنیادین، چتر فلسفی و فکری ما در آموزش و پرورش است. این چتر بالا سر ما است تا در امان بمانیم. تمام برنامه‌های ما باید به سمت عملیاتی سازی اسناد تحولی حرکت کند. هر شخص در آموزش و پرورش باید این سند با ارزش و بی بدیل روی میزش باشد و برنامه‌هایش را متناسب با آن بچیند. عملیاتی کردن این سند خواسته صریح مقام معظم رهبری است که ما در آموزش و پرورش به دنبال عملیاتی کردن آن هستیم و بنده برای همین مأموریت به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آمده‌ام. از دانشگاه علامه طباطبایی مجدداً به سازمان پژوهش آمده‌ام تا کاری کنم که یک لبخند رضایت در چهره رهبر انقلاب هویدا شود.

در حال حاضر سند تحول بنیادین تا حدودی عملیاتی شده است اما با یک گل بهار نمی‌شود و کل آموزش و پرورش باید برای عملیاتی کردن این سند بسیج شوند. البته انصافاً کارهایی هم کرده‌اند اما به این احتیاج داریم که مطمئن باشیم لباس تحول بر تن آموزش و پرورش پوشانده شده است که هنوز به آنجا نرسیده‌ایم و باید کار و تلاش کنیم. همه باید در این مسیر قدم برداریم و حرکت کنیم تا این سند با ارزش و بی بدیل که به اعتقاد من شناسنامه فرهنگی و فلسفی ما است عملیاتی شود.

ما تا قبل از سال ۱۳۹۰ که این سند تصویب نشده بود از جهت تعلیم و تربیت مانند انسان بدون شناسنامه بودیم. البته انقلاب اسلامی ایران شناسنامه اصلی ما است و مراد بنده بروز و ظهور انقلاب در آموزش و پرورش است که این مهم تا پیش از سند تحول اتفاق نیفتاده بود. تا پیش از این سند گاهی وقت‌ها از فلسفه‌های غربی و شرقی که خیلی‌ها با ما تناسب ندارد استفاده می‌کردند. این طبیعی است که هر کس فلسفه نداشته باشد باید از فلسفه دیگران وام بگیرد و هر کس که در فلسفه از دیگری عاریت گرفت، باخت، زیرا فلسفه میناست. ما اگر مبانی تعلیم و تربیت را بر اساس فلسفه اسلامی خودمان پایه‌گذاری نکنیم به اهداف تمدنی خودمان نخواهیم رسید.

سیاست دولت حرکت به سمت آموزش‌های حضوری است

ما در این لحظه هنوز از ضرورت‌های بازگشایی مدارس خلاص نشده‌ایم. سیاست دولت این است که به سمت آموزش‌های حضوری حرکت کنیم. حضرت آیت‌الله رئیسی هم در مراسم بازگشایی مدارس فرمودند که ما تلاش‌مان به سمت حضوری کردن است اما این اتفاق به صورت تدریجی خواهد افتاد. یعنی آموزش و پرورش بنا دارد به سوی حضوری کردن آموزش‌ها حرکت کند منتها به طور تدریجی و اقتضایی. این را باید به‌عنوان یک راهبرد اصلی و عینی روی میز تلقی کنیم و در راه تحقق آن تلاش کنیم.

ابتدا مناطق روستایی و عشایری که جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها کم است و به راحتی می‌توانند کلاس‌های حضوری برگزار کنند، بازگشایی خواهند شد و در مرحله بعد مدارس که زیر ۳۰۰ دانش‌آموز دارند باید تلاش کنند آمادگی خود برای برگزاری تدریجی کلاس‌های حضوری را به دست بیاورند. این اختیار هم دارند که کلاس‌های نیمه حضوری و ترکیبی تشکیل دهند یا حضور دانش‌آموزان در مدارس را نوبت‌بندی کنند. مهم این است که ما خیال‌مان راحت باشد دانش‌آموزان آسیب نخواهند دید و پروتکل‌های بهداشتی رعایت خواهد شد.

سطح سوم آن مدارس است که جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها بالاتر از ۳۰۰ نفر است که معمولاً این نوع مدارس را در کلان‌شهرها داریم. در اینجا قدری کار پیچیده‌تر می‌شود چون هر قدر جمعیت دانش‌آموزی بیشتر باشد ظرفیت و حساسیت کار بالاتر می‌شود. طبق الگویی که به استان‌ها ارسال شده، این مدارس هم بعد از اینکه اطمینان حاصل کردند امکان برگزاری کلاس‌های حضوری را دارند، می‌توانند اقدام به برگزاری کلاس‌های حضوری کنند. البته باید پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند. اگر نتوانستند کلاس‌ها را حضوری تشکیل دهند، می‌توانند به صورت ترکیبی برگزار کنند.

کلاس بندی و صدور ابلاغ‌ها مسائل اضطراری است

چند ضرورت وجود دارد که این‌ها را مدیران آموزش و پرورش باید لحظه به لحظه به طور بالینی مدیریت کنند. در این لحظه، مسئله کلاس بندی و صدور ابلاغ برای ما مسئله اضطراری است.

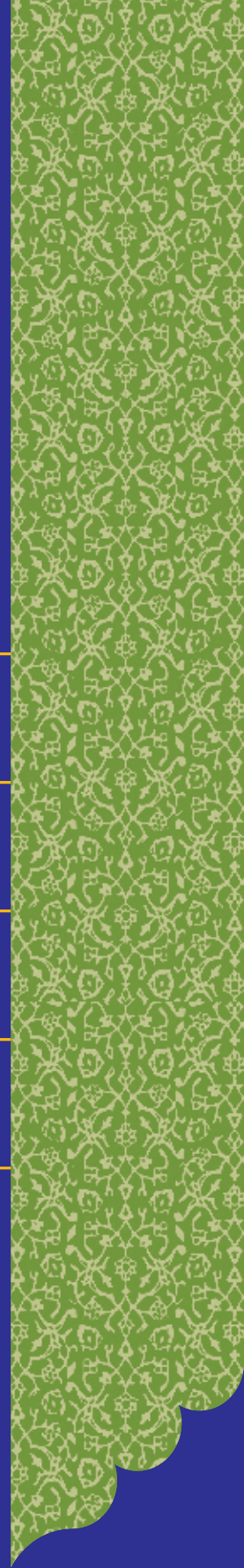
مسئله‌ای است که اگر در همین ایام آغازین سال تحصیلی حلش نکنیم خسارات و زیان‌هایش را خواهیم دید. تعداد کلاس‌بندی‌ها و صدور ابلاغ‌ها باید ساعت به ساعت افزایش پیدا کند که برای این مهم لازم است مدیران مناطق و مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها مداخله کنند. الحمدلله در ثبت‌نام پیشرفت‌های خوبی داشته‌اید اما ۵۰ درصد ابلاغ‌ها صادر شده که این نیازمند تلاش و سرعت‌بخشی بیشتر است.

در بحث توزیع کتاب‌ها هم شاید در فنی و حرفه‌ای و کاردانش مثل همه جاهای کشور قدری عقب‌ماندگی باشد که بیشتر مربوط به بحث شش‌امضایی‌ها و بحث هدایت تحصیلی است که در این زمینه باید تلاش کنیم تا ان‌شاءالله طی یک هفته آینده وضع‌مان در استان به وضع مطلوب برسد. با توجه به شناختی که بنده از آقای دکتر مظفری به‌عنوان یک انسان فکور، شایسته، بصیر و دلسوز دارم و نیز با شناختی که از آقای دکتر زمانی به‌عنوان فردی فکور و کوشا دارم، تردید ندارم که این مسائل اورژانسی طی یک هفته تا ده روز آینده رفع می‌شود و ما خیال‌مان راحت خواهد شد. حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعمران حسینی نسب امام‌جمعه سلطانیه، ولی‌الله انصاری معاون فرماندار شهرستان سلطانیه و مهدی زمانی مدیر آموزش و پرورش شهرستان سلطانیه از دیگر حاضران در این نشست بودند.



فصل دوم

همایش‌ها





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



وبینار برنامه‌های
هفته پژوهش و
سومین نمایشگاه
دستاوردهای
پژوهشی و فناوری
دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



وبینار برنامه‌های هفته پژوهش و سومین نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی و فناوری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم روز شنبه ۲۹ آذر ماه برگزار شد. دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش سخنرانی را با موضوع "مبانی دینی تحول در برنامه درسی" ارائه کرد.

ملکی با قرائت آیه شریفه "حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر" دلیل انتخاب این موضوع برای سخنرانی را علایق مطالعاتی خودش در این زمینه دانست و گفت: به عنوان یک فرد یا مسوول سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اعتقاد راسخ دارم که اگر بخواهیم تحولات تعلیم و تربیتی را مرتبط با مبانی دینی و اسناد تحولی پیش ببریم باید با مراکز اعتقادی و دینی مانند حوزه‌ی علمیه، دفتر تبلیغات اسلامی و دیگر مراکز مشابه مرتبط باشیم و به طرق مختلف بهره‌مندی لازم را از استادان محترم و تحقیقاتی که انجام داده‌اند به عمل بیاوریم.

معاون وزیر آموزش و پرورش در ادامه بیان کرد: لازم است ابتدا مرادم از دو مفهوم دین و برنامه‌ی درسی را عرض کنم. براساس آموزه‌هایی که از مطالعات علمای گرامی اسلام و تحقیقات انجام شده داریم؛ می‌توانیم بگوییم که دین "مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تجویزی است". گزاره‌های توصیفی بیشتر ناظر بر توصیف واقعیت‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و در رأس آن‌ها خداشناسی است، مانند گزاره‌هایی از قبیل اینکه خدا وجود دارد و خدای متعال خالق هستی است و یا این گزاره که انسان کرامت ذاتی دارد. گزاره‌های تجویزی هم مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی و احکام دینی است که از گزاره‌های توصیفی منبعث می‌شوند و نشأت می‌گیرند و البته ریشه‌ی اصلی آن‌ها آموزه‌های وحیانی و نقل و عقل است.

دکتر ملکی افزود: طبیعی است که در این زمان کم، بنا ندارم و امکان‌پذیر نیست که برنامه‌ریزی درسی را به همه‌ی این گزاره‌های توصیفی و تجویزی متصل کنم، اما یکی از ابعاد این توصیف‌ها که مربوط به مبانی انسان‌شناسی می‌شود را بر محوریت فطرت الهی انسان انتخاب کرده‌ام تا نسبتی بین فطرت الهی انسان از یک طرف و برنامه‌ریزی درسی از طرف دیگر برقرار کنم.

برنامه درسی طرح و نقشه تربیت همه جانبه متربی است

رئیس سازمان پژوهش با تأکید بر اینکه مراد وی از برنامه‌ریزی درسی، طرح و نقشه‌ی تربیت همه جانبه‌ی متربی است؛ بیان کرد: ما در ادبیات برنامه درسی از قول برخی از صاحب‌نظران این رشته دریافت می‌کنیم که گفته می‌شود برنامه درسی طرح یادگیری است. بنده اعتقاد دارم که وقتی با نگاه جامع دینی و براساس فلسفه‌ی تربیتی اسلام در برنامه درسی تأمل می‌کنیم؛ این تعریف، یعنی برنامه درسی را طرحی برای یادگیری در نظر گرفتن، کفایت نمی‌کند و بیان کافی نیست. ما به مقوله‌ی تربیت که یک وسعت معنایی دارد و وسیع‌تر از مقوله‌ی یادگیری است باور داریم و اعتقاد داریم که لزوماً تربیت مساوی یادگیری نیست. در تربیت یادگیری هم هست اما یادگیری وسیع‌تر و عمیق‌تر است و در نگاه تربیتی دینی ما مسئله‌ی تربیت جایگاه خاصی دارد. به همین دلیل باور دارم که برنامه‌ی درسی طرح و نقشه‌ی تربیت همه جانبه‌ی متربی است.

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: وقتی از برنامه‌ی درسی سخن می‌گوییم از یک نقشه و یک طرح حرف می‌زنیم. همان‌گونه که هر طرحی در درون خودش دارای اجزا و عناصری است در درون طرح تربیت همه جانبه هم به طور طبیعی عناصری وجود دارد. عنصر هدف‌های تربیت، عنصر

محتوای تربیت، عنصر نظام ارزشیابی در تربیت، عنصر نقش معلم در تربیت، عنصر نقش مربی در تربیت، عنصر فضا و زمان در تربیت و امثال آن در این طرح معنا پیدا می‌کند. اما اگر بگوییم برنامه‌ی درسی طرح یادگیری است خود را در یک محدوده تنگ مضیق کرده‌ایم. بنابراین مراد از مفهوم برنامه‌ی درسی در عرایض امروز من، طرح و نقشه تربیت همه جانبه است.

رویکردهای مختلف در برنامه درسی

حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش بیان کرد: در ادبیات برنامه‌ی درسی به‌عنوان یک علم، رویکردهای مختلفی مطرح است. یک رویکرد وجود دارد که "رویکرد دانش‌آموز محور" است، به این معنا که دانش‌آموز و یادگیرنده را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. این رویکرد در ادبیات برنامه‌ی درسی عمدتاً از فلسفه‌ی تربیتی پراگماتیسم ریشه می‌گیرد. یک نگاه لیبرالیستی به تعلیم و تربیت وجود دارد. در اینکه دانش‌آموز اهمیت دارد تردیدی نیست و ما در اینکه مربی محوریت دارد هم شکی نداریم، اما این گونه نیست که ما در کانون توجه طرح و نقشه‌ی تربیت فقط نیازها و علایق یادگیرنده را محور قرار بدهیم و یا به طور افراطی به آن محوریت قائل شویم.

ملکی افزود: در واقع این که هدف‌های تربیتی و سایر عناصر تربیتی را صرفاً از نیازهای یادگیرنده بگیریم را مناسب تلقی نمی‌کنیم. این رویکرد نمی‌تواند ابعاد اساسی رشد انسان را در مسیر تربیت اصیل و اصلی او پیش ببرد، اما به‌عنوان یک رویکرد در ادبیات برنامه‌ی درسی وجود دارد. پس در این رویکرد کانون توجه یادگیرنده است و صرفاً به نیازهای او، علایق او و اصالت دادن به یادگیرنده توجه می‌شود.

معاون وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه رویکرد دیگر؛ "رویکرد جامعه محور" است، افزود: در این رویکرد دانش‌آموز را برمی‌دارند و به جای آن زندگی اجتماعی و جامعه را قرار می‌دهند. اینجا هم اعتقادشان بر این است که ما با دلالت‌های جامعه و دلالت‌های زندگی اجتماعی و با الهامی که از جامعه دریافت می‌کنیم باید عناصر برنامه درسی را طراحی کنیم. بنده به‌عنوان یک پژوهشگر معتقدم که زندگی اجتماعی مهم است و در اندیشه دینی ما به مقدار زیادی به زندگی اجتماعی اهمیت داده شده است ولی زندگی اجتماعی اگر به طور افراطی اصیل تلقی شود و به طور افراطی مورد توجه کانونی طراحان برنامه درسی قرار بگیرد، افرادی پرورش پیدا می‌کنند که این افراد با اصالت دادن به جامعه در واقع محیط جامعه می‌شوند و سازگاری مطلق پیدا می‌کنند.

دکتر ملکی تصریح کرد: در عین حال که جامعه اهمیت دارد، فرد باید طوری پرورش پیدا کند که گاهی در مقابل امور منفی و نامطلوب جامعه، موضع‌گیری فکری و در صورت لزوم عملی کند. براساس نگاه امر به معروف و نهی منکری که در اندیشه‌ی دینی ما وجود دارد، انسان نباید در جامعه هضم شود. در عین حال که باید به ارزش‌های جامعه احترام قائل شود ولی نباید اراده و اختیار منبعث از فطرت الهی خودش را نادیده بگیرد یا مورد بهره‌برداری قرار ندهد.

رئیس سازمان بیان کرد: رویکرد سومی که در برنامه درسی وجود دارد "رویکرد موضوع محور" است. این رویکرد، دانش آموز و جامعه را برمی‌دارد و به جای آن موضوعات علمی و رشته علمی را قرار می‌دهد. یعنی با همان معادلاتی که در رویکرد قبلی قرار دارد و فقط با تغییر کانون توجه، یعنی قرار دادن موضوعات علمی به جای زندگی اجتماعی و به جای علایق و نیازهای فرد، دچار همان افراط‌گرایی می‌شود. افراط در هر جا صورت بگیرد میمون و مبارک نیست. چه در دانش آموز گرایشی افراط کنیم و چه در علم‌گرایی و جامعه‌گرایی افراط کنیم، از مسیر درست برنامه درسی فاصله می‌گیریم.

حسن ملکی در ادامه گفت: حالا اگر ما بیاییم کانون توجه خودمان را از یکی از توصیف‌ها و آموزه‌های دینی خودمان به نام "انسان‌شناسی" و به نام "فطرت الهی انسان" دریافت کنیم و فطرت الهی انسان را در کانون توجه خودمان قرار بدهیم، چه تغییراتی اتفاق می‌افتد و قاعدتاً چه تحولاتی باید در برنامه‌ی درسی رخ بدهد؟ با توجه به رویکردهایی که در برنامه‌ی درسی وجود دارد این مسئله کاملاً روشن است که علت تنوع رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، تنوع در مبانی فلسفی و تنوع در مبانی اعتقادی است. معاون وزیر آموزش و پرورش خاطر نشان کرد: ما تنوع و تکثر نظریه‌ها در علم برنامه درسی را یک اتفاق، یک تصادف و یک رویداد بدون مبنا تلقی نمی‌کنیم. هر یک از نظریه‌ها اصطلاحاً یک پدر و مادر فلسفی دارند. هر یک از آن‌ها یک ریشه و بنیان اعتقادی عمیق برای خودشان دارند و نظریه‌ی خودشان را بر آن پایه قرار داده‌اند، والا چه لزومی دارد از جهت علمی این همه تنوع و این همه تکثر؟ این تنوع‌ها و تکثرها علتش تکثر و تنوع در مبانی اعتقادی آن نظریه است. سخن ما این است که اگر مبانی عوض شد باید نظریه و رویکرد تغییر پیدا کند. وقتی بنیان فلسفی عوض شد اصول و بایدها و نبایدهای علمی در برنامه‌ریزی درسی به طور طبیعی عوض می‌شود.

هدف غایی ما عبودیت و قرب الهی است

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه‌ی بحث مربوط به رویکردهای برنامه‌ی درسی بیان کرد: ما اگر فطرت الهی انسان را به جای دانش آموز، جامعه و موضوعات علمی در کانون

توجه قرار دادیم اصلاً تار و پود برنامه‌ی درسی تغییر می‌کند. مطابق تئوری فطرت و مطابق تحلیلی که از فطرت الهی انسان به دست می‌آید، انسان بالفطره خداگرا و پرستشگر است. ما خداگرایی را نسبت به انسان یک امری که بر او وارد شده است؛ تلقی نمی‌کنیم، بلکه اعتقاد داریم مسئله‌ی گرایش به خدا مسئله‌ی عبودیت در سرشت اوست. حالا اگر با این نگاه به برنامه‌ی درسی نگاه کنیم آیا نباید هدف غایی تربیت خودمان را عبودیت و قرب الهی قرار بدهیم؟ راهی جز این نداریم. ملکی ادامه داد: ما در نظام تعلیم و تربیت و در برنامه‌های درسی خودمان باید غایت را قرب الهی قرار بدهیم. کما اینکه شما در سایر نظام‌های تعلیم و تربیت هم هیچ نظام بدون غایت نمی‌بینید. در دنیای لیبرالیستی یک غایت وجود دارد و در دنیای مارکسیستی یک غایت دیگر وجود دارد. پست مدرنیسم‌ها هم برای خودشان سخن دیگری دارند. این یک واقعیت علمی است.

معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: ما اگر فطرت الهی را در کانون رویکرد برنامه‌ریزی درسی قرار بدهیم یکی از بایدهایی که از جهت عقلی استنتاج می‌شود این است که ما باید هدف غایی را در نظام برنامه درسی خودمان قرب الهی قرار بدهیم. اگر چنین کردیم باید همه‌ی برنامه‌های درسی ما بدون استثناء در این صراط حرکت کنند. البته ما باور داریم که برنامه‌ی درسی علوم، برنامه درسی ریاضی، برنامه درسی مطالعات اجتماعی، برنامه درسی ادبیات و... یکی نیستند و این‌ها ظرف‌های گوناگون‌اند، اما باید از منظر ظرف و ظرفیت خود به قرب الهی بنگرند. به‌عنوان مثال در مورد درس علوم ما باید معلوم شود که این درس جمهوری اسلامی ایران است. یا در مورد درس ریاضی باید تا حدودی معلوم شود که این درس در جمهوری اسلامی می‌خواهد تدریس شود نه در استرالیا، کانادا یا جاهای دیگر.

از حوزه علمیه و سازمان تبلیغات کمک می‌خواهیم

ملکی تأکید کرد: به هر حال باید بپذیریم که برنامه‌های درسی ما سُئلی هستند که باید به صراط ملحق شوند و آن صراط قرب الهی و عبودیت است. برنامه‌های درسی نباید هر کدام خود به یک صراط ملحق شوند. باید در همان موقعیت سیبل بودن بمانند منتها به صراط ملحق شوند. البته ما در انجام این مأموریت راه سخت و پر مانعی در پیش داریم. به همین دلیل با باور عمیق عرض می‌کنم که اگر بخواهیم برنامه‌های درسی ما در صراط قرب الهی و در مسیر نقل و عقل حرکت کنند باید استمداد بطلبیم.

وی افزود: ما از حوزه‌ی علمیه قم کمک می‌خواهیم. به همین دلیل بنده از حضرت آیت‌الله اعرافی و استادان محترم حوزه علمیه تقاضا کردم که استنادی را معرفی کنند تا بیایند در شوراهای برنامه‌ریزی درسی ما عضویت پیدا کنند. الحمدلله بخشی از این موضوع محقق شده است ولی ما هنوز برای ارتباط عمیق‌تر به نشست‌های عمیق‌تر نیاز داریم. ما این راه را با بیانات صریح امام خامنه‌ای مد ظله‌العالی پیش می‌رویم و انشاءالله به میمنت تقدس این راه و با دعای خیر معظم له و شما استادان گرامی در این راه توفیق به دست خواهیم آورد.

لزوم توجه به نیازهای فطری در برنامه‌ریزی درسی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: معمولاً در برنامه‌ریزی درسی مقوله‌ای وجود دارد به نام نیازسنجی. در بحث نیازسنجی مطرح می‌شود که ما چگونه نیازهای یادگیرنده را بفهمیم، بشناسیم و دریافت کنیم. معمولاً روال‌شان به این صورت است که نوعاً نیازها را می‌خواهند از داده‌ها و واقعیت‌های عینی به دست بیاورند. یعنی مطالعاتی در واقعیت‌های آموزشی می‌کنند و مطالعاتی از طریق دانش‌آموزان، معلمان، کارشناسان و والدین انجام می‌دهند و از طریق تحلیلی که از این داده‌ها به دست می‌آورند پی به نیازهایی می‌آورند. ضمن اینکه توجه به این واقعیت‌ها را نمی‌شود منکر شد، اما نگاه فطرت الهی و برنامه‌ریزی درسی یک فضای دیگری در مقوله نیاز باز می‌کند و آن هم نیازهای اصیل فطری و نیازهای اصیل معنوی است که ما آن‌ها را در نیازسنجی‌های معمولی نمی‌بینیم.

ملکی ادامه داد: ما یک سری نیازهای فطری داریم که این نیازهای فطری در تحلیل دینی انسان قابل طرح است. نیازهایی مانند نیاز به معنویت و اخلاق یا نیاز به مناسبات اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی. ما یک سری نیازها داریم که ثابت و فطری هستند. این نیازهای فطری از تحلیل فطرت الهی انسان به دست می‌آید. ما در این الگوهای نیازسنجی این نوع نگاه به نیاز را ملاحظه نمی‌کنیم، اما وقتی فطرت الهی انسان را مبنا قرار دادیم طبیعتاً در اینجا باید سوال کنیم که نیازهای اصیل فطرت انسان کدام‌اند؟ آن‌ها را باید دریافت کنیم و از آن‌ها باید تحلیل درستی داشته باشیم و آن‌ها را برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مبنا قرار بدهیم.

معاون وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه ما در مقام توصیف، انسان را با کرامت ذاتی می‌شناسیم، بیان کرد: قرآن انسان را مکرم معرفی می‌کند. در آیات مختلف به ما می‌فهماند که

انسان در بین مخلوقات پروردگار متعال، منحصر به فرد است و کرامت ذاتی دارد. این کرامت ذاتی درباره غیر انسان و هیچ موجود دیگری بیان نشده است. حتی درباره ملائکه الهی هم بیان نشده است. اما برنامه ریزی درسی باید طوری پیش برود که زمینه‌ی کرامت اکتسابی را برای خلیفه خدا در روی زمین فراهم نماید، والا کرامت ذاتی انسان که مانند بذر است. مانند یک امر خلقتی و سرشتی در وجودش خلق و کاشته شده ولی بالقوه است. کرامت بخواهد فعلیت پیدا کند به برنامه درسی کرامت پرور و تعلیم و تربیت کریمانه نیاز دارد. به معلمی نیاز دارد که بتواند کرامت ذاتی انسان را از قوه به فعل بیاورد.

وی افزود: اگر برنامه درسی کرامت پرور را نتوانیم طراحی و معلم کرامت پرور را نتوانیم آماده کنیم چگونه می‌توانیم بگوییم که نظام تربیتی ما نظام اسلامی و الهی است؟ البته بیان این سخن بیان آسانی است ولی عمل کردن به آن طراحی‌ها و تدوین عمیق می‌خواهد و از روش‌های مناسب و عقل جمعی و مطالعات عمیق باید بهره‌برداری شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پایان سخنانش گفت: ما اعتقاد داریم که سرشت خلیفه الله شدن و سرشت جانشین خدای متعال در زمین شدن در انسان‌ها قرار داده شده و این باید به فعلیت برسد و پرورش پیدا کند. فلذا ما نظام تربیتی خلیفه الله پرور و برنامه درسی خلیفه الله پرور نیاز داریم. البته این مراتب دارد و یک امر تشکیکی است و در دوره‌های تحصیلی مختلف باید آرام آرام تجلی و بروز پیدا کند. این امکان پذیر نمی‌شود مگر آنکه ما هم شوراهای برنامه‌ریزی درسی قوی و هم مطالعات عمیق داشته باشیم و هم انشاء الله از اندیشه‌ها، مطالعات و تولیدات علمی و فکری حوزه‌های محترم علمیه، دفتر تبلیغات اسلامی قم و سایر مراکز اسلامی بهره‌مند شویم. انشاء الله بتوانیم این مسیر و این صراط را به خوبی بپیماییم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نشست علمی

بررسی

ابعاد مختلف

سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش

از تدوین

تا اجرا



نشست علمی بررسی ابعاد مختلف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از تدوین تا اجرا با حضور صاحب نظران و اساتید دانشگاه ساعت ۱۹ روز دوشنبه یکم دی ماه به صورت مجازی و به میزبانی بسیج دانشگاه فرهنگیان استان کرمان برگزار شد. دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی؛ دکتر مهدی نوید ادهم مشاور عالی وزیر آموزش و پرورش و دکتر رحمت اله مرزوقی عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز در این نشست سخنرانی کردند.

مهدی نوید ادهم در شروع نشست ضمن تبریک ولادت حضرت زینب (س) بیان کرد: من فکر می‌کنم بحث سند تحول که دستور کار این نشست است با این تولد مبارک خیلی مناسب است. کسانی می‌توانند تحول آفرین باشند که مثبت اندیش باشند و بلد باشند زیبایی‌ها را ببینند و یک دنیای مثبتی را رقم بزنند و وعده بدهند. به همین دلیل در این کار بزرگ و سترگی که دست اندرکاران آموزش و پرورش آغاز کرده‌اند از روح بلند این بانوی بزرگوار استمداد می‌طلبیم و انشاءالله به حرمت این بانو عنایت الهی نصیب شود تا بتوانیم کار بزرگی را انجام بدهیم.

مشاور عالی وزیر آموزش و پرورش خطاب به دانشجویان حاضر در نشست گفت: از شما عزیزان صمیمانه تشکر می‌کنم که وارد این میدان شده‌اید و برنامه‌های مختلفی را برای تحقق این مهم تدارک دیده‌اید. هم دست‌اندرکاران تدوین سند از روزهای آغازین و هم مدیران آموزش و پرورش و همه به‌طور جد باور داشتند و دارند که این تحول بنیادین، سیاسی، ریشه‌ای و بزرگ به پیشگامانی نیاز دارد که نسل معلمان جوان و شما مدیران و همه عزیزان تازه نفس می‌توانید از پیشگامان باشید. دکتر نوید ادهم تأکید کرد: تحول بنیادین از سنخ تحولات فرهنگی است و تحولات فرهنگی نیاز به وارستگی از وضع موجود دارند. معمولاً وقتی انسان در یک سیستم، سازمان یا بخش کار می‌کند یک چسبندگی و تعلق خاطر نسبت به آن کار پیدا خواهد کرد، مگر اینکه روح بلندی داشته باشد و توانایی این را داشته باشد که از وضع موجود عبور کند و به دنبال یک آینده‌ی مطلوب بگردد. در نسل جوان به دلیل شرایط سنی و هم به دلیل عدم چسبندگی و وابستگی‌اش به وضع موجود، این توانمندی بالقوه به صورت بیشتری وجود دارد. لذا اینکه دانش‌آموزان و معلمان عزیز ما وارد صحنه سند تحول بشوند و هر چه بیشتر با این سند و مفاهیم تحول‌آفرین آشنا شوند و بتوانند ایفای نقش کنند قطعاً مطلوب‌تر خواهد بود.

برای تحول باید سه گام برداشته شود

مهدی نوید ادهم با بیان اینکه برای ایجاد تحول حداقل باید سه گام برداشته شود، افزود: در هر سازمان و هر سیستمی وقتی می‌خواهید تحول بیافرینید باید این سه گام را بردارید. گام اول تدوین طرح و برنامه و نقشه‌ی راه برای تحول‌آفرینی است که کجا هستید و در چه موقعیتی قرار دارید و به کجا می‌خواهید بروید و فرآیند عبور از وضع موجود و وضع مطلوب چگونه است. تدوین کردن و به تصویر کشیدن این‌ها اولین گام تحول‌آفرینی است. خوشبختانه این گام در سند تحول برداشته شد. وی افزود: بیش از ۵۵۰ تا ۶۰۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران اعم از مدیران، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش، اساتید دانشگاه و اساتید حوزوی دست به دست هم دادند و بیش از ۸۰ پروژه‌ی تحقیقی را در طول سه، چهار سال انجام دادند و با مطالعات تطبیقی توانستند یک سندی را تنظیم کنند که این سند هم به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و هم به تأیید و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. بعد هم به تأیید و تصویب سایر مراجع من جمله مقام معظم رهبری رسید و ایشان بارها تأکید فرمودند که سند تحول بنیادین نقشه‌ی راه و نسخه‌ای است که عملیات باید بر اساس آن آغاز شود.

مشاور عالی وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: گام دوم فراهم آوردن زیرساخت‌ها، امکانات و منابع است که بخشی از این هم تاکنون انجام شده است. بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های حقوقی، برنامه‌ای، مالی، منابع انسانی، مدیریتی، ساختاری و سایر زیرساخت‌هایی که برای ایجاد تحول نیاز است فراهم شود و ۱۳۱ راهکار سند در ۶ زیر نظام توزیع شد و برای هر کدام از این‌ها برنامه‌ای نوشته شده است. تاکنون ۵۳۰ برنامه نوشته شده که به تصویب شورای عالی رسیده است. کار سنگینی را از وزارتخانه و دوستان گرفت و در نهایت این‌ها تدوین شد و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و امروز روی میز آموزش و پرورش است.

دکتر نوید ادهم خاطر نشان کرد: گام سوم بحث اجرای سند است که اجرای راهکارهایی که راحت‌تر و امکان‌پذیرتر بود از همان روزهای آغازین شروع شد و الآن هم باید اجرا شود. الآن در مرحله دوم و سوم به سر می‌بریم. همه‌ی انرژی و توان‌مان را باید به خدمت بگیریم تا انشاءالله همچنان که بارها مسوولین ارشد نظام و مقام معظم رهبری فرمودند این سند را عملیاتی کنیم.

تأکید بر لزوم ترمیم و به‌روزرسانی سند تحول بنیادین

در ادامه نشست دکتر رحمت‌اله مرزوقی عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز بیان کرد: این نشست به مناسبت سالگرد تدوین سند تحول بنیادین در آذرماه ۱۳۹۰ تشکیل شده است. فکر می‌کنم در برگزاری این نشست یک مناسبت جدی‌تر و جدیدتر هم هست و آن هم تأکید اخیر مقام معظم رهبری در اجلاس سالیانه رؤسا و مدیران آموزش و پرورش کشور در شهریور ماه سال جاری بود که بر لزوم ترمیم و به‌روزرسانی سند تحول بنیادین تأکید فرمودند. ایشان فرمودند که الآن حدود ۹ سال است که این سند ابلاغ شده است و در خود سند هم ذکر شده که هر ۵ سال باید این سند ترمیم شود.

دکتر مرزوقی افزود: مقام معظم رهبری فرمودند که بعضی از تعابیر دور از ذهن هم در اهداف و راهبردهای سند وجود دارد که بایستی مبین، ساده و روشن باشند تا معلوم باشد که چه می‌خواهیم. تأکید فرمودند که این کارها باید انجام بگیرد. معظم له فرمودند ترمیم سند باید به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی که اسناد را تصویب می‌کند؛ انجام بگیرد. هم معظم له تأکید کرده‌اند و هم در بخش سوم فصل هشتم سند تحول بنیادین و هم در بند ۱۵-۸ برنامه درسی ملی، مقوله بازنگری و ترمیم اسناد تحول در یک بازه زمانی پنج ساله مورد تأکید قرار گرفته است.

استاد دانشگاه شیراز اظهار داشت: اسنادی که در حوزه‌های گوناگون برای ایجاد تحول در ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تربیتی تدوین و اجرا می‌شوند علاوه بر نقاط قوتی که دارند، دارای محدودیت‌ها و ضعف‌هایی هم هستند که بایستی در فرآیند بازنگری و تکمیل اسناد بررسی شوند. فلسفه‌ی اینکه این بند را در سند تحول آورده‌اند هم به خاطر این بوده که سند نیاز به ترمیم و تکمیل دارد. الآن هم شورای انقلاب عالی فرهنگی بایستی مورد نظری فرآیند تکمیل این اسناد را طراحی کند و موردی که حضرت آقا تأکید کردند را مدنظر قرار بدهد. من بخش عملیاتی را به دوستان می‌سپارم و از حیث نقد به منظور ورود مقدماتی در مقوله ترمیم و تکمیل بازنگری اسناد تحول صحبت می‌کنم. رحمت‌اله مرزوقی بیان کرد: بدیهی است که تکمیل سند یک ضرورت است و نیاز به نقدهای مشوقانه و عالمانه دارد. همان‌طور که جناب آقای دکتر نوید ادهم فرمودند، تحول بنیادین یک ضرورت حیاتی در آموزش و پرورش کشور است. اولاً اینکه انقلاب اسلامی یک انقلاب تربیتی است و ثانیاً آرمان‌های تربیتی هم دارد. ثالثاً، این انقلاب برای پیش‌برد اهداف، آرمان‌ها و مقاصدش نیاز به یک نظام تربیتی هم‌سو و هم‌گرا و متکی بر ارزش‌های اسلامی انقلاب دارد. از این منظر باید گفت که اقامه‌ی نظام تربیت اسلامی، عالی‌ترین معروف اسلامی است، چرا که به واسطه‌ی آن انسان ساخته می‌شود. انسان‌سازی هم فلسفه‌ی خلقت است و هم فلسفه‌ی آفرینش انسان و فلسفه‌ی فطرت انبیای الهی است. این تغییر باید یک تحول باشد. نه تنها یک تحول متداول، بلکه باید یک تحول بنیادین باشد. وی افزود: به نظر من باید یک انقلاب فرهنگی بنیادین براساس این اسناد به وجود بیاید. در پرتوی این ضرورت‌ها بود که اسناد تحول بنیادین در سال ۱۳۹۰ تدوین شد که شامل سه بخش مبانی نظری، سند تحول و برنامه‌ی درسی ملی است. این‌ها را تحت قاعده‌ی مبنا، بنا و برنامه بایستی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. به نظرم در چندین مدل می‌توانیم این اسناد را نقد کنیم. یک مدل سه بعدی وجود دارد. یعنی ما بیاییم اسناد را به لحاظ مفهومی برای نقد و ترمیم و بعدها تکمیل مورد بررسی قرار بدهیم. باید روی این اسناد نقد مفهومی، ساختاری و عملکردی داشته باشیم. یک مدل دو بعدی وجود دارد که نقد نظری و تئوریک است. من وارد نقد متدیک نمی‌شوم و فقط راجع به نقد تئوریک یک سری نکات را خدمت‌تان عرض می‌کنم.

عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز گفت: معتقدم که نقد متدیک و روش‌شناسانه اسناد به مراتب بر نقد مفهومی و تئوریک اسناد ارجحیت دارد چون وقتی رویکرد روش‌شناختی جامعی در تدوین سند محل تردید باشد، اغتشاشات فراوان مفهوم‌شناختی شکل می‌گیرد. اگر مفهوم‌پردازی مشکل داشته باشد، آن‌وقت عملیاتی کردن تنظیم برنامه‌های جامع عملیاتی هم دچار مشکل

خواهد شد. به نظرم مشکلی که وزارت آموزش و پرورش دارد و هنوز در اینکه برنامه‌ی جامع عملیاتی را تدوین کند مسئله دارد، ریشه در همان مشکلات تئوریک و مفهوم‌پردازانه دارد.

دکتر ملکی: تولد سند تحول بنیادین را باید جشن گرفت

در ادامه دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: تلقی بنده این است که ما تا قبل از سال ۱۳۹۰ که سال تولد این مولود مبارک است علی‌رغم اینکه در کشور جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی انجام گرفته و تحولات عمیق در سطح کلان ایجاد شده بود اما در نظام تعلیم و تربیت بدون شناسنامه بودیم. بنده به واژه شناسنامه فرهنگی و تربیتی تأکید دارم. در مثل مناقشه نیست. همان‌گونه که انسان بدون شناسنامه سرگردان است، نظام تربیتی بدون شناسنامه هم سرگردان است و به اسارت زمان و مکان می‌رود و نمی‌تواند کاری را انجام بدهد.

رئیس سازمان پژوهش افزود: من به‌عنوان یک پژوهشگر مسائل تعلیم و تربیتی عرض می‌کنم که ما تا قبل از ۱۳۹۰ سرگردانی فرهنگی داشتیم. به دلیل اینکه فلسفه‌ی آموزش و پرورش ما تدوین نشده بود و سند تحول بنیادین به‌عنوان یک سند راهگشا تدوین نشده بود. طبیعتاً هر چیزی که انسان تدوین کند بی‌نقص نیست اما به طور نسبی، سند تحول بنیادین به‌عنوان یک سند اساسی انصافاً سند ذی‌قیمتی است و تولد آن را باید جشن گرفت.

دکتر ملکی با تأکید بر اینکه ما از سال ۱۳۹۰ دارای یک شناسنامه فرهنگی و تربیتی شدیم، بیان کرد: درست است که ما در اجرای این سند مشکل داشتیم و مشکل داریم اما در بعد نرم‌افزاری به این سند احتیاج داشتیم. یعنی اول باید سند تولید شود و بعد برای اجرای آن اندیشید و راهکار به دست آورد. بنابراین من از منظر تولید نرم‌افزاری عرض می‌کنم که سال ۱۳۹۰ به بعد با سال ۱۳۹۰ به قبل را باید شبیه داشتن و نداشتن شناسنامه با هم مقایسه کرد.

ملکی تصریح کرد: این سند اهمیت دارد و آن را باید قدر دانست و قدرشناسی این سند هم در اجرای آن است. حضرت آقا بارها و بارها اشاره فرموده‌اند که چرا سند تحول اجرایی نمی‌شود؟ مکرراً این را فرموده‌اند. این نشان می‌دهد که این سند عملیاتی نشده است. البته مسوولان محترم در نظام تعلیم و تربیت ما تلاش‌هایی کرده‌اند منتها آن تلاش‌ها، تلاش‌های مبنایی و اساسی نبوده است و این اتفاق نیافتاده که برنامه‌های تعلیم و تربیت را بر آن مبنا مبتنی کنند. تا زمانی که بناها به آن مبنا مبتنی نشود تحولی صورت نخواهد گرفت.

دلایل اجرایی نشدن سند تحول بنیادین

معاون وزیر آموزش و پرورش با طرح این سوال که چرا این سند اجرایی نشده و مشکل کجا بوده است، بیان کرد: من تصور می‌کنم که موانع اجرای سند تحول را باید در سه سرفصل مورد بررسی قرار داد. یک سرفصل این است که "ندانستند و اجرا نشد"، سرفصل دوم این است که "نخواستند و اجرا نشد" و سرفصل سوم این است که "توانستند و اجرا نشد". درباره هر یک از این سه سرفصل می‌شود قصه‌هایی گفت و غصه‌هایی را مطرح کرد.

ملکی افزود: ما خدمات همه‌ی استادان و عزیزانی که در تدوین سند تحول بنیادین زحمت کشیده‌اند را از یاد نمی‌بریم و به همه آن‌ها مرحبا می‌گوییم، اما مسئله‌ای که الآن وجود دارد این است که در میان مجموعه نخبگان، غیر نخبگان، معلمان و مدیران یک عده‌ای متوجه سند نشده‌اند. هنوز اقشار و افرادی وجود دارد که نمی‌دانند ماهیت این سند چیست. به همین دلیل من فکر می‌کنم ما در مرحله‌ی اول فعلاً نیاز به کار داریم. یعنی قبل از اینکه به اجرا برسیم باید ماهیت‌نگری و ماهیت‌شناسی کنیم و خود این سند را از غربت نرم‌افزاری در بیاوریم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ادامه داد: هنوز عده‌ای نمی‌دانند که فرق ماهوی سند تحول بنیادین با جزوات، ادعاها و مطالب چند صفحه‌ای مشابه چیست و در داخل این سند چه گفته شده است. من به‌عنوان یک فرد دانشگاهی و هم آموزش و پرورشی به ضرس قاطع عرض می‌کنم که ساختار این سند شناخته شده نیست. ذائقه‌ی تربیتی بنده در این جامعه و برخوردهایی که این طرف و آن طرف می‌کنم به من می‌گوید که یکی از علت‌های عدم اجرای این سند این است که حداقل بخشی از جامعه ماهیت این سند را درک نکرده است.

حسن ملکی تأکید کرد: عامل دوم که نگذاشته این سند تاکنون به صورت کامل اجرایی شود این است که نخواسته‌اند. نه اینکه ندانسته‌اند بلکه نخواسته‌اند. چه بسا گروهی بوده‌اند که آن‌ها اتفاقاً می‌دانسته‌اند این سند چه ماهیتی دارد و اگر اجرا شود چه تحولی به وجود می‌آید، منتها به هر حال نمی‌خواستند این اتفاق بیافتد. علتش هم به این برمی‌گردد که آن‌ها مشکل ایدئولوژیکی با سند داشته‌اند. هیچ موقع نگاه‌های لیبرالیستی نمی‌تواند با این سند کنار بیاید. هیچ موقع نگاه‌های سکولاریستی نمی‌تواند در کنار این سند قرار بگیرد. به هر حال در جامعه ما نیز سکولاریسم و لیبرالیسم وجود دارد و من در گوشه و کنار دیده‌ام که گاهی وقت‌ها ادعاهای مارکسیستی هم وجود دارد.

معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: عامل سوم بازدارنده در اجرای سند تحول بنیادین، نتوانستن است. گروهی چه در بین مسوولان آموزش و پرورش و چه در بین دانشگاهیان و نخبگان وجود دارد که مایل اند سند را اجرایی کنند و از بعد فهم سند هم مشکل ندارند اما نمی‌توانند. در اینجا بعد مهارتی قضیه مطرح است چون عملیاتی کردن سند نیازمند مهارت و نیازمند قابلیت‌های عملی است که این قابلیت‌ها انصافاً در بعضی جاها نیست.

در اجرای سند تحول به الگوهای ربط نیاز داریم

حسن ملکی معاون وزیر افزود: بنده الآن در آموزش و پرورش مسوولیت دارم و در خدمت استادان عزیز و همکاران گرامی برای اجرایی شدن سند تحول بنیادین قدم‌هایی برمی‌داریم و انصافاً قدم‌های خوبی هم برداشته شده و بنده به آن قدم‌ها امید دارم. در اینجا خود ما هم نیاز به کار داریم، اما در بعد نتوانستن می‌خواهم این نکته را عرض کنم که علت اینکه نتوانستیم این است که بین مبنا و بنا به حلقه‌ی واسط نیاز داریم. یعنی بین سند تحول و برنامه‌های عملیاتی که در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش باید اجرا شود به الگوهای ربط نیاز داریم.

رئیس سازمان پژوهش ادامه داد: الگوی ربط در بعد برنامه‌ریزی درسی یک جور مصداق دارد که الآن بنده به‌عنوان مسوول سازمان همین کار را کرده‌ام. الگوی ربط را تحت عنوان «الگوی تدوین برنامه‌های درسی» طراحی کرده‌ایم و ۱۲ حوزه‌ی تربیت و یادگیری را بر این اساس مدیریت می‌کنیم. الحمدلله نسبتاً هم پیشرفت ما خوب است، اما من توصیه می‌کنم که در بخش‌های گوناگون که به‌عنوان زیر نظام وجود دارند نیز یک الگوی ربط یا الگوی واسط تعریف شود. اگر این الگوی واسط نباشد آن مبنا به این بنا متصل نخواهد شد.

وی خاطر نشان کرد: البته الگوی ربط هم بنا به ماهیت بخش‌های مختلف فرق می‌کند. مثلاً الگوی ربطی که در بخش نیروی انسانی نیاز داریم با ادبیات نیروی انسانی باید تدوین شود. کما اینکه بنده در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با ادبیات علمی این سازمان، یعنی برنامه‌ریزی درسی، این کار را کرده‌ام. علی‌ا‌یحال من خیلی امیدوار و خوشبین هستم. درست است که سال‌ها سپری و سند تحول بنیادین عملیاتی نشد، اما الآن آموزش و پرورش با جدیت تمام پای کار ایستاده تا سند را عملیاتی و اجرا کند.

دکتر حسن ملکی در پایان اظهار داشت: بنده به شما برادران عزیز بسیجی و استادان عزیزی که الآن در محضرشان هستیم عرض می‌کنم که ما انشاءالله تا قبل از اتمام سال استandarدهای برنامه درسی را در حوزه‌های تربیت و یادگیری با نگاه تحولی تقدیم نظام تعلیم و تربیت خواهیم کرد.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش



نشست نقد کتاب
"آرای دانشمندان
مسلمان
در تعلیم و تربیت
و مبانی آن،
جلد ششم،
امام خمینی (ره)"



نشست نقد کتاب "آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ششم، امام خمینی (ره)" با حضور نویسندگان و ناقدان این کتاب به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و به صورت مجازی در تاریخ ۸ دی ۱۳۹۹ برگزار شد.

در نشست نقد کتاب "آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ششم، امام خمینی (ره)" که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برگزار شد، حجت السلام و المسلمین محمد بهشتی عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نویسنده‌ی کتاب توضیحاتی را در خصوص فرآیند نگارش و فصول نظام یافته‌ی کتاب توضیحاتی ارائه کرد و سپس دکتر حسن ملکی به عنوان منتقد به تحلیل و بررسی کتاب پرداخت.

در شروع نشست دبیر جلسه درباره کتاب مذکور بیان کرد: کتاب آرای تربیتی امام خمینی (ره) آخرین جلد از سری کتاب آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت است. یعنی ۶ جلد آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت چاپ شده و این کتاب که الآن جلسه تقدش برگزار می‌شود جلد ششم است. جلد اول، جلد دوم و جلد چهارم به صورت مشترک با حاج آقای بهشتی، آقای ابوجعفری و آقای دکتر فقیهی نوشته شده، جلد سوم توسط آقای بهروز رفیعی نوشته شده و جلد پنجم که مربوط به فیض کاشانی است و نیز جلد ششم، توسط حاج آقای بهشتی به صورت انفرادی نوشته شده است.

وی افزود: از این شش جلد کتاب، یک جلد کتاب درسی با عنوان "مربیان بزرگ مسلمان" هم استخراج شده است. ۱۸ نفر از متفکران انتخاب شده و آرای‌شان به صورت گزیده در کتاب "مربیان بزرگ مسلمان" آمده و توسط آقای بهروز رفیعی تألیف و تلخیص شده است، که انشاءالله بعد از این جلسه نقد کتاب "مربیان بزرگ مسلمان" هم تا آخر سال برگزار خواهد شد.

دبیر نشست ادامه داد: هدف از نقد این کتاب‌ها و هدف این جلسات بررسی و آشنا شدن دوستان با نقاط قوت و ضعف کتاب و درس‌آموزی از این نقاط قوت و ضعف برای پیشبرد تحقیقات بعدی است. بنابراین هدف بیشتر درس‌آموزی است به منظور اینکه بتوانیم کارهای بعدی که ارائه می‌دهیم، بهتر، غنی‌تر و مفیدتر باشد.

وی در ادامه بیان کرد: در نقد چند مطلب مد نظر ما است. یعنی در این جلسات نقد می‌خواهیم ببینیم که اولاً آیا اهداف کلی که در تألیف کتاب مد نظر بوده است برآورده شده یا نه و آیا کتاب ساختاربندی مناسبی داشته است و آیا در کتاب از روش‌شناسی مناسب استفاده شده است یا نه؟ به گونه‌ای که برداشت‌هایی که در کتاب ارائه می‌شود از اعتبار و اتقان کافی برخوردار باشد و بشود این‌ها را به‌عنوان آرای تربیتی به امام یا دیگر متفکرانی که مورد بحث است نسبت داد.

وی افزود: اهداف دیگری که از نقد کتاب‌ها به دنبال آن‌ها هستیم این است که آیا موضوعی که به آن پرداخته شده به صورت کامل بررسی شده است یا نه؟ آیا مطالب زائد در کتاب وجود دارد یا مطالب کاملاً مرتبط با موضوع بحث است؟ آیا از همه منابع معتبر و قابل استفاده در این کتاب استفاده شده است یا نه؟ آیا ادبیات و اصطلاحات تعلیم و تربیت به صورت صحیح در کتاب استفاده شده یا نه؟ و در پایان آیا قلم، قلم روان و استاندارد است یا نه؟ به طور کلی ما به دنبال این هستیم که آیا کتاب‌های ما کاستی‌هایی داشته‌اند یا نداشته‌اند. اگر کاستی نداشته‌اند و کامل بوده‌اند که فی‌ها و اگر کاستی داشته‌اند؛ در مراحل بعدی از این کاستی‌ها کم شود و بر غنای اثر افزوده شود.

توضیحات حجت الاسلام و المسلمین بهشتی درباره کتاب

در ادامه نشست حجت السلام و المسلمین محمد بهشتی عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نویسنده‌ی کتاب بیان کرد: نقد کتاب بدون تعارف یک فرصت است. من معتقدم که از این فرصت باید استفاده شود و این فرصت باید مغتنم شمرده شود. البته به شرطی که نقادی، عالمانه، دقیق، مستند، منصفانه و پیش‌برنده باشد و از آنچه که گفته می‌شود قدمی به پیش برود. محمد بهشتی افزود: کتاب "آرای تربیتی امام خمینی" از یک مقدمه و شش فصل نظام یافته است. در مقدمه کتاب به دو موضوع اساسی پرداخته شده که یکی ضرورت پژوهش و دیگری بازشناسی شخصیت امام خمینی است. قسمت ضرورت پژوهش از چند جهت مورد توجه قرار گرفته، یکی از جهت اینکه خاستگاه آرای تربیتی امام خمینی منبعث از قرآن و سنت است و این یکی از ویژگی‌ها است. ایشان با استناد به آیات شریفه قرآن و روایات، آرای تربیتی خودشان و اگر بهتر بخواهیم بگوییم نظام تربیتی خودشان را استخراج و بیان فرموده‌اند.

وی ادامه داد: مسئله‌ی دوم، مسئله ضرورت اثبات شخصیت ویژه‌ی ایشان است. حضرت امام خمینی ره هم جامعیت در شخصیت داشتند و هم جامعیت در علوم، این دو مسئله باعث شد که ما به این کتاب روی بیاوریم و آرای ایشان را بنویسیم. فرق بین جامعیت در شخصیت و جامعیت در علوم در کتاب آمده است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: مسئله‌ی سوم، دیدگاه ویژه‌ی امام خمینی ره به‌عنوان کسی است که ۱۰ سال رهبر انقلاب بوده‌اند و همه‌ی شئون و ابعاد اجتماع را در نظر داشته‌اند. مسئله‌ی دیگر، جامعه‌نگری امام و این است که انسان را به صورت یک منظومه و مجموعه نگاه می‌کند و مسئله‌ی دیگر آرای تربیتی حضرت امام ره بر اساس فطرت‌مداری و نگاه تمدنی است. نویسنده کتاب "آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ششم، امام خمینی (ره)" اظهار داشت: ضرورت پژوهش براساس این مسائل برای ما اثبات و تبیین شد و ما این کتاب را نوشتیم.

حجت الاسلام و المسلمین بهشتی افزود: بازشناسی شخصیت امام نیز در مقدمه آمده و به ۷ بحث مهم در بازشناسی شخصیت امام اشاره شده است که این ۷ بحث مهم عبارتند از جامعیت شخصیت، قله‌ی ایمان و خلوص، برجستگی عرفانی و اخلاقی، فقاقت و اجتهاد، فراست و سیاست، صلابت و قاطعیت و سبک زندگی. در قسمت سبک زندگی منش و روش امام خمینی (ره) تبیین شده است.

نویسنده کتاب بیان کرد: در مقدمه این دو بحث اساسی بیان شده و بعد اصل کتاب از اینجاست که آرای تربیتی امام در شش فصل تنظیم شده است. در اینجا الگوی پژوهش ما براساس ساحت‌های تربیت است. اولین فصل، کلیات مفهوم‌شناسی و ادبیات پژوهش است که در این فصل راجع به مفهوم تربیت، تزکیه، تهذیب، ماهیت تربیت، رویکردهای موجود در تربیت، رویکرد امام و... بحث شده است. در کتاب آمده که معنای از نظر امام با دیگران متفاوت است. ایشان تقریباً همانی را می‌گویند که شیخ اشراق می‌فرماید. ایشان ربانی شدن انسان را تربیت می‌دانند.

حجت الاسلام و المسلمین بهشتی درباره‌ی محتوای فصول بعدی کتاب عنوان کرد: فصل دوم درباره‌ی تربیت اعتقادی و عبادی است. در این فصل درباره‌ی مباحثی نظیر حدود، مفاهیم، قلمرو، پیشینه و ضرورت و اهمیت تربیت اعتقادی و عبادی بحث شده است. فصل دوم یک مقدار از فصول دیگر مفصل‌تر است. فصل سوم درباره‌ی تربیت اخلاقی و عرفانی است که در این بحث هم همان مباحث مقدماتی و همان بحث‌های مبانی، اهداف، اصول و روش‌های خاص این نوع تربیت بحث شده است. فصل بعدی، تربیت اجتماعی و سیاسی است که در این فصل هم به حدود، مفاهیم و سایر مباحث پرداخته شده است.

وی افزود: پنجمین فصل این کتاب، تربیت علمی، عقلی و فناوری است که در این زمینه نیز درباره‌ی حدود، مفاهیم، قلمرو، پیشینه و ضرورت و همین‌طور درباره‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت بحث شده است. فصل آخر کتاب، تربیت زیبایی‌شناختی و هنری است. در این فصل نیز به حدود تربیت زیبایی‌شناختی، تعاریف، مفاهیم، پیشینه و امثال آن پرداخته شده و سپس به مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت زیبایی‌شناختی و هنری اشاره شده است.

حجت الاسلام و المسلمین بهشتی خاطر نشان کرد: در کل حدود ۵ ساحت از ساحت‌های تربیت در این کتاب آمده و به دلیل اینکه کتاب بیش از این حجیم نشود از ساحت‌های دیگر صرف‌نظر کرده‌ایم. این کتاب به صورت مشترک توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صمت و مؤسسه تنظیم آثار و نشر حضرت امام به چاپ می‌رسد. در واقع یک طرح بیرونی است و از طریق این سه جا منتشر شده است.

وی درباره‌ی نوآوری‌های کتاب نیز گفت: نخست اینکه آرای تربیتی امام خمینی مستند به کتاب‌های اصلی است که ایشان نوشته‌اند. ما از صحیفه امام هم استفاده کرده‌ایم ولی تکیه ما بیشتر بر کتاب‌هایی است که خود ایشان نوشته‌اند. دومین نوآوری این است که آرای تربیتی امام خمینی نظام‌مند است و پراکنده نیست. دو چیز دارد، اولاً اینکه نظام‌مند است و در قالب ساختار روز ارائه شده و دوماً با تحلیل ارائه شده است.

بهشتی افزود: نوآوری سوم این است که ما در کتاب الگوی ساخت‌ها را دنبال کرده‌ایم. این کار را به دلیل کاربردی بودن و به دلیل عملی بودن آن انجام دادیم تا مسائل تربیتی را بیشتر عملیاتی و کاربردی کند.

نقد کتاب توسط دکتر حسن ملکی

در ادامه‌ی نشست دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: انصافاً کارهای علمی حجت الاسلام و المسلمین بهشتی همیشه مورد استفاده بوده و بنده هم مانند سایر علاقه‌مندان به حوزه‌ی تعلیم و تربیت از آثار و اندیشه‌ی ایشان همیشه بهره برده‌ام. از پژوهشگاه محترم حوزه و دانشگاه هم تشکر و قدردانی می‌کنم که این امکان را فراهم فرمودند تا بنده مروری بر یکی از آثار تربیتی این اندیشمند داشته باشم.

حسن ملکی افزود: بنده ابتدا نظر خود را راجع به ابعاد قوت و مثبت این اثر علمی فاخر را عرض می‌کنم و بعد پیشنهادهایی که در جهت بازبینی و بازنگری محتوای این کتاب دارم را عرض خواهم کرد. در ابتدا این مطلب را عرض کنم که نظام اسلامی که براساس برنامه‌های تولیدی بنا می‌شود، اولاً و بالذات هدف تربیتی دارد و ثانیاً و بالعرض اهداف دیگری دارد. یعنی اگر در یک نظام اسلامی هدف سیاسی، هدف اقتصادی و هدف‌های دیگر مطرح است، این‌ها همه‌شان هدف‌های واسطه‌ای هستند برای تحقق یک غایت و هدف متعالی‌تر به نام تربیت و هدایت انسان‌ها. یعنی اگر یک نظام اسلامی در تربیت انسان‌ها به مشکل برخورد ولو در سایر ابعاد توفیقاتی به دست بیاید باید یک علامت سوالی مطرح کرد و دنبال پاسخ بود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ادامه داد: قاعدتاً در این نظام اسلامی باید بعد تربیتی و اخلاقی زمامدار و سایر ابعاد اندیشه‌ای حضرت امام رضوان تعالی علیه به‌عنوان بنیان‌گذار نظام پردازیم؛ کمی اینکه ما این معنا را در اثری که آقای بهشتی تدوین فرمودند به خوبی مشاهده می‌کنیم.

معاون وزیر آموزش و پرورش گفت: نکته‌ی دوم مقدماتی دیگر است که قصد ما نقد اندیشه امام خمینی رضوان تعالی علیه نیست، بلکه نقد ما نقد کتابی است که درباره اندیشه تربیتی ایشان نوشته شده است. یعنی ما ناقد یک اثر علمی هستیم که درباره امام نگارش یافته است. طبیعتاً اندیشه‌ی مطهر آن بزرگوار اندیشه‌ای است که ما هر قدر توفیق تبعیت داشته باشیم می‌توانیم قدم‌های مؤثری در مسیر کسب کمالاتمان برداریم.

رئیس سازمان پژوهش در تحلیل و نقد کتاب بیان کرد: به نظر بنده ابعاد قابل توجه و مثبت این اثر چند چیز است. یکی از آن‌ها این است که به اعتقاد من اندیشه تربیتی حضرت امام به طرز مناسبی تدوین یافته و در یک هندسه‌ی قابل دفاع و قابل توجهی ارائه شده است، چون اندیشه‌ی تربیتی حضرت امام در کنار دو وجه فقهی و سیاسی ایشان قدری نامعلوم و تبیین نشده مانده بود. یعنی وقتی حضرت امام نوعاً به ذهن افراد و حتی شاید تعدادی از نخبگان می‌آمد، بیشتر متوجه بعد فقهی و رهبری سیاسی ایشان می‌شدند و کمتر به این پرداخته شده بود که ایشان از یک آرا و اندیشه‌های متعالی تربیتی و اخلاقی برخوردار هستند و دارای اندیشه والای تربیتی هستند ولی مطرح و تحلیل نشده است، که در این اثر آقای بهشتی این اندیشه را به طرز زیبایی برجسته کرده‌اند و نشان داده‌اند که بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران از بعد تربیتی نیز صاحب‌نظر و اهل نظر بوده‌اند و در واقع می‌شود بین اندیشه فردیتی ایشان و سایر صاحب‌نظرانی که وجود دارد تمایز قائل شد. من این را به‌عنوان یک وجه مثبت این اثر تلقی می‌کنم.

وی افزود: وجه برجسته و مبرز دیگر این اثر این است که ابتدا یک چتر کلی از اندیشه حضرت امام را مطرح کرده‌اند و بعد اندیشه‌ی تربیتی حضرت امام را ذیل آن چتر کلی قرار داده‌اند. یعنی اصطلاحاً یک کار قیاسی از جزء به کل انجام شده و این باعث شده که خواننده دریافته‌های مناسب و خوبی از اندیشه تربیتی امام راحل به دست بیاورند. این ویژگی قابل توجهی است.

حسن ملکی بیان کرد: ویژگی سوم این اثر این است که بعد تحقیقی و تحلیلی خوبی دارد. یعنی از یک سو تحقیق و تألیف است که مستحضر هستی تألیفی قوی و پایدار است که مبتنی بر تحقیق باشد و این نشانگر این است که آقای بهشتی محققانه تألیف کرده‌اند و از سوی دیگر بعد تحلیلی خوبی دارد که این دو بعد باعث شده که اتقان و استحکام مطالب انصافاً بالا باشد. همچنین من انسجام و یکپارچگی قوی‌ای را در این اثر می‌بینم.

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: یک اثر علمی یک سیرت دارد و یک صورت. صورت یک اثر علمی همان انسجام و هندسه متقن و قوی آن اثر است. صورت زیبای این اثر قابل توجه است و باید شاکر بود. بررسی همه جانبه هر یک از ابعاد تربیت هم قابل توجه بود که لازم است ذکر شود. در هر یک از آن ساحت‌هایی که آقای بهشتی در بحث مقدماتی گفتند سعی شده تا بررسی همه جانبه‌ای به عمل بیاید. حالا ممکن است نکاتی و نواقصی هم باشد ولی در یک نگاه کلی و وسیع، انصافاً در هر یک از این ابعاد تربیت سعی شده بررسی همه جانبه‌ای به عمل بیاید.

رئیس سازمان پژوهش در ادامه چند نکته را پیشنهاد کرد. وی گفت: نکته اول این است که به

درستی اشاره شد که حضرت امام به مقوله فطرت الهی انسان در آثارشان بهای زیادی قائل هستند. یعنی اگر از یک جهتی بگوییم که آثار عرفانی و تربیتی ایشان بر محوریت فطرت تبیین شده و تدوین یافته است، تصور می‌کنم سخن خلاف واقعی نباشد. فطرت در اندیشه‌ی ایشان به مثابه خورشیدی است در منظومه فکری ایشان. یعنی با تابش نور فطرت، آرا و اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی ایشان منور می‌شود. حالا که ما این ویژگی را در اثر تربیتی و اخلاقی امام داریم، بهتر بود که آقای بهشتی می‌آمدند مقوله‌ی فطرت را در مقایسه با سایر فلاسفه‌ای که فطرت را قبول دارند یا ویژگی‌های سرشت انسان را می‌پذیرند ولی نگاه وحیانی و توحیدی ندارند و صرفاً نگاه فلسفی زمینی دارند؛ بررسی می‌کردند. من ندیدم که این کار را در این اثر علمی انجام دهند.

ملکی افزود: البته ایشان در جایی فرموده‌اند که مولف محترم به آن‌هایی که قائل به فطرت نیستند و به لوح سفید در ذهن و روان انسان اعتقاد دارند توجه داشته‌اند، اما این وجه قضیه، وجه کاستی و خلأ است. من احساس می‌کنم شما عظمت فطرت‌گرایی توحیدی را در کنار دیدگاه کانت و دکارت که به نوعی به ویژگی‌های ذاتی قائل هستند ولی نگاه توحیدی ندارند مقایسه نکرده‌اید. به نظرم این مقایسه قوت کار را نشان خواهد داد تا خوانندگان اثر بدانند وقتی انسان را زیر چتر خداگرایی تحلیل کنیم، دامنه‌ی تحلیل ما با آن کسانی که صرفاً در یک نگاه مادی به ویژگی‌های ذاتی انسان پرداخته‌اند، متفاوت می‌شود. پیشنهاد می‌کنم این وجه از قضیه در جایی که صلاح باشد به نوعی به آن مباحث فطرت‌شناسی اضافه شود.

دکتر حسن ملکی پیشنهاد دوم خود را این‌گونه مطرح کرد: آقای بهشتی تلاش عالمانه‌ای کرده‌اند تا ابعاد اساسی تعلیم و تربیت را در ساحت‌های مختلف بررسی کنند ولی برای تکمیل کارشان و برای اینکه اندیشه‌ی تربیتی حضرت امام کامل‌تر بیان شود بهتر بود به سایر ابعاد تربیت مانند تربیت اقتصادی، زیستی، بدنی و تربیت انقلابی توجه می‌شد. وقتی رهبر معظم انقلاب به انقلابی‌گری و انقلابی بودن تأکید کردند، بنده روی این مسئله تأمل کردم و به نظرم می‌رسد ما باید یک کلید واژه‌ی نو را وارد عرصه‌ی ساحت‌ها کنیم و آن هم تربیت انقلابی است. اگر می‌گوییم تربیت اجتماعی، سیاسی، علمی و فناورانه، می‌توانیم از یک بعد دیگری از تربیت به نام تربیت انقلابی هم حرف بزنیم. ما در تربیت انقلابی دنبال فردی خواهیم بود که آن انسان در مدار حرکت خود نسبت به ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی و وضعیت موجود حساس باشد و رو به سوی آرمان‌ها داشته باشد و برای دستیابی به آرمان‌ها واقعیت‌های موجود را بررسی کند و هوشمندانه حرکت کند. مناسبات خودش را هم با نظام ارزش‌ها معین کند و دائم در حال پویایی و حرکت باشد.

معاون وزیر آموزش و پرورش گفت: من پیشنهاد می‌کنم مولف محترم، حضرت آقای بهشتی یک تأملی بفرمایند که آیا تربیت انقلابی را نیز می‌توان به‌عنوان یک وجهی از تربیت مطرح کرد؟ پیشنهاد من این است که به تربیت اقتصادی و بدنی هم توجه کنیم تا این کار زیبا، کامل‌تر شود. این ارتباط پیدا می‌کند با یکی از محورهای مورد نقد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. به اعتقاد بنده اگر این موارد اضافه شود این کار علمی کامل‌تر خواهد شد.

حسن ملکی اظهار داشت: سومین پیشنهاد من این است که آیا بهتر نیست در این اثر علمی، اخلاقی و تربیتی یک ورودی به نیازهای اساسی انسان داشته باشیم؟ آیا بهتر نیست که هدف‌های تربیتی خودمان را مبتنی بر نیازهای اصلی انسان کنیم؟ البته آن نیازهای اصیلی که در اندیشه حضرت امام وجود دارد و باید تدوین و استنباط شود. من در این اثر ندیدم که به اندازه کافی به این قضیه نگریسته شود. به هر حال مسائل تربیتی در این نظریه‌های غربی نوعاً مبتنی بر یک نیازسنجی است. نیازسنجی به این معنا که معمولاً داده‌ها و اطلاعات را از واقعیت‌های موجود به دست می‌آورند و تحلیل می‌کنند و براساس آن تحلیل، راجع به نیازها سخن می‌گویند.

رئیس سازمان پژوهش افزود: مراد بنده، نیازهای فطری و نیازهای اصیل انسان است. نیازهایی است که در این الگوهای نیازسنجی مرسوم شکار نمی‌شود چون ابزاری که در نیازسنجی‌های مرسوم وجود دارد، عاجزتر از آن هستند که بگویند و بفهمانند که در وجود انسان کدام نیازهای اصیل فطری وجود دارد و بعد محتوا و روش‌ها را بر آن پایه قرار دهند. من کل کتاب را دو، سه بار مطالعه کردم و این را ضرورت می‌بینم. حالا در بعضی جاها اشاره شده ولی مراد من این است که هندسه دقیق‌تر نیازهای اصیل فطری انسان هم بیان شود.

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: چهارمین پیشنهاد من این است که آیا بهتر نیست یک آسیب‌شناسی هم به این کتاب اضافه کنیم؟ آسیب‌شناسی به این معنا که حالا ما اندیشه‌ی تربیتی حضرت امام را مطرح کردیم و بازنگری هم کردیم و کامل‌تر شد، آیا در این عرصه با آسیب‌هایی مواجه نیستیم؟ طبیعتاً اگر قدری نگاه‌مان را به فراتر از کتاب ببریم و معتقد به این باشیم که این اندیشه باید ساری شود، شاید لازم باشد یک نگاه آسیب‌شناسانه داشته باشیم تا بررسی شود آیا این اندیشه عملی و اجرایی شده است؟ اگر اجرایی نشده است چه آسیب‌هایی وجود دارد؟ ما باید کمی واقع‌گرایانه این موضوع را بررسی کنیم. ما اعتقاد داریم امامین انقلاب اسلامی ایران و این دو اندیشه‌ی مطهر اگر خوب شناسایی و تحلیل شوند و تبدیل به برنامه شوند، راه برای تمدن‌سازی اسلامی و ایرانی به طریق اولی باز می‌شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خاطر نشان کرد: نکته پایانی بنده این است که آن فصل مربوط به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، نکات خوبی دارد ولی احساس من این است که آن فصل به دلایلی مختلف، فصل لاغری است. در شرایط امروز هر کسی پیام‌های تربیتی را با ابزار هنر انتقال می‌دهد؛ موفق‌تر است. حتی اگر خدایی ناکرده یک نفر بخواهد یک امر باطلی را ارائه بدهد، اگر هنرمندان آن پیام باطل را ارائه بدهد، پیام او نافذ می‌شود. زیبایی‌شناسی و بعد هنری مسئله بسیار مهمی است. بالأخره شاید به اندازه سایر ابعاد تربیت نتوان مطلب کافی پیدا کرد. وی افزود: من اتفاقاً احساس می‌کنم آن روش استنباطی که حضرت آقای بهشتی دنبال می‌کنند اینجا باید کارساز باشد. به هر حال ما از توصیف‌ها به یک هنجارهایی برسیم ممکن است در هر یک از ابعاد، یک سری نقطه ضعف وجود داشته باشد. به نظر من نقطه‌ای است که قوه استنباط باید بیشتر و قوی‌تر کار کند؛ شاید اینجاست که ما باید بر مبنای اندیشه تربیتی حضرت امام دست به تولید روش‌های نو بزنیم که آن ظرافت خاص خودش را دارد.

پاسخ حجت‌الاسلام بهشتی به پیشنهادات دکتر ملکی

در ادامه حجت‌الاسلام و المسلمین بهشتی درباره نقد و تحلیل دکتر ملکی از کتاب "آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبان‌ی آن، جلد ششم، امام خمینی (ره)" بیان کرد: من یک جهان‌سپاس از آقای دکتر ملکی دارم که به گفته خودشان چند بار کتاب را مرور کرده‌اند و نکات بسیار خوبی گفتند. همان‌طور که فرمودید حضرت امام یک فقیه است ولی امتیاز امام این است که حتی در کتاب‌های فقهی هم از تربیت سخن گفته‌اند. مثلاً در کتاب انوار الهدایه که خارج از اصول است نیز در مورد عوامل تربیت صحبت کرده‌اند. حدوداً ۱۷ عامل را بیان کرده‌اند که برخی از آن‌ها در این اثر نیز آمده است. بنابراین حضرت امام یک فقیه جامع‌الشرایط است که به مسائل تربیتی هم توجه داشته‌اند.

بهشتی افزود: درباره‌ی نکته دومی که فرمودند در فطرت توحیدی آسمانی، یک مقایسه با ذات‌گرایی کانت و امثال کانت شود؛ نیز بگویم که ما این نکته را در کتاب دیگرمان که تربیت زیبایی‌شناختی از دیدگاه اسلام است؛ آورده‌ایم. این تقیصه‌ای که در ساحت تربیت زیبایی‌شناختی فرمودند در آنجا رعایت شده است.

حجت الاسلام و المسلمین بهشتی اظهار داشت: نکته سوم آقای ملکی درباره تربیت انقلابی بود. تربیت انقلابی مسئله بسیار مهمی است ولی همان طور که ملاحظه فرمودید، ما این نکته را در ساحت تربیت اجتماعی سیاسی آورده‌ایم.

بهشتی در پایان خطاب به ملکی گفت: شما به خوبی فرمودید که خوب است برای نیازهای اصیل فطری یک حسابی باز شود. ما در اینجا به چند مسئله توجه کردیم. یکی نیاز به نیایش بود و دیگری نیاز به وارستگی و اجرای عدالت بود. البته می‌توان این‌ها را به‌عنوان فصل جدا آورد. من الآن به ذهنم خطور کرد که در این زمینه یک مقاله بنویسم تا نیازهای اصیل فطری در آن بحث شود.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



نشست

حلقه صالحین

«مکتب سلیمانی

و برنامه‌های درسی

بصیرت افزا»



به مناسبت سالروز ۹ دی، روز بیداری مردم ایران؛ نشست حلقه صالحین با عنوان مکتب سلیمانی و برنامه‌های درسی بصیرت افزا با حضور مدیران سازمان پژوهش، مدیران شورا، اعضای پایگاه بسیج شهید موسوی و همکاران به صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم مهدی جلالی جانشین فرمانده بسیج پایگاه شهید موسوی سازمان پژوهش گزارش مختصری را از فعالیت‌های پایگاه ارائه کرد. سپس دکتر حسن ملکی ضمن خوش آمدگویی به حاضرین و با بیان اینکه عنوان سخنانش "وصیت سردار و برنامه‌ی درسی بیدار" است، اظهار داشت: امروز نهم دی‌ماه، روز بصیرت و روز بیعت با امام انقلاب اسلامی ایران، حضرت آقا و تکرار این معناست که ملت ایران در هیچ عرصه‌ای، چه خرد و چه کلان، از آرمان‌های انقلاب اسلامی دست برنمی‌دارد و همیشه مدافع ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. در چنین روزی ملت مسلمان به صحنه آمدند و یک فتنه بسیار پیچیده که دشمن به آن امید بسته بود را خنثی کردند. پس سلام می‌گوییم به همه ملت بیدار ایران.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی افزود: در آستانه سالروز شهادت سردار دل‌ها قرار داریم، آن عزیزی که حضرت آقا فرمودند ایشان قهرمان ملت ایران و قهرمان امت اسلامی شد. به روح بلند این شهید والا مقام، این مالک اشتر انقلاب اسلامی ایران، سلام و درود می‌فرستیم. همچنین در ایام سالروز شهادت صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا (س) قرار داریم، بانوی بزرگواری که فرمود شما با این کاری که کردید تا قیامت از شتر خلافت به جای شیر خون خواهید دوشید و این دوشیدن خون از شتر خلافت را همه نظاره‌گر هستیم. نوعاً خون دوشیده می‌شود و برای آنانی که این مسیر را تغییر دادند خبری از شیر نیست.

فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید موسوی تأکید کرد: شیعه، شادی و حزنش درآمیخته است. هر چند دائماً یک حزن ذاتی با فرهنگ شیعی امتزاج پیدا کرده است. شیعه محزون است. محزون پهلوی شکسته، محزون فرق شکافته و محزون مظلومیت در خانه. محزون ذبیح من القفا، محزون بازوان گسسته از تن، محزون گلوی شکافته و محزون دل شکسته‌ی زینب (س). محزون بغض‌های متراکم زین العابدین (ع)، محزون شهادت غریبانه علی ابن موسی الرضا المرتضی، محزون محاصره عسکرین (ع) و محزون دوری یوسف زهرا و محزون شهادت‌های مکرر علما و انقلابیون در تاریخ اسلام. محزون پیکر پاره پاره سردار دل‌ها و محزون متن غمگین وصیت‌نامه قهرمان ملت‌ها و امت‌ها.

وصایای انسان‌های بزرگ، منشور تمدن‌سازی هستند

ملکی درباره وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی اظهار داشت: حقیقتاً وقتی ما وصیت سپهید شهید سلیمانی را مرور می‌کنیم، حکمت را در آن می‌بینیم. عبارات و جملات آن انصافاً حکیمانه است، اما حکیمانه آمیخته به حزن. یعنی اگر شما از سر و صدق این وصیت‌نامه را بخوانید هم حکمیت می‌بینید و هم غم. از ترکیب غم با حکمت یک تحیری به انسان دست می‌دهد که البته آن تحیر انسان را می‌سازد. بعضی تحیرها انسان را سرگردان می‌کنند و بعضی تحیرها انسان را می‌سازند. این تحیر ناشی از ترکیب حکمت با غم، برای شیعه سازنده است و ما این را در وصیت‌نامه این سپهید شهید ملاحظه می‌کنیم.

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: به تعبیر من این حزن احتمالاً حزنی باشد که پیامش به ما این است که مراقب باشید مفاد این وصیت‌نامه مفقود و فراموش نشود. چه بسا آن لحظه‌ای که این شهید عزیز وصیت‌نامه‌اش را می‌نگاشت، این حال را داشت که مراقب باشید این وصیت‌نامه

به بوتهی فراموشی سپرده نشود. البته عرض کنم که وصایای انسان‌های بزرگ، منشور تمدن‌سازی هستند. اگر بشریت و مخصوصاً نخبگان بشریت بدانند که از عمل نکردن به وصیت انسان‌های بزرگ چه خسروانی متوجه بشریت شده است، از غصه دق می‌کنند.

ملکی تصریح کرد: وصیت‌نامه‌های انسان‌های بزرگ نخ تسبیح میراث‌های بشری هستند و اگر به وصایا عمل نشود نخ تسبیح بریده و در امتداد تمدن‌سازی اختلال ایجاد می‌شود، کما اینکه ما چند نمونه را مشاهده و ملاحظه کرده‌ایم و خبر داریم که به‌عنوان مثال اگر به وصایای پیامبر خدا و به امت عمل می‌شد؛ انصافاً چه می‌شد. اگر به آن وصایا عمل می‌شد سیمای بشریت سیمای دیگری بود. اگر به وصایای حضرت لقمان به فرزندش که در قرآن شکل گرفته است عمل می‌شد، سیمای اخلاقی و فرهنگی بشریت به گونه دیگری رقم می‌خورد. اگر به وصیت حضرت علی (ع) به فرزندان امام حسن (ع) عمل می‌شد، سیمای بشریت این نبود که الآن هست. همچنین اگر به وصایای امام خمینی (ره) خوب عمل شود ببینید چه می‌شود.

وی افزود: بر همین اساس عرض می‌کنم که اگر به وصیت‌نامه سردار دلها عمل شود چه اتفاقی خواهد افتاد. اگر به این سلسله وصیت‌ها عمل شود امتداد تمدن‌سازی شکل می‌گیرد. خوب عمل نشده و این امتداد گسسته است. حالا در سالروز شهادت آن عزیز باید یک میثاقی با هم ببندیم، چون عنوان این وصیت‌نامه هم "میثاق‌نامه مکتب حاج قاسم" است. این میثاق را بسیجیان ببندند. بسیجیان حواس‌شان باشد که به عبارات این وصیت‌نامه عمل شود. ما برای عمل شدن آن مسوولیت داریم و برای انجام آن متعهد هستیم.

فرازهایی از وصیت‌نامه سردار سلیمانی

فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید موسوی بیان کرد: بنده چند فراز از وصیت‌نامه سردار دل‌ها را انتخاب کرده‌ام که بخوانم و بعد می‌گویم که در برنامه‌ی درسی بیدار چه باید کرد. شاید تعجب کنید که آیا برنامه درسی خفته هم داریم که حالا باید بیدارش کرد؟ بله، بنده به‌عنوان متخصص برنامه درسی می‌گویم که برنامه‌ی درسی خفته داریم و باید بیدارش کنیم.

ملکی در ادامه گفت: شهید عالی مقام ما در یک فرازی می‌فرماید "خداوندا تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی". این بزرگوار تعبیرات خاصی دارد. به تعبیر من سردار سلیمانی دارد خدا را شاکر می‌شود که ایشان را صلب به صلب اداره و مدیریت کرد و نهایتاً در یک رحم مطهر استقرار پیدا کرد و شد حاج قاسم سلیمانی.

وی افزود: سردار سلیمانی در فراز دیگری می‌گوید "خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عید صالحت، خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز که جانم فدای جان او باد، قرار دادی." ایشان در فرازی دیگر می‌فرماید "خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشتت و با اولیا ات قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرما."

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: این بزرگوار در آغاز وصیت‌نامه هم مباحثات می‌کند و هم دارد سپاس خود را به خاطر آن نعمات به جا و به عمل می‌آورد. این بزرگی روح این شهید را نشان می‌دهد.

دکتر ملکی خاطر نشان کرد: ما انسان‌ها معمولاً در یک قسمتی تدین داریم و در یک قسمتی نداریم. امثال بنده این جور هستیم. مثلاً ممکن است خیلی توفیق داشته باشیم که اهل غیبت نباشیم اما ممکن است یک گناه دیگری داشته باشیم. اما سردار سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش یک قاعده‌ای را به ما یاد داده است. بنده مایل هستم این فراز را هم بخوانم که می‌فرماید "خداوندا! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند. یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر. پاکیزه بپذیر." نمی‌دانم آیا برای این واژه‌ها و کلمات می‌شود قیمت گذاشت و گفت چند می‌ارزد؟!

معاون وزیر آموزش و پرورش اضافه کرد: سردار سلیمانی در یک جا خطاب به ملت ایران می‌فرماید: "از اصول مراقبت کنید." امروز وقتی کسی اسم اصول را می‌آورد فوراً می‌گویند او هم اصولگرا است، اما این اصلاً ربطی به این حرف‌ها ندارد. حاج قاسم سلیمانی فراتر از همه جناح‌ها و دسته‌جات سیاسی قرار دارد. حاج قاسم سلیمانی خیلی بزرگتر از آن است که بگوییم ایشان منتسب به یک جریان خاصی است. اینجا هم درباره‌ی اصول می‌گوید "اصول یعنی، ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان و معرفت. خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید."

ملکی افزود: حاج قاسم سلیمانی در ارتباط با شهدا می‌فرماید "شهدا محور عزت و کرامت همه ما هستند، نه برای امروز، بلکه همیشه این‌ها به دریای واسعه‌ی خداوند سبحان اتصال یافته‌اند." یا می‌گوید "دختران و پسرانم، فرزندان شهدا، پدران و مادران باقی‌مانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدینه شهدا! در این عالم، صوتی که روزانه من

می‌شنیدم و مانوس با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آرامش می‌داد و بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی خود می‌دانستم، صدای فرزندان شهدا بود". یعنی صدای فرزندان شهدا را مرحله صدای قرآن قرار می‌دهد. بعد می‌فرمایند این‌ها پیشکسوتان ملت هستند.

فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید موسوی سپس گفت: من پیشنهاد می‌کنم وصیت‌نامه سردار سلیمانی را یک‌بار دیگر بخوانید تا ببینید ایشان در این وصیت‌نامه نه‌چندان طولانی؛ خودش چه حکمت‌هایی قرار داده و برای بعد از خودش چه قواعدی را انصافاً مطرح کرده است.

ویژگی‌های برنامه درسی بیدار و بصیرت‌افزا

سپس دکتر ملکی رئیس سازمان پژوهش در ارتباط با موضوع "وصیت سردار و برنامه درسی بیدار" بیان کرد: به اعتقاد من در برنامه درسی بیدار چند ویژگی باید لحاظ شود. یکی از ویژگی‌های برنامه درسی بصیرت‌افزا این است که آن برنامه درسی آنچنان با عقل و تفکر درآمیزد که اگر اجرا شد کودکان من و شما را بصیر بار بیاورد نه سطحی. بصیرت را در وجود آن‌ها بکارد. ما یک بصر داریم و یک بصیرت. بصر را همه داریم و با چشم سر نگاه می‌کنیم و می‌بینیم، اما بصیرت را همه ندارند. بصیرت یعنی ترکیب قوای عقلانی انسان با داده‌هایی که از طریق بصر وارد وجود می‌شود. برنامه درسی اگر با خرد آمیخته شود بصیرت پرور است. حضرت آقا بارها به بصیرت تأکید کرده‌اند و این شهید عالی مقام هم سر تا پای کلامش بصیرت است.

ملکی افزود: ویژگی دوم این است که برنامه درسی بصیرت‌افزا یا بیدار باید دشمنان را با دوستان ممیزی کند. مگر می‌شود همه دوست یا همه دشمن باشند؟ جامعه‌ی اسلامی و انسان مؤمن واقعی دشمنانی دارد و دوستانی. البته مؤمن واقعی با کسی دشمنی نمی‌کند اما همین که مؤمن است و در زندگی خودش مرزبندی قائل است عده‌ای بر نمی‌تابند و می‌شوند دشمن. حتماً کتاب "جاذبه و دافعه علی" از شهید مطهری بزرگوار را خوانده‌اید. علی بن ابی طالب با آن عظمت جاذبه و دافعه دارد. مگر می‌شود همه علی را دوست داشته باشند؟ آن‌هایی که عدالت نمی‌خواهند دشمن علی می‌شوند و آن‌هایی که محب عدالت و محب واقعی ارزش‌ها هستند محب علی بن ابی طالب هستند.

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: کودکان و نوجوانان باید بدانند که برای جامعه‌ی ایمانی یک دشمن ذاتی وجود دارد به نام استکبار. بین استکبار و جامعه‌ی ایرانی مگر آشتی وجود دارد؟ مگر می‌شود آشتی کرد؟ کور خوانده‌اند این کوردلان. در برنامه‌ی درسی بصیرت‌افزا باید خصم و

دوست واقعی برای کودکان ما متمایز شوند. اولین خصم ما شیطان و خصم بعدی ما انسان‌های شیطان صفت هستند. حالا نامش یک روزی ترامپ است و یک روز نام دیگری است. اما آن صفت باقی است.

دکتر ملکی ادامه داد: سومین ویژگی برنامه درسی بصیرت‌افزا این است که یادگیرنده را در زمان حال قفل نکند و یادگیرنده آرمان‌گرا باشد. برنامه درسی بصیرت‌افزا برنامه‌ای است که آدم‌ها را طوری بار بیاورد که آن‌ها بین واقعیت و آرمان شناور باشند. مصداق بارز آرمان‌گرایی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. آرمانش همان بود که به آن رسید. هر جا که می‌رسید می‌گفت دعا کنید من به شهادت برسم. این آرمان او بود. البته برای رسیدن به شهادت خیلی از مراحل را پیمود. آن مقام را رایگان به کسی نمی‌دهند. رسیدن به آن مقام مستلزم پیمودن یک راه پر سنگلاخ است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه گفت: برنامه‌ی درسی بصیرت‌افزا برنامه‌ای است که ضمن توجه دادن فرد به امور دنیوی، او را اخروی بار بیاورد و آن فرد "معاد اندیش" باشد. این معاد اندیشی غیر از این است که ما همیشه در فکر مرگ باشیم و دیگر از زندگی ناامید باشیم. اصلاً معاد اندیشی یک هنر زیستن برای انسان مؤمن است. یعنی فرد فراموش نکند که دنیا مقرر نیست بلکه مقرر است. دنیا جای ماندن و استقرار نیست و جای او جای دیگری است. ما یک درصدی از این مشی زندگی را باید در برنامه‌ی درسی به کودکان و نوجوانان یاد بدهیم؛ والا برنامه‌ی درسی ما با برنامه‌های درسی استرالیا و جاهای دیگر چه فرقی دارد؟ فرق برنامه درسی ما با کشورهای دیگر باید در همین‌طور چیزها باشد.

ملکی اضافه کرد: ویژگی دیگر برنامه‌ی درسی بصیرت‌افزا این است که رحمت و غضب را در کودک و نوجوان توأمان پرورش بدهد. اگر "أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ" بخواهد در نظام تربیتی معنا و مفهوم پیدا کند، یعنی ما از طریق برنامه‌های درسی باید به غضب در برابر زشتی‌ها و رحمت در برابر خوبی‌ها و مؤمنین برسیم. حتماً دیده‌اید که سردار سلیمانی با چه عشقی با بچه‌ها و آدم‌ها برخورد می‌کرد. گویا عاشق همه بود. همین انسان دربارهی آمریکا آن‌طور غرش داشت. می‌گفت ترامپ قمارباز! حریف شما من هستم. من در برابر شما می‌ایستم. من یعنی سپاه قدس، یعنی جبهه‌ی مقاومت. این نامردها هم چون در برابر ایشان، سپاه قدس و جبهه‌ی مقاومت نتوانستند مواجهه داشته باشند، ایشان را مظلومانه در فرودگاه بغداد شهید کردند. سردار سلیمانی رحمت و غضبش تربیت شده بود. این رحمت و غضب تربیت شود اوج‌اش می‌شود حضرت علی (ع) و مراتب پایین می‌شود سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس.

معاون وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: برنامه‌ی درسی بیدار یا بیدارساز، برنامه‌ی درسی است که در آنجا "ترسیدن و نترسیدن توأمان به دانش آموز" یاد داده شود. ترسیدن از گناه و این قبیل امور و نترسیدن از غیر الله، نترسیدن از اسکتبار جهانی و این مستکبران بی رحم. این در وجود شهید عزیز ما تام و تمام نمایان بود. ترسش از خدا بر اثر تقوا بود. گریه‌ها، نماز شب و سوز دل او را تعریف کرده‌اند و احتمالاً درباره‌اش شنیده باشید. در کتاب "این مرد پایان ندارد" بعضی چیزها نقل شده که خیلی لذت‌بخش است. در آنجا مکرر گفته شده که در عملیاتی، لشکر ثارالله که فرماندهی‌اش با ایشان بود و چه قبل از آن در صحنه‌های مختلف، همزمانش نقل کرده‌اند که ما می‌ماندیم ولی ایشان می‌فرمود نترسید ما حضرت زهرا را داریم و پیروز می‌شویم. سر تا پا توسل و امید بود. در بدترین لحظات جنگ امید خودش را از دست نمی‌داد و با همین امید، توکل و توسل، پیروزی به دست می‌آوردند.

فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید موسوی یادآور شد: برنامه‌ی درسی بصیرت‌افزا برنامه‌ای است که استقامت و پایداری را با اطاعت درآمیزد. یعنی هم استقامت و پایداری را به کودکان و نوجوانان یاد بدهد و هم در عین حال اطاعت و انفعال مثبت و درست را به آنان بیاموزد. استقامت و پایداری در برابر نامردمی‌ها. من از عزیزی که برنامه‌های درسی‌شان به اتمام نرسیده است؛ عاجزانه تقاضا می‌کنم که هر جا می‌بینند روحیه پایداری به برنامه‌ی درسی قابل تزریق است خودداری نکنند. ما به مقاومت و استقامت احتیاج داریم، اما استقامت و پایداری باید همراه با اطاعت در برابر ولی زمان، امام، رهبر و منطبق باشد. هیچ موقع انسان مؤمن در برابر منطق مقاومت نمی‌کند. انسان مؤمن در برابر استدلال پایداری نمی‌کند و کوتاه می‌آید.

دکتر ملکی سپس گفت: خدای متعال به همه ما عنایت بفرماید که در پیمودن راهی که سردار شهید سلیمانی بزرگوار ترسیم فرموده است انشاءالله قدم‌های کوچکی برداریم.

نیک نژاد: باید مانند شهید سلیمانی شبانه‌روز فعالیت کنیم

سپس مهندس بهنام نیک‌نژاد مدیر طرح و برنامه و امور مالی سازمان پژوهش بیان کرد: اگر بخواهیم به روحیاتی که سردار بزرگ داشته است یک نگاهی بیاندازیم، در سازمان پژوهش واقعاً افرادی را داریم که با این روحیه تلاش می‌کنند. سردار سلیمانی شبانه‌روزی فعالیت می‌کرده است. در سازمان هم خوشبختانه افرادی را داریم که زمان کاری برای فعالیت‌شان وجود نداشته است. خود آقای دکتر ملکی پیش قدم هستند. زودتر از همه می‌آیند و دیرتر از همه می‌روند و در نیمه شب هم

پیگیر کارها هستند. ما باید درس بگیریم و انشاءالله با این روحیه بتوانیم کاری که شروع شده است را به نتیجه برسانیم تا بتوانیم حداقل‌هایی که انتظار شهید سلیمانی است را برآورده کنیم. نیک‌نژاد در ادامه خطاب به حسن ملکی گفت: ما به حضور شما بسیار امیدوار هستیم. حملاتی که از داخل و خارج از کشور به این سازمان شده و دارد می‌شود، نشان می‌دهد که مسیر درستی را دارید می‌روید. انشاءالله با فرماندهی شما بتوانیم به نتیجه برسیم.

پیشنهادهای باقری برای نوشتن برنامه درسی بصیرت‌افزا

در ادامه یونس باقری رییس گروه بررسی آثار و مخاطبان مجلات رشد اظهار داشت: فردی به نام پروفیسور حمید مولانا حدود ۵۰ سال است که استاد ارتباطات دانشکده واشینگتن است. ایشان خیلی دلسوز انقلاب است و مقالات زیادی را در مطبوعات می‌نویسد. یک‌بار ایشان را به تلویزیون آورده بودند و با ایشان مصاحبه می‌کردند. ایشان می‌گفت اگر شما می‌گویید ایران در نقطه استراتژیک دنیا است، خیلی از کشورها می‌گویند که ما در نقطه استراتژیک دنیا هستیم. اگر شما بگویید که ما ذخایر گاز و نفت دنیا را داریم خیلی از کشورهای دیگر می‌گویند ما مس و نیشکر دنیا را داریم. می‌گفت هر چه که شما بگویید یک کشور برای شما پیدا می‌شود. اما ایشان می‌گفتند که کشور ایران بعد از انقلاب یک رکن به ارکان قدرت در دنیا اضافه کرده و آن هم فرهنگی بودن این انقلاب اسلامی است. باقری افزود: پروفیسور حمید مولانا می‌گوید اگر شما بعد فرهنگی بودن کشورتان را از دست بدهید دیگر هیچی ندارید. می‌گوید از نظر قدرت سیاسی، قدرت نظامی و قدرت اقتصادی یک عده از شما بالاتر هستند، بنابراین شما باید جنبه فرهنگی کشورتان را حفظ کنید تا در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشید چون در این زمینه تقریباً کسی حرفی برای گفتن ندارد. باقری خطاب به حسن ملکی گفت: زمانی که حضرتعالی در دفتر تألیف تشریف داشتید، برنامه‌نویسی برای برنامه نوشتن و تألیف کتاب را به ما آموزش دادید. آن موقع حضرتعالی می‌فرمودید که ما از رویکرد شروع کنیم، اهداف کلی و جزئی را بنویسیم، بعد اهداف شناختی و مهارتی را بنویسیم و بعد به یک جدولی برسیم به نام جدول وسعت و توالی. من تا آن جایی که حضور ذهن دارم جدول وسعت و توالی معلوم می‌کرد که ما از اول ابتدایی تا دیپلم چه موضوعی را در چه پایه‌هایی باید بیاوریم. در واقع چاقی و لاغری موضوع را هم باید تعیین کنیم. آن زمان برای من خیلی جالب بود. ما می‌دیدیم که این پروسه چقدر کار را درست و روشن می‌کند.

وی به رئیس سازمان پژوهش پیشنهاد کرد برای اجرای برنامه درسی بصیرت‌افزا گروه ویژه‌ای را تشکیل دهد و سپس گفت: من فکر می‌کنم اگر موضوع برنامه‌ی درسی بصیرت‌افزا را به گروه‌های درسی واگذار کنیم و مثلاً بگوییم گروه علوم تجربی یا گروه فیزیک شما بیا برای مکتب سلیمانی برنامه بدهید، قطعاً نمی‌توانند این کار را بکنند. من فکر می‌کنم که ما باید یک جدول وسعت و توالی داشته باشیم و بگوییم که ما برای مکتب سلیمانی می‌خواهیم از اول ابتدایی تا دیپلم، در تمام رشته‌ها، پایه‌ها و درس‌ها این کار را بکنیم و بعد این تابلوی ما باشد. بگوییم هر کس هم که می‌خواهد پیگیری کند تا ببیند ما می‌خواهیم برای مکتب سلیمانی چه کار کنیم، این جدول ما است و شما بروید آن را ببینید.

محمدی: بیش از سند تحولی به مردان تحولی نیاز داریم

سپس محمدابراهیم محمدی مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: وجود امثال شهید سلیمانی برای ما حجتی است که باب عزیز شدن، محبوب شدن، مردمی شدن بسته نیست. هنوز می‌شود خوش درخشید و محبوب شد و قدردانی مردم را دید. نکته دیگر این است که من فکر می‌کنم اگر ما به دنبال یک مدل هستیم که خوب و مؤثر باشیم، وصیت سردار سلیمانی می‌تواند برای ما یک شاغول و عیار باشد. وی افزود: من درخواست می‌کنم آقای جلالی عزیز یا خود فرمانده بزرگوار پایگاه، همه ساله در سالگرد شهید سلیمانی یا به مناسبت دیگری، بسیجی نمونه را به نام شهید سلیمانی تقدیر کند. کسی بسیجی نمونه باشد که بیشتر کار می‌کند، بیشتر وقت می‌گذارد، بیشتر باور دارد، بیشتر دلسوز است، کم توقع دارد، دوستش دارند و در میدان کار هست. مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اظهار داشت: نظر شخصی بنده این است که شهید سلیمانی نشان داد که ما بیش از سندهای تحولی به مردان تحولی نیاز داریم. تا وقتی باور تحولی و تفکر بسیجی در انسان نباشد، شعارهای بسیجی و حرف‌های خوب و خوش تأثیری ندارد. من درخواست می‌کنم که به دنبال آدم‌های جسور، باشهامت، شجاع، نترس و تحولی باشیم. بنابراین من معتقدم که یکی از درس‌های شهید سلیمانی این است که ما به مردان تحولی و استشهادی در حوزه فرهنگ نیاز داریم که پا به میدان بگذارند و از همه آنچه که دارند دریغ نکنند.

امیری نیا: باید برنامه درسی بصیرت افزا را به کمک کارشناسان عملیاتی کنیم

سپس کوروش امیری نیا مدیرکل دفتر برنامه ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری عمومی و متوسطه نظری خطاب به رئیس سازمان پژوهش گفت: آقای دکتر، از جان و دل تان مایه گذاشتید که یک فضایی را ترسیم کنید تا ما را به آن فضا ببرید. تلنگری جدی زدید. اما واقعیت این است که باید اعتراف کنم تکلیف ما را سنگین تر می‌کنید. حالا وقت آن است که کارشناسان سازمان از پایین‌ترین بدنه تا بالاترین بدنه باید همت کنند تا این دغدغه‌ها را عملیاتی کنند. چه در تولید آن برنامه که آقای باقری دغدغه دارد و چه در تولید بسته‌های تربیت و یادگیری. باید جملات آسمانی را بیاوریم یک کم عملیاتی‌تر و زمینی کنیم.

جمع‌بندی

در ادامه دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: نکاتی که دوستان فرمودند خیلی عالی و آموزنده و تذکرات خیلی خوبی بود. جناب نیک‌نژاد به بحث محدود نبودن کارهای شهید سلیمانی به زمان‌های تقویمی اشاره کردند. من حقیقتاً باورم دارم با اینکه ما ساعت ۷ و نیم یا ۸ صبح بیاسیم و ساعت ۳ و ۴ بعدازظهر خداحافظی کنیم و به منزل مان برویم، به جایی نمی‌رسیم. البته تقویم این را می‌گویند و از جهت قانونی بیش از این هم وظیفه‌ای نداریم، اما فراتر از قانونی باید عمل کنیم. البته کسی را اجبار نمی‌کنیم ولی راهی جز این نداریم. ما باید تقویم را پشت سر بگذاریم تا به تعالی برسیم. با تقویم به تعالی نمی‌شود رسید.

فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید موسوی اظهار داشت: جناب آقای باقری نکات خیلی خوب و پیشنهاد جالبی را مطرح کردند. من یک وقتی با یکی دو نفر از دوستان صحبت از طراحی برنامه درسی مقاومت کرده بودم. اما این تذکر آقای باقری هم تذکر درستی است و بنده را به فکر فرو برد که یک مقدار جدی‌تر با این قضیه برخورد کنم. من با خودم عهد بسته‌ام که این کار را با کمک دوستان علاقه‌مند پیگیری کنیم و به یک محتوایی مثل راهنمای برنامه درسی مقاومت یا راهنمای برنامه درسی بصیرت‌افزا برسیم. حسن ملکی درباره‌ی پیشنهاد دکتر محمدی برای انتخاب بسیجی برتر نیز گفت: این هم پیشنهاد خوبی است. چه اشکالی دارد که هر ساله، دو یا سه نفر را به‌عنوان بسیجی برتر معرفی کنیم؟ البته همه بسیجی‌اند و فعالیت می‌کنند، اما خوب به میمنت سالروز شهادت شهید سلیمانی می‌توانیم سال آینده یک نشانی را آماده و اهدا کنیم. بنده کاملاً آمادگی دارم که این پیشنهاد را عملیاتی کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



نشست مجازی

"شہید سلیمانی،

ضرورت و

چگونگی معرفی

در برنامه درسی"



بنیاد تربیتی حیات به مناسبت سالگرد شهادت سرافراز اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی سلسله نشست‌هایی را تحت عنوان "مدرسه تربیتی سلیمانی" آغاز کرد. دکتر حسن ملکی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سخنران دومین برنامه با نام "شهید سلیمانی، ضرورت و چگونگی معرفی در برنامه درسی" بود.

در این مراسم دکتر ملکی ضمن تسلیت ایام شهادت حضرت صدیقه کبری (سلام‌الله‌علیها) و گرامی‌داشت سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی اظهار داشت: جا دارد یادی کنیم از ۹ دی ماه؛ روز بصیرت و حمایت از ولایت. در این روز مردم مسلمان ایران با هوشیاری توانستند فتنه‌ای که برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی برپا شده بود را خنثی کنند. دکتر ملکی در ادامه بیان کرد: بنده اگر بخواهم درباره محور بحث این نشست مطالب منسجمی را بیان کنم، باید سه سؤال طرح کنم و درباره هر یک از سؤالات، پاسخی را عرض کنم که جمع‌بندی آن احتمالاً می‌شود آنچه که در این جلسه مورد انتظار است.

شهید حاج قاسم سلیمانی چه کسی بود و چه هویت و چه ویژگی‌هایی داشت؟

درست است که همه ملت ایران، این عزیز را به‌عنوان یک شهید عالی‌مقام و سیدالشهدای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شناسند و علاقه بسیار زیادی به این شهید عزیز و راه و اندیشه او نشان داده‌اند، منتها اگر ما بخواهیم ایشان را در یک طرف قرار بدهیم و برنامه‌های درسی را در طرف دیگر، باید قدری خود شهید سلیمانی را بشناسیم. هر چند این شناختن با یک سخنرانی و دو سخنرانی ممکن نیست. من بیشتر طرح مسئله می‌کنم و مطالبی را عرض می‌کنم ولی شناخت عمیق و اساسی آن بزرگوار طبیعتاً از لوازم اصلی معرفی ایشان در متون آموزشی است.

ملکی با تأکید بر اینکه شهید حاج قاسم سلیمانی مصداق بارز و اتم و اکمل انسان رشدیافته‌ی همه‌جانبه بود، بیان کرد: پیام اصلی که ما از بعد تربیتی هدایت‌های قرآنی دریافت می‌کنیم این است که قرآن به‌عنوان یک برنامه هدایتی و تربیتی می‌خواهد انسان را همه‌جانبه رشد بدهد. این مسئله‌ی بسیار مهم هشداری است برای بنده و سایر مسئولان تعلیم و تربیت که ما باید برنامه‌ریزی درستی برای رشد همه ابعاد شخصیتی افراد داشته باشیم و این‌گونه نباشد که حاصل نظام تربیتی ما انسان‌های تک بعدی و انسان‌هایی باشند که شاید در بعضی از ابعاد رشد کنند و در بعضی از ابعاد رشد نکنند. اگر بخواهیم این اتفاق نیافتد باید برنامه‌های تربیتی ما برنامه‌های جامع و همه‌جانبه پرور باشد. یعنی رشد عقلانی بدهد و رشد اجتماعی ایجاد کند و در رأس همه آن‌ها، رشد معنوی و اعتقادی درست ایجاد کند و همچنین به سایر ابعاد شخصیتی یادگیرنده توجه شود.

حاج قاسم مصداق بارز کلمه "رشید" به تعبیر قرآن است

بنده؛ حاج قاسم سلیمانی را مصداق بارز واژه قرآنی "رشید" می‌دانم. کلمه‌ی رشید که در سوره‌ی هود چند بار تکرار شده، از بعد تربیتی واژه بسیار پرمعنایی است. انسان رشید، انسان رشدیافته و انسان راه‌یافته و انسانی که رشد همه‌جانبه دارد، تلقی می‌شود. انسان رشید انسانی است که همه‌ی ابعاد وجودش رشد کرده و هیچ بعدی از ابعاد معطل نمانده و در رشد و شخصیت او توازن حاصل شده است.

ما در قرآن تعابیر متعددی راجع به رشید داریم. در آیه‌ای "رجل الرشید" آمده است. در آیه‌ای دیگر "حلیم الرشید". در آیات دیگری هم مستقیم و غیرمستقیم این پیام به ما داده می‌شود که قرآن

تعقیب‌کننده، هدایت‌کننده و تعیین‌کننده مسیر تربیتی است که باید انسان‌ها رشد همه‌جانبه داشته باشند.

ما باید این را بیان کنیم و یادمان نرود که آنچه که شهید سلیمانی را شهید سلیمانی کرد و او را به این مقام و رتبه رساند این بود که ایشان این توفیق را پیدا کرد تا بتواند خود را در تراز آن انسانی که اسلام و انقلاب اسلامی می‌طلبد، تنظیم کند. هم خود، خود را مدیریت و تربیت کند و هم توفیق این را یافته که از یک خانواده متدین و اسلامی برخوردار باشد و سایر عوامل تربیتی هم به گونه‌ای رقم خورده است که چنین شخصیتی پرورش پیدا کند که اکنون نه تنها برای ملت ایران بلکه به تعبیر حضرت آقا برای امت‌های اسلامی به‌عنوان یک انسان قهرمان و شاخص نمایان شود.

حاج قاسم سلیمانی کیست؟

این عزیز حرف‌های پایانی و اصیل خودش را در وصیت‌نامه‌اش بیان کرده است. بدون درک وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی نمی‌توان از معرفی ایشان سخن گفت و چگونه معرفی کردن او به نوعی تبعیت از مفاد وصیای اوست. ایشان در یک جایی از وصیت‌نامه خود می‌فرمایند: "خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیا ات را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت؛ خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم."

در ادامه همین فرازها اشاره می‌کند که پس از امام رضوان‌الله، عبد دیگر (حضرت آقا) جانشین ایشان قرار می‌گیرد. ایشان خدا را سپاس می‌گویند که خدای متعال ایشان را در چنین زمانی قرار داده است. یعنی حاج قاسم سلیمانی کسی است که به اصلاص شامخه‌اش مباحثات می‌کند.

حاج قاسم سلیمانی مولود یک خانواده سلیمانی پرور است. خانواده است که یک جوان را جوان متدین و ارزش‌مدار تربیت می‌کند. حاج قاسم در فرازی از وصیت‌نامه خود مطرح می‌کند: "خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشتت و با اولیا ات قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرما." حاج قاسم اینجا یک عامل تربیت را مطرح می‌کند. معنای نهفته این بیان این است که حاج قاسم سلیمانی در بستر یک چنین خانواده متدینی تبدیل به حاج قاسم شد. قطعاً معلم‌های بسیار خوبی هم داشته است.

حاج قاسم خود را در یک مقام توسلی و توکلی بسیار عمیق و والا قرار می‌دهد. در وصیت خودش

می‌فرماید: "خداوندا! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آنچنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!".

وصایای بزرگان، نخ تسبیح تمدن‌سازی اسلامی هستند. یعنی اگر به وصایا عمل می‌شد، چهره زندگی انسان‌ها چهره دیگری بود. اگر به وصایای پیامبر اسلام یا امام علی (ع) عمل می‌شد چه وضعیتی پیدا می‌کردیم؟ اگر به وصایای امام خمینی (ره) عمل شود؛ خواهید دید که زمین و زندگی انسان‌ها چه چهره‌ای به خود خواهد گرفت. ما می‌خواهیم حاج قاسم سلیمانی را مطرح کنیم؛ بدون شناخت حاج قاسم سلیمانی، طرح آن در منبع و متن دیگر شاید چندان موثر نباشد. ما باید لایه‌های عمیق‌تر شخصیتی و سیرت ایشان را بشناسیم. می‌خواهیم بگویم اگر شناخت عمیق‌تر شود قدم بعدی راحت‌تر برداشته می‌شود.

برنامه درسی که می‌خواهیم در آن این شهید عالی مقام را معرفی کنیم چیست؟

برنامه درسی یک طرح و نقشه است و دارای هدف‌های تربیتی، محتواهای تربیتی، روش‌های تربیتی و شیوه‌های ارزشیابی است. ما قاعدتاً باید برنامه درسی متناسب با معرفی شهدا در معنای عام خودش و خاصه شهید عالی مقام حاج قاسم سلیمانی طراحی کنیم. برداشت من این است که سیمای برنامه‌های درسی ما در همه عناصرش باید از این معرفی متأثر شود. من فکر می‌کنم اگر توفیق پیدا کنیم حاج قاسم سلیمانی را معرفی کنیم، برنامه درسی مزین می‌شود.

معرفی شهید حاج قاسم سلیمانی زینت برنامه درسی است؛ منتها باید عنایت داشته باشیم که اگر حاج قاسم را معرفی کردیم نباید فکر کنیم که مأموریت تربیتی خودمان را در ارتباط با این شهید انجام داده‌ایم. باید در ابعاد وسیع‌تر به معرفی این شهید اندیشه کنیم. یکی از ابعاد آن، کتاب‌های درسی است که ما در این مسیر قدم‌هایی برداشته‌ایم. وقتی از خبر شهادت حاج قاسم مطلع شدیم، ما در سازمان پژوهش همراه با گریستن‌مان به این فکر افتادیم که باید این شهید بزرگوار را در کتاب‌های درسی مطرح کنیم و برای انجام این مأموریت در همان ابتدا کارگروه تشکیل دادیم. با دل محزون به این سمت رفتیم که چه کار کنیم تا یاد این عزیز تضعیف نشود.

چهار قلمرو ارتباط برنامه‌های درسی و حاج قاسم سلیمانی

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: من در ارتباط با برنامه‌های درسی و حاج قاسم سلیمانی چهار محور یا چهار بعد مد نظر است که در این چهار بعد باید بیندیشیم. البته قدم‌هایی برداشته‌ایم و در ادامه باید قدم‌های مؤثرتری را برداریم. برنامه درسی در چهار قلمرو به فرهنگی که آن شهید تعقیب می‌کرد؛ قابل اتصال است. این چهار قلمرو عبارتند از: برنامه‌های درسی تربیت اسلامی، برنامه‌های درسی و سیره حاج قاسم، برنامه‌های درسی و کلام و بیان حاج قاسم و برنامه‌های درسی و وصیتنامه حاج قاسم شهید.

قلمرو برنامه درسی و سیره حاج قاسم سلیمانی: بنده و همکارانم اعتقاد داریم که حاج قاسم سلیمانی محصول تربیت اسلامی است. علت اینکه این شهید بزرگوار اینگونه شکل گرفت و با این شاکله به تربیت شد این بود که بهتر و بیشتر توانسته بود از معارف اعتقادی و دینی ما بهره‌مند شود. یعنی تربیت شده این نظام تربیتی بود. از این می‌شود نتیجه گرفت که ما اگر بخواهیم در برنامه‌های درسی حاج قاسم سلیمانی را معرفی کنیم برنامه‌های درسی ما اولاً و بالذات باید دانش‌آموزان را تربیت اسلامی کند. اگر موفق شویم از طریق برنامه‌های درسی تربیت اسلامی کنیم یعنی در حقیقت در مسیر و مداری قدم برمی‌داریم که حاج قاسم سلیمانی را به این موقعیت رساند و این توفیق بزرگ نصیبش شد.

ما سیره حاج قاسم سلیمانی را باید در برنامه درسی خودمان مطرح کنیم. ما رفتارها و اعمال بسیار ارزشمندی را از حاج قاسم دیده‌ایم که اگر ایشان را به شهادت نمی‌رساند و ایشان به حیات دنیوی خودش ادامه می‌داد درخشش این رفتارها بیشتر هم بود. ما باید مواردی مانند بصیرت و دانایی، توکل و روحیه بندگی، استقامت و پایداری، مودت و مهربانی، بزرگی و شجاعت آن عزیز را مطرح کنیم. ما با سیره این عزیز خیلی فاصله داریم. بنابراین دومین قلمرو طرح حاج قاسم سلیمانی در برنامه‌های درسی مربوط می‌شود به معرفی سیره و رفتار این عزیز.

حسن ملکی درباره قلمرو برنامه درسی و کلام حاج قاسم بیان کرد: من کلام حاج قاسم را از سیره ایشان به طور اعتباری تفکیک کرده‌ام. کلام ایشان متعدد است و ابعاد مختلف دارد. این دو جمله که شهید سلیمانی می‌گوید "ما ملت شهادتیم" و "ما ملت امام حسینیم"، همه ما را تکان می‌دهد. شما لازم نیست سراغ کلام دیگری بروید. ما اگر همین دو جمله را باز کنیم و قدری تحلیل کنیم چه بسا که خیلی از گفتارهای آن عزیز در این دو عبارت قرار بگیرد. در حقیقت این کلام شهید حاج قاسم سلیمانی شناسنامه اعتقادی ما است.

وقتی ایشان می‌گویند "ما ملت شهادیم"، یعنی شهادت و راه شهادت با فرهنگ شیعی ما رابطه ذاتی دارد نه رابطه عرضی. یعنی مسئله شهادت‌طلبی عارض بر ما نشده است. شیعه به ذات شهادت‌طلب است. اصلاً سرشت شیعه سرشت شهادت‌طلبی است. از همان آغاز هم با همین راهبرد و همین مدار به حیات خودش ادامه داده است. ما همچنین "ملت امام حسین هستیم". ما به وصیت رسول مکرّم اسلام عمل می‌کنیم که فرمود "انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی". ما با جمله "ما ملت امام حسین هستیم" می‌خواهیم این را به دنیا اعلام کنیم که ما تابع عترت و تابع امامت هستیم. کما اینکه انقلاب اسلامی ما هم با رهبری حضرت امام (ره) با عاشوراها پیوند خورد، به دلیل اینکه انقلاب ماهیت عاشورایی داشت.

ما باید بتوانیم همین دو جمله حاج قاسم سلیمانی را به طور اصیل، قوی، متقن و مدلل به دانش‌آموزان بیان کنیم. یعنی باید به دانش‌آموزان بگوییم که این دو جمله که "ما ملت شهادیم" و "ما ملت امام حسین هستیم" معنایش چیست. این را مخصوصاً مؤلفان و افرادی که در تولید متن آموزشی نوجوان پسند تبحر دارند باید تبیین کنند. ما برای نوشتن متون آموزشی در این دوره تحولی باید از افرادی دعوت کنیم که بتوانند متون آموزشی هویت‌ساز ایجاد کنند. هر باسواد و هر عالمی لزوماً نمی‌تواند تولیدکننده متن هویت‌ساز باشد. این یکی از کارهای سخت و یکی از محدودیت‌های ما است.

ما الآن در موقعیتی در سازمان پژوهش به سر می‌بریم که راهنماهای برنامه درسی تحولی در حال تدوین است. یعنی گروه‌های پژوهشی ما بر پایه‌ی سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی مشغول طراحی برنامه‌های درسی نوین هستند. انشاءالله این راهنماها قرار است تا قبل از پایان سال به پایان برسد. مأموریت بعدی ما که با بحث امروز هم ارتباط پیدا می‌کند این است که ما بسته‌های تربیت و یادگیری را در همه دروس آغاز کنیم و بسته‌ها را قدم به قدم و سال به سال جایگزین صرفاً کتاب درسی کنیم.

ما می‌دانیم که کتاب درسی قابل حذف نیست اما با قاطعیت و با استدلال به جایی رسیده‌ایم که اگر تحول بخواهد صورت بگیرد ظرف تنگ کتاب درسی اجازه نمی‌دهد. این فرصت را فراخ به بسته‌های تربیت و یادگیری. یعنی کتاب درسی باشد و چیزهای دیگری هم در کنار آن باشد که با هم یک بسته‌ای را تشکیل بدهند تا ما در این محیط فراخ بتوانیم هدف‌های تربیتی وسیع خودمان را متناسب با اسناد بالادستی پیش ببریم.

در این میان یکی از مواردی که مطرح شده و کارشناسان ما نسبت به آن ذهنیت روشنی دارند ولی باید بنده و همکارانم آن را زنده نگه داریم این است که اموری از قبیل طرح شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی را در بسته‌های تربیت و یادگیری خودمان مطرح کنیم. آن هم نه مطرح کردن صرفاً شناسنامه‌ای، بلکه مطرح کردن عمیق فرهنگی و قدری ریشه‌ای‌تر، که البته خود این نیازمند تأمل و تفکر زیاد است. ما اجمالاً می‌دانیم باید چه کار کنیم ولی احتیاج داریم که این قضیه تفصیل شود. ما هنوز در این قضیه در میانه راه هستیم. دوستان عنایت داشته باشند که کار به این سادگی نیست. اگر بخواهیم درست عمل کنیم ابعاد کارشناسی متعددی دارد.

ما سعی کردیم در حد امکان و شرایطی که در اختیار داشتیم در کتب درسی به حاج قاسم سلیمانی پردازیم. آن هم به صورت خودجوش بود. احساس کردیم سازمان وظیفه دارد و رسالتش این است و بعد که حضرت آقا دستورات و اشاراتی فرمودند قدم‌های مؤثرتری در این زمینه برداشتیم و بخواهیم داشت. ما الآن در متون آموزشی مان ابعاد مختلف این قضیه را مطرح کرده‌ایم ولی بنده اعتقاد دارم که هنوز در آغاز راه هستیم، مخصوصاً با مداری که آغاز کرده‌ایم و با بسته‌هایی که به دنبال تدوین آن‌ها هستیم باید یک بازبینی جدی و بازنگری اساسی داشته باشیم و این مباحث را در جغرافیای جدید بسته‌های تربیت و یادگیری قرار بدهیم.

پاسخ دکتر ملکی به سوالات کارشناسان و حاضران

در ادامه این نشست دکتر ملکی به سوالات کارشناسان و حاضران پاسخ داد:

سوال: ما یک زمان‌هایی دچار تقلیل می‌شویم. یعنی یک کلیشه‌ای در ذهن نوجوان ما ایجاد می‌شود که حاج قاسم سلیمانی یک فرد نظامی تفنگ به دست است. گاهی وقت‌ها هم دچار تحریف می‌شویم. یعنی حاج قاسم سلیمانی که به تعبیر حضرت آقا یک مکتب است، تقلیل پیدا می‌کند و تحریف می‌شود. می‌خواهم راجع به چالش‌های نظری و چالش‌های عملی که در زمینه معرفی حاج قاسم سلیمانی وجود دارد صحبت کنید. ما در برنامه‌ریزی درسی باید چه کار کنیم که این تقلیل و تحریف ایجاد نشود و نوجوان ما ارتباط عمیقی با حاج قاسم سلیمانی داشته باشد؟ همچنین ما چطور می‌توانیم در قالب و ظرف برنامه درسی یک روایت هنرمندانه از انسان رشید داشته باشیم؟

پاسخ دکتر ملکی: من فکر می‌کنم که در معرفی شهید حاج قاسم سلیمانی در برنامه‌های درسی باید به چند چیز توجه کنیم و بتوانیم آن‌ها را در حد وسیع تأمین کنیم. هر قدر بتوانیم بیشتر تأمین کنیم موفق‌تر عمل خواهیم کرد. یکی این است که ما باید خود حاج قاسم سلیمانی را بیشتر بشناسیم. اشاره کردید که ما گاهی اوقات دچار تقلیل می‌شویم و این شهید عزیز ممکن است صرفاً به عنوان یک فرد نظامی به ذهن بیاید. این احتمالات ناشی از عدم شناخت کافی از ایشان خواهد بود. چه ما و چه هر نهاد فرهنگی و تربیتی دیگری بخواهد این شهید عزیز را مطرح کند شرط اول قدم آن است که اصطلاحاً مجنون باشد. شرط اول قدم این است که حاج قاسم سلیمانی را به خوبی بشناسد و به راه او باور عمیق داشته باشد و بر این اساس حرکت کند.

شرط دوم این است که مخاطب را به درستی بشناسیم. عنایت داشته باشید که ما کتاب درسی را برای دوره ابتدایی، دوره اول متوسطه و دوره دوم متوسطه داریم که این‌ها یک طیف رشد است. ما باید ببینیم این شهید عزیز را در دوره ابتدایی می‌بایست چگونه مطرح کنیم که برای کودک هم قشنگ و هم مؤثر باشد. این یک سؤال روان‌شناختی جدی است. همین سؤال به طور ریشه‌ای‌تر برای دوره نوجوانی مطرح است، نوجوانی که در سن خاصی قرار دارد و به اقتضای آن سنش یک حالات ویژه‌ای پیدا می‌کند که بحث هویت در آن مرحله پدید می‌آید.

ما باید مخاطب‌شناسی کنیم. چالش دومی که گاهی وقت‌ها توفیق لازم را برای آن به دست نمی‌آوریم همین است. یعنی مخاطب را نشناخته می‌خواهیم به او اثر بگذاریم که این شدنی نیست. ما باید مخاطب‌مان را به درستی بشناسیم و در این کار باید از تولیدات علمی روان‌شناسان و از تأکیدات و توصیه‌هایی که در دین‌مان راجع به مراحل رشد وجود دارد بهره‌مند شویم. یعنی مخاطب‌شناسی شرط اصلی بیان مدلل و مؤثر این مسئله است.

نکته سوم این است که از روش‌های هنرمندانه استفاده کنیم. البته این طبیعتاً کار بنده و امثال بنده نیست. ما از هنرمندان یا افرادی که در این زمینه کار هنری کرده‌اند می‌بایست استفاده کنیم. الآن در کشور خود ما نویسندگانی وجود دارند که می‌گویند ما نویسنده کودک هستیم و ما اگر بگوییم آیا شما متنی برای نوجوان هم بلد هستید بنویسید ممکن است خاضعانه بگویند نه، ما نویسنده کودک هستیم. به عبارتی دیگر بلد هستیم طبخ غذایی باشیم برای آن ذائقه و آن فرد و اگر مخاطب عوض شد دیگر ما بلد نیستیم. این از یک جهتی روش هنری کار است، هنر به این معنا که ما پیام را با ذائقه‌ی فرد متناسب کنیم.

چالش دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم و خیلی اهمیت دارد این است که ما هر موقع از برنامه

درسی حرف می‌زنیم این سخن یک الصاق ذاتی دارد. یعنی برنامه درسی به طور نامرئی یک الصاق دارد و آن هم نقش معلم و مربی است. من تصور می‌کنم که ما حاج قاسم سلیمانی را حتی اگر به زیباترین شکل ممکن در برنامه‌های درسی مطرح و بیان کنیم ولی معلم‌های باورمند به راه و مرام حاج قاسم سلیمانی و معلم‌های باورمند به تربیت اسلامی نداشته باشیم، به اهدافی که دنبالش هستیم؛ نخواهیم رسید.

بخشی از این موضوع که به محتواها ارتباط پیدا می‌کند مربوط به سازمان پژوهش است ولی همه کارها مربوط به ما نیست. بنابراین الآن عرضم با کل بدنه‌ی آموزش و پرورش است که بنده هم عضو هستم. این هم یک چالش بزرگ و عمیق برای ما است. اگر این چالش حل نشود، نوشته چیزی را حل نمی‌کند. نوشته، صامت است و آن صامت باید ناطق شود. آن کسی که نوشته را ناطق می‌کند و فرهنگ شهید سلیمانی را به جان دانش‌آموز اتصال می‌دهد، لزوماً نوشته نیست بلکه پیام معلم است. ما در این زمینه‌ها حقیقتاً نیاز به کار داریم.

سوال: از اقدامات عملی که سازمان پژوهش انجام داده است تا حاج قاسم سلیمانی وارد بسته‌های تربیت و یادگیری شود برای ما بگویید.

پاسخ دکتر ملکی: ما یک مجموعه سه جلدی را چاپ و آماده کرده‌ایم. عنوانش "معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی" است. یعنی از اول ابتدایی تا پایان دبیرستان، تمام اقداماتی که به معارف انقلاب اسلامی مربوط می‌شود در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است. دو سال قبل حضرت آقا به سازمان پژوهش فرمودند که اگر شما تا ۱۲ یا ۱۴ سال دیگر معطل بمانید و تحول بنیادین گام به گام رخ بدهد، دیر است. خیلی صریح فرمودند که شما باید همین الآن کاری را انجام بدهید. همان باعث شد ما اقداماتی را شروع کنیم که حاصل آن عمدتاً در همین سه کتاب جلدی است، منتها در آنجا بحث فراتر از بحث حاج قاسم سلیمانی است. در آنجا بحث ما معارف انقلاب اسلامی است که یکی از اضلاعش می‌شود این موضوع بحثی که امروز مطرح کردیم.

معرفی شخصیت حاج قاسم سلیمانی را در کتاب‌های درسی مختلف دوره متوسطه آورده‌ایم و دانش‌آموزان آموزش می‌بینند. الآن حاج قاسم سلیمانی در کتاب‌های درسی ما وجود دارد. چه از منظر وصیت‌نامه آن عزیز و تبیینی که داشته‌ایم، چه از منظر زندگی ایشان و چه از منظر کلام، سیره

و رفتارهایی که همه ملت عزیز ایران در وجود ایشان دیده‌اند، به حاج قاسم پرداخته شده است. ما در کتاب‌های آمادگی دفاعی و هنر و حتی در فنی و حرفه‌ای هم به حاج قاسم پرداخته‌ایم. اگر کسی بخواهد ملاحظه کند الآن در مدارس هست. ما انجام داده‌ایم. منتها ما هم باور داریم که این گام اول در یک راه طولانی است. ما گام‌های دیگری را باید برداریم که برای برداشتن آن گام‌ها احتیاج به آن معارف و شرابطی داریم که اشاره کردم.

سوال: ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ظرف مدرسه یک ظرف محدودی است و شاید نشود همه بار را روی کتاب درسی و معلم سوار کرد و نیاز است که از بازیگران و کنش‌گران دیگر عرصه تربیت هم استفاده کنیم. به صورت خاص می‌توانم به خانواده اشاره کنم. آیا شما برنامه‌ای دارید که خانواده هم وارد مسئله معارف انقلاب اسلامی و روایت هنرمندانه از قهرمان‌ها و الگوهای نظیر حاج قاسم سلیمانی شود؟

پاسخ دکتر ملکی: ما در برنامه‌ریزی تازه‌ای که در حال انجام آن هستیم، عنصر خانواده را به‌عنوان یکی از عناصر برنامه درسی تلقی کرده‌ایم. این در برنامه‌ریزی درسی ما یک ابداع و نوآوری است. معمولاً در برنامه‌ریزی درسی وقتی می‌خواهند به عناصر یادگیری اشاره کنند، گفته می‌شود هدف، محتوا، روش، ارزشیابی و امثال آن‌ها. در حالی که ما نقش متربی و نقش خانواده را به‌عنوان یک عنصر وارد کرده‌ایم و الآن گروه‌های ما با تصویب این عناصر انجام وظیفه می‌کنند. یک گروهی را مأمور کرده‌ایم که به طور ویژه کارهایی را در ارتباط با خانواده و تربیت تولید می‌کنند. ما در چند ماه آینده مجموعه‌ای را تحت این عنوان به چاپ خواهیم رساند.

ما از طریق انتشارات مدرسه که مربوط به سازمان پژوهش است تولیدات با ارزشی داشته‌ایم. خاصه راجع به خود شهید سلیمانی یک مجموعه در آنجا به چاپ رسیده است. این قدم‌ها را برداشته‌ایم اما چه در ارتباط با نقش خانواده و نقش معلم و چه حتی در رابطه با هماهنگی ما با صداوسیما و رسانه‌های دیگر برنامه‌های دیگری داریم که انشاءالله اگر عمری شد و دیدار دیگری با شما دوستان عزیز داشتیم بنده گزارش تفصیلی‌تری عرض خواهم کرد.

سوال: اشاره کردید که در دوره متوسطه دوم فعالیت‌هایی در زمینه معارف انقلاب اسلامی انجام شده است، اما آیا در برنامه درسی دوره ابتدایی هم کارهایی انجام شده است؟

پاسخ دکتر ملکی: ما در دوره ابتدایی هم الگوهایی معرفی کرده‌ایم و شهدای نوجوان معرفی شده‌اند. در واقع معارف انقلاب اسلامی در برگیرنده مطالبی که در دوره ابتدایی طرح کرده‌ایم هم هست. ما در درس مختلف به زبان کودکی همراه با تصاویر متناسب با شهادت، فرهنگ شهادت و فرهنگ مجاهدت پرداخته‌ایم. در دوره اول متوسطه نیز این اتفاق افتاده است. به طور خاص راجع به شهید سلیمانی عزیز در دوره دوم متوسطه حرف زده‌ایم. در آن دوره یک مقدار تحلیلی‌تر می‌توانستیم پردازیم. همچنین در برخی از کتاب‌های درسی بخش فنی و حرفه‌ای نیز به شهید سلیمانی پرداخته شده است.

سوال: به نظر می‌رسد که حاج قاسم سلیمانی در محتوای آموزشی گاهی سهواً یا عمداً به عنوان سرباز وطن معرفی می‌شود. به نظر شما آیا محدود کردن شخصیت ایشان به وطن صحیح است؟

پاسخ دکتر ملکی: حضرت آقا چندی پیش فرمودند که شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران و امت‌های اسلامی است. یک چنین تعبیری داشتند. وقتی ما می‌گوییم شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است معنایش این نیست که این عزیز را محدود به وطن و ملت کرده‌ایم. آنچه که مسلم است این است که ایشان بالأخره در بین این ملت رشد کرده است، با اینکه ما اسلام را فراتر از مسئله ملیت تلقی می‌کنیم و این باور عمیق ما است. اما به هر حال شهید سلیمانی فرزند این ملت است و در جامعه ایرانی رشد کرده. بنابراین اگر گاهی اوقات چنین تعبیراتی را به کار می‌بریم به خاطر این است که بالأخره اتصال عاطفی و معنوی این قهرمان به ملت ایران خودش را نشان بدهد، در حالیکه ما ایشان را متعلق به امت اسلامی و اسلام می‌دانیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه درسی

و

گام دوم

انقلاب



نشست حلقه صالحین پایگاه بسیج شهید موسوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با موضوع برنامه‌های درسی در گام دوم انقلاب اسلامی با حضور دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و فرمانده پایگاه مقاومت بسیج فرهنگیان شهید موسوی، معاونین و مدیران سازمان پژوهش و اعضای شورای پایگاه بسیج شهید موسوی بادبیری مهدی جلالی برگزار شد.

نشست با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و پخش کلیپی شورانگیز به مناسبت دهه فجر انقلاب اسلامی آغاز شد و سپس با خوانش قطعه شعری توسط مهدی جلالی ولادت باسعادت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (س) گرامی داشته شد.

در ادامه دکتر حسن ملکی ضمن تبریک دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و روز میلاد امام خمینی (ره) و تبریک میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن و مادر، بیان کرد: بنده اعتقاد

دارم که همه بسیجی‌اند. تمام کسانی که برای کشور کار و تلاش می‌کنند هر کدام در یک گوشه و صحنه‌ای به نوعی در قلمرو بسیج قرار می‌گیرند. بعضی‌ها به هر حال فعال‌ترند و بعضی‌ها در عرصه‌های دیگر فعالیت می‌کنند. بعضی‌ها کارت عضویت دارند و بعضی‌ها ندارند. اما چون همه برای کشور تلاش می‌کنند، به نوعی بسیجی محسوب می‌شوند.

بیانیه گام دوم سید الاسناد است

رئیس پایگاه بسیج شهید موسوی دومین سالگرد صدور بیانیه گام دوم انقلاب را تبریک گفت و افزود: این هم در نوع خود عید ملت مسلمان ایران است چون حضرت آقا در این بیانیه راه را برای آینده ترسیم فرموده‌اند. بنده اعتقاد دارم که بیانیه گام دوم سید الاسناد است. ایرادی ندارد که ما تولید واژه کنیم. ما اسنادی را در وزارت آموزش و پرورش و وزارتخانه‌های دیگر داریم اما سید همه اسناد بیانیه گام دوم است. سید اسناد، ناسخ اسناد قبلی نیست، فوق اسناد است. فلذا وقتی بیانیه گام دوم آمد یعنی تلاش برای تحقق اسناد پایین‌دستی در راستای اهداف بلندی باید باشد که در سند سید یعنی بیانیه گام دوم ترسیم شده است. بنابراین اگر بگوییم بیانیه گام دوم سید همه اسناد است سخن به گزاف نگفته‌ایم.

در آیه شریفه "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" از سوره رعد خدای متعال می‌فرماید: خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد الا اینکه آن قوم خود را تغییر دهند. یعنی بین تغییر در خود و تغییر در اوضاع شرایط، رابطه علی وجود دارد. یعنی اگر انسان‌ها در درون تغییر نکنند در بیرون خبر از تغییر نیست. کما این که ملت ایران طی قرون و اعصار خود را از این زاویه تغییر نداده بودند و اسیر مستبدان و سلاطین عیاش و دنیاپرست بودند و زمانی که این ملت مسلمان خود را تغییر دادند، آزاد شدند و به حریت رسیدند. انقلاب اسلامی ما را زنده کرد و به ما عزت و شرف داد و ما این را هرگز نباید فراموش کنیم.

سه عامل پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با سه عامل به وجود آمد و با همین سه عامل هم باید بماند. آن سه عامل، رهبری حکیمانه و الهی، ایمان و یکپارچگی مردم است. انقلاب یک رهبر الهی داشت که بر پایه آموزه‌های وحیانی، مردم را رهبری کرد. به همین دلیل بنده اعتقاد دارم که در کل عالم هیچ انقلابی که قابل مقایسه با انقلاب اسلامی ایران باشد، وجود ندارد. انقلاب‌هایی مانند انقلاب فرانسه،

انقلاب اتحاد جماهیر شوروی سابق، انقلاب روسیه، انقلاب کبیر و انقلاب اکتبر رخ داده‌اند اما انقلاب کبیر ایران کجا و آن انقلاب‌ها کجا؟

یکی از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران رهبری الهی و حکیمانه بود، یعنی مردم از کسی دلالت‌های سیاسی را می‌گرفتند که به رساله عملیه او مراجعه می‌کند. همان شخص مردم را رهبری سیاسی و رهبری انقلابی و حکیمانه کرد.

عامل دومی که باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد ایمان مردم بود. مردم نسبت به معنویت اسلامی، نسبت به ماوراء طبیعت و نسبت به ارزش‌های الهی متحول و دگرگون شدند. عمیقاً به ارزش‌های الهی دلبستگی پیدا کردند، فلذا دیگر به مرگ خندیدند. تا زمانی که به مرگ نخندیده بودند اسیر بودند ولی خنده به مرگ از آن کسی است که آن سوی مرگ را می‌شناسد. کسی که آن طرف مرگ را خبر دارد بر چهره مرگ می‌خندد. مؤمن از مرگ نمی‌ترسد زیرا اعتقاد دارد که مرگ پلی است بین دنیا و عالم برزخ و آخرت.

معاون وزیر آموزش و پرورش شعارهای زمان انقلاب اسلامی را نشانه رسیدن مردم به ایمان دانست و بیان کرد: مردم در آن زمان شعارهایی مانند "توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد / به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد" را می‌گفتند و می‌رفتند جلوی سلاح و جلوی تانک. این به خاطر ایمان است. این به دلیل این است که می‌داند گلوله‌ای که بر سینه‌اش می‌خورد پنجره‌ای است که به سوی معاد باز می‌شود.

عامل سوم پیروزی انقلاب اسلامی وحدت و یکپارچگی بود. ایمان هر قدر قوی باشد در تفرد مردم را به جایی نمی‌رساند. ایمان هر قدر محکم و قوی باشد ولی انسان‌ها از هم دور باشند و وحدت نداشته باشند آن جامعه به فلاح نمی‌رسد. یک عبارت زیبایی از آیت‌الله جوادی آملی نظرم را جلب کرد که آن را نقل به معنا می‌کنم. این مفسر کبیر قرآن فرمودند که باطل به وسیله وحدت بر حق پیروز می‌شود و جبهه ایمان از طریق پراکندگی از باطل شکست می‌خورد. این سخن که ایشان فرموده‌اند یک قاعده است.

فرمانده پایگاه بسیج شهید موسوی اظهار داشت: ما در فلسفه یک قاعده داریم و آن قاعده این است که علت محدثه هر چیز، علت مبقیه آن چیز هم هست. علت محدثه انقلاب اسلامی ایران این سه عامل است و علت مبقیه انقلاب هم همین سه عامل باید باشد. انقلاب یک درخت است که به وسیله ملت ایران کاشته شد، به وسیله این سه عامل به وجود آمد و به وسیله همین سه عامل باید بماند. اگر مایل هستیم انقلاب رشد کند که انشاءالله رشد خواهد کرد، این سه عامل فراموش‌مان نشود.

تبعیت از رهبری حکیم انقلاب اسلامی را از یاد نبریم. اتفاقاً فراموش نکنیم که دشمن همین نقطه را نشانه گرفته است. دشمن با همه کوردلی این معنا را فهمیده است که اگر بتواند رابطه امت با امام را تضعیف کند به اهدافش می‌رسد، چون سیاسیون و اقتصاديون قادر به نگهداری کشور نیستند و نگاه‌دارنده کشور ولی فقیه است. بقیه همه خادم هستند. به ایمان و یکپارچگی هم باید توجه کنیم. این را در سالگرد انقلاب بدانید که اگر این سه عامل در سطح ملی و کشور نگاه‌دارنده است در سطح یک سازمان هم نگاه‌دارنده است. بنابراین در سازمان پژوهش هم مراقب این سه عامل باشیم.

یکی از لوازم تداوم انقلاب جنبش نرم‌افزاری است

اگر انقلاب اسلامی بخواهد تداوم پیدا کند یکی از لوازمش جنبش نرم‌افزاری است. همان چیزی که سال‌ها پیش رهبری معظم اشاره فرمودند و هشدار دادند. جنبش نرم‌افزاری یعنی تأمین نیازهای هنجاری کشور. یعنی جاهایی که کشور به بایدها و نبایدها نیاز دارد آن‌ها را براساس دین تولید کند. نیازهای هنجاری کشور را بشناسیم و تولید کنیم. این نیازها می‌تواند اسناد بالادستی، علم و امثال آن باشد. بنده باور دارم که اسناد بالادستی در سازمان‌های گوناگون ادامه انقلاب در آن سازمان است. ما اگر می‌خواهیم به انقلاب کمک کنیم، سند و برنامه درسی ملی باید عملیاتی شود. اگر این‌ها را عملیاتی نکنیم ولی فردا برویم شعار بدهیم، این می‌شود نقض غرض. انقلاب یعنی عملیاتی شدن سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی. ما اگر به این اسناد عمل کنیم؛ مرگ بر آمریکا همین است. مرگ بر آمریکا یعنی درود بر اسناد بالادستی.

ما الآن در آموزش و پرورش اسناد بالادستی داریم که در این زمینه وضع خوبی نداریم. البته ما با کمک شما با افتخار شروع کرده‌ایم و امسال راست قامت خواهیم گفت که ما سند را در برنامه‌های درسی به مقدار زیادی عملیاتی کرده‌ایم، اما در مجموع، اسناد تحولی ما در غربت به سر می‌برند.

اسناد تحولی باید مبنا قرار بگیرند

رئیس سازمان با اشاره به اینکه مواجهه افراد با سند به چند شکل است، افزود: برخی سندگریز هستند و از اسناد تحولی فرار می‌کنند. بعضی‌ها سندستیز هستند و با سند مقابله می‌کنند و به آن می‌خندند و استهزا می‌کنند. مثلاً حیات طیبه را به ذهن‌شان می‌گیرند و با آن بازی می‌کنند و می‌گویند حیات طیبه یعنی چه؟ بعضی دیگر سندساز هستند. یعنی اسناد تحولی را کنار می‌گذارند

و یک سند دیگری را پای سفره عملیاتی خودشان می‌آورند. بعضی‌ها هم سندسوز هستند و سند را می‌سوزانند. اما ما به گروهی احتیاج داریم که این اسناد را مبنا قرار بدهند و بناهای خودشان را بسازند. یعنی اسناد تحولی بشوند مبانی و همه برنامه‌های درسی بشود بنای ما. اگر خدایی نکرده برنامه‌های درسی ما بوی سکولاریسم بدهد و دور از ارزش‌های الهی و ملی باشد و بعد ما ادعا کنیم که انقلابی و در مسیر انقلاب هستیم، این نقض غرض است. هر کسی در سازمان می‌خواهد انقلابی باشد باید در عمل نشان بدهد که سرباز اسناد تحولی است زیرا انقلاب در این اسناد تجلی پیدا کرده است. عرض کردم که بیانیه گام دوم هم سید همه اسناد است. حضرت آقا هم از جهت زمان و هم از جهت زمینه این را فرموده‌اند. بیانیه گام دوم از هر دو جهت فوق همه اسناد است. فلذا سازمان پژوهش باید نسبت خودش با بیانیه گام دوم را حقیقتاً تعریف کند.

هشت ارزش بنیادی در بیانیه گام دوم

در فرازی از بیانیه گام دوم که ارتباط زیادی به ما دارد و در ارتباط با برنامه‌های درسی انصافاً هشداردهنده است، می‌فرمایند "برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آن‌ها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است". یادآور می‌شوم که رویکرد ما در برنامه‌ریزی درسی فطرت‌گرایی توحیدی است. آن‌چه که به‌عنوان ارزش‌های فطری در این فراز مطرح شده، آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری است. به نظرم این‌ها هشت ارزش بنیادی هستند که در این فراز فطری‌اند، یعنی از بیرون به انسان عارض نشده‌اند بلکه از درون می‌جوشند.

این هشت ارزش باید در برنامه‌های درسی ما نمایان شوند. یعنی برنامه‌های درسی ما باید برنامه‌های عزت پرور و عقلانیت پرور باشند و همچنین اخوت و برادری بین آدم‌ها و معنویت را در آن‌ها تقویت کند. ما باید ببینیم مثلاً برنامه درسی مطالعات اجتماعی چه مقدار می‌تواند عزت پرور باشد و چگونه؟ یا اگر برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی بخواهد عقلانیت را تقویت کند چه سازمانی باید داشته باشد؟ یا اگر ما در برنامه درسی قرآن و عربی بخواهیم برادری را تقویت کنیم این برنامه باید چه هندسه‌ای داشته باشد؟ یعنی هشت ارزش بیانیه گام دوم یک طرف و برنامه‌های درسی ما در طرف دیگر. بین این‌ها رابطه برقرار کنیم. البته این را باید گروه‌ها و شوراهای ما مورد بحث قرار بدهند.

رئیس سازمان افزود: این هشت ارزش که اشاره کردم در قلمرو هدف‌های مشترک ما قرار می‌گیرند. یعنی اغلب برنامه‌های درسی به نوعی می‌توانند به این‌ها پردازند. مثلاً برنامه درسی بدون عقلانیت را نمی‌شود تصور کرد. همه برنامه‌ها باید عقلانیت پرور باشند. یا آیا ما برنامه درسی را سراغ داریم که بتواند بی‌اعتنایی کند؟ کشور ما کشور معنوی است و دانش‌آموزان این کشور باید معنویت بار بیابند.

نفوذ یک ارزش در برخی از برنامه‌ها خیلی ظرافت می‌خواهد. لازم است بگوییم که ضمن اینکه ما برای ارزش‌ها احترام قائل هستیم ولی هرگز به تورم ارزش‌ها هم معتقد نیستیم. مبادا فکر کنید که اگر بنده به ارزش‌ها در برنامه درسی تأکید می‌کنم، یعنی می‌خواهم بگوییم ارزش‌ها را فله‌ای وارد کنید، این‌طور نیست. ورود ارزش‌ها به برنامه درسی مهندس می‌خواهد. گاهی وقت‌ها تورم ارزش‌ها بیش از ضد ارزش بودن اثر منفی می‌گذارد. ما نباید در برنامه‌های درسی ارزش‌ها را متورم کنیم اما ارزش‌ها از برنامه درسی قابل حذف نیست.

ما سه رکن در محتوا داریم که این سه رکن را نباید فراموش کنیم. رکن مفاهیم، رکن مهارت‌ها و رکن ارزش‌ها. ما باید یک مثلث کار داریم. برنامه‌های درسی ما با یک مثلث باید تعیین تکلیف کند. بنده در اینجا هشت ارزشی که در بیانیه گام دوم آمده است را مثال زدم ولی ارزش‌های دیگری هم وجود دارد. مثلاً ارزش حیا یک ارزش دیگر است که با آدم کمال تأسف می‌بینند در بعضی جاهای جامعه رو به افول می‌رود. دختران و پسران ما باید با حیا بار بیابند. ما باید ببینیم جایگاه حیا در برنامه‌های درسی چیست و برنامه درسی حیا پرور کدام برنامه است.

در جمع‌بندی سخنان می‌خواهم بگوییم که ما اولاً باید انقلابی بودن را در عمل انقلابی تعریف کنیم نه صرفاً در شعارهای انقلابی. آن شعارها هم ارزش خاص خودشان را دارند. دوم، انقلابی بودن یعنی عمل به وظایف قانون. کسی که به وظایف قانونی‌اش عمل نکند حداقل بنده او را انقلابی یا فردی که در مسیر انقلاب باشد نمی‌توانم بپذیرم. نکته سوم این است که اسناد تحولی را به‌عنوان ادامه انقلاب در سازمان‌ها معنا کنیم. سند تحول بنیادین یعنی ادامه دهه فجر در آموزش و پرورش.

دهه فجر فقط شعار نیست

رئیس سازمان فجر ضمن تأکید بر اینکه دهه فجر فقط شعار نیست، اضافه کرد: کشور الآن به گام‌های استوار برای رسیدن به اهداف نیاز دارد. شما ملاحظه کنید که دشمنان با ما به چه صورتی برخورد می‌کنند. انصافاً اگر قدرت هسته‌ای و قدرت موشکی ما نبود ما را تا به حال برای صدها

بار از بین نبرده بودند؟ نتوانستند، چون ما در یک بخشی از این کشور آن چنان قدرتمند شده ایم که این اعمال ما بازدارنده شده است. یعنی به تعبیر حضرت آقا دشمن می داند که اگر یکی بزند، ۱۰ تا می خورد. این شعار نیست و ما در عمل نشان داده ایم. درست است که شهید سلیمانی را از ما گرفتند ولی ایران با جرأت عین الاسد را کوبید. این ها فهمیدند که ایران برای کوبیدن اراده، جرأت، سلاح، موشه و همه چیز دارد. ما اگر این قدرت را نداشتیم خدا می داند که نمی گذاشتند ۲۴ ساعت زنده بمانیم. ما را می کوبیدند. اما نتوانستند چون ما در یک نقطه ای رشد کردیم. فراموش نکنید که درخت انقلاب باید بماند. باید آفت زدایی کنیم. مراقبت این درخت باشیم. این درخت به سادگی رشد نکرده است. دشمن می خواهد این درخت را از ریشه بکند. من و شما نگه اش داریم و در عین حال کمک کنیم آفاتش را بزداییم تا انشاءالله فرزندان، خانواده ها و خود ما بتوانیم در زیر سایه این درخت به عزت کامل تر و بهتری برسیم.

نیک نژاد: از سازندگان کلیپ ویژه انقلاب تشکر کنیم

در ادامه این نشست بهنام نیک نژاد مدیر طرح و برنامه و امور مالی سازمان پژوهش با اشاره به کلیپی که در ابتدای نشست پخش شد، بیان کرد: اگر این کلیپ را یک بار دیگر مرور کنیم می بینیم که سازمان پژوهش لحظه به لحظه این کلیپ و کامل تر آن را در کتاب های درسی آورده است. مجله های خیلی خوبی هم تهیه شده که این مسیر را نشان می دهد. کار مهم تری که باید انجام بدهیم این است که از دست اندرکاران این کار تقدیر کنیم. در این کلیپ به انقلاب، دفاع مقدس، پیشرفت های علمی و موارد دیگر پرداخته شده که همه این ها در جای جای کتاب ها آمده است. استفاده از کتاب "صعود چهل ساله" در برنامه های درسی سپس باقری بیان کرد: من چند روز پیش یک پیشنهاد راجع به کتاب "صعود چهل ساله" به آقای دکتر ملکی داده بودم و آقای دکتر هم فرمودند این کتاب تهیه شود و در دهه فجر در اختیار کارشناسان سازمان قرار بگیرد. دوستان کارشناسان ما در کتب درسی و چاپ مجلات از محتوا و حرف های این کتاب خیلی می توانند استفاده کنند. این کتاب تقریباً شبیه کتاب "الغدیر" علامه امینی می ماند. علامه امینی تمام استنادات به ولایت امام علی (ع) را از منابع غیر شیعه آورده است. کتاب "صعود چهل ساله" هم برای تأکید به پیشرفت های جمهوری اسلامی به منابع غیر ایرانی استناد کرده است. به این خاطر فکر می کنم خیلی خوب باشد اگر بتوانند استفاده کنند.

سپس مهدی جلالی خبر از انتشار این کتاب داد و درباره آن بیان کرد: این کتاب که فایل آن هم در فضای مجازی در دسترس همه قرار دارد کتاب بسیار ارزشمندی است. حاکی از دستاوردهای بلند انقلاب اسلامی است. واقعاً این کتاب دشمن شکن است و برای آن کسانی که لفظ سقوط انقلاب را در رسانه‌های بیگانه دارند دنبال می‌کنند آزردهنده خواهد بود. قطعاً با محتوا و اسنادی که این کتاب ارائه کرده ما به خودمان می‌بالیم که به حمدالله انقلاب اسلامی این جایگاه ارزشمند را دارد. افشار بهمنی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش نیز درباره استفاده از کتاب "صعود چهل ساله" در برنامه‌های درسی بیان کرد: ما با راهبری آقای دکتر محبی در کتاب‌های زمینه‌های حمل و نقل، برق و مکانیک مطالبی را از صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۵۴ کتاب "صعود چهل ساله" احصاء کردیم و سعی کردیم این مطالب را به صورت تجربی در محتواهایمان قرار بدهیم. فکر می‌کنم انشاءالله بعد از چاپ‌سپاری بتوانیم قول بدهیم در اسفندماه در قالب یک کتابچه همه آن‌ها را ارائه بدهیم.

ما برای تحقق این اهداف در محتواهای برنامه‌های یادگیری‌مان نیاز است که سال آینده بتوانیم در برنامه‌هایمان کارگاه‌های تلفیق این شایستگی‌ها و سیاست‌های کلان را داشته باشیم و بیشتر روی این موضوع کار کنیم چون الان در کمیسیون‌ها خیلی نیاز به این موضوع احساس می‌شود. فکر می‌کنم از مجموعه "صعود چهل ساله" ۱۲ عنوان استخراج شد که انشاءالله برای سال ۱۴۰۰ در کتاب‌های فنی و حرفه‌ای مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

همچنین اصغر فرخی اظهار داشت: آقای دکتر ملکی به زیبایی بیان فرمودند که درخت انقلاب را باید آفت‌زدایی کرد و نباید ریشه را زد. اشاره‌ای داشتند به خود سازمان. به هر حال ما کارمند این سازمان هستیم و چه بسا که این آفت‌ها از طرق مختلف وارد سازمان ما می‌شوند و چقدر خوب است که ما باغبانی برای این درخت مشخص کنیم که مواظب این آفت‌ها باشند تا به درخت سازمان و انقلاب آسیبی وارد نشود.

ملکی: به برنامه درسی فرارشته‌ای نیاز داریم

در ادامه نشست دکتر باقری بیان کرد: در جلسه قبلی حلقه صالحین بحث نوشتن راهنمای برنامه درسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطرح شد که آقای دکتر ملکی فرمودند برای این قضیه من خودم باید وارد گود شوم. با توجه به مشغله‌ای که آقای دکتر دارند و ممکن است این موضوع به خاطرشان نمانده باشد خواستم پیگیری بفرمایید تا جلسات مربوط به این موضوع تشکیل شود.

دکتر حسن ملکی ملکی در پاسخ به باقری گفت: تذکر شما تذکر کاملاً به جا و درستی است، منتها من مجدداً یک بررسی داشتم و دیدم که ما انصافاً خیلی از ارزش‌های دفاع مقدس را در کتاب‌های درسی مختلف آورده‌ایم. آن چیزی که مد نظر شما است و خیلی هم ضرورت دارد به مقدار زیادی در کتاب‌های متعدد مانند مطالعات اجتماعی، آمادگی دفاعی و حتی زبان و ادبیات فارسی آورده شده است. اما بنده فکر می‌کنم که ما چند برنامه درسی فرا رشته‌ای احتیاج داریم که به یک رشته خاص مربوط نمی‌شود و به همه رشته‌ها به نوعی ارتباط پیدا می‌کند. مثلاً برنامه فرا رشته‌ای دفاع مقدس که مخصوصاً از منظر مقاومت و تقویت روحیه مجاهدت در برابر دشمنان انقلاب اسلامی ایران باشد. یا مثلاً برنامه درسی و آموزشی جمعیت. بارها تذکر داده شده که جمعیت دارد به سوی پیروی حرکت می‌کند و ما باید تلاش کنیم گرایش‌های مثبت نسبت به تشکیل خانواده و زاد و ولد را ایجاد کنیم. بنده بنای چنین برنامه‌ای را داریم و این بنا را هم عملیاتی خواهیم کرد. انشاءالله به کمک شما و دوستان دیگری که در سازمان تشریف دارید، جلساتی را تشکیل خواهیم داد و راجع به برنامه درسی دفاع مقدس و ارزش‌های مربوط به جبهه مقاومت گفت‌وگو خواهیم کرد.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



بررسی

راهکارهای

عملیاتی سازی

سند تحول

بنیادین



جلسه بررسی روند عملیاتی سازی سند تحول بنیادین با حضور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و معاونان آموزش و پرورش به صورت ویدئویی و در تاریخ دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ برگزار شد.

در این جلسه دکتر حسن ملکی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سامان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: اسناد بالادستی در هر کشوری رهبری نرم‌افزاری فعالیت سازمان‌های مختلف را برعهده دارند. یعنی اگر اسناد بالادستی نباشد و یا باشند ولی مورد اعتنا قرار نگیرند، در حقیقت آن کشور یا آن سازمان‌های دولتی از یک رهبری نرم‌افزاری مرتبط با تفکر و جهان‌بینی حاکم بر آن کشور را محکوم کرده‌اند. مخصوصاً کشورهایی که با یک ایدئولوژی معین اداره امور می‌کنند. در ایران هم که کشوری است که با ایدئولوژی اسلامی اداره می‌شود؛ طبیعتاً به اسناد بالادستی احتیاج داریم.

در کشور ما و در طول سال‌های گذشته، در ارتباط با دانشگاه‌ها، در ارتباط با مسائل فرهنگی و علمی و در ارتباط با مباحث آموزش و پرورش، اسناد بالادستی تولید شده است ولی درک من این است که در کشور ما با اسناد بالادستی مواجهه درست و منطقی به عمل نیامده است. در گذشته تلاش‌های قابل توجهی در راستای سند تحول بنیادین انجام شده و الآن هم انجام می‌شود ولی هنوز با آنچه که باید انجام شود فاصله داریم.

ما تا پیش از تدوین "سند تحول"، شناسنامه فکری و فرهنگی نداشتیم که به وسیله آن تعلیم و تربیت را در راستای اهداف نظام مدیریت و رهبری کنیم. با دو سال فاصله، سند دیگری به نام "برنامه درسی ملی" تولید شد که یکی از فروع تحول بنیادین است. ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی براساس برنامه درسی ملی فعالیت می‌کنیم که شاخه‌ای از سند تحول بنیادین است.

مواجهه‌های مختلف با سند تحول بنیادین

در طول سالیان گذشته مواجهه‌های مختلفی با سند تحول بنیادین شده است. یک مواجهه، مواجهه "ترک و غفلت" است. ما سال‌هایی را داریم که اصولاً به این سند توجهی نشده و کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. مواجهه دیگر، مواجهه "گزینشی" است. به این معنا که بخشی از سند یا مفاهیم آن را انتخاب کرده‌اند و بر اساس آن دلالت‌هایی را به دست آورده‌اند و بر اساس آن دلالت‌ها در حوزه کاری خودشان فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند. یعنی مواجهه کامل، تمام عیار و یکپارچه با این سند رخ نداده است.

مواجهه سوم، مواجهه "سطحی و قشری" با این سند است. یعنی یک برداشت‌های خیلی سطحی به عمل بیاید و ما بر آن اساس دلالت‌هایی برای کارهای خودمان دریافت کنیم و تلقی ما این باشد که داریم به سند عمل می‌کنیم. مواجهه چهارم که مد نظر بنده است و به اعتقاد من این مواجهه

درست و منطقی با سند تحول است، مواجهه "مبنایی" است. به این معنا که فعالیت‌های ما در نظام تعلیم و تربیت باید این گونه باشد که هر فعالیتی انجام می‌دهیم به‌عنوان بنا تلقی کنیم و این بنا مبتنی شود بر مبنای ما که همان سند تحول بنیادین است.

بنده وقتی مسئولیت سازمان پژوهش را عهده‌دار شدم، خودم را در برابر این سؤال قرار دادم که ما در سازمان پژوهش برای عملیاتی کردن این سند چه اقدامی باید انجام دهیم؟ اگر در مسیر عملیاتی شدن سند گام بر نداریم در واقع یک غفلتی را ادامه داده‌ایم که این روا نیست. مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر مکرراً فرموده‌اند که چرا سند تحول بنیادین عملیاتی نمی‌شود و ما بر همین اساس مؤظف هستیم که این تکلیف را پیگیری کنیم و سند تحول را تا جایی که مقدور هست؛ عملیاتی کنیم.

لوازم اجرای سند تحول بنیادین

اولین نکته این است که ما باید فهم دقیقی از این سند داشته باشیم. لازمه دیگر این است که به سند باور داشته باشیم. وقتی به سند باور نداشته باشم اراده‌ها به کار نمی‌افتد، بنابراین ما باید باور کنیم که سند تحول بنیادین سند ارزشمند، فلسفی، اعتقادی، اجتماعی و ملی ما است و ما باید آن را در نظام تعلیم و تربیت‌مان به صورت یکپارچه دنبال کنیم. فلذا به این فکر افتادیم که ما نیاز به یک الگوی ربط و واسطه‌ای داریم که در کارهای سازمان پژوهش از این الگو به‌عنوان "الگوی تدوین برنامه‌ریزی درسی فطرت‌گرایی توحیدی" نام می‌بریم.

الگوی فطرت‌گرایی توحیدی یک الگوی بومی است

الگوی فطرت‌گرایی توحیدی هم بعد علمی دارد و هم بر اساس مبانی فکری و فلسفه ما طراحی و تدوین شده است و به همین خاطر می‌توانیم از آن به‌عنوان یک الگوی بومی نام ببریم. من اعتقاد دارم که این سند را نمی‌توانیم با الگوی ترجمه‌ای و الگوی غربی یا شرقی یا الگوهای دیگر عملیاتی کنیم.

بر اساس الگوی فطرت‌گرایی توحیدی در ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری که در سند برنامه درسی ملی به آن‌ها تأکید شده است، برنامه‌ریزی درسی انجام داده و "راهنمای برنامه درسی" تولید کرده‌ایم. این راهنماها از جهت ماهیت و از جهت نوع مطالب و مفاهیمی که در آن‌ها به کار گرفته شده، در نوع

خودش مسبوق به سابقه نیست. راهنماهای قبلی به طور طبیعی این ماهیت را نداشته‌اند فلذا این یک نوآوری است که در راستای تحول بنیادین انجام شده است. این راهنماها را به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه کرده‌ایم و منتظر بررسی و تصویب‌شان هستیم. قدم بعدی ما این است که ان‌شاءالله به سمت تولید بسته‌های تربیت و یادگیری برویم که بر پایه این راهنماهای برنامه درسی تولید خواهند شد. ما بنا داریم که برای سال ۱۴۰۱ تعدادی از بسته‌های تربیت و یادگیری که جایگزین کتب درسی خواهند شد را تولید کنیم. در ادامه بعد از اینکه اجرای آزمایشی انجام شد بسته‌های تربیت و یادگیری برای اجرای سراسری به سطح مدارس تقدیم خواهند شد. این مسیر اصلی تحولی ما در جهت عملیاتی شدن سند تحول بنیادین است.

یکی از بهترین تصمیمات نظام در حوزه تعلیم و تربیت، سند تحول بنیادین است

در ادامه این نشست دکتر رضا مددی مشاور وزیر آموزش و پرورش در اجرای سند تحول بنیادین گفت:

یکی از بهترین تصمیماتی که نظام در این سال‌ها در حوزه تعلیم و تربیت گرفته؛ تدوین، تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین است که به تعلیم و تربیت کشور یک هویت جدید بخشیده است و مسیر تعلیم و تربیت کشور ما را ترسیم کرده است. از همه مهم‌تر اینکه به تهیه و تدوین فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی در آموزش و پرورش، یک کمک بسیار مهم کرده و آن کمک این است که در دستیابی به استقلال فکری و فرهنگی کشور گام بسیار بزرگی برداشته است. یکی از شعارهای انقلاب ما، استقلال بوده و بخش مهمی از استقلال فرهنگی ما در گرو داشتن یک تعلیم و تربیت بومی و متعلق به این سرزمین است. از این رو اجرای سند تحول بنیادین ثمربخش خواهد بود.

تصورم این است که سند تحول بنیادین با بالا بردن فلسفه تربیت رسمی و قانونی، ما را از اینکه به مکاتب تربیتی در دنیا متکی شویم، بی نیاز کرده است. این به این معنا نیست که ما از تجربیات دیگران نباید استفاده کنیم، بلکه مسئله این است که ما در مبانی و اساس تعلیم و تربیت باید به خودمان متکی باشیم.

باید به سند تحول با یک رویکرد یکپارچه بنگریم

سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و تمام کسانی که برای تعلیم و تربیت کشور می‌اندیشند باید تکیه‌گاه‌های درستی برای اندیشیدن در حوزه تعلیم و تربیت داشته باشند که من آن تکیه‌گاه را مبانی نظری سند تحول بنیادین قلمداد می‌کنم.

باید به سند تحول بنیادین با یک رویکرد یکپارچه بنگریم و بر اساس آن به مجموعه‌ای از اسناد تحولی متوسل شویم. ما باید خود سند، مبانی نظری و زیر نظام‌هایی که الگوی استقرار سند هستند را با هم ببینیم. مجموعه این‌ها می‌شود محتوایی که برای تحول در آموزش و پرورش تصویب شده است.

چالشی بر سر راه اجرایی سازی سند تحول

رسیدن به دانش پیاده‌سازی راهبردها ضروری است. یک چالش مهم که در اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سایر اسناد بالادستی ما وجود دارد این است که ما دانش کافی برای استقرار و پیاده‌سازی اسناد تحولی و بومی را در اختیار نداریم. یعنی تجربه زیسته‌ای که به ما کمک کند تا بدانیم این اسناد را چگونه در نظام‌های اجرایی به مرحله عمل برسانیم، وجود ندارد. این صرفاً مربوط به آموزش و پرورش نیست و سایر اسناد ملی هم با چنین چالشی مواجه هستند. تصور من این است که بخشی از کندی‌ها و تأخیرهایی که وجود دارد را باید ناشی از این بدانیم که تجربه کافی و دانش قابل اطمینان در پیاده کردن اسناد تحولی را نداشته‌ایم و آرام آرام این تجربه را به دست می‌آوریم. من مدعی هستم که امروز چنین تجربه ارزشمندی در آموزش و پرورش حاصل شده است و تقریباً تکلیف اجرایی سازی اسناد تحولی روشن است و ما امروز در آموزش و پرورش هیچ کاری را بدون تکیه بر سند تحول بنیادین انجام نمی‌دهیم.

برنامه‌های آموزش و پرورش برای اجرای سند تحول همان برنامه‌های زیرنظام‌ها است. امروز می‌توانم بگویم که نقشه راه ما در رابطه با هر کدام از زیرنظام‌ها تا سال ۱۴۰۴ معلوم است و شورای عالی آموزش و پرورش برای اجرای راهکارهای سند تحول، برنامه‌های لازم را مصوب کرده و بر اساس آن وزارت آموزش و پرورش کار را دنبال می‌کند.

وزیر آموزش و پرورش نسبت به سند تحول وفادار است

در ادامه این نشست دکتر مهدی نوید ادهم با اشاره به عزم راسخ آموزش و پرورش برای اجرایی کردن سند تحول بنیادین بیان کرد:

خوشبختانه آقای حاجی میرزایی خیلی وفادارانه نسبت به سند تحول بنیادین وارد میدان شده‌اند. در آموزش و پرورش جلسه‌ای تحت عنوان شورای راهبردی زیرنظام‌های سند تحول برگزار می‌شود که آقای وزیر و تعدادی از معاونان و مسئولان در آن حضور دارند و اجرای سند رصد می‌شود. فرض بر این است که اجرای سند تحول یعنی اجرای زیرنظام‌ها و اجرای زیرنظام‌ها یعنی اجرای ۵۳۰ برنامه‌ای که ما در زیرنظام‌ها پیش‌بینی کرده‌ایم.

امروز بیش از ۲، ۵ یا ۱۰ سال پیش، اجرای سند تحول بنیادین در دستور کار نظام آموزش و پرورش کشور قرار دارد. از شخص وزیر آموزش و پرورش گرفته تا معاونان وزیر، مدیران استان‌ها، رؤسای مناطق و حتی مدیران مدارس، این مهم را دستور کار خود قرار داده‌اند.

فهم سیستم از برنامه تحولی افزایش یافته است

امروز فهم سیستم از برنامه تحولی هم به شدت افزون شده است. به لطف کارگاه‌های آموزشی که برگزار می‌شود و زحماتی که دوستان در دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی کشیدند، امروز همکاران ما با ادبیات، مفاهیم و مبانی نظری سند آشنا تر هستند. این آشنایی به حدی رسیده که معلمان ما در ارتباط با ساحت‌های شش‌گانه تولید محتوا می‌کنند.

امروز ادبیات سند بیش از گذشته در نظام آموزش و پرورش کشور رایج است اما دو سؤال را هم می‌شود در کنارش پرسید. سؤال اول این است که آیا روند پیشرفت اجرای سند مطلوب بوده است؟ و سؤال دیگر این است که اگر موفقیت مطلوب نداشتیم (که به نظر من نداشتیم) دلایلش چه بوده است؟ چه بخش‌هایی از آن به درون و چه بخش‌هایی به بیرون سیستم آموزش و پرورش بازمی‌گردد؟ من در یک تحلیل کلی، عوامل بیرونی را بسیار پر نقش می‌بینم.

عوامل بازدارنده عملیاتی شدن سند تحول بنیادین

یکی از عوامل بازدارنده بیرونی در مسیر اجرایی شدن سند تحول بنیادین "بی ثباتی مدیریت" است. در زمان تدوین سند تحول بنیادین با این مشکل مواجه بودیم که هر روز وزیری با دیدگاه و نظر خاص خودش می‌آمد که می‌خواست آن دیدگاه‌ها را در سند اعمال کند و در زمان اجرا هم همین بحث ادامه پیدا کرد. یعنی وزیر تا می‌آمد با سند مأنوس شود و استراتژی تعیین کند و وارد فاز عملیاتی شود، عمر مدیریتش به پایان می‌رسید و این بزرگ‌ترین آسیب را به سند تحول بنیادین زد. اگر بی ثباتی مدیریت وجود نداشت قطعاً اجرای سند سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد. آسیب منابع انسانی و آسیب منابع مالی هم به طور جد به عملیاتی شدن سند تحول بنیادین صدمه زدند. این عوامل اجازه ندادند آن سندی که مورد نظر طراحان بود آنچنان که باید و شاید عملیاتی شود. عملیات درونی هم در این زمینه تأثیرگذار بودند.

ویژگی‌های منحصر به فرد سند تحول بنیادین

علیرضا صادق‌زاده از نویسندگان مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز گفت: سند تحول بنیادین از چند جهت منحصر به فرد است. این سند به لحاظ روش‌شناختی سند ویژه‌ای است. روشی که این سند در پیش گرفته یکی از روش‌های تازه است. نوع نگاه این سند هم نگاه خیلی ویژه‌ای است و این نگاه کمک می‌کند که ما بتوانیم در مسیر اجرایی شدن سند خیلی راحت‌تر گام برداریم. سند از نظر مشارکت حداکثری اندیشمندان و صاحب‌نظران نیز سند ویژه‌ای است. مسبقاً به سابقه نبوده است که ۶۰۰ اندیشمند حوزه و دانشگاه گرد هم جمع شوند و یک سندی را محققانه تدوین کنند.

روند اجرایی سند تحول مطلوب نبوده است

من نیز مانند جناب آقای نوید معتقدم که روند اجرایی سند تحول بنیادین مطلوب نبوده است و فکر می‌کنم این جمع به همین دلیل در اینجا شکل گرفته است. یک سری اشکالات مربوط به خود سند است که باید واکاوی شود. در کنار آن بعضی از اشکالات هم وجود دارد که مربوط به خود سند نیستند. همانطور که آقای دکتر نوید اشاره کردند، بی ثباتی مدیریتی یکی از آنهاست. اولویت

نداشتن تربیت نزد تصمیم‌گیران، عدم همگرا بودن دستگاه‌ها و نهادها و مشکلات مربوط به منابع هم از اشکالات دیگر است.

راهکارهای اجرایی شدن سند تحول

در مورد اینکه چه باید کرد دو دسته راهکار وجود دارد. دسته اول راهکارها را خود سند پیشنهاد کرده است و دسته دوم، مبتنی بر سند هستند. یعنی از سند نیستند ولی از آموزه‌های سند می‌شود برای دستیابی به آن‌ها استفاده کرد. زیرنظام‌ها و چرخش‌های مربوط به زیرنظام‌ها یکی از مدخل‌های اجرایی شدن سند است که باید به آن‌ها دقت شود. ساخت‌ها و چرخش‌های مربوط به ساخت‌ها مدخل دیگر است. حتی چرخش‌های کلی که در دو صفحه پایانی سند، بعد از رهنامه، به آن‌ها اشاره شده است، مدخل‌های دیگر هستند. مثلاً تبدیل مدرسه به نهاد فرهنگی تربیتی یک چرخش است. باید به راهکارهایی که سند می‌دهد به صورت کلی نگاه کنیم و تنها متمرکز روی یک ساخت یا یک زیرنظام نشویم.



فصل سوم

طرح‌ها و برنامه‌ها





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش

اهمّ برنامه‌ها
و اقدامات تحوّل
سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی
آموزشی در
راستای سند
تحوّل بنیادین
آموزش و پرورش



مقدمه

تحول در برنامه‌های تربیتی و درسی بر مبنای دلالت‌های اسناد تحولی ضرورت اجتناب ناپذیر در شرایط کنونی است. هر نوع بی‌اعتنایی به این امر مهم بی‌اعتنایی به انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود و در آینده‌ی این کشور موجب انحراف از «صراط تربیت تمدنی» می‌شود. منظور از صراط تمدنی همان جهت‌گیری اصلی و بنیادین نظام جمهوری اسلامی به سوی آرمان‌های انقلاب اسلامی است که نتیجه‌ی آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. بی‌تردید تمدن بدون پایه و اساس تربیتی شکل نمی‌گیرد و تربیت انسان‌های متمدن با رویکرد الهی از لوازم این تمدن توحیدی است. از جمله ویژگی‌های انسان متمدن باور عمیق و ایمان به خدای متعال است که با تکیه بر آن حرکت عظیم ملت مسلمان ایران پدید آمد. قدرت ایمان در همه عرصه‌ها پیروز است و اگر جامعه‌ی ایمانی در یک مقطعی علی‌الظاهر شکست بخورد؛ همچنان پیروز است زیرا روحیه استقامت و پایداری با تجربه دیگری از مقابله با جبهه باطل پیوند می‌خورد و قوی‌تر می‌شود.

ویژگی یک انسان متمدن عقلانیت و تفکر است. تمدن با قواعد فکر و اندیشه ساخته می‌شود. هرکس و هرجا بر پایه فکر و اندیشه عمل کند پیروز است. نظام تربیتی و برنامه‌های درسی باید با شایستگی خود را در عرصه تربیت انسان‌های متفکر نیز نشان دهد. تربیت با علم و آگاهی پیوند عمیق دارد. به عبارت دیگر نمی‌توان بدون تقویت علم و آگاهی در مرتبه سخت از تربیت او گفت. با این که انسان تربیت شده برای کسب علم و دانش رغبت و انگیزه پیدا می‌کند لکن در فرایند تربیت، امزاجی بین علم و تربیت شکل می‌گیرد. نه تربیت منهای علم معنا دار است و نه علم و تعلم بدون تربیت قابل توجیه می‌باشد. بدین ترتیب ویژگی سوم مرز متمدن علم و آگاهی است. انسان به طور ذاتی نیز به سوی علم گرایش دارد و خداوند در آغاز آفرینش نیز اسماء را به بنده خود آموخت و رموز کشف قوانین و نوامیس حاکم بر هستی را به آدم (ع) یاد داد. آغاز خلقت با تعلیم آغاز شد و در طول حیات بشر نیز تعلیم حقایق امور به انسان‌ها یک ضرورت است و غایت خلقت نیز که انسان‌ها به لقای پروردگار متعال خواهند پیوست سرمایه و آبرویی جز حاصل تعلیم و تربیت خود در اختیار نخواهد داشت. عزت نفس و اعتماد به نفس فردی و ملی را نیز می‌توان از خصایص دیگر انسان رشد یافته نام برد. اگر عزت نفس ضعیف باشد و انسان احساس خواری کند دچار رکود و عقب ماندگی شدید می‌شود و اگر اعتماد به نفس پایین باشد حس توانستن و پیش رفتن نخواهد داشت و در نتیجه دیگران بر فرد و جامعه تسلط خواهند یافت. انسان عزیز و توانا و تربیت شده با نظام تربیتی اسلام قادر خواهد بود بر همه مشکلات فائق آید و افق‌ها نو را به سوی خود و جامعه بگشاید. روحیه استقامت و پایداری در برابر مصائب نیز ویژگی دیگر انسان در تراز انقلاب اسلامی است این حکم صریح قرآن کریم است که آنانی که می‌گویند رب ما الله است و در این راه مقاومت می‌کنند ملائکه آسمان‌ها بر آن‌ها فرود می‌آیند و به آن‌ها امید می‌دهند و می‌گویند اندوهگین نباشید و نترسید نصرت الهی با شماست. حقیقتاً ما در نظام جمهوری اسلامی برای نیل به اهداف بلند انقلاب اسلامی با مشکلات عدیده مواجه بوده ایم و خواهیم بود. دشمن قصد دارد ما را خسته و ناامید کند و به زعم باطل خود نابودمان سازد. ما باید به این کوردلان بفهمانیم که ایران اسلامی در راه آرمان‌هایی خود ایستاده است و جز پایداری و استقامت راهی را نمی‌شناسد. این پیام قرآن است که خطاب به رسول خدا (ص) فرمود: **فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ** استقامت کن آن‌طور که تو امر شده است و آنانی که با تو هستند نیز استقامت کنند تمام انسان‌های طول تاریخ که خود را در اردوی موحدان قرار داده‌اند باید این پیام استقامت و پایداری را به خوبی بشنوند و راست قامت عمل نمایند.

پنج ویژگی ایمان، تفکر، علم، اعتماد به نفس و استقامت اهم اموری هستند که به وسیله نظام تربیت و برنامه‌های درسی قابل تحقق می‌باشند. هدف‌های دیگر نیز هست که از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. حقیقتاً نظام برنامه‌ریزی درسی کشور در برابر این ابعاد تربیتی متعهد و مسوول است؛ همگی اجزاء و عناصر آن در این جهت باید پایه‌گذاری شوند و بسته‌های تربیت و یادگیری نیز با این جهت‌گیری تدوین و تولید شوند. انتظار می‌رود قبل از تولید بسته‌ها، استانداردهای برنامه‌های درسی با رویکرد تحولی تعیین شوند و در یک مجموعه منسجم ارائه گردند. به عبارت دیگر نقشه راه تحول در برنامه‌های درسی مقدم به تولید مواد آموزشی و رسانه‌های تربیت و یادگیری است چنانچه نقشه راه به طور دقیق و عالمانه طراحی شود قدم‌های بعدی کار مشکلی نخواهد بود. بر این اساس "برنامه تحول" که پیش رود دارید با این ملاحظات تدوین شده است.

۱- تولید استانداردهای برنامه درسی

استانداردهای برنامه درسی "حد مطلوب" در هر یک از عناصر برنامه درسی را در برمی‌گیرد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انسان و جامعه‌ای را در تراز انقلاب اسلامی ایران طرح می‌کند و بر این اساس مسوولیت برنامه‌ریزان و مدیران آموزش و پرورش را سنگین می‌سازد. برای تربیت انسان مطلوب لازم است برنامه‌های درسی متناسب با تراز مورد انتظار طراحی و تدوین شود. هدف و سایر عناصر برنامه باید به نحوی تدوین یابند که در صورت تحقق آن‌ها گام‌های مشخصی در راستای آرمان‌های نظام اسلامی برداشته شود. از سوی برخی پژوهشگران نسبت به استاندارد در برنامه‌ریزی درسی نیز انتقاداتی به عمل آمده است از جمله این که گفته‌اند نباید تعلیم و تربیت را در یک محدوده و حصار خاص تعریف نمود و یک راه پیش روی متریبان و مریبان قرار دارد. در پاسخ به این قبیل انتقادات باید گفت که کشوری که ایدئولوژی معینی را در نظام تربیتی خود تعقیب می‌کند و با الهام از هدف غایی تربیت باید هدف‌های جزئی‌تری را پیگیری نماید مکلف به تعیین استانداردهاست. هیچگاه نباید از تدوین استانداردها، محدود کردن ابتکارات و خلاقیت‌ها را نتیجه‌گیری کرد. تعیین استانداردها نوعی صیانت از صراط اصلی تربیت و برنامه‌های درسی است ولی هرگز به معنای حصارکشی و ایجاد منطقه ممنوعه نیست.

۱/۱- اقدامات تحولی

در توضیح فوق تا حدودی "چرایی" تدوین استانداردها آشکار شد چه اقداماتی باید صورت گیرد تا استانداردها تولید شود؟

۱/۱/۱. تدوین و شفاف سازی رویکرد و منطق برنامه ریزی درسی

رویکرد کلی در تحول برنامه‌های درسی "فطرت‌گرایی توحیدی" است. این رویکرد بر پایه‌ی اسناد تحولی مخصوصاً سند برنامه‌ی درسی ملی تهیه شده است. هریک از حوزه‌های تربیت و یادگیری موظف هستند تحت چتر فکری رویکرد عام فطرت‌گرایی توحیدی، رویکرد خاص حوزه‌ی خود را تعیین و تشریح نمایند. این رویکرد ضمن بهره‌مندی از رویکردهای موجود باید نسبت تعریف شده و گویا با فطرت‌گرایی توحیدی داشته باشد. به عبارت دیگر در تدوین رویکرد خاص نباید نخ ارتباطی رویکرد خاص با رویکرد عام قطع شود.

منطق برنامه‌ریزی درسی پاسخ به چرایی‌ها در انتخاب جهت‌گیری‌های تعیین عناصر برنامه درسی است این موضوع در جدول رویکرد و منطق که در پیوست مشخص می‌شود. در این مرحله لازم نیست خود عناصر تبیین شوند بلکه جهت‌گیری در هر کدام از آن‌ها بیان می‌شود چنانچه اگر یکی از حوزه‌ها در جهت‌گیری عناصر مورد پرسش قرار گرفت بتواند پاسخ واضح ارائه دهد. اگر بیان "چرایی" در این مرحله به طور متقن و محکم صورت گیرد بنیاد برنامه‌ریزی درسی قوی و قابل اتکا خواهد بود.

۱/۱/۲. تدوین هدف های برنامه درسی

هدف‌های برنامه‌ی درسی مهم‌ترین عنصر است زیرا که سایر فعالیت‌ها براساس آن صورت می‌پذیرد. الگوی هدف نویسی که در برنامه‌ی درسی ملی ارائه شده در تعیین هدف‌های هر حوزه نیز قابل استفاده است؛ منتها علاوه بر الگوی مزبور که یک الگوی فراحوزه‌ای است هدف‌های فوقانی دیگری نیز موازی این الگو و شایستگی‌های پایه وجود دارد که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. لذا از مجموع هدف‌های دوره‌های تحصیلی، هدف‌های شایستگی‌های پایه، هدف‌های برآمده از نیازسنجی خاص هر حوزه و هدف‌های ارتباطی هر حوزه با حوزه‌های دیگر با رویکرد باهم‌نگری و ترکیب، باید هدف‌های برنامه درسی هر حوزه را تدوین نمود. این الگوی ترکیبی به کارشناسان آموزش داده شده است و اکنون بر این اساس عمل می‌کنند. طبق این قاعده هدف‌های پایه‌ها و دروس مختلف در گام‌های بعدی مشخص می‌شود.

۱/۱/۳. انتخاب و سازماندهی محتوا

محتوا و تجارب تربیتی و یادگیری بر مبنای هدف‌ها انتخاب می‌شود. در حقیقت محتواها ابزاری برای تحقق اهداف هستند. البته این ارتباط، انجمادی نیست که اصلاً در بخش محتوا رویداد

دیگری غیر از هدف‌ها رخ ندهد. ممکن است در تعامل معلم با دانش‌آموز و یا دانش‌آموزان با یکدیگر و یا در تعامل کل کلاس با فراتر از کلاس تجارب تربیتی جدیدی شکل گیرد و معرفت تازه‌ای برای دانش‌آموزان و معلم پدید آید. انسان و رفتار انسانی این گونه نیست که یادگیری او را تحت یک ضابطه‌ی تغییرناپذیر درآورد. لذا رابطه‌ی هدف و محتوا قابل انعطاف و سیال است هرچند وابستگی محتوا به هدف‌ها و حفظ این نسبت موضوع بسیار اساسی است. برای یادگیری‌های فراتر از اهداف نیز باید فرصت‌هایی را در نظر گرفت تا رشد و تعالی دانش‌آموزان از طراوت و توسعه باز نایستد. سازمان محتوا نیز در همین مرحله صورت می‌پذیرد. منظور از سازماندهی نحوه‌ی تنظیم و چینش اجزای محتواست. طبق بررسی‌های به عمل آمده و هم‌اندیشی‌های صورت پذیرفته در دوره‌ی ابتدایی عمدتاً از روش سازماندهی بین‌رشته‌ای (Interdisciplinary) استفاده می‌شود و ارتباط هر حوزه‌ی تربیت و یادگیری با سایر حوزه‌ها نیز با رویکرد «بین‌حوزه‌ای» انجام می‌گیرد به نحوی که معلوم می‌شود هر یک از حوزه‌ها چه چیزی از دیگر حوزه‌ها باید دریافت کند و چه چیزی باید در اختیار آن‌ها قرار دهد. به سخن دیگر یک «داد و ستد مفهومی» بین حوزه‌ها به وقوع می‌پیوندد و ضمن کمک به یادگیری بهتر یکپارچگی برنامه‌های درسی نیز حفظ می‌شود. در دوره‌های تحصیلی بالاتر نیز از روش‌های چند رشته‌ای و موازی‌سازی و در صورت لزوم از رویکرد موضوعی استفاده می‌شود.

۱/۱/۴. تعیین روش‌های تدریس

روش‌ها و فنون متناسب با ماهیت هر برنامه‌ی درسی به دلیل عملیاتی شدن مجموعه تصمیمات پیشین اهمیت زیادی دارد. در مراحل پیشین نوعاً چند تصمیم گرفته شده است و نقشه‌ی راهی تعیین شده است. قرار است این تصمیمات در متن واقعیت‌ها پیاده شود و باعث تغییر در دانش‌آموز شود. هر قدر روش‌ها به نحو مطلوب انتخاب شود امکان اتصال نظر با عمل و پیاده‌سازی تصمیمات به درستی صورت می‌پذیرد. با توجه به دلالت‌های سند تحول بنیادین روش‌ها و فنون تدریس چند ویژگی باید داشته باشند:

بُعد تربیتی داشتن، جامع بودن، تناسب با نوع هدف‌ها، قابلیت اجرا، امکان تعاملی بالا، قابلیت انعطاف، پیش‌بینی فعالیت‌ها و تجارب تربیتی و یادگیری مناسب و کافی از جمله مختصات روش‌های تدریس با رویکرد تحولی هستند.

۱/۱/۵. تعیین روش‌های ارزشیابی

روش‌های ارزشیابی طوری انتخاب شوند که اجرای آن‌ها به پیشرفت یادگیری کمک کنند. نباید روش‌ها و فنون ارزشیابی را بیرون از فرآیند یادگیری تلقی کرد. از آغاز تدریس ارزشیابی نیز آغاز می‌شود و تا پایان تدریس و حتی بعد از اتمام تدریس نیز ادامه دارد. در رویکرد تحولی برنامه‌های درسی و تدریس متناسب با آن باید در موضوع ارزشیابی توجه کرد. یکی اینکه با ابزارهای گردآوری اطلاعات مناسب، اطلاعات کافی در اختیار معلم و هرکس دیگری که ارزشیابی را انجام می‌دهد؛ قرار گیرد. ارزشیابی بدون اطلاعات کافی و موثق معتبر نیست و ممکن است باعث ظلم تربیتی به یادگیرنده شود. دوم این که همه‌ی ابعاد وجودی دانش‌آموز باید مورد بررسی و ارزشیابی قرار گیرد. نباید تنها به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی استفاده اکتفا کرد. رشد اجتماعی، رشد علمی، رشد عاطفی - روانی و رشد تربیتی در معنای وسیع آن باید مورد داوری قرار گیرد. شوراها برنامه‌ریزی درسی که اکنون به تدوین استانداردهای برنامه‌ی درسی مشغول هستند؛ شاخص‌هایی را برای ارزشیابی همه جانبه معین خواهند کرد. همین‌طور ارزشیابی باید مواجهه‌ی شفاف با دانش‌آموز داشته باشد و در فضای راز آلود رها نشود. به عبارت دیگر یادگیرنده باید بداند که چرا به‌عنوان دانش‌آموز ضعیف معرفی شده یا برعکس با چه نقاط قوت به‌عنوان دانش‌آموز قوی و سطح‌بالا تعیین شده است.

۱/۱/۶. محیط تربیت

در فرآیند برنامه‌ریزی درسی راجع به ویژگی‌های محیط تربیت نیز تصمیم‌گیری می‌شود. بین دانش‌آموز و محیط رابطه‌ی وثیقی وجود دارد که احتمالاً بخشی از این ارتباط هنوز کشف نشده است. آثار آشکار و پنهان محیط بر روی متربی گاهی تدریس معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را تضعیف و یا تقویت می‌کند. خیلی از تربیت‌های پنهان که از آن به‌عنوان برنامه‌ی درسی پنهان نام برده می‌شود از طریق محیط شکل می‌گیرد. اصولاً آنچه که فرد را احاطه کرده است شخصیت او را شکل می‌دهد. بر این اساس در برنامه‌ریزی درسی تحولی به چند پرسش پاسخ داده می‌شود و مطابق پاسخ‌های آن قواعد محیطی تدوین می‌شود:

- الف. ابزار و تجهیزات در محیط چگونه انتخاب و سازماندهی شود تا به یادگیری مؤثر کمک کند؟
- ب. مناسبات انسانی و روابط حرفه‌ای چگونه برقرار شود تا به تحقق هدف‌های تربیتی یاری رساند؟
- ج. ویژگی‌های محیطی دوره‌های تحصیلی مختلف چه تفاوتی با یکدیگر باید داشته باشند؟

۵. معلم و دانش‌آموز در تعامل و همکاری با یکدیگر چه نقشی در ساماندهی مطلوب محیط دارند؟
هد. مدیر مدرسه چه نقشی در تنظیم محیط تربیت برعهده دارد؟

۱/۱/۷. نقش معلم

معلم با برنامه‌ی درسی رابطه‌ی جدایی ناپذیر دارد. اصلاً هر جا از برنامه‌ی درسی بحث می‌شود بی‌تردید یک وجه آن نقش معلم است. به همین دلیل شورای برنامه‌ریزی درسی باید به این سؤال اساسی پاسخ بگوید که معلم چه صلاحیت‌هایی باید دارا باشد تا بتواند برنامه‌های درسی را اجرا و توسعه دهد. اجرا که وظیفه سنتی و پایدار معلم است ولی صرف اجرا کافی نیست بلکه توانایی نقد و توسعه‌ی برنامه را نیز باید داشته باشد. باید قادر باشد ضمن تدریس نقاط قوت و ضعف برنامه را به نحو مطلوب کشف کند و با توجه به شرایط بومی خود به توسعه‌ی آن نیز بپردازد. در برنامه‌ی تحولی باید نقش مؤثری به معلمان داده شود و امکان انتخاب و سازماندهی محتوا نیز در حد معقول و ممکن برای آنان فراهم شود. چنانچه معلمان صرفاً مجری برنامه باشند فرصت برای ابتکار و خلاقیت نخواهند داشت و برنامه‌های درسی نیز از یک حد معین فراتر نخواهند رفت. معلمان باید طوری آماده شوند که قادر باشند با ایفای یک نقش تحولی مؤثر دانش‌آموزان را برای یک زندگی متعادل و پویا آماده سازند. آنان باید بتوانند در برقراری ارتباط چهارگانه دانش‌آموز با خود، خلقت، اجتماع و خداوند ایفای نقش کنند و با رعایت اصول و ضوابط مشترک و ثابت، براساس ویژگی‌های محیطی محتواهایی را انتخاب و با محتوای رسمی پیوند بزنند.

۱/۱/۸. نقش خانواده

نقش خانواده به‌عنوان یک نهاد مقدس و اثرگذار تربیتی در برنامه‌های تحولی باید احیا شود. اکنون با یافته‌های علمی گوناگون در عرصه‌ی مطالعات خانواده آشکار شده است که این نهاد بی‌بديل در تربیت فرزندان و هویت بخشی به آنان نقش فوق‌العاده دارد. رابطه‌ی اولیا با مربیان را خیلی فراتر از ارتباطات مقطعی و سطحی در مدارس باید تحلیل کرد و بر آن اساس برنامه‌ریزی نمود. اسناد تحولی نیز به نقش خانواده‌ها در برنامه‌ریزی‌های تربیتی توجه کرده و تأکیداتی نموده است. در شناسایی نیازهای آموزشی، تعیین اهداف تربیتی، انتخاب محتوا و روش‌ها و سایر فعالیت‌ها می‌توان از اولیای دانش‌آموزان نظر پرسی و مشورت گرفت و به تدریج زمینه‌های رشد آنان را فراهم ساخت. ممکن است توسعه‌ی روابط با والدین در ابتدا با محدودیت‌ها و مشکلاتی توأم باشد ولی با شروع و مدیریت

درست آن می‌توان نظام مطلوب‌تری را طراحی و اجرا کرد. به‌عنوان مثال می‌توانیم هدف‌های تربیتی را در جلسات صمیمی با آنان در میان بگذاریم و از آنان بپرسیم در دستیابی به این هدف‌ها چه نقشی می‌توانید ایفا کنید؟ پاسخ این سؤال و حاصل این هم‌اندیشی هرچه باشد مفید خواهد بود. با چنین نشست‌های تربیتی به تدریج فضای مثبت، متعادل و توأم با جرأت و ورزی از سوی خانواده‌ها به وجود می‌آید و در طول چند سال نظام ارتباطی آموزش و پرورش با خانواده نهادینه می‌شود.

علاوه بر عناصری که در خصوص فرآیند برنامه‌ریزی درسی و تولید استانداردها بیان شد عناصر دیگری نیز از قبیل، زمان، مواد آموزشی و غیره نیز قابل بحث هستند که برای پرهیز از اطاله کلام طرح نمی‌شوند به علاوه اینکه عناصر رویکرد، هدف، محتوا، روش، ارزشیابی، نقش معلم و نقش خانواده اهم امور هستند که طرح شده‌اند.

۲- تولید بسته‌های تربیت و یادگیری

برنامه‌های درسی و استانداردهای عناصر گوناگون از طریق تولید بسته‌های یادگیری عینیت پیدا می‌کنند. آنچه که به مدارس ارسال می‌شود و به اجرا در می‌آید بسته‌های تربیت و یادگیری است. ذکر واژه‌ی «تربیت» در کنار «یادگیری» براساس جهت‌گیری‌های اسناد تحولی است. تربیت در رأس همه‌ی کارهای ما در تعلیم و تربیت قرار دارد. صرف آموزش کارگشا نیست و برنامه درسی ملی نیز همراهی و پیوند ذاتی تعلیم و تربیت را مدنظر دارد. بر این اساس بسته‌ها نیز هر دو وجه را باید دارا باشد و مخصوصاً به تربیت که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد توجه خاص می‌شود.

۲/۱. اقدامات تحولی

پس از تولید استانداردهای برنامه‌ی درسی اقدامات تولید بسته‌های تربیت و یادگیری آغاز می‌شود. قبل از هرچیز استانداردها مورد تأمل و بررسی دقیق قرار می‌گیرد تا راه برای تولید بسته‌ها باز شود. از این طریق معلوم می‌شود که چه مؤلفه‌ها و اجزایی در بسته‌ی مربوطه باید قرار گیرد؟ ممکن است بعضی از اجزا در یک درس مورد نیاز باشد و در درس دیگر مورد نیاز نباشد. حتی احتمال دارد یک جزء در برنامه‌های درسی مختلف با کیفیت متفاوت عرضه شود. به‌عنوان مثال اگر قرار است فیلم آموزشی نیز در بسته قرار گیرد چگونه باید باشد تا با استانداردهای مصوب سازگاری پیدا کند؟ در مجموع اقدامات اساسی زیر در تولید بسته‌ها مورد نظر است:

- ۲/۱/۱. تعیین کیفیت و سازمان اجزای بسته‌های تربیت و یادگیری
- ۳/۱/۲. تعیین استانداردهای هریک از اجزا براساس استانداردهای برنامه درسی
- ۲/۱/۳. تهیه‌ی فراخوان برای تولید بسته‌ها و استفاده از سازمان‌ها، نهادها و افراد داوطلب در تولید بسته‌ها
- ۲/۱/۴. بررسی و ارزیابی دقیق بسته‌های تولید شده و اعلام آن‌ها به صاحبان اثر
- ۲/۱/۵. دریافت آثار اصلاح شده
- ۲/۱/۶. انتخاب بهترین بسته‌ها
- ۲/۱/۷. چاپ و انتشار
- ۲/۱/۸. اشاعه و نظارت
- ۲/۱/۹. نقد و بررسی و اعتباربخشی آثار و اجزاء بسته‌های تربیت و یادگیری براساس استانداردها
- ۲/۱/۱۰. تولید محتواهای الکترونیکی جهت پشتیبانی از برنامه‌های درسی

۳- آموزش کارشناسان

اقدام تحولی به فکر و اندیشه تحول‌گرا نیاز دارد. کارشناسانی که برنامه‌ها را طراحی و اجرا می‌کنند، از دانش، نگرش و مهارت لازم باید برخوردار باشند تا بتوانند این کاروان علمی، آموزشی و پرورشی را پیش ببرند. تجربه‌های حرفه‌ای در این میان بی‌تأثیر نیست لکن علم و دانش تحولی و توانایی‌های مرتبط با تحول و تعالی شرط اصلی است. بر این اساس برگزاری کارگاه‌های آموزشی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در دستور کار قرار گرفت و تاکنون چند کارگاه و جلسات هم‌اندیشی برگزار شده است و حاصل آن‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های پژوهش، برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری توانایی نسبتاً خوبی کسب کرده‌اند. این برنامه‌ی آموزشی تداوم دارد و تولید استانداردها به‌صورت امتزاجی با آموزش‌ها پیش خواهد رفت.

۳/۱. اقدامات آموزشی

- ۳/۱/۱. نیازسنجی آموزشی
- ۳/۱/۲. تدوین برنامه‌ی آموزشی رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی بر پایه‌ی نیازها
- ۳/۱/۳. اجرای تدریجی برنامه‌ی آموزشی
- ۳/۱/۴. ارزشیابی پایانی

- ۳/۱/۵. شناسایی مسایل مبتلا به معلمان کشور با استفاده از شبکه‌ی رسانه‌ای رشد
- ۳/۱/۶. توسعه‌ی آموزش‌های توانمندسازی معلمان به‌صورت غیرحضوری با بهره‌مندی از ظرفیت‌های رسانه‌ای رشد

۴- شناسایی و جذب نیروهای مؤمن و انقلابی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیازمند نیروی انسانی با ویژگی‌های مطرح در اسناد تحولی است. علاوه بر این‌ها، حضرت آقا، رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی را برای نیروهای مناسب حال وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش بر شمرده‌اند. ویژگی‌های مانند: مؤمن، دانشمند، اندیشمند، مبتکر، انقلابی، مقاوم و خستگی‌ناپذیر از جمله اهم ویژگی‌هاست. هریک از این‌ها به درستی تحلیل شود؛ نسبت با تحول عمیق و اصیل نظام تعلیم و تربیت بر پایه‌ی سند تحول بنیادین آشکار می‌شود. تجارب ممتد حرفه‌ای نشان می‌دهد اگر نیروی انسانی شاغل مطلوب و مناسب نباشند، با صدور بخشنامه و دستورهای اداری و حتی با نظام تشویق و تنبیه و مقررات اداری نمی‌توان به هدف‌ها رسید. برعکس اگر نیروهای قابل و توانایی موجود باشد نیازی به اعمال فشار و قدرت اداری نیست و کارها به نحو مطلوب پیش می‌رود. این مسئله در شرایط تحولی کنونی ضرورت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. شرایط تحولی با تغییر مسیر همراه است و کسانی که در این مدار حرکت می‌کنند باید شایستگی بالای مدیریت تغییر را داشته باشند.

۴/۱. اقدامات جذب نیرو

- ۴/۱/۱. شناسایی نیازهای حال و آینده‌ی بخش‌های مختلف سازمان به نیروی انسانی
- ۴/۱/۲. بررسی و برقراری ارتباط با نهادها و سازمان‌های تربیتی
- ۴/۱/۳. شناسایی افراد مناسب با ویژگی‌های پیش گفته
- ۴/۱/۴. بررسی وضعیت همه جانبه افراد و انجام مصاحبه جهت تشخیص شایستگی‌ها
- ۴/۱/۵. انجام اقدامات اداری جهت جذب منتخبین
- ۴/۱/۶. برگزاری دوره‌ی توجیهی و آموزشی برای افراد جذب شده
- ۴/۱/۷. ارزشیابی مستمر از عملکرد نیروها به منظور نگهداری و ارتقاء سطح حرفه‌ای

۵- درج معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی

تربیت انقلابی و آماده‌سازی نسل نو برای صیانت از انقلاب اسلامی ایران راهبرد مهم در تحولات برنامه‌ی درسی است. چنانچه نسل‌ها بگذرد ولی روحیه‌ی انقلابی در افراد دمیده نشود به تدریج روحیه‌ی انفعال و محافظه‌کاری بر روحیه‌ها مسلط می‌شود و در جهت‌گیری‌های اساسی نظام اسلامی تأثیر منفی باقی می‌گذارد. با برنامه‌های تحولی پیش‌رو که براساس تولید استانداردهای جدید بسته‌های تربیت و یادگیری تولید خواهند شد. تفکر انقلابی نیز با سرشت تحول آمیخته خواهد شد لکن از جهت زمان این مسیر سال‌ها طول می‌کشد تا به تدریج برنامه‌های جدید جایگزین برنامه‌های قبلی شوند. در این مسیر بخش عمده‌ی کتاب‌های درسی عمر خواهند داشت و به‌عنوان ماده‌ی آموزشی مهم اثر آموزشی و پرورشی خواهند داشت. لذا ضرورت داشت برای درج معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی نسبتاً پایدار گامی مهم برداشته شود. بر این اساس در سال ۱۳۹۸ در ادامه اقدامات سال‌های پیشین معارف انقلاب اسلامی ایران در تعداد قابل توجهی از کتاب‌های درسی وارد شد. این کتاب‌ها در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در مدارس تدریس می‌شود.

۵/۱. اقدامات درج معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی

- ۵/۱/۱. توسعه‌ی مطالعات و شناسایی ابعاد معارف انقلاب اسلامی
- ۵/۱/۲. تحلیل نسبت معارف انقلاب اسلامی با ماهیت هریک از برنامه‌ها و کتاب‌های درسی
- ۵/۱/۳. انتخاب و سازماندهی محتوای معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی
- ۵/۱/۴. اعمال تغییرات در عکس، تصویر و سایر اجزای محتوا متناسب با محتوای جدید
- ۵/۱/۵. بررسی نهایی تغییرات محتوایی و حصول اطمینان از صحت، انفاق و انسجام آن‌ها
- ۵/۱/۶. بررسی تحلیل و ترویج گفتمان گام دوم انقلاب اسلامی در مجلات و شبکه رشد
- ۵/۱/۷. استفاده از صاحب‌نظران در تحلیل و تعیین ابعاد معارف انقلاب اسلامی و بهره‌مندی از آن‌ها در منابع و رسانه‌های آموزش گوناگون

۶- کاربردی کردن و انتخاب علم نافع در برنامه‌های درسی

چنانچه دانش‌آموزان در پاسخ به این پرسش که «این محتوا در زندگی به چه درد من خورد؟» پاسخ مثبت و امیدبخش در اختیار داشته باشد علامت و نمونه‌ای از کاربردی شدن محتواهای آموزشی است. ممکن است خیلی از مطالبی که در مدارس یاد داده می‌شود در زندگی فرد اثر و نقشی نداشته باشند. بدیهی است که در این حالت علاقه و انگیزه برای یادگیری آن مطالب نخواهد بود. بخش عمده علاقه از کاربردی بودن مطالب ناشی می‌شود. البته این کاربردی بودن صرفاً جنبه‌ی مادی، دنیوی و آنی نباید تلقی شود. نباید نگاه صرفاً پراگماتیستی به کاربردی بودن و نافع بودن محتواها داشت. ضمن اینکه سودمندی محتواها در زندگی معمولی و روزمره‌ی دانش‌آموزان ضروری و کارگشاست ولی نفع علم و محتواها نباید در این حد محدود بماند. ممکن است دانش‌آموزان از نفع بعضی از آموزش‌ها در زندگی خود مطلع نباشد زیرا که هنوز بصیرت او به آن حد نرسیده است. در این حالت مسئولان آموزش و طراحان برنامه‌ی درسی باید در افراد نیاز آفرینی کنند و به آن‌ها آگاهی بدهند و آگاه کردن دانش‌آموزان نسبت به منافع واقعی حال و آینده آنان یکی از وظایف مسئولان است. بنابراین در نگاه محدود علم نافع علمی است که یادگیری آن در زندگی عملی یادگیرنده مفید و مؤثر باشد و گره‌گشایی کند ولی در نگاه وسیع و جامع علم نافع علمی است که فرد را در زندگی دنیوی و اخروی یاری کند. به‌عنوان مثال یادگیری اصول عقاید برای یک انسان مسلمان مصداقی از علم نافع است زیرا که با یادگیری آن از دین خود و بندگی در برابر خدای متعال صیانت کند. به تعبیر دیگر هر علمی که انسان را در ماندن و حرکت در صراط مستقیم کمک کند مصداقی از علم نافع است. این علم نافع ممکن است لزوماً در زندگی روزمره و در مواجهه با مسایل زندگی به‌طور مستقیم مؤثر نباشد ولی اگر به زندگی دانش‌آموز قدری عمیق و در ارتباط با تعالی و کمال او بنگریم تصدیق خواهیم کرد که دامنه‌ی علم نافع وسیع است.

۶/۱. اقدامات ورود علم نافع در محتواهای آموزشی

- ۶/۱/۱. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی موجود و تشخیص کاستی‌ها و خلأها
- ۶/۱/۲. تعیین مصداق علم نافع و کاربردی کردن مطالب در هریک از محتواها
- ۶/۱/۳. سازماندهی علم نافع با محتواهای موجود و اعمال تغییرات مورد نیاز در آن‌ها

۶/۱/۴. توجیه معلمان نسبت به تغییرات و آماده‌سازی آنان برای تدریس مؤثر
۶/۱/۵. آموزش و توجیه نویسندگان و تولید کنندگان رسانه‌های مختلف نسبت به علم نافع و انعکاس آن در رسانه‌ها

۷- تبیین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی اسناد بسیار با ارزشی هستند که شناسنامه‌ی فلسفی و فرهنگی نظام تعلیم و تربیت ما را تشکیل می‌دهند. حقیقتاً زمان تصویب این اسناد را باید نقطه‌ی عطفی در تاریخ تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران محسوب نمود. برای اینکه این سند مهم در عمل نیز پیاده شود و منشأ تحول باشد به تبیین نیاز دارد. منظور از تبیین روشنگری مفاد و محتوای سند تحول به جامعه‌ی تعلیم و تربیت است. مخصوصاً معلمان که در صف برنامه‌های تحول قرار دارد و هدف‌های مورد انتظار از طریق او اجرا خواهد شد نسبت به برخی مفاهیم سند توجیه نیستند. این نقیصه در ارتباط با مدیران مدارس و خانواده‌ها نیز مطرح است ولی در مورد معلمان مسئله جدی‌تر است. به‌عنوان مثال پرسیده می‌شود که منظور از «حیات طیبه» چیست؟ چگونه می‌توان این موضوع را در دوره‌ی ابتدایی طرح نمود و برای تحقق آن اقداماتی انجام داد؟ مواردی از این قبیل در محتوای سند موجود است که به فضای فکری شفاف نیاز دارد. تا زمانی که این روشنگری صورت نگیرد همراهی قوی نسبت به اجرای سند شکل نخواهد گرفت.

۷/۱. اقدامات تبیین سند

- ۷/۱/۱. دریافت سؤالات و ابهامات جامعه تعلیم و تربیت نسبت به محتوای سند
- ۷/۱/۲. بررسی و طبقه‌بندی آن‌ها تحت موضوعاتی کلان
- ۷/۱/۳. پیش‌بینی روش‌های مناسب جهت پاسخ‌دهی به آن‌ها
- ۷/۱/۴. آماده‌سازی مدرسان جهت اعزام به استان‌ها برای تدریس مفاد سند
- ۷/۱/۵. تشکیل جلسات هم‌اندیشی با معلمان و مربیان پرورشی در جهت تفهیم و تعلیم سند
- ۷/۱/۶. عمومی‌سازی مفاهیم سند تحوّل با مشارکت نخبگان و کمک رسانه‌های آموزشی
- ۷/۱/۷. ظرفیت‌سازی برای مشارکت معلمان در نقد و بررسی مفاد سند تحول در بستر مجلات رشد
- ۷/۱/۸. تولید الگوهای کاربردی براساس مفاد سند برای تبدیل آن به نقشه‌های راه عملیاتی با استفاده از توانایی و تجارب معلمان

۸ - طراحی و تولید محتوای برنامه درسی دوره‌ی پیش‌دبستانی

مهد کودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی که به حساس‌ترین دوره‌ی رشد کودکان مربوط می‌شود مورد توجه لازم قرار نگرفته و با برنامه‌ی منسجم و قابل دفاع اداره نمی‌شوند. در این میان برخی افراد، گروه‌ها و مؤسسات منفعت طلب نیز به صحنه وارد شده‌اند و محتوای نامطلوبی نیز در برخی از مراکز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطابق دلالت‌های قانونی بنا به ماهیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ضروری است این سازمان با قوت بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر اقدام کند و در دو سطح مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی برنامه درسی تولید نماید. در این میان نمونه‌های نسبتاً مناسبی نیز از سوی برخی نهادها و مؤسسات تولید شده که می‌تواند مورد بررسی و استفاده قرار گیرد. همین‌طور مریبان متعهد و دلسوزی وجود دارد که می‌تواند در تولید محتوای مناسب با رویکرد سند تحول و برنامه درسی ملی همراهی نمایند و در نیل به هدف‌های یاری رسانند.

۸/۱. اقدامات تحولی

۸/۱/۱. آسیب‌شناسی فعالیت‌های تربیتی در مراکز پیش‌دبستان

۸/۱/۲. تدوین مبانی برنامه‌ریزی در دوره‌ی پیش‌دبستان

۸/۱/۳. طراحی برنامه درسی

۸/۱/۴. تولید بسته‌های تربیت و یادگیری

۸/۱/۵. آماده‌سازی مریبان برای اجرای مطلوب برنامه‌ها

۸/۱/۶. توسعه و تعمیق خدمات رسانه‌ای مکتوب و تعاملی در دوره‌ی پیش‌دبستان

۸/۱/۷. توسعه و تنوع بخشی به طرح‌ها و برنامه‌های دوره‌ی پیش‌دبستان از طریق بررسی و

بهره‌برداری از ایده‌ها و تولیدات مؤسسات تولیدی دغدغه‌مند در بستر سامان‌دهی منابع

آموزشی ذیل قانون ۸۲۸



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



راهبردهای

مختصات

برنامه‌ریزی

درسی تحولی



دکتر حسن ملکی در نشست هم‌اندیشی با اعضای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مهم‌ترین مسائل پیش روی این سازمان و دغدغه‌هایش به‌عنوان رئیس سازمانی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) آن را «قلب تپنده آموزش و پرورش» معرفی کرده‌اند را بیان کرد. این نشست در تاریخ دوشنبه ۱۹ خرداد ماه برگزار شد که بخش‌هایی از آن از نظر می‌گذرد.

بخش اول

مسئولیت مشترک و سنگین ما در سازمان پژوهش نباید فراموش شود

نکته اولی که باید به آن اشاره کنم این است که مسئولیت مشترک و سنگین ما در سازمان پژوهش نباید فراموش شود. این مسئولیت به قدری اهمیت دارد که هر بار نشستی برگزار شود، باید این مسئله را متذکر شویم که در جایی قرار داریم که یک حرکت کوچک، مؤثر و مفید ما (چون در زمینه‌ی کتاب‌های درسی است) در سطح ملی حس می‌شود و یک خطای مفهومی و فکری سازمان نیز در سطح ملی و مهم‌تر از آن در جان انسان‌ها تأثیرگذار است. این مسئله را هیچ‌گاه نباید از یاد ببریم که در حساس‌ترین سازمان کشور قرار گرفته‌ایم.

هیچ سازمان دیگری را در کشور پیدا نمی‌کنید که به اندازه این سازمان کاری سرنوشت‌ساز انجام دهد. قبل از انقلاب و در زمان طاغوت نیز به این سازمان که در آن موقع سازمان نوسازی و کتاب‌های درسی نام داشت، توجه ویژه‌ای می‌شد. بعد از انقلاب اسلامی هم به این سازمان توجه ویژه شده است. وقتی می‌شنویم که رهبر معظم انقلاب به این سازمان عنایت ویژه‌ای دارند ناشی از اهمیت و جایگاه سازمان پژوهش است.

چهار ویژگی درباره تحول

باید چهار ویژگی را درباره تحول ذکر کرد. تحولی که هم اکنون در حال دنبال کردن آن هستیم باید "عمیق" باشد. در اینجا باید پرسید کدام کار عمیق است؟ جواب این است "کاری که با فکر باشد عمیق است". تحول باید عمیق انجام شود. البته نه به این صورت که دچار وسواس شویم. سطحی‌نگری، سهل‌گرفتن کار، عمیق فکر نکردن و مطالعه عمیق نداشتن از آفات تحول است. حوزه‌های ۱۱ گانه تربیت و یادگیری باید کار عمیق انجام داده و اندیشمندانه کار کنند.

ویژگی دوم تحول این است که "مسیر مشخصی" داشته باشد و جهت‌گیری تحولی، جهت‌گیری الهی برگرفته از اسناد تحولی باشد. هدفمان این است به دانش‌آموزان این موضوع را منتقل کنیم که اگر در دنیا زندگی می‌کنند فراموش نکنند رو به سوی آخرت هستند، البته پرورش چنین افرادی خیلی سخت است. به کودک و نوجوان امروزی از همه جهات گفته می‌شود دنیا اهمیت دارد و آخرتی در کار نیست؛ در حالی که مادر صدد هستیم به آنها آموزش دهیم دنیا و آخرت هر دو مهم هستند و نباید یکی از آنها را انتخاب کرد و باید بین این دو تناسب برقرار کرد که این امر نیازمند کارشناسان قوی است. دانش‌آموزان باید در دنیا تربیت شوند ولی مسافر عالم آخرت باشند.

سوم؛ تحولی که ما دنبال می‌کنیم باید کاربردی و عینی باشد. خیلی از مسائلی که دانش‌آموزان فرا می‌گیرند برای آن‌ها فایده‌ای ندارد. حوزه‌ها استانداردهای برنامه درسی را برای وضع مطلوب تولید کنند. این استانداردها نباید انتزاعی، نظری و گسسته از واقعیت‌ها باشد چرا که وقتی به مواد آموزشی تبدیل شدند، کاربردی و راه‌گشا باشند. در دنیای امروز زندگی، مشکلات و مسائل زیادی وجود دارد و به همین دلیل دانش‌آموز باید بتواند مسئله‌گشایی را بیاموزد و خودش مسائل را حل کند. با این اقدامات توانسته‌ایم بخشی از تحول را عملی کنیم. بخش دیگر تحول مربوط به مسائل اعتقادی و جهت‌گیری است ولی تمام جنبه‌های تحول این مسائل نیست.

علم نافع را محور قرار دهیم

باید علم نافع را محور قرار بدهیم. باید بدانیم محتوای مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی چه تفاوتی با مکاتب دیگر دارد. باید در نگاه تحولی، برنامه‌های تحولی ما، نتایج عینی داشته باشد و فقط بحث‌های نظری نباشد.

چهارم فراموش نکنیم هر تحولی یک محول دارد و آن محول اصلی خداوند است. باید با تقویت روح بندگی سروری کنیم. هر کس بنده خدا نباشد سرور و بزرگ نمی‌شود. باید اتصال با صاحب اصلی دنیا را همیشه داشته باشیم تا تحول متصل به محول مطمئن انجام شود. محول مطمئن خداوند است.

ضرورت حفظ انسجام و یکپارچگی برنامه‌ریزی درسی و تولید مواد آموزشی بسته‌های یادگیری

انسجام و یکپارچگی برنامه‌ریزی درسی و تولید مواد آموزشی بسته‌های یادگیری باید حفظ شود. در اینجا ایرادی که وارد می‌باشد این است که گروه‌ها خودشان راساً تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند. ما بنا نداریم گروه‌هایی دور هم جمع شده و برنامه‌ریزی کنند و خودشان مؤلف باشند. البته همین امر باعث شده که به سازمان پژوهش انتقاد وارد باشد که مؤلفان این سازمان انحصارطلب هستند.

می‌خواهیم بگوییم که ماهیت برنامه درسی با بسته آموزشی قابل گسست نیست اما به این معنی نیست کسانی که برنامه‌ریزی درسی را انجام می‌دهند، کتاب درسی را تألیف کنند. این افراد باید یک گروه پژوهش و برنامه‌ریزی قوی داشته باشند و برنامه‌ریزی درسی را انجام دهند و تولید بسته یادگیری تا مقداری برون‌سپاری شده و از نخبگان بیرونی استفاده شود. باید به این شیوه از جامعه استفاده کنیم نه

اینکه گروه‌ها خودشان تمام کارها را انجام دهند، اجازه این کار را نمی‌دهیم؛ البته به بهانه انجام این کار نیز نمی‌توانیم یک امر منسجم را به دو تکه تقسیم کنیم به این معنی که یک گروه برنامه‌ریزی درسی کنند و یک گروه بسته‌ی یادگیری را تولید کنند. این کار یک گسست و ایراد است. باید با تدوین فرآیند، مشکل را حل کنیم.

ساختار که تصویب شد مدیرکل هر دفتر از بُعد علمی، فکری و مدیریتی باید فردی قوی باشد. جز بنده، سازمان پژوهش جای آدم‌های ضعیف نیست، به همین دلیل از معاونت توسعه منابع و پشتیبانی سازمان خواسته‌ایم که شاخص‌سازی را سریع انجام بدهند. شاخص‌سازی یعنی بررسی شود که چه کسانی می‌توانند وارد سازمان شوند. هر فردی که به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد برای ما ارجح‌تر است. یکپارچگی سازمانی را باید حفظ کنیم. واژه‌های دوره و حوزه بهتر است که به کار برده نشود و به جای آن از واژه کارشناسان حوزه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی استفاده شود. دوره و حوزه نداریم و به سمت یکپارچگی می‌رویم البته این یکپارچگی به معنای انحصارطلبی نیست.

بخش دوم رسالت سازمان پژوهش تحول است

دهمین جلسه شورای مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در تاریخ ۹۹/۸/۱۰ به موضوع رسالت سازمانی و مختصات برنامه درسی تحولی اختصاص داشت. در این بخش اهم مباحث از نظر می‌گذرد.

در این نشست که برخی از اعضای شورای مدیران سازمان به صورت حضوری و برخی به صورت غیرحضوری در آن شرکت داشتند، دکتر حسن ملکی بیان کرد: در این جلسه مسائلی را عرض خواهم کرد که به زعم خودم مسائل و مباحث مهمی است. برخی از این مباحث در جلسات قبل هم مطرح شده و الآن هم تکرار می‌شود. دلیلش این است که بنده اوضاع تحول را در سازمان پژوهش کاملاً رصد می‌کنم و اطلاع دارم و می‌دانم در تک تک گروه‌ها چه می‌گذرد. می‌دانم که برخی از گروه‌ها با مسئله تحول خیلی قوی و متعهدانه برخورد می‌کنند و در برخی از گروه‌ها ضعف داریم و باید این ضعف‌ها را برطرف کنیم.

رئیس سازمان پژوهش در ادامه به رسالت سازمان پژوهش اشاره کرد و گفت: اولاً این را بدانید که تحول در شرایط کنونی رسالت ما است نه صرفاً وظیفه‌ی ما. بین رسالت و وظیفه یک تفاوت ظریفی وجود دارد. اگر یک سازمان یا فرد وظیفه‌ی خود را انجام ندهد از کارآمدی او کاسته می‌شود اما

اگر رسالت خود را به درستی انجام ندهد موجودیتش زیر سوال می‌رود چون رسالت رابطه مستقیم با فلسفه وجودی یک چیز دارد. اگر یک سازمان بگوید رسالت من این است یعنی پرچم موجودیت خود را به اهتزاز درآورده است. اگر رسالت خود را به درستی انجام ندهد آن پرچم افول می‌کند و پایین می‌آید و آن گروه، سازمان و فرد زیر سوال می‌رود. در داخل رسالت، وظایف نهفته است ولی درون وظیفه لزوماً رسالت نهفته نیست.

ملکی بیان کرد: آیا رسالت سازمان پژوهش این است که عده‌ای دور هم جمع شوند و مطالبی بنویسند و آن مطلب را در یک جلدی مدون کنند و به چاپ برسانند و نام عده‌ای از مؤلفان هم در پشت جلد درج شود؟ حقیقتاً این رسالت ما نیست. اگر ما به کار خودمان این گونه بیاندیشیم شدیداً دچار کاهش عملکرد شده‌ایم و این برای سازمان پژوهش روا نیست. رسالت ما این است که برنامه تحولی برای رشد همه جانبه متربی طراحی کنیم. امانت‌های الهی که همان دانش‌آموزان هستند را به ما سپرده‌اند و رسالت ما رشد همه جانبه آن‌هاست. ما بر محوریت فطرت و رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی وظیفه داریم که فطرت‌پروری کنیم و برای رشد فکری کودکان غذای فکری مناسب و رشد‌دهنده تهیه کنیم.

انجام تحول شاخص‌ها و لازمه‌هایی دارد.

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: اگر موضوع تحول در زمان حاضر قدری شدیدتر و عمیق‌تر مطرح می‌شود معنایش این نیست که رسالت سازمان از آن اول تحول نبود. سازمان از همان ابتدا برای تحول به وجود آمده است، منتها این رسالت عظیم بعضی سال‌ها فراموش شده و بعضی سال‌ها قوت پیدا کرده است. در شرایط کنونی بنا به دلایلی مسئله تحول در برنامه‌های درسی ما به یک امر عظیم و مهم رسالتی تبدیل شده است. این رسالت یک رسالت جدید نیست، بلکه ما رسالتی که طی سال‌ها قدری ضعیف شده بود را احیا کرده‌ایم.

وی افزود: اگر ما این رسالت را نتوانیم انجام بدهیم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی زیر سوال می‌رود. در آن صورت حقیقتاً باید در موجودیتش تردید کرد. ما باید مطمئن شویم که با شاخص‌های معینی در انجام این رسالت؛ درست عمل می‌کنیم. البته انجام این رسالت نیازمند شاخص، نیازمند ارزشیابی درست و نیازمند کنکاش‌های علمی عمیق است.

حسن ملکی خاطر نشان کرد: از بالاترین مسوول این کشور که مقام معظم رهبری باشند تا آموزش و پرورش که من و شما عضو آن هستیم و تا خانواده‌ها و دانش‌آموزان؛ همه دنبال این تحول هستند. به طور قلبی و ریشه‌ای پذیرا باشیم که همه کشور در انتظار تحول است.

تعهدات سازمان پژوهش در قبال تحول

رئیس سازمان پژوهش در حضور مدیران سازمان تعهدات این سازمان در قبال تحول را برشمرد و درباره آن‌ها توضیح داد. ملکی به تعهد انقلابی سازمان اشاره کرد و گفت: انقلاب اسلامی ایران برای دگرگونی و تحول به وجود آمد. مگر ما شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی را فراموش کرده‌ایم؟ شما شعار نه شرقی نه غربی را بیاورید در سازمان پژوهش پیاده کنید. معنایش این می‌شود که نه الگوهای غربی می‌تواند ما را در برنامه‌های درسی نجات بدهد و نه الگوهای مارکسیستی، بلکه الگوهای جوشیده از درون می‌تواند ما را نجات بدهد.

ملکی افزود: ما قبل از تعهد انقلابی یک تعهد دینی هم داریم. ما در جایی که قرار گرفته‌ایم یک لحظه نباید فراموش کنیم که خداوند متعال امانت‌هایی را در اختیار ما گذاشته است و ما نباید به این امانت‌ها خیانت کنیم. برنامه‌های درسی زمانی خائن می‌شوند که سازمان پژوهش رسالت خود را فراموش کرده و درست عمل نکند. ما از جهت دینی متعهد هستیم. کسی یا نباید وارد سازمان پژوهش شود و یا اگر شد باید رسالت دینی، انقلابی و اجتماعی سازمان را بفهمد. مردم از ما طلب تعلیم و تربیتی دارند.

رئیس سازمان با بیان این که ما یک تعهد حرفه‌ای هم داریم، اظهار داشت: هر کسی متعهد به هر حرفه‌ای می‌شود باید سبقه‌ی آن حرفه را بفهمد. وقتی یک نفر کارشناس برنامه درسی یکی از گروه‌های تربیت و یادگیری شد، متعهد حرفه‌ای شده است. نمی‌تواند سستی کند و کار را طبق وظیفه‌اش انجام ندهد. بنده به‌عنوان مسوول سازمان پژوهش اگر کار نکنم خائن هستم. هر دوست دیگری هم اگر کار نکند همین‌طور است.

بخش سوم

مختصات برنامه درسی تحولی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: بنده در روزهای اخیر یک‌بار دیگر از خودم سوال کردم که برنامه درسی تحولی مورد انتظار چه مختصاتی باید داشته باشد؟ و بعد تصورات خودم را روی کاغذ آوردم و آن را به صورت مکتوب خدمت اعضای محترم و مسوولان محترم گروه‌های تربیت و یادگیری تقدیم خواهم کرد. برنامه درسی تحولی باید یک سری ویژگی‌های کلی داشته باشد که این ویژگی‌ها وقتی در یک گروه خاص قرار می‌گیرد رنگ آن گروه را می‌گیرد. من با آن بخشش دیگر کاری ندارم. آن را شورای برنامه‌ریزی درسی گروه باید تشخیص بدهد. من به‌عنوان متخصص برنامه‌ریزی درسی و کسی که کار را می‌شناسم چند مطلب را به شما عرض می‌کنم.

۱- ویژگی ارزش‌مداری برنامه‌های درسی

حسن ملکی سپس ویژگی‌های برنامه درسی تحولی را بیان و تحلیل کرد. وی بیان کرد: یکی از ویژگی‌های برنامه درسی تحولی براساس اسناد تحولی، ارزش‌مداری برنامه‌های درسی است. این ارزش‌مداری در برنامه‌های درسی غربی شاید چندان عیان، روشن و صریح بیان نشود، به دلیل اینکه یک شعاری به نام "جدایی دانش از ارزش" بر افکار و اندیشه‌ها غلبه کرده است که اسناد تحولی ما این شعار را قبول ندارد. ما نمی‌توانیم بگوییم علم یعنی جدای از اخلاق و ارزش‌ها. ما به مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها هم با نگاه علمی نگاه می‌کنیم. متن برنامه‌های درسی ما صرفاً توصیف نباید باشد. توصیف همراه با بایدها و نبایدهای ارزشی و اخلاقی آمیخته به آن متن علمی باید باشد. باید ارزش‌مدار عمل کنیم که ارزش‌مداری همان جهت‌گیری می‌شود. علم ما جهت دارد. آن شعاری که گاهی گفته می‌شود علم برای علم، غلط است. آن‌چه که مسلم است این است که ما علم را با جهت‌گیری ارزشی می‌پذیریم. دانش و ارزش آمیختگی دارند و دو چیز متفاوت نیستند. ما باید به این توجه کنیم.

۲- ویژگی علمی بودن برنامه‌های درسی

حسن ملکی به ویژگی علمی بودن برنامه درسی تأکید کرد و گفت: علمی بودن چند وجه دارد. یک وجهش این است که در هر گروه تربیت و یادگیری مشخص شود که نظریه‌های علمی معتبر در آن گروه و در آن رشته علمی کدامند. این را شورای برنامه‌ریزی درسی هر گروه می‌تواند تشخیص بدهد، شورایی که دو یا سه نفر متخصص صاحب نام و پذیرنده‌ی اسناد بالادستی در آن حضور دارند. بعضی از صاحب‌نظران با اسناد ما زاویه دارند که ما آن‌ها را نمی‌توانیم دعوت کنیم چرا که ما دنبال این نیستیم که گروه‌های درسی خودمان را محل مناقشه قرار بدهیم. این‌جا جای مناقشه نیست بلکه جای همراهی است. لذا متخصصان علمی را دعوت کنیم ولی نه هر متخصص علمی. بعضی‌ها اسناد بالادستی ما را از بیخ و بن قبول ندارند. آن‌ها نمی‌توانند به ما کمک کنند. شورای برنامه‌ریزی ما باید شورای همگن و همراه باشد. شورای برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش محل مناقشه نیست. دکتر ملکی تأکید کرد: وجه دوم علمی بودن این است که ما یک علمی به نام برنامه‌ریزی درسی داریم و کاری که انجام می‌دهیم نیز برنامه‌ریزی درسی است، بنابراین بدون حضور حداقل یک متخصص برنامه‌ریزی درسی در شوراها کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم.

۳- ویژگی ارتباطات رشته‌ای برنامه درسی

ملکی گفت ویژگی دیگر برنامه درسی تحولی ارتباطات رشته‌ای است و در این باره توضیح داد: من این جا تعمداً اسمش را بین رشته‌ای نگفتم، به دلیل این که بین رشته‌ای یکی از مصادیق ارتباط است و همه‌ی ارتباطات نیست. رشته‌های مختلف چند جور می‌توانند با هم مرتبط شوند که یکی از آن‌ها بین رشته‌ای عمل کردن است. روش‌های دیگر چند رشته‌ای عمل کردن و موازی عمل کردن است. اما مرادم از ارتباطات رشته‌ای این است که برنامه‌ی درسی تحولی مجزا از سایر برنامه‌های درسی نباید تلقی شود. به بیان دیگر، مجزایی و مجزائگری در فضای تحولی ممنوع است. ارتباطات رشته‌ای به وسیله ارتباط بین گروه‌ها می‌تواند محقق شود. تا بین‌الذنهانی نباشد؛ اینگونه بین برنامه‌های درسی ارتباط برقرار نخواهد شد. ارتباط رشته‌ها اول باید در ذهن کارشناسان گروه‌های مختلف پذیرفته شود. مدیران محترم گروه‌های ما باید بپذیرند که به نفع‌شان است با سایر گروه‌های درسی بنشینند و گفت‌وگو کنند و به وجوه مشترک بیاندیشند و آن وجوه را در برنامه‌های درسی کشف کنند و آن‌ها را بروز و ظهور بدهند.

۴- ویژگی جامع‌نگری

و همه‌جانبه‌نگری برنامه درسی تحولی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی گفت: ویژگی دیگر برنامه درسی تحولی، جامع‌نگری و همه‌جانبه‌نگری برنامه‌های درسی تحولی است. ما در سند برنامه درسی خودمان ساحت‌های مختلفی داریم. یک نگاه این است که تقسیم کار کنیم. یعنی بگوییم که ساحت مربوط به اجتماعی مربوط به گروه مطالعات اجتماعی است. یا بگوییم ساحت مربوط به بهداشت و تربیتی مربوط به گروه خودش است. یعنی هر کسی سهم خودش را بردارد. بنده این را مناسب نمی‌دانم و این را مضر می‌بینم. مناسب این است که هر گروهی ضمن این که به ساحت نزدیک به خودش فکر می‌کند و مفاهیم و مهارت تولید می‌کند به این سوال پاسخ بدهد که ساحت‌های دیگر چه جایگاهی در رشته من می‌توانند داشته باشند؟ اگر بگوییم اصلاً جایگاهی ندارند معنایش این است که ما در تعلیم و تربیت می‌خواهیم تجزیه‌ای عمل کنیم. معنایش این است که ما می‌خواهیم وجود کودک را چند تکه کنیم. اما اگر اعتقاد داشته باشیم که کودک یکپارچه است این ما را ملزم می‌کند که در برنامه درسی خودمان یکپارچه نگر و وحدت‌نگر باشیم و مجزائگر نباشیم. مجزائگری گاهی وقت‌ها تبدیل به مسلخ و قربانگاه تربیت می‌شود. ما باید جمع‌نگر باشیم و جامع‌نگری یعنی همه ساحت‌ها را دیدن و به جایگاه هر ساحتی در برنامه درسی خود اندیشیدن و به همدیگر کمک کردن.

۵- ویژگی تفکر محوری برنامه درسی تحولی

رئیس سازمان پژوهش و ویژگی دیگر برنامه درسی تحولی را تفکر محوری دانست و در این بار گفت: تفکر محور به این معناست که اولاً محتوای دروس و ثانیاً سایر فعالیت‌های فرا درسی باید مجموعه‌ای از فرصت‌ها باشند که دانش‌آموزان در دل آن فرصت‌ها اندیشه‌ورزی و فکر کنند. انسان زمانی متفکر می‌شود که با مسئله‌ها مواجه شود. فلذا مسئله‌محوری باید در کتاب‌های درسی ما معنا و مفهوم پیدا کند. کتاب درسی نباید به‌عنوان یک سفره باز که همه چیز در آن حاضر و آماده است تلقی شود. کتاب درسی یک سفره نیمه باز است. باید فرصت‌هایی را فراهم کنیم که یادگیرنده تمرین و تفکر کند تا خلاق و مبتکر شود و بخش دیگری از سفره را باز کند. این همان موضوعی است که در اسناد تحولی ما با واژه‌های مختلفی نظیر خلاقیت، ابتکار و تفکر معرفی شده است.

دکتر حسن ملکی در ادامه بیان کرد: آنچه که عرض کردم همه ویژگی‌های برنامه درسی تحولی نیست. خواستیم اهم آن‌ها را خدمت مسوولان محترم گروه‌ها عرض کنم و تقاضا داشته باشم که ما یک‌بار در بحث تحول اصطلاحاً کلاه خود را قاضی کنیم تا ببینیم آن‌طور که حرکت می‌کنیم شایسته ما است و با مأموریت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تناسب دارد و ما را به مقصود می‌رساند یا نه.

نگذاریم سازمان دچار اندوه حرفه‌ای شود

رئیس سازمان پژوهش در جمع اعضای شورای مدیران سازمان تقاضا کرد: برادران و خواهران عزیز، سازمان پژوهش را دریابیم. آن چیزی که به‌عنوان قلب آموزش و پرورش از آن یاد شد را فراموش نکنیم. این قلب به‌بالتنگی و طراوت احتیاج دارد. یکی از چیزهایی که قلب را ناکارآمد می‌کند اندوه است. ما نگذاریم اندوه حرفه‌ای بر ما مسلط شود. اندوه حرفه‌ای مدیر را پیر می‌کند. نگذاریم سازمان پژوهش دچار اندوه حرفه‌ای شود.

تحت ۵ عنوان راجع به هدفها نکاتی را عرض می‌کنم.

۱) استخراج (استنباط) هدفها

منظور از استخراج هدفها، استخراج از مطالعات، داده‌ها، تحقیقات و هر آنچه است که شما به آن‌ها مراجعه می‌کنید تا به داده‌ها و اطلاعات و بعد به هدف برسید. یک نکته‌ای وجود دارد که در گزارش‌هایی که ارائه شد احساس می‌کنم کمتر به آن توجه شده است. یک مرتبه می‌گویید ما با ۱۵۰ هدف مواجه هستیم. اشکال کار این است که شما داده را با هدف اشتباه می‌گیرید. بحث هدف است نه داده و دیتا. ممکن است شما فرضاً تجارب سایر کشورها را مطالعه بفرمایید و از این تجارب سایر کشورها با دید داده‌نگری به ۳۰۰ داده برسید و با دید هدف‌نگری به ۵ هدف برسید. وقتی که دید شما هدف شد دیگر آن برآمده از تعاملات، مطالعات و برقراری ارتباط بین داده‌ها و این‌طور مسائل است. دیگر امکان ندارد ۱۵۰ هدف داشته باشید. اگر داشتید قطعاً کارتان ناصحیح است. آنجا داده‌ها به جای هدف نشسته است. مبادا فکر کنید که هر داده یک هدف برای شما است. ممکن است ۳۰ داده جمعاً پخته شود و بشود دو قلم هدف. می‌خواهم بگویم شما تمرین و تجربه کنید تا ببینید عرض من درست از آب در می‌آید یا نه.

۲) بیان هدفها

بیان هدفها در هر سطحی؛ از زبان یادگیرنده است. هیچ موقع هدف از زبان یاددهنده ارائه نمی‌شود. یعنی ما باید از زبان یادگیرنده بیان کنیم. چه در هدفهای کلی حوزه‌تان باید از زبان یادگیرنده حرف بزنید و چه در سطوح پایین‌تر. فرقی در سطح انتظار است. یک جا خیلی کلی حرف می‌زنید و یک جا هم وقتی به پایه‌ها و دوره‌ها می‌رسید انتظارتان را پایین‌تر می‌آورید، اما باز هم از زبان خود یادگیرنده حرف می‌زنید. نکته دیگر این است که در هدفهای مثلاً دوره ابتدایی و بعد هدفهای هر پایه در آن دوره، هدفها دیگر هدفهای عملکردی هستند. شما هدفهای عملکردی را رها نکنید. ضرر نمی‌کنید. شما هدفها را عملکردی بنویسید؛ هدفهای عملکردی ناظر به آن رفتار و عملی است که شما انتظار دارید

یادگیرنده شما با آموختن این موارد، آن رفتار در او بارز شود و نشان داده شود. توجه داشته باشید که اگر هدف‌های عملکردی نوشتید این همان شایستگی‌های شما است. نگران این مسئله نباشید.

۳) سطح‌بندی هدف‌ها

سطح‌بندی هدف‌ها از چه قواعدی تبعیت می‌کند؟ بنده سه اصل به شما می‌گویم؛ اصل توالی، اصل پیچیدگی و اصل وسعت. شما در سطح‌بندی هدف‌هایتان به این سه اصل پای‌بند باشید. اصل توالی یعنی این که وقتی شما هدف‌های پایه اول را نوشتید، هدف‌های پایه بعدی‌تان در ادامه هدف‌های پایه اول باشد. این توالی است که بعد با یک اصل دیگری به نام اصل پیچیدگی تکمیل می‌شود. یعنی توالی باید با پیچیدگی تدریجی همراه باشد. مثلاً هدف‌های پایه دوم ادامه هدف‌های پایه اول است ولی عین آن نیست. هدف‌ها پیچیده می‌شود چون وارد سطح بالاتری شده‌اید. وقتی وارد دوره اول متوسطه می‌شوید باید هدف‌هایی بنویسید که در ادامه دوره ابتدایی باشد. سومین اصل هم اصل وسعت است. نمی‌دانم وقتی شما اصل وسعت را می‌شنوید چه به ذهن‌تان می‌آید. وسعت، نفوذ مفهومی یک هدف در هدف‌های دیگر است. یا به بیان ساده‌تر و معروف‌تر، همین برقراری ارتباط افقی است. در اینجا ارتباط بین اهداف معنا پیدا می‌کند. در اینجا است که هدف‌های مطالعات اجتماعی ما باید براساس اصل وسعت با هدف‌های زبان و ادبیات فارسی بر مبنای اصل وسعت، قلمروهای نفوذ مشترک داشته باشد. این مسئله از طریق سه چیز حاصل می‌شود. یکی این است که هر یک از این حوزه‌ها که هدف‌هایشان را تنظیم می‌کنند برای این که وسعت را محقق کنند، بیانیه‌ها را خوب بخوانند. یعنی هر کسی بیانیه حوزه دیگری را بخواند. در این صورت انتظارات متقابل خودش را خود به خود نشان می‌دهد. موضوع دوم گفت‌وگوهای بین حوزه‌ای است که بنده به آن تأکید می‌کنم. نمی‌دانم اصلاً چنین گفت‌وگو‌هایی شده است یا نه. می‌خواهم بگویم به این گفت‌وگوها ادامه بدهید. گفت‌وگوی بین حوزه‌ای شما را در اعمال اصل وسعت موفق می‌کند. اگر این کار را نکنید در اصل وسعت شکست می‌خورید. مورد سوم هم قرار گذاشتن یک سری هدف‌های مشترک است. این هدف‌های مشترک را از کجا گرفته‌اید؟ از همان برنامه درسی ملی و اسناد بالادستی. به همین خاطر است که می‌گویم شما اسناد بالادستی را رها نکنید. هر چند وقت یک‌بار مراجعه کنید تا اتصال ذهن‌تان حفظ شود.

۴) سازمان هدفها

ما باید ببینیم هدفها را می‌بایست در چه قالبی ارائه بدهیم. آیا همین طوری و کلی می‌توانیم بگوییم اینها هدف اول تا ششم ما هستند یا باید به هدفها یک سازمانی بدهیم؟ باید سازمان بدهیم. سازمان هدفها از سازمان یادگیری تبعیت می‌کند. سازمان یادگیری چیست؟ یادگیری موثر دارای سه رکن است؛ (۱) شناخت، (۲) ارزشها و نگرشها و (۳) تواناییها و مهارتها. واقعاً چهارمی ندارد. یعنی اگر کسی یک موضوعی را از جهت ذهنی خوب بشناسند و ارزشها و نگرشهای مربوط به آن قلمروها در وجودش درونی شده باشد و مهارت‌های مربوط به آن حوزه را هم کسب کند، این سه می‌شود مثلث یادگیری موثر. این که در الگوی هدف‌نویسی مان، ۵ عنصر از جمله ایمان و علم را داریم برای این است که از پر کردن آن جدول به شایستگی‌های پایه برسیم. آن‌ها نمی‌توانند سازمان هدفها باشند. پیشنهاد من برای طبقه‌بندی هدفها این است که ما شناختها، ارزشها و نگرشها و نیز تواناییها و مهارتها را بنویسیم و در آن قالب هدفهایمان را ارائه بدهیم.

۵) ارتباط هدفها

ارتباط هدفها نیز همان مبحثی است که تحت عنوان اصل وسعت بیان کردم. نظر به اهمیت برنامه‌ریزی درسی در حوزه فنی حرفه‌ای و کاردانش، مهم‌ترین نسبت‌هایی که در برنامه‌ریزی درسی توسط کارشناسان باید مورد توجه قرار گیرد طی جلسه‌ای با دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری آموزش فنی حرفه‌ای و کاردانش بیان شد. در ادامه بخشی از دیدگاه‌های ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را می‌خوانیم:

بخش پنجم نسبت‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش در برنامه‌ریزی درسی

احساس من این است که ما باید نسبت بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را با چند چیز معلوم کنیم. اگر برای معلوم کردن این نسبت به بحث، مطالعه، گذشته‌نگری و سر زدن به تجربیات کشورها نیاز داریم باید این کارها را انجام بدهیم. ما الآن فقر اطلاعاتی نداریم، اما ممکن است فقر تولید نرم‌افزاری داشته باشیم. یعنی نتوانیم بر پایه اطلاعاتی که داریم نرم‌افزارهای مورد

نیاز خودمان را تولید کنیم. در اینجا نرم‌افزار مورد نیاز ما همان الگوهای برنامه‌ریزی درسی و اسناد زیرمجموعه تحول بنیادین است که در فنی و حرفه‌ای به آن نیاز داریم. اکنون نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را با ده موضوع مختلف مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

۱) نسبت فنی و حرفه‌ای و کاردانش با هنرجو

نسبت اول نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با خود هنرجو و فرد است. روی این قضیه چقدر فکر شده است؟ هنرجو به‌عنوان یک انسان، بعد روان‌شناسی، بعد جامعه‌شناختی و بعد فلسفی دارد، اما آیا انصافاً این‌ها را شناخته‌ایم؟ زمانی که جلسه شورای راهبری را راه‌اندازی کردیم دنبال همین مسائل بودیم. گفتیم ما اگر بخواهیم در فنی و حرفه‌ای حرف تازه‌ای بزنیم باید مبنا کاوی کنیم تا حرف‌های ما قوی باشد. شما بگویید از کدام نظریه روان‌شناسی بهره‌برداری می‌کنید؟ جواب‌تان چیست؟ این‌ها مسائل اساسی است. اگر به این‌ها فکر نکنیم و وارد کار شویم سال‌های آتی هم اگر عمری باشد و ما دوباره رو در رو قرار بگیریم باز همین حرف‌ها مطرح خواهد شد. به خاطر اینکه ما نیامده‌ایم علایق و نیازهای هنرجوها را بررسی کنیم و بشناسیم.

۲) نسبت فنی و حرفه‌ای و کاردانش با جامعه

نسبت دوم نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با جامعه است. شما نسبت به جامعه چه تحلیلی دارید؟ رویکرد شایستگی محور در سال ۱۳۹۰ طراحی شده است. خوب، از آن سال تا حال ۹ سال دارد می‌گذرد، در این ۹ سال تحلیل اجتماعی شما چیست؟ چه چیزی در این خصوص دارید؟ چه مقدار موفق شده‌اید مسائل اجتماعی جامعه را درک کنید؟ شما به خوبی بدانید که اگر برنامه‌ریز درسی نسبت به مسئله‌ها نابینا باشد نمی‌تواند راه را برود. بعضی از مسئله‌ها عام و بعضی از مسئله‌ها خاص است. مثلاً مسئله پیر شدن جمعیت در جامعه ما مسئله عام است و به همه مربوط است. فنی و حرفه‌ای و غیر فنی و حرفه‌ای باید به این مسئله بنگرند، اما مسائل مربوط به قلمرو شما کدام مسئله‌ها است؟ ما به‌عنوان کارشناس باید مسائل اجتماعی حوزه فنی و حرفه‌ای را بشناسیم. در مورد مسائل اجتماعی ما یک جامعه ملی داریم و یک جوامع محلی. من به شما عرض کنم که اگر برنامه درسی فنی و حرفه‌ای امروز ما نتواند نسبت خودش را با مسائل بومی حل و فصل کند ما از چه تحولی می‌توانیم حرف بزنیم؟ جامعه ملی یک حلقه کار ما و جوامع محلی و منطقه‌ای یک حلقه کار دیگر است.

۳) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با علم

آیا شما برنامه‌ای درسی سراغ دارید که با علم مرتبط نباشد؟ مصداق علم فرق می‌کند، خود علم که غایب نیست. شما تا به حال فکر کرده‌اید که فنی و حرفه‌ای و کاردانش با کدام یک از رشته‌های علمی باید پیوند بخورد؟ خوب ما برنامه درسی شیمی را داریم که باید با علم شیمی و برنامه درسی جامعه‌شناسی داریم که باید با علم جامعه‌شناسی پیوند بخورد. خود برنامه درسی را هم داریم که باید با علم برنامه درسی پیوند بخورد. شما با کدام علم و دیسیپلین پیوند دارید؟ نسبت شما با علوم پایه و علوم فنی و مهندسی چیست؟ اگر ما نسبت به برنامه درسی مان با علوم مربوط و متناسب شفاف نباشیم به فقر علمی و یا به تورم علمی مبتلا می‌شویم. قطعاً دچار یکی از این دو مشکل خواهیم شد.

۴) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با برنامه درسی ملی

این نسبت کاربردی‌تر است. نسبت شما با برنامه درسی در کجاها است؟ من الگوی مفهومی که دوستان برایش بسیار زحمت کشیده‌اند را نگاه کردم ولی حالا می‌خواهم بپرسم الگوی تعیین هدف که در برنامه درسی ملی آمده جایگاهش در کار شما کجاست؟ شش دانگ حواس‌تان باشد که الگوی تدوین هدف در برنامه‌ریزی‌های درسی ما یکی از منابع تدوین هدف ما است نه همه هدف ما. ما به‌وسیله آن الگوی تدوین هدف می‌رسیم به شایستگی‌های پایه، اما برنامه‌های درسی ما فقط شایستگی‌های پایه نیست. شایستگی‌های پایه فقط یکی از آن اضلاع است. شما هدف‌های مصوب دوره‌های تحصیلی را دارید. شما هدف‌های ویژه برخاسته از نیازهای خاص خودتان را دارید. شما هدف‌های برگرفته از نظام جامع را دارید. خیلی چیزها هست که در ظرف تعیین الگوی هدف نمی‌گنجد و قرار نمی‌گیرد. الگوی تعیین هدف برنامه درسی ملی ارزشمند است ولی جامعیت برای تدوین برنامه‌های درسی را ندارد.

۵) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با انتظارات فوقانی دستگاه‌های عالی کشور

شما در این مورد تا به حال چه تحلیلی داشته‌اید؟ نسبت شما با مصوبات شورای عالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا نسبت شما با سیاست‌های کلی که حضرت آقا اعلام فرموده‌اند چیست؟ در این خصوص چه نسبتی را تحلیل کرده‌اید؟ ما از طرفی تابع این‌ها هستیم و نمی‌توانیم بگوییم ما عمل

نمی‌کنیم. شورای عالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شورایی است که معاون رئیس‌جمهور رئیس آن است و مصوبات آن برای همه لازم‌الاجرا است. ما آن مصوبات را داریم و از طرفی منابع خودمان را هم داریم، پس در میان این کثرت‌ها راه این است که شما با یک هم‌نگری به وحدت برسید. شما چاره‌ای جز با هم‌نگری و ترکیب ندارید.

۶) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش با برنامه‌های درسی با تجربه‌های جهانی

بنده روی این نسبت خیلی تأکید می‌کنم. آن‌هایی که از تفکر بنده خبر دارند می‌دانند که هرگز در اسناد و الگوها، خودمان را محتاج تجربیات جهانی نمی‌دانم. الگو باید متعلق به خودمان باشد. ما اگر الگو و مدل را از آن‌ها بگیریم باخته‌ایم به دلیل آنکه یک الگو طرفدارانش را رهبری می‌کند. ما اگر با سند ۲۰۳۰ مخالفت می‌کنیم به خاطر این است که سند ۲۰۳۰ یک چتر است و ما زیر آن چتر نمی‌رویم. ما چتر درون‌زای خودمان را داریم. شما اگر زیر بار یک سند رفتید آن سند بند انسان می‌شود. دیگر سخت است که انسان بتواند از جهت فکری و نرم‌افزاری از آن‌ها بی‌پیدا کند. لذا در همین زمینه فنی و حرفه‌ای هم الگوهای ما باید مال خودمان باشد ولی از تجربیات جهانی هم استفاده کنیم.

۷) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش با وضع موجود

شما چه نسبتی می‌خواهید با وضع موجود برقرار کنید؟ وضع موجود همان واقعیت‌هایی است که الآن وجود دارند و حل نشده‌اند و یا حل شده‌اند ولی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند. چنانچه برنامه درسی مناسب هم طراحی کنیم ولی در وضع موجود زیر ساخت‌های لازم را در هنرستان‌ها نداشته باشیم برنامه شما سامان نخواهد گرفت. از شما تقاضا می‌کنم که شما یک تحلیل دقیق از نقاط ضعف و نیازهای مربوط به زیرساخت‌ها داشته باشید تا ما از حالا اقدام کنیم. ما الآن باید نواقص را برطرف کنیم. اگر این نواقص را برطرف نکنیم خبری از تحول در فنی و حرفه‌ای نیست. این‌ها وضع موجود هستند، منتها آیا انصافاً از وضع موجود تحلیل مهندسی شده دارید؟

۸) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با تحولات عصر کنونی

عصر کنونی برای خودش یک اقتضائاتی دارد. این غیر از تجربیات جهانی کشورها است. این از برآیند همه تجربیات در دنیا شکل می‌گیرد. مثلاً یکی از چیزهای عصر کنونی که سایر کشورها هم گرفتارش هستند این است که هر هنرجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود قبل از این که وارد دانشگاه شود باید حداقل در یک زمینه واقعاً مهارت داشته باشد. این نیاز عصر کنونی است. اگر فارغ‌التحصیلان ما مهارتی را یاد نگرفته باشند به چه دردی می‌خورند؟ البته خوشبختانه مسؤولان کشور از حضرت آقا تا سطوح پایین، همه این مسئله را متذکر می‌شوند، اما واقعاً مایل هستیم که شما بگویید در نگاه برنامه‌ای خود برای این مطلب چه کار کرده‌اید و چه باید کرد. الان نقطه ضعف بسیار بزرگ نظام تعلیم و تربیت ما همین ضعف در مهارت‌ها است.

۹) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با امتداد تحصیل

این نسبت با آموزش عمومی ارتباط پیدا می‌کند. ما باید از رویکرد آموزش عمومی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش استفاده کنیم. باید مهارت‌های خیلی عمومی و پایه از دوره دبستان در برنامه‌های تحصیلی گنجانده شود و بعد که وارد دوره اول متوسطه می‌شویم آن مهارت‌ها قدری وسیع‌تر و عینی‌تر مطرح شوند. در این صورت در دوره دوم متوسطه دو اتفاق مبارک می‌افتد، یکی اینکه گویی این فرد یک هدایت تحصیلی شده است چون یک سری آموزش‌های پایه را در عرصه‌های فنی و حرفه‌ای و کار یاد گرفته است و الان که می‌خواهد مسیر خودش را انتخاب کند آگاهانه‌تر انتخاب می‌کند و احساس غربت نمی‌کند. این اثر آموزش عمومی است. یعنی دانش‌آموز به‌عنوان شهروندی که از دوره ابتدایی یک سری آموزش‌ها را یاد گرفته است وارد شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌شود و مسیر خودش را خوب انتخاب می‌کند. این یک اثر است و اثر دوم این است که در آموزش‌های یادگیری درست و عمیق اتفاق می‌افتد چون بنیان‌ها را دارد. بخش عمده این کار را باید حوزه کار و فناوری انجام بدهد و بعد برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ادامه تولیدات حوزه کار و فناوری معنادار می‌شود.

۱۰) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با علوم انسانی

این یعنی بگوییم که نسبت برنامه‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری با برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش چیست. آیا این‌ها دو خط موازی‌اند و هیچ نسبتی با هم ندارند؟ یا دو خط موازی هستند که نقطه‌های ارتباط با هم دارند؟ مورد دوم صحیح است ولی باید ببینیم آن نقطه‌های ارتباط کجاست. من اعتقاد این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با وارد کردن برخی مفاهیم علوم انسانی تلطیف می‌شوند و آموزش‌های نظری علوم انسانی با وارد کردن مفاهیم و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کارآمد و غنی‌تر می‌شوند. حالا این داد و ستد چگونه و در کجا انجام بگیرد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال جلسات مشترک میان گروه‌ها باید شکل بگیرد.

بخش آخر تأکید دکتر ملکی به ۶ اصل مهم مدیریتی

رئیس سازمان پژوهش سپس در جمع مدیران سازمان گفت: بنده چند نکته‌ای را در هیات رئیسه مطرح کردم، ما در بحث مدیریت در شرایطی که الآن در آن قرار داریم به چند اصل باید توجه کنیم:

۱- **اصل افتناع کارشناسان:** ما نباید فراموش کنیم که با یک عده کارشناس مواجه هستیم و کارشناس هم تا قانع نشود آرام نمی‌گیرد. ما سعی کنیم با کارشناسان منطقی و مدلل حرف بزنیم و آن‌ها را قانع کنیم.

۲- **اصل تکریم و حفظ حیثیت و شرایط آدم‌ها:** من شدیداً به این باور دارم که اگر شما به آدم‌ها احترام بگذارید آن‌ها برای انسان جان فدا می‌کنند. بنابراین درخواستم این است که از شخصیت آدم‌ها مراقبت کنیم.

۳- **اصل نظارت:** نظارت‌مان را از دست ندهیم چون اگر نظارت نباشد احتمال انحراف وجود دارد. به خود بنده باید آقای وزیر نظارت کنند و بنده باید نسبت به مدیران سازمان نظارت داشته باشیم. به خود آقای وزیر هم قاعداً رئیس‌جمهور باید نظارت کند. قاعده این‌طوری است. من تأکیدم این است که شما هم ناظر افراد زیر دست خود باشید.

۴- **اصل قاطعیت:** قاطعیت با استبداد فرق دارد. قاطعیت توأم با مهربانی است. مهربان باشید ولی قاطع باشید. مدیر باید قاطعیت همراه با مهر داشته باشد. مدیر یک‌جا باید ببرد و پیش

برود. ما نمی‌توانیم متوقف شویم. کار باید پیش برود، اما پیش رفتنی که با یک مهرورزی و محبت توأم باشد.

۵- اصل پیگیری: همه امور باید پیگیری شوند. پیگیری اکسیر مدیریت است. پیگیری نباشد کارها می‌ماند. بهترین کارها ممکن است بدون پیگیری ابتر بماند.

۶- اصل چابک‌سازی: سعی کنیم بخشی که داریم در آن انجام وظیفه می‌کنیم را فعال و چابک کنیم. نگذاریم خمودگی ایجاد شود. هر جا دیدیم یک خمودگی عارض شده است علتش را پیدا کنیم. همه ما باید مراقب این مسئله باشیم و جلوی خمودگی را بگیریم.

و در پایان درخواستم این است که فهم درست از امور و واقعیت‌ها داشته باشیم. شاید این فهم درست به همان عصاره عرایضم برمی‌گردد. فهم تحول مسئله مهمی برای ما است. وقتی تحول را خوب بفهمیم انشاءالله برنامه‌ریزی‌هایمان در مسیر درست خود پیش خواهد رفت.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نقشه

راه

تحول فطرت گرا



مقدمه

سند تحول آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی دو منشور بنیادین و ضروری هستند که طی چند سال مطالعه دقیق و بحث‌های کارشناسی توسط تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران و کارشناسان طراحی و تولید شده و نظام تعلیم و تربیت کشور را از جهت مبنایی نیاز ساخته است. البته از مطلق و بی‌عیب معرفی کردن آن‌ها نیز باید پرهیز کرد زیرا که احتمالاً هر مطلب ساخته‌ی انسان دارای نواقص و محدودیت‌هایی است که برخی از آن‌ها در طول زمان معلوم می‌شود. لکن تا زمانی که اعتبار این قبیل اسناد باقی است باید مورد اعتنای جدی قرار گیرند و توسط برنامه‌ریزان و عاملان به اجرا درآیند. طی نُه سال که از تصویب این اسناد سپری می‌شود چند مواجهه با این‌ها انجام گرفته است، گاهی عده‌ای اظهار می‌کردند که اصولاً ما چه نیازی به این نوع اسناد داریم. این‌ها مانع تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی هستند و نباید خیلی «سند» «سند» گفت. این گروه احتمالاً کسانی هستند که اصولاً با تبعیت از یک سند که طبق نظام فلسفی و فکری مقبول در آن تدوین شده است؛

مشکل دارند. بعضی‌ها این طور هستند و قیود بالاسری را بر نمی‌تابند. گروه دوم نیز کسانی هستند که به طور صریح با اسناد تحولی مخالفت نمی‌کنند ولی به آن‌ها حساس هم نیستند شاید اگر احساس کنند که توجه به این اسناد به افول گراییده خوشحال نیز می‌شوند و گروه سوم افراد و کارشناسانی هستند که نگاه حداقلی و حاشیه‌ای به این اسناد دارند یا تصور می‌کنند و یا تعمد در این دارند که به صورت "تار مویی" به سند وصل شوند و به همان اندازه نیز اثر پذیرند. در کتاب‌های درسی کنونی ما این نوع رویکرد را البته با شدت و ضعف ملاحظه می‌کنیم. گروه چهارم آنانی هستند که جایگاه اسناد بالادستی را به درستی دریافته‌اند و همان نگاهی که در یک بنا به زیربنای آن دارند؛ درست همان نگاه را به اسناد تحولی دارند. این گروه معتقد هستند که همه‌ی تصمیمات نظام تعلیم و تربیت در رده‌های مختلف به بناهایی منتهی می‌شوند که باید به "مبنا" مبتنی باشند. برنامه‌های درسی، نیروی انسانی، اقتصاد آموزش و پرورش، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های آموزشی و سایر اموری که در مجموعه‌ی آموزش و پرورش انجام می‌پذیرد، هرکدام یک "بنا" هستند، یعنی در یک زمینه‌ای و با یک طرح و نقشه‌ای ساخته شده‌اند. قاعدتاً هر یک از این‌ها بر پایه و اساسی متکی هستند. هر قدر آن پایه قوی‌تر و مطمئن‌تر باشد پایایی و عمر بنا بیشتر خواهد بود. برعکس هر قدر سست باشد بنا نیز سست بنیان و میرا خواهد بود. آیا این قاعده عقلانی بین مبنا و بنا را کسی و گروهی می‌تواند نفی کند؟ ممکن است در زبان و عبارات نفی شود ولی هرگز در صحنه عمل نفی شدنی نیست.

ما در شرایط کنونی به عملی کردن رویه چهارم احتیاج مبرم داریم. البته این نکته‌ی مهم نیز باید در خاطره‌ها باشد که تأکید به پیروی از اسناد بالادستی و استناد به محتوای آن‌ها نباید به سوی تحجر بلغزد. باید ارتباط با سند یک ارتباط معنادار، هوشیارانه و عالمانه باشد. عقل و خرد به عنوان یک نیروی بی‌بدیل باید در همه‌ی لحظات همراه باشد و در هر تأملی و هر قدمی که برداشته می‌شود از طریق عقل مداری، استواری و حکمت به خود بگیرد و میزان مقبولیت آن را بالاتر ببرد. به عبارت دیگر بهره‌گیری از اسناد تحولی باید عاقلانه باشد و محاسبه دقیق‌تر در همه‌ی مراحل صورت گیرد.

تدوین الگوی عملیاتی تنها راه عملیاتی کردن سند تحول بنیادین

رابطه‌ی مبنا با بنا چگونه باید تحقق یابد؟ این پرسش بسیار جدی و پاسخ به آن فوق العاده ضروری است. ربط "مبنا" و "بنا" با الگوی کاربردی مناسب انجام می‌پذیرد. این الگو باید طوری صورت‌بندی شود که گام‌های مشخص و قابل انجام و قابل ارزیابی را در برگیرد و پیشرفت در آن را بتوان مورد

داوری قرار داد. الگوی عملیاتی در هریک از بخش‌های وزارت آموزش و پرورش به تناسب هریک از آن‌ها تدوین می‌شود. انتظار می‌رود هریک از بخش‌های مهم وزارتخانه نسبت خود را با سند از طریق الگوی عملیاتی تعریف و اجرا کنند نه از طریق استناد به فلان بند، ماده، تبصره و غیره. برای تأسی ساختاری و ارگانیکی از سند باید الگوی ربط (عملیاتی) طراحی کرد. چه کسانی چنین الگویی را تدوین کنند؟ طبیعی است که یک تیم برنامه‌ریزی مشتمل بر اهل نظر و اصحاب عمل باید این کار را انجام دهند. فرد یا افرادی که با برنامه‌ریزی انس و الفت کافی دارند باید در این تیم حضور داشته باشند. علت این که تاکنون این سند به بار ننشسته است، نداشتن نقشه‌ی اجرا و یا همان الگوی عملیاتی است.^۱

معرفی الگوی تدوین برنامه درسی مبتنی بر اسناد بالادستی

در معرفی الگوی تدوین برنامه‌ی درسی بر پایه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با دو منبع اصلی سروکار داریم. یک منبع "سند تحول" و منبع دیگر "ادبیات برنامه‌ی درسی" است. چنانچه به هریک از این دو وجه بی توجهی کنیم به همان اندازه کار خود را معیوب می‌کنیم. این توجه دو بُعدی در تبیین و مدل‌سازی برنامه‌ریزی درسی در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی عینی‌تر نمایان می‌شود.

مراحل تدوین الگوی عملیاتی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی درسی

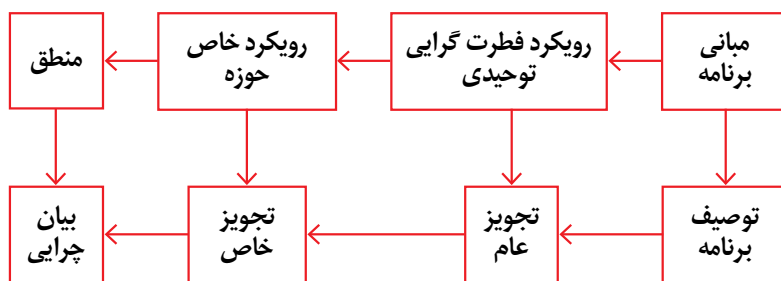
مرحله اول: چگونگی منطق برنامه درسی

منطق برنامه‌ی درسی در پاسخ به "چرایی" برنامه درسی معین می‌شود. در صورت توضیح مناسب چرایی در یک برنامه، برنامه‌ریزی سایر عناصر سهل‌تر می‌شود و ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز به صورت منسجم شکل می‌گیرد. برای توضیح چرایی یک برنامه باید از مبانی یاری گرفت. مبانی به مثابه‌ی ریشه درخت

۱- نگارنده: اینجانب ضرورت این مهم را بارها طرح نموده‌ام ولی متأسفانه خریدار پیدا نشد و یا خریدار جدی از سوی مسوولان نیافتیم در نتیجه تعقیب نکردم. اکنون وزیر محترم و دلسوز آموزش و پرورش مشتاقانه و صادقانه در عرصه‌ی عمل و اجرا درخواست کمک کرده است. ایستادن و بی‌اعتنا ماندن یک خطای بزرگی است که خداوند آن را نخواهد بخشید.

لذا اینجانب که از دانشگاه به عشق باری به مسوولان محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش تغییر موقعیت دادم و به صورت مأموریت یک ساله به سازمان پژوهش ملحق شده‌ام در پاسخ به ندای وزیر محترم آماده‌ی همکاری هستم و تدوین الگوی عملیاتی در عرصه برنامه‌ریزی درسی را بر خود فرض می‌دانم.

برنامه درسی است. توصیف ماهیت انسان، ماهیت ارزش، ماهیت معرفت و ماهیت هستی فضای فکری شفاف برای تعیین «رویکرد» برنامه‌ریزی درسی به وجود می‌آورد. در رویکرد، مجموعه‌ای از گزاره‌های تجویزی در خصوص عناصر برنامه درسی مدون می‌شود. بایدها و نبایدهای حاکم بر تدوین "هدف"، تعیین نیاز، تعیین محتوا و سایر عناصر در رویکرد تعیین می‌شود. بر پایه‌ی رویکرد می‌توان «منطق» را نوشت. بی‌تردید هر قدر فهم از مبانی و رویکرد صحیح‌تر و عمیق‌تر باشد راه برای تعیین منطق بازتر و واضح‌تر می‌شود در شکل زیر فرآیند شکل‌گیری منطق برنامه درسی نشان داده می‌شود:



نکاتی که در تعیین منطق باید رعایت کرد:

- ۱- در تعیین رویکرد خاص حوزه‌ی تربیت و یادگیری به رویکردهای مطرح در هر یک از حوزه‌ها باید توجه کرد. معمولاً در هر یک از حوزه‌های معرفت براساس دیدگاه‌های فلسفی مختلف، رویکردهای مختلفی وجود دارد. بعضی از این رویکردها ریشه‌دار هستند و به فلسفه‌های سنتی ارتباط پیدا می‌کنند و برخی دیگر به فلسفه‌های متأخر مربوط می‌باشند. شناخت این رویکردها در هر کدام از حوزه‌ها به طراحان برنامه‌ی درسی کمک می‌کند تا رویکرد خاص نشأت گرفته از فطرت‌گرایی توحیدی را مشخص سازند.
- ۲- منطق برنامه از درک درست مبانی و رویکرد خاص هر حوزه به دست می‌آید. اصولاً "مبانی"، "رویکرد" و "منطق" سه موضوعی هستند که به دنبال هم معنا پیدا می‌کنند.
- ۳- رویکرد خاص هر حوزه تا حدودی در بیانیه‌ی حوزه‌ها ارائه شده است. ممکن است این ارائه از حوزه‌ای به حوزه‌ی دیگر متفاوت باشد ولی فهم آن همراه با سایر نکاتی که بیان شد به مشخص کردن منطق، یاری‌رسان خواهد بود.

مرحله دوم: تعیین نیاز

از ذکر واژه‌ی مرسوم نیازسنجی^۲ پرهیز می‌کنم زیرا که نیازسنجی صرفاً از سنجش و تشخیص نیازها براساس داده‌ها و اطلاعات واقعیت‌های آموزشی حکایت می‌کند. فرض بر این است که نیازها را باید براساس اطلاعاتی که به دست می‌آوریم؛ سنجش کنیم و تشخیص دهیم. این فرض را نمی‌کنم ولی کافی هم نمی‌دانیم. در تربیت اسلامی و طراحی "برنامه‌های درسی خدا محور" وجه عمده‌ی نیازها براساس آموزه‌های وحیانی تعیین می‌شود. در اینجا دیگر نیازها ربطی به داده‌های عینی ندارد بلکه باید با عنایت به دوره‌های تحصیلی تعیین شوند. به عبارت دیگر باید "تعدیل نیاز" کنیم نه سنجش نیاز. به عنوان نمونه نیاز به "عبودیت" نیاز به "حیات طیبه" نیاز به "توانایی عقلانی بالا"، «نیاز به روحیه‌ی مسوولیت‌پذیری» و امثال اینها که در سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی طرح گردیده است؛ با هیچ توجیهی قابل حذف نیستند بلکه باید آن‌ها را متناسب با سطح رشد متربی و فلسفه‌ی هریک از دوره‌های تحصیلی تعدیل کرد. در همین نکته است که آموزش و پرورش با مشکل مواجه شد و نقدهای زیادی را متوجه خود نموده است. مثلاً می‌گویند حیات طیبه یعنی چه؟ این حرف کلی را چه طور می‌توان پیاده کرد؟ حقیقتاً به این نقدها نمی‌توان خرده گرفت برای اینکه ما در طراحی برنامه‌های درسی و تولید مواد و رسانه‌های یادگیری به طرز صحیح و کاربردی عمل نکرده‌ایم. قاعدتاً باید نیازهای وحیانی را با شاخص‌های رشد سطوح مختلف متناسب‌سازی کنیم. باید نشان دهیم که حیات طیبه در دوره‌ی ابتدایی در چه سطحی مورد انتظار است؟ برای این کار لازم است، تحلیل دقیقی از ویژگی‌های متربی در سطوح رشد به عمل آوریم و آن‌ها را در گروه‌های کانونی بحث کنیم و به جمع‌بندی برسیم. به شرط انجام دقیق این بخش از تعیین نیاز، آیا کار تعیین نیاز به اتمام می‌رسد؟ پاسخ منفی است، زیرا که هنوز از واقعیت‌ها صدایی شنیده‌ایم و رصد نکرده‌ایم. از طریق پژوهش‌های کاربردی باید نیازهای اجتماعی را تشخیص دهیم و فهرستی از آن‌ها را مدون کنیم. به عنوان مثال ممکن است مطالعات نشان دهند که نوجوانان در هویت‌یابی مشکل دارند. این مسئله به راه حل نیاز دارد. ضرورت "هویت‌یابی" به عنوان یک نیاز آموزشی بر "پایه‌ی تحقیق" خود را نشان می‌دهد. به عنوان دوم مثال فرض کنید پژوهش‌ها خبر از روحیه‌ی قانون شکنی نسل جدید بدهند. براساس نیازی به نام "قانون‌گرایی" این موضوع اهمیت خود را نشان می‌دهد. به طور کلی در این وجه از تعیین

نیاز تابع واقعیت‌ها هستیم، ضمن این که در وجه نخست، تابع آرمان‌ها هستیم به همین دلیل اعتقاد دارم باید کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بین "آرمان و واقعیت" در سفر ذهنی باشند و مطالعات خود را نیز با این سفر هماهنگ کنند.

با هم نگری دو وجه نیاز

نیازهای اصیل همان نیازهای وحیانی هستند زیرا که با فطرت الهی متربی و تربیت الهی او رابطه‌ی مستقیم دارد. هیچ چیزی نمی‌تواند و نباید جایگزین نیازهای وحیانی و ثابت شود. اینها مجموعه‌ای از نیازها هستند که در هریک از دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی متناسب با آن‌ها، معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. دسته دوم نیازهای اجتماعی و متغیر هستند که براساس ضرورت‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و از طریق پژوهش‌های مورد نیاز مشخص می‌شوند.

مسائل اجتماعی که در نیازسنجی بررسی می‌شود و مبنای فهم نیاز می‌باشند تحت تأثیر نیازهای وحیانی قرار می‌گیرند. در پاسخ به این سوال که «چه مواردی را باید مسئله اجتماعی محسوب نمود»؟ نیازهای وحیانی کمک می‌کند. در هر جامعه‌ای مسائل و مشکلاتی بروز و ظهور پیدا می‌کنند ولی طرز تلقی نسبت به نوع و جایگاه مسائل در پرتو فلسفه حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرد. برای فهم دقیق‌تر این موضوع جامعه‌ی خود را با جامعه‌ی غربی مقایسه کنید. به عنوان نمونه در جامعه‌ی ما رابطه‌ی دختر و پسر به فرم غربی و یا پدیده‌ی شومی به نام «ازدواج سفید» از جمله مسائل مهم به حساب می‌آیند و مقابله با آن‌ها را باید در برنامه‌ی درسی به عنوان نیاز در نظر گرفت. چه بسا این نوع امور در یک جامعه‌ی لیبرالی که کاری با وحی و خداوند ندارند؛ مسئله به حساب نیایند آن‌ها نیز چیزی دیگری را مسئله محسوب کنند. مسائل اجتماعی با عینک مکتب و نظام فلسفی مقبول، مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته این نسبت بین مسائل اجتماعی و دیدگاه‌های فلسفی به این معنا نیست که در تحلیل مسائل اجتماعی صرفاً از این منظر بنگریم. بلکه باید نگاه جامع به اجتماع داشته باشیم و واقعیت‌های موجود را درک کنیم. ولی در داوری و طبقه‌بندی نیازها به ارزش و جایگاه مسائل از منظر ایدئولوژی مقبول توجه ویژه داشته باشیم.

الگوی تعیین نیاز

در گام نخست؛ اسناد تحولی آموزش و پرورش و سایر اسنادی که در مراجع با صلاحیت از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش تولید و مصوب شده‌اند. مورد بررسی و

مطالعه قرار می‌گیرد و نیازهای وحیانی تعیین می‌شود. بدیهی است که این نیازها در سطح کلی و برای انسانیت مطرح هستند و گام‌های بعدی آن‌ها را کاربردی‌تر خواهد نمود. به عنوان مثال "حیات طیبه" یک نیاز همگانی است و مورد تأکید سند تحولی بنیادین آموزش و پرورش نیز می‌باشد.

گام دوم: تحلیل نیازهای کلی به نیازهای جزئی‌تر و متناسب با دوره‌های تحصیلی است. در انجام این کار از دیدگاه روانشناسان و سایر متخصصان تعلیم و تربیت می‌توان بهره گرفت. فن "دلفی" در اعتباریابی نیازهای دوره‌ی تحصیلی قابل استفاده خواهد بود. از گروه‌های کانونی هم می‌توان استفاده کرد.

گام سوم: تحلیل و تعریف تفصیلی "جامعه‌ی مطلوب" در راستای نیازهای وحیانی است. رابطه‌ی فرد و جامعه و اثرگذاری شرایط اجتماعی در رشد فرد قابل انکار نیست و بر این اساس باید مختصات جامعه مطلوب تعریف شود تا بتوان مبنایی برای تشخیص نیازهای اجتماعی معلوم کرد.

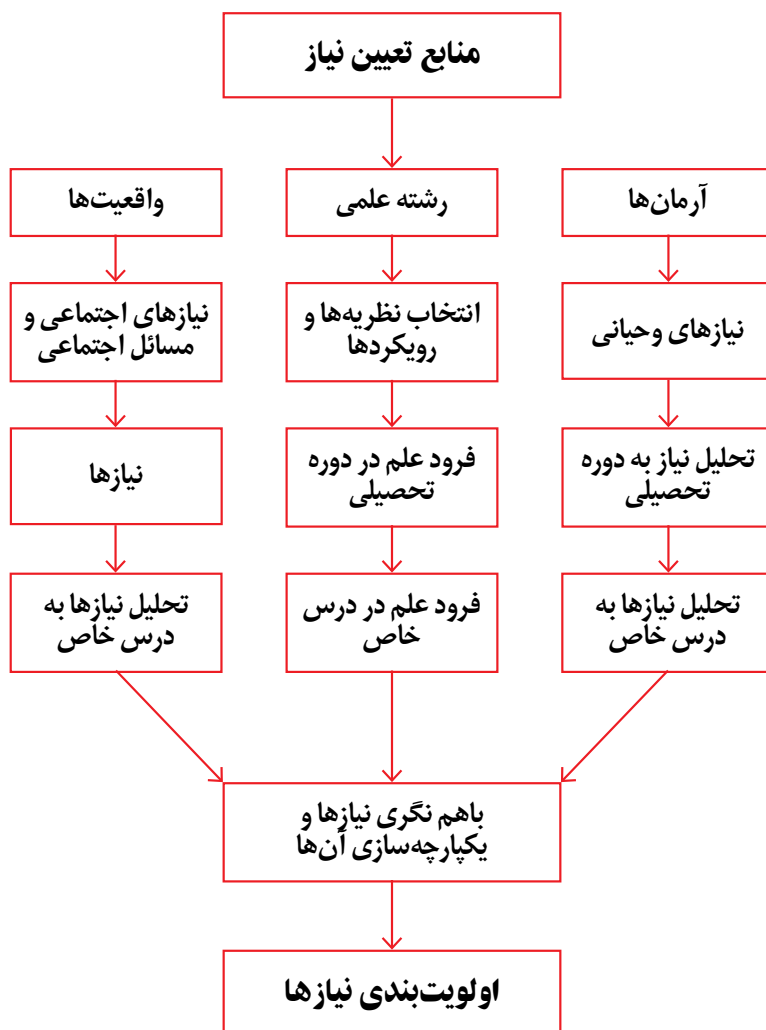
گام چهارم: مسئله‌یابی و تجزیه و تحلیل پژوهشی وضع موجود براساس شاخص‌های وضع مطلوب است در این مرحله معلوم می‌شود که واقعیت‌های موجود چه وضعی نسبت به شرایط مطلوب دارند، اگر واقعیت‌ها را به درستی شناسیم و تحلیل درستی از آن نداشته باشیم قادر به فهم دقیق نیازهای واقعی نخواهیم بود. ممکن است در این مورد پژوهش‌هایی انجام شده باشد که از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنیم.

گام پنجم: فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب بررسی و تحلیل می‌شود و مطابق آن نیازها معلوم می‌گردد. از طریق این اقدام، حد نیاز، وضوح بیشتری پیدا می‌کند.

گام ششم: در برگزیده نیازهای وحیانی و نیازهای اجتماعی خواهد بود. اصالت با نیازهای وحیانی است و از نیازهای اجتماعی نیز به عنوان عوامل زمینه‌ساز برای تحقق نیازهای وحیانی استفاده می‌شود. ضمن این که نیازهای اجتماعی غیر اصیل و متغیر می‌باشند ولی با اهمیت هستند و بخشی از اهداف و محتوای برنامه درسی برای پاسخ‌گویی به این نیازها تهیه و تنظیم می‌شود. آن چه که در برنامه‌ی درسی مبتنی بر اندیشه اسلامی اهمیت دارد؛ تحقق نیازهای وحیانی متربی است و بقیه امور زمینه ساز تأمین این نیازها هستند.

گام هفتم: اولویت بندی نیازهاست. پاسخ گفتن به نیازها و برآورده کردن آن‌ها به شرایط، امکانات و اوضاع مساعد نیاز دارد. نمی‌توان آن‌ها را یکباره عملی کرد. لازم است طبق جایگاهی که دارند و اثری که در زندگی فردی و اجتماعی فراگیرندگان دارند اولویت بندی شوند. ممکن است بعضی از نیازها اصطلاحاً اورژانسی باشند و پاسخ سریع طلب کنند؛ آن‌ها را باید در اولویت قرار داد و به برنامه‌ی

عملیاتی تبدیل نمود. به عنوان مثال اکنون روند جمعیت در ایران رو به پیری است اگر فکری نشود در سال‌های آتی به تعداد سالخوردگان اضافه و از تعداد جوانان کاسته خواهد شد و این به ضرر جامعه است. جامعه‌ی پیر ظرفیت توسعه و تعالی را از دست می‌دهد و به یک جامعه صرفاً مصرف‌کننده تبدیل می‌شود. لذا باید در این خصوص تدبیری اندیشید. از این نمونه‌ها، موارد متعددی می‌توان ذکر نمود که جزء اولویت‌های نیازهای ما است. از طریق اولویت‌بندی نیازها و مینا قرار دادن آن‌ها در تدوین هدف‌ها به میزان تأثیر برنامه‌های درسی افزوده می‌شود و قابل دفاع‌تر می‌شود.



«الگوی تعیین نیاز در رویکرد فطرت‌گرا»

مرحله سوم: تدوین هدف

تنظیم نسبت ساختاری «نیاز» با «هدف» یکی از فنون بسیار مهم برنامه‌ریزی درسی است. این نسبت را چگونه باید برقرار نمود؟ درک دقیق نیازهای تعیین شده اولین موضوعی است که باید صورت گیرد. نیازها از یک سنخ نیستند. برخی از آن‌ها نیازهای فرآیندی و روشی هستند. به عنوان مثال: لازم است متربیان «روش تفکر» را یاد بگیرند. برای یادگیری آن باید مراحل را در فعالیت‌های یادگیری خود درک کنند به نحوی که بتوانند آن‌ها را به کار ببرند. بعضی از نیازها عمدتاً بعد دانشی دارند و برخی دیگر نیز به عواطف و ارزش‌ها مربوط می‌شوند. با درک صحیح و سنخ‌شناسی نیازها امکان برقراری نسبت بین هدف‌ها و نیازها فراهم می‌شود. علاوه بر نگاه سنخ‌شناسانه، نگاه هستی‌شناسانه نیز مورد نیاز است. همان‌طور که در بحث «نیاز» مطرح شد، منشأ تعدادی از نیازها وحی است. از این‌ها باید پیروی کرد و نحوی تأمین و تحقق آن‌ها را مشخص نمود. لذا تعیین «حد نیاز» و «حد هدف» مهم‌ترین مسئله در مرحله‌ی تعیین هدف است. تعیین «حد» جز از طریق تحلیل روانشناسانه امکان پذیر نمی‌باشد. باید روانشناسی که رویکرد آموزشی قابل قبولی دارند و نسبت به فلسفه‌ی تربیت اسلامی موضع منفی ندارند به‌طور جدی مشارکت داده شوند و در یک فضای هم‌اندیشی خالص قوی، حدود را در رابطه با نیازهای وحیانی تعیین کنند. به علاوه کارشناسانی که در برنامه‌ریزی درسی تجربه اندوخته‌اند در کنار روانشناسان می‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند.

ضلع دوم نیازها، جنبه‌ی اجتماعی دارد و نوعاً از ضرورت‌ها و کاستی‌های زندگی عادی ریشه می‌گیرند. در این خصوص در مطالب پیشین شرح لازم داده شد. تعیین هدف‌های مرتبط با این بخش از نیازها سهل‌تر و شفاف‌تر صورت می‌پذیرد. در این اقدام به چند صورت ممکن است «الگوی خرد» تدوین هدف را شناسایی و عمل کرد. در یک حالت نیازها نشان‌دهنده‌ی یک شرایط غیرعادی و قهری است. به‌عنوان مثال تحقیقات نشان دهند که یک گرایش خاص منفی و مغایر با ارزش‌های دینی و ملی در بین دانش‌آموزان در جریان است. در این حالت در حرکت متضاد با آن‌ها، گرایش‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی در قالب هدف‌های تربیت و یادگیری پیش‌بینی و اجرا می‌شود. هر قدر در تدوین و تنظیم هدف‌ها دقیق‌تر و کارشناسی شده‌تر عمل کنیم به همان اندازه هدف‌های مناسب‌تر تهیه خواهیم کرد. نام این الگو را «الگوی ضد» نام‌گذاری می‌کنیم.

الگوی دوم را می‌توان الگوی غنی‌ساز نام‌گذاری نمود. این الگو متوجه نیازهایی است که به یک «کاستی» و یا «نقص» مربوط می‌شوند. ممکن است تحقیقات ما را مطلع سازد که نوجوانان

و جوانان در رفتار یا رفتارهای خاص شایستگی کافی ندارند. مثلاً نمی‌توانند ارتباط مفید و مؤثر با خانواده و یا همسالان خود برقرار نمایند. یعنی فاقد صلاحیت‌هایی هستند که برای یک زندگی متعادل به آن‌ها احتیاج دارند. در این شرایط هدف‌های تربیتی جهت‌گیری تکمیل‌کنندگی و غنی‌سازی خواهند داشت.

الگوی سوم به یک ضرورت اجتماعی ساختاری ارتباط دارد که تحقق و تأمین آن به تغییر رفتار اعضای جامعه و اصلاح تدریجی نیازمند است. می‌توان این الگورا، «الگوی تغییر ساختار» نام نهاد. در حقیقت در الگوی سوم یک ساختار فرهنگی و رفتاری عمیق در جامعه پدید آمده که همه‌گیر شده و شکل عادی و قابل دفاع پیدا کرده است. در حالی که با یک آینده‌نگری و نگرش همه‌جانبه آن ساختار به زیان جامعه است و از طریق تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی باید تغییر یابد.

تحلیل هدف‌های دوره

هدف‌های دوره‌ی تحصیلی که از سوی مراجع قانونی مصوب شده است شاخه‌ی دیگر تدوین هدف‌های برنامه‌ی درسی است. ارتباط برنامه‌های درسی با این هدف‌ها باعث می‌شود انسجام دوره‌ای که در یک دوره‌ی تحصیلی باید وجود داشته باشد؛ شکل گیرد و ارتباط طولی انتظارات آموزشی و پرورشی حفظ شود. بی‌تردید هدف‌های دوره و تحلیل آن‌ها به هدف‌های جزئی‌تر، برای تعیین هدف‌های هریک از برنامه‌های درسی دوره‌ی مربوطه کافی نیست؛ لکن بی‌ارتباطی با آن نیز قابل توجیه نمی‌باشد. لذا در برنامه‌ریزی درسی هریک از دروس باید براساس هدف‌های دوره به دلالت‌های مشخص رسید و در کنار هدف‌های برخاسته از نیازسنجی قرار دارد.

هدف‌های ارتباطی

ارتباط افقی برنامه‌های درسی را نیز به‌عنوان یک واقعیت و ضرورت نباید نادیده گرفت. تحلیل هدف‌های دوره به هدف‌های جزئی‌تر تا حدودی ارتباط طولی اهداف را تحقق می‌بخشد ولی ارتباط عرضی آن‌ها لزوماً برقرار نمی‌شود. با تحلیل کارشناسی کافی در مورد ارتباط و نحوه‌ی «داد و ستد مفهومی» دروس با یکدیگر، می‌توان هدف‌های ارتباطی را مشخص کرد. هر قدر ماهیت و اثر متقابل دروس به درستی درک شود و تحلیل مناسب صورت گیرد، هدف‌های ارتباطی به‌صورت شفاف و مطلوب تعیین می‌شود. ارتباط دروس را نباید صرفاً در محتوا جستجو کرد بلکه در هدف نویسی هم باید مدنظر داشت.



«الگوی جامع تعیین هدف»

مرحله چهارم: انتخاب محتوا

چرا در کنار محتوا از واژه‌ی «انتخاب» استفاده می‌کنیم؟ در انتخاب محتوا از چه اصولی باید بهره‌مند شویم؟ به چند دلیل انتخاب محتوا یک ضرورت است.

دلیل نخست این که در هر رشته‌ی تحصیلی، معارف بسیار وسیعی وجود دارد و به مثابه دریایی است که در کنار آن قرار داریم. از طرف دیگر یادگیرنده‌ی مورد نظر ما ظرفیت محدودی دارد و حد معینی از معارف را احتیاج دارد. همان‌طور که در کنار یک دریا با ظرفی که در اختیار داریم آب برمی‌داریم تا سیراب شویم در کتاب دریای معارف هم باید با پیمانه‌ای معرفت برداریم. پیمانه‌ی ما ظرفیت روانی، عاطفی و عملی فراگیرنده و فلسفه‌ی دوره‌ی تحصیلی است. سیر تکوینی رشد فرد مشتمل بر مراحل است که هر کدام از آن‌ها اقتضائاتی دارد. توجه به آن‌ها مستلزم انتخاب محتواست.

دلیل دوم این که هر علمی و هر اطلاعاتی لزوماً نافع و مفید نیست. مخصوصاً در وضع کنونی به دلیل تراکم بیش از حد اطلاعات از یک طرف و رسوخ و نفوذ اندیشه‌های ناصحیح در علوم مختلف و

ترویج فرضیه‌های متعدد به جای نظریه از طرف دیگر، اعتماد و اطمینان نسبت به ذخایر دانشی روز را کاهش داده است. لذا لازم است اعتبار آن‌ها چه از جهت علمی و چه از جهت اعتقادی و تربیتی سنجیده شود و انتخاب احسن صورت گیرد.

دلیل سوم به رویکرد و جهت‌گیری ما در موضوع محتوا مربوط می‌شود. کم و کیف محتوا تا حدود زیادی به نوع رویکرد بستگی دارد. چنانچه رویکرد ما محتوای از قبل طراحی شده^۳ باشد به اطلاعات و دانش وسیع نیاز داریم. چنانچه باور به محتوا نداشته باشیم و طبق آن چه که ایدئولوژی پیشرفت‌گرایی اقتضا دارد عمل کنیم به دانش پیشین چندان نیازی نداریم و اگر منصفانه و منطقی عمل کنیم و به ترکیب این دو رویکرد توجه کنیم طور دیگری عمل خواهیم کرد.

دلیل چهارم به ماهیت هر درس و رشته علمی مرتبط با آن ارتباط پیدا می‌کند. حقیقتاً نمی‌توان قاعده یکسان برای همه‌ی دروس پیش‌بینی نمود. دروس علوم انسانی نسبت به علوم تجربی وضع متفاوتی خواهند داشت و حتی در بین علوم انسانی هم نمی‌توانیم قواعد واحدی را در نظر بگیریم و بنا به این دلایل باید محتوا را انتخاب کنیم. با کدام اصول انتخاب کنیم تا با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی تناسب داشته باشد؟

یکی از اصول، **اصل اعتبار** است. آن محتوایی معتبر است که مدلل‌تر باشد. نمی‌توان محتوا را براساس فرضیه و حدس و گمان پایه‌گذاری کرد. علم هم نظام آگاهی مدلل است. چه کسی یا کسانی باید مدلل بودن و علمی بودن را تشخیص دهند؟ کسانی که تخصص دارند و صرفاً اسیر فلسفه‌ی تحصیلی نمی‌باشند.

اصل دوم این که محتوا باید نافع باشد. **علم نافع** در اندیشه دینی مورد توجه و تأکید زیاد است. علمی که مشکلی را حل نکند، گره‌ای را باز نکند و در مجموع در امور زندگی مفید و مؤثر نباشد چندان ارزشی ندارد. البته نافع بودن از یک دوره تحصیلی به دوره تحصیلی دیگر و از درسی به درس دیگر فرق می‌کند. این‌ها را گروه برنامه‌ریزی درسی و آثانی که محتوا را انتخاب می‌کند باید تشخیص بدهند. یکپارچگی و انسجام نیز اصل دیگری است. که رعایت آن به کارایی می‌افزاید. ذهن انسان وحدت‌گراست و در یادگیری نیز تمایل به یکپارچگی دارد. اجزا و ارکان محتوا باید طوری به هم دوخته شوند و یکدیگر را حمایت کنند که به آسانی بتوان یک قسمت را مجزا از سایر قسمت‌ها مورد فهم و یادآوری قرار داد.

«**خلقت محوری**» نیز به جای طبیعت محوری مورد نظر باشد. در هر یک از دروس یکی از ابعاد و یا اضلاع خلقت بررسی می‌شود. باید محتوا به نحوی تحلیل شود که فراگیرندگان به خوبی دریابند که

جهان صاحبی به نام خدا دارد. درک درست واقعیت‌ها زمانی امکان‌پذیر است که آن‌ها را به صورت تام مورد بررسی و شناخت قرار دهیم. مخلوق به علاوه خالق معرفی واقعیت است نه مخلوق تنها. اگر چنین درکی در فراگیرنده به وجود بیاید او را نسبت به حقایق هستی و کانون اصلی هستی یعنی خدای متعال آگاه‌تر می‌سازد و به ایمان او به تدریج افزوده می‌شود.

«هدف محوری» محتوا نیز نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد. محتوا تابع هدف است. این تابع بودن، مطلق و سخت نیست زیرا که نمی‌توان آموخته‌های انسان را در یک مسیر قرار داد و مدیریت کرد، لکن یادگیری محتوا باید به تحقق هدف‌ها کمک کند. اگر چنین هم‌سوئی بین محتوا و هدف برقرار نشود، «گسستگی یادگیری» و «انقطاع هدف‌های برنامه درسی» به وجود می‌آید که مخلی تربیت صحیح می‌باشند.

«قابلیت یادگیری» را نیز می‌توان به اصول فوق‌افزود که صبغی روانشناختی دارد و از طریق مشارکت دادن روانشناسان در برنامه‌ریزی درسی باید تحقق یابد. ظرفیت روانی و توانایی فکری یادگیرنده واقعیتی غیرقابل انکار است و نباید در انتخاب محتوا مورد بی‌توجهی قرار گیرد. اگر با یک تسامح ذهن یادگیرنده را «ظرف» و محتوا را «مظروف» محسوب کنیم، بین ظرف و مظروف باید تناسب و توازن باشد. لذا یکی از علومی که در برنامه‌ریزی درسی و خاصه در محتوا مؤثر و تعیین‌کننده است روانشناسی است. البته هر نظریه و یا رویکرد برنامه‌ریزی درسی بلکه نظریه‌ای که مدلل‌تر است و انسان را نه به عنوان یک ماشین و صنعت بلکه به‌عنوان یک موجود دو بُعدی خاکی و الهی با ویژگی‌های منحصر به فردش در نظر می‌گیرد. البته این نوع نظریه یا نظریه‌ها، زمانی تولید می‌شود که یک رویداد کلی‌تر و مبنایی‌تر به نام روانشناسی اسلامی تحقق یافته باشد. تا زمانی که این روانشناسی تولید نشده است باید از نظریه‌هایی که در برخی ویژگی‌ها به ما نزدیک‌تر هستند بهره‌برداری کنیم. در سایر علوم تربیتی مانند جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی، فلسفه تعلیم و تربیت و موارد دیگر نیز باید همین روال را پیش بگیریم. مطلوب ما تولید علم دینی در رشته‌های مختلف است ولی تا تحقق آن‌ها باید نظریه‌های موجود را در رشته‌ی مورد نظر نقد و بررسی کنیم و مطلوب‌ترین را برگزینیم. گاهی نیز ممکن است وجوه چند نظریه را ترکیب کنیم و یک بنای ترکیبی بسازیم.

اتصال به هستی نیز یکی از اصول انتخاب محتواست. این اصل از یک جهت خیلی دور و از یک جهت خیلی نزدیک است. ممکن است در مواجهه اولیه، کارشناسان با خود بگویند چگونه می‌توان بین محتوا و هستی نسبت برقرار کرد؟ ولی با تعمق در این موضوع نزدیک بودن و قابل انجام بودن آن مشخص می‌شود. هر یک از رشته‌های علمی که در حوزه‌های تربیت و یادگیری مودنظر

می‌باشند وجهی از هستی را بررسی می‌کند یا به طور مستقیم با عالم وجود مواجه هستند مانند برنامه‌های درسی علوم تجربی و یا به طور غیرمستقیم و واسطه‌ها با هستی و جلوه‌های آن ارتباط دارند. یک لحظه تصور کنید جلوه‌های هستی از اشعار شعرا حذف شود؛ چه چیزی باقی می‌ماند؟ یا در برنامه درسی مطالعات اجتماعی یا واقعیتی به نام جامعه و سنن اجتماعی روبرو هستیم که از همان آغاز خلقت بوده و اکنون نیز هست و باقی خواهد بود. لذا در این عرصه کارشناسان به تفکرو یافتن نقاط اتصال نیاز دارند

برهان محوری نیز اصل دیگر حاکم بر انتخاب محتواست. اصلاً اگر محتوا برهان محور و مدلل نباشد «انسانی» نیست و هر چیزی انسانی نباشد قابل دفاع نمی‌باشد. متربی قبل از این که در موقعیت یادگیری و تربیت قرار گیرد یک انسان است و حق انسانی اوست که با او عقلانی و مدلل برخورد شود. از طرف دیگر مربیان نیز انسان‌های بزرگسال عاقل و بالغی هستند که تکلیفی جز خرد پروری ندارند. به علاوه این که جامعه به انسان‌های متفکر نیاز دارد. حاصل تعلیم و تربیت انسان‌هایی خواهد بود که اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند و اگر با منش و روش استدلالی تربیت نشوند جامعه احساسی و غیر استدلالی پدید می‌آید.

اصول انتخاب	جرائی اصول
خلقت محوری	هستی مخلوق خداوند است و هر یک از برنامه‌های درسی وجهی از هستی را مطالعه می‌کند.
برهان محوری	یادگیرنده دارای نیروی عقلانی است، هر قدر محتوا مدلل‌تر باشد برای یادگیرنده مأوس‌تر و جذاب‌تر است.
نافع بودن	اگر محتوا نافع نباشد و مشکلی را حل نکند انگیزه یادگیری به وجود نمی‌آورد.
معتبر بودن	محتوا معتبر نباشد نمی‌تواند شاکله‌ی اثربخش و پویا در یادگیرنده ایجاد کند.
هدف محوری	محتوا وسیله است و باید یادگیرنده را به هدف‌های مورد نظر نزدیک سازد. لذا بین هدف و وسیله باید هماهنگی باشد.
قابلیت تربیت یادگیری	یادگیرنده به دلیل سطح رشد، محدودیت‌هایی دارد و محتوا باید با آن‌ها هماهنگ باشد تا به یادگیری و تربیت مؤثر کمک کند.
یکپارچگی و انسجام	یادگیرنده به‌عنوان یک انسان تمایل به یکپارچگی دارد و محتوا نیز به شرط یکپارچه بودن مؤثر خواهد بود.
اتصال به هستی	انسان اشرف مخلوقات است و در کل هستی جایگاه و معنا پیدا می‌کند. اگر محتوای تربیت به هستی متصل شود به تربیت ریشه‌دار اصیل یاری می‌رساند.

(جدول اصول انتخاب محتوا)

مرحله پنجم: پیشنهاد روش‌های تدریس

روش تدریس و اجرای آن در عرصه‌ی عمل، متصل ساختن نظر به عمل است. در عناصر و تصمیم‌گیری‌های قبل از تدریس براساس تحلیل‌های کارشناسی و یافته‌های مطالعاتی تصمیماتی اتخاذ می‌شود. از طریق تدریس است که مؤثر و ممکن بودن آن‌ها در عمل محک می‌خورد. لذا در برنامه‌ریزی درسی پیشنهاد روش‌های تدریس مناسب، در حقیقت پیشنهاد رویه‌های عملی نمودن مجموعه‌ای از تصمیمات است. اگر با دقت لازم انجام گیرد به ارتباط مؤثرتر نظر و عمل کمک می‌کند. در انتخاب روش‌های تدریس اصولی را باید در نظر گرفت تا یادگیرنده را در جهت رشد همه جانبه و دیدگاه فطرت‌گرایی توحیدی پرورش دهد.

«توأم بودن تعلیم و تربیت» یکی از اصول مورد تأکید در تدریس است. صرفاً با تعلیم ولو در کامل‌ترین شکل آن نمی‌توان ظرفیت وجودی متربی را تحت‌تأثیر قرار داد و تغییری در آن ایجاد نمود. البته بین این دو جدایی و تمایز ذاتی وجود ندارد. لکن ممکن است به دلیل توجه بیش از حد به یکی از آن‌ها دیگری مورد بی‌توجهی قرار گیرد. به‌عنوان مثال اگر قصد تربیت عقلانی را داشته باشیم باید به تعلیم عقلانی هم بپردازیم. هیچ تربیتی بدون تعلیم و تربیت نیست و هیچ تعلیم درست و منطقی هم وجود ندارد که در آن ظرفیت تربیتی وجود نداشته باشد.

«ارزش‌مداری» اصل دیگری است که توجه به آن ضروری می‌باشد. از یک جهت می‌توان گفت نوعاً هر تدریسی ارزش‌مدار است زیرا که از زندگی انسان ارزش‌ها قابل حذف نمی‌باشد. آن چه که در این قسمت مورد تأکید است آمیختگی تدریس با ارزش‌های الهی و انسانی است. ارزش‌ها به نحوی با فرآیند تدریس باید پیوند بخورد که دانش‌آموز متعهد به ارزش‌ها تربیت کند. ارزش‌ها متنوع هستند و منطقاً بین نوع ارزش و نوع تدریس و ماهیت درس مربوط باید تناسب برقرار کرد. البته برخی از آن‌ها نیز مشترک هستند که در همه‌ی دروس قابل پیگیری هستند. مثلاً ارزشی به نام «صدق و راستی»، «عدالت» و امثال این‌ها را می‌توان در تدریس مورد توجه قرار داد و در فرآیند تدریس به کار برد. ولی بعضی از آن‌ها با بعضی دروس سنخیت دارند و همراه آن‌ها باید آموزش داده شوند.

«برهان محوری» و ابتناء بر دلایل قوی ویژگی دیگر تدریس مطلوب است. معلم موظف است مطالب خود را مدلل بیان کند و از دانش‌آموز نیز بخواهد که سخنان و یا گزارش خود را مدلل ارائه دهد. چنانچه به یک آموزشی نیز استناد استفاده شود، آن متن نیز استدلالی سازماندهی شده باشد. عقل در آموزه‌های دینی ما پیامبر درونی است. آن چه که از سوی عقل صادر می‌شود مثل آن است که

پیامبر بیرونی یعنی همان انبیای عظام علیهم السلام از طرف خداوند وحی آورده‌اند. عقلی که این همه مهم است باید ضمن تربیت، پرورش پیدا کند و یادگیرنده متفکر و عاقل به وجود آورد. لذا بر این اساس تدریس تحکمی یک طرفه در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی قابل قبول نمی‌باشد.

خدا محوری اصل اساسی دیگری است که در تدریس هم سنخ با رویکرد فطرت‌گرایی باید مورد نظر باشد. ممکن است به نظر بعید آید که چگونه می‌توان با تدریس، خدا محوری را نیز ترویج کرد؟ بستگی به این دارد که مدرس چه نگرشی داشته باشد. مدرسی که نگرش توحیدی به جهان هستی دارد در تدریس خود لحاظ می‌کند. تدریس نوعی مواجهه با جهان نیز هست. جهان از نزدیک‌ترین واقعیت‌ها آغاز می‌شود و تا وسیع‌ترین و کلی‌ترین آن‌ها گسترش پیدا می‌کند. کسی که درس فیزیک تدریس می‌کند با بخش مادی جهان مواجه است ولی در حقیقت با خلقت مواجه می‌شود. معلمی که جهان‌بینی الهی دارد همه جا را مخلوق الهی می‌داند و می‌تواند تدریس خود را محل نمایاندن آیات الهی تلقی کند و هر جای تدریس مناسب دید اتصال امور به خالق هستی را متذکر شود. ممکن است این نوع تبلیغ دینی و خدا محوری از تدریسی که مستقیماً با معارف دینی مربوط است؛ مؤثرتر باشد. لذا هر آن چه که درباره‌ی تدریس گفته می‌شود نمی‌توان از «مدرس» و نگرش او مجزا دید.

بهره‌مندی از مجموع قوای حسی، عقلی و قلبی فراگیرنده اصل اساسی معرفت‌شناسی در تدریس است. تدریسی موفق و مؤثر است که در آن از ابزارهای معرفت‌شناسی به جا و درست استفاده شود. یادگیرنده دارای قوای حسی، تجربی است که در صورت استفاده درست از آن‌ها، می‌تواند از طریق ابزار حس و تجربه، داده و اطلاعات لازم را کسب کند. او دارای قوای عقلانی است که می‌تواند تدریس را عقلانی‌تر و مدلل‌تر کند و فرصت‌های لازم را برای تفکر و اندیشه‌ورزی یادگیرنده ایجاد کند. او دارای قوای قلبی است که مرکز عواطف و احساسات است و از طریق تدریس و استفاده از زیبایی‌شناسی و هنر در تدریس، این مرکز حساس عاطفی و نگرشی تحریک می‌شود و زمینه‌ی علاقه‌مندی و نگرش مثبت به یک چیز و یا برعکس بی‌علاقه بودن و موضع منفی را فراهم می‌سازد. به‌طور کلی تدریس به‌وسیله بسیج حس و تجربه، عقل و اندیشه و قلب و عواطف کل وجود یادگیرنده را به صورت یکپارچه برای تربیت و یادگیری مؤثر فعال می‌سازد. هرکدام از این سه بُعد معرفتی معطل بماند؛ به همان نسبت یادگیری او ناقص می‌شود و نهایتاً شاکله‌اش قوی و مستحکم نخواهد بود.

توجه به همه جنبه‌های رشد اصل دیگر تدریس است. این موضوع با موضوع پیشین که به ابزارهای شناخت مربوط است تفاوت دارد. رشد همه جانبه در تعلیم و تربیت اسلامی مورد تأکید است و نمی‌توان و نباید بعضی ابعاد شخصیت را پرورش داد و برخی دیگر را نادیده گرفت. تدریس باید فطرت‌پرور باشد

و شرایط را برای شکوفایی تدریجی جنبه‌های اساسی رشد فراهم سازد. با این نگرش، تقسیم‌بندی روش‌های تدریس به روش‌های تدریس اجتماعی، شناختی، رفتاری و غیره چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. هر تدریس باید مشتمل بر فنون و فعالیت‌های گوناگون باشد و ابعاد متعدد ساحت‌های تدریس را تحت پوشش قرار دهد. ممکن است یک روش بر محور یک وجه خاص باشد ولی بهتر است سایر وجوه و ساحت‌ها را نیز در برگیرد. اهمیت این ویژگی تدریس زمانی وضوح پیدا می‌کند که به خلاف آن فکر کنیم. کسی را در نظر بگیرید که رشد نامتوازن کرده باشد. عدم توازن در رشد فرد از طریق روش‌های تربیت حادث می‌شود. روش تدریس را باید روش تربیت نیز به حساب آورد و برای رشد همه‌ی ابعاد یادگیرنده فرصت‌آفرینی کرد.

فعال‌سازی متری را نیز نمی‌توان در تدریس فراموش کرد. فعالیت، شرط اصلی یادگیری است. ممکن است فعالیت، ذهنی باشد یا عملی؛ فردی باشد یا اجتماعی، یا هر فعالیت دیگری که از انفعال نجات دهد و به بالندگی متری بیافزاید.

توازن و تعادل در تدریس نیز وجه دیگری فطرت محور است. از هیچ جهتی نباید زیاده‌روی و افراط‌گرایی در این عنصر باشد. افراط در نقش معلم، یا نقش یادگیرنده و هر نقش دیگر نباید در حدی انجام گیرد که بقیه نقش‌ها تحت الشعاع آن قرار گیرد و عرصه‌ای برای اثرگذاری نداشته باشد. افراط در حس‌گرایی و تفریط در خردورزی، افراط در فعالیت‌های فردی و تفریط در فعالیت‌های گروهی، افراط در گفتار و تفریط در عمل و یا هر نوع عدم تعادل دیگری که تدریس را از کارایی باز می‌دارد و ممکن است آثار منفی نیز داشته باشد. از برخی شواهد قرآنی هم می‌توان در ضرورت تعادل محوری استفاده کرد. لقمان به فرزندش وصیت می‌کند: «در تمام کارهایت از تندی افراط و کندی تفریط بر حذر باش» (لقمان: ۱۹) معلوم می‌شود افراط و تفریط هر دو بد است و از هر دو باید بر حذر باشیم. ابن‌سینا بر اعتدال و میانه‌روی در رفتار با متعلمین تأکید دارد. بهتر است معلم نه خیلی سخت‌گیر باشد، و نه خیلی تسامح به خرج دهد. شیوه‌ی تعلیمی معلم چه از طریق آموزش ذهنی باشد یا از طریق نشان دادن الگو و سرمشق، یا از راه تکرار، یا تحلیل منطقی یا... بهتر است به گونه‌ای باشد که با طبع معلم سازگاری داشته باشد. همچنین در انتخاب زمینه‌ی فنی خاص که متعلم باید در آن تخصص پیدا کند باید استعدادها و علایق او را به‌طور کامل لحاظ کرد. نمونه‌های متعدد دیگری می‌توان ارایه نمود که در آن‌ها حفظ تعادل و پرهیز از هر گونه زیاده‌روی مورد نظر بوده است و عقلانیت حکم می‌کند که اکنون نیز رعایت شود.

سازگاری با واقعیت نیز ضرورت بعدی لازم‌الرعايه در تدریس است. «اگر تعلیم و تعلم با واقعیت‌های

وجودی شاگرد ناسازگار باشد موفقیت‌آمیز نخواهد بود. خواه معلم واقعیت‌ها را نادیده انگارد و از شاگرد بیش از توان و استعداد او انتظار داشته باشد و خواه خود شاگرد بلند پروازی نابجا کند و در پی آموختن چیزی برآید که استعداد یا آمادگی فراگیری آن را ندارد. از این رو شهید ثانی بر معلم لازم می‌داند شاگردی را که در تحصیل راهی پیش گرفته است که با واقعیات وجودی او سازگاری ندارد به سازگاری با واقعیت و مدارا با خود فرا می‌خواند، زیرا شاگرد به راه خود ادامه دهد و در پی آنچه فراتر از توان و استعداد اوست بر نیاید دچار دلزدگی و خستگی می‌شود (رفیعی، ۱۳۹۲). اصولاً در هیچ کاری در زندگی نباید به واقعیت‌ها بی‌توجهی کرد و حرف خود را زد. مخصوصاً در تعلیم و تربیت و امر تدریس که ظریف‌ترین موضوع زندگی بشر است. گاهی مصلحت ایجاب می‌کند که برای رسیدن به تغییر واقعیت، قدری صبوری به خرج داد و منتظر شرایط ماند و گاهی نیز مصلحت آن است که با واقعیت‌ها سازگار بود تا بتوان روش‌های مناسب و مؤثر برای تغییر فراهم شود. در کار تدریس و اثرگذاری در مرتبه‌ی نوعاً مواجهه‌ی توأم با سازگاری را باید در نظر داشت تا زمینه برای تغییر تدریجی و بدون تولید حاشیه‌های مخمل به‌وجود آید. مگر در شرایطی که مرتبه‌ی در یک وضع غیرمتعارف و تهدیدکننده قرار گیرد که در این حالت برای اقدامات سریع‌تر ولی منطقی باید دست به کار شد.

کرامت بانی و صیانت از عزت مرتبه‌ی نیز نباید در تدریس مورد غفلت باشد. همان‌طور که در توضیحات پیشین یادآوری شد ابعاد تربیتی تدریس باید حفظ و صیانت شود و فطرت‌پروری و شکوفا نمودن قابلیت‌های درون فرد به ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل گردد. کرامت بانی باید کریمانه تعقیب شود. اجزاء، عناصر و فرآیند تدریس باید مجموعه تلاش‌های نظام‌مند تلقی گردند که از عزت یادگیرنده مراقبت می‌نمایند. تدریسی که ضدکرامت باشد؛ ضد یادگیری مؤثر هم خواهد شد، زیرا که یادگیرنده، اول انسان است و بعد یادگیرنده. او به دلیل دارا بودن سرمایه‌ی فطری و کرامت ذاتی مایل نیست با عزت خود معامله کند. ممکن است نتواند به طور آشکار با عوامل ضد کرامت مقابله کند ولی هرگز رفتارهای عزت شکن را نمی‌بخشد. ممکن است ساختار روش تدریس طوری باشد که چندان توجهی به ارزش‌های انسانی و سرمایه‌های ذاتی مرتبه‌ی به عمل نیاید و عمدتاً به مسایل فنی و تعلیمی تدریس توجه شود. چنین تدریسی نگهبان کرامت نخواهد بود. به همین دلیل در انتخاب روش‌های تدریس باید هوشیارانه و مدبرانه عمل کرد تا حریم فطرت الهی مرتبه‌ی صیانت شود.

ترکیب روش‌ها نیز موضوع مهم تدریس مؤثر است. به دلیل تنوع ابعاد و حیطه‌های هدف‌های تربیت و یادگیری نمی‌توان صرفاً از یک روش و یا یک فن بهره برد. با ترکیب آن‌ها می‌توان به ظرفیت تدریس افزود و اثر تربیتی آن را ارتقاء داد. این که کدام روش با کدام روش یا روش‌ها ترکیب

شود به ماهیت و اصلاح هدف بستگی دارد. به علاوه اینکه هر قدر مهارت تدریس بیشتر باشد ترکیب روش‌ها منطقی‌تر و اثرگذارتر انجام می‌گیرد. آگاهی و اشراف به انواع الگوها و روش‌های تدریس نیز لازمه‌ی ترکیب روش‌هاست. از جمله مهارت‌هایی که به زیبایی و ابعاد هنری تدریس منتهی می‌شود نحوه‌ی استفاده از روش‌ها و فنون مختلف در موقعیت‌های گوناگون آموزشی است. تحقیق محوری همراه با رعایت سایر اصول باعث توانمندی متربی در مواجهه با امور گوناگون و دستیابی به حقایق زندگی می‌شود. تدریس زمانی پژوهش محور می‌شود که در آن متربی فرصت و رغبت لازم برای یافتن پاسخ به سؤالات را داشته باشد و هیچ عاملی او را از طرح پرسش‌هایش منع نکند. در تدریسی که در آن سؤالات طرح نشود و نوعی خود سانسوری از سوی متربی وجود داشته باشد، پیامدهای مثبت تربیتی شکل نخواهد گرفت. نگاه افراطی به تحقیق در ارتباط با تدریس را نمی‌توان پذیرفت که معتقد باشیم، «تدریس همان تحقیق است». لکن از این حقیقت نیز هرگز نباید غفلت نمود که تدریس باید بُعد تحقیقی مفید و مؤثر داشته باشد تا بتواند زمینه‌های کسب معرفت و یادگیری برای دانستن را فراهم سازد. تحقیق با کلمه حق هم‌ریشه است، به معنی صدق، واقعیت، تناسب، راستی، مسوولیت و وظیفه است. تحقیق نه تنها به معنای فهم صدق، راستی و شایستگی چیزهاست بلکه به معنای پاسخگویی صحیح به آن‌ها از طریق عمل نیز هست. به عبارت دیگر کسی که محقق است نسبت به حاصل تحقیق خود مسوولیت دارد تا به نحو مقتضی آن را پیگیری کند. این روحیه را باید همراه با تحقیق به متربی آموخت.

«گروه محوری» نیز بحث بسیار اساسی و اثرگذار است. اعضای یک کلاس یا به‌طور کلی آن جمعی که به‌عنوان متربی مورد نظر هستند به چند حالت از جهت اجتماعی می‌توانند استقرار پیدا کنند. یک حالت، تجمیع در مکان و تفکیک در عملکرد است. طوری افراد در «فردیت» خود فرو روند که توجه و یا تعاملی با سایر اعضا نداشته باشند. این حالت نامطلوب است زیرا که یک واقعیت ذاتی متربی و یک واقعیت جامعه را در نظر نگرفته‌اند. انسان طوری خلقت یافته که در تعامل با دیگران و همراه آنان پرورش پیدا می‌کند. این به معنای نفی «فردیت» هر فرد نمی‌باشد. به هر دو باید توجه نمود. لذا در تدریس باید جهت‌گیری اجتماعی و شکل‌گیری «گروه» نه به‌عنوان «جماعت» وجود داشته باشد. کارهای گروهی که در آموزش و فعالیت‌های یادگیری طرح می‌شود؛ تقویت‌کننده‌ی همین وجه اجتماعی و گروهی تدریس است. تدریسی که به «تعامل» افراد واقعاً باور داشته باشد، در همه‌ی اجزای تدریس، از هدف‌های تربیت و یادگیری تا ارزشیابی پیشرفت تربیتی و یادگیری همین ویژگی را می‌گنجاند و تقویت می‌کند.

ویژگی‌ها	ضرورت‌ها	پیامدها
تحقیق محوری	- یادگیری مؤثر - یادگیری راه دانستن - فعال شدن متربی	- صحیح و عمیق دیدن واقعیت‌ها - افزایش اعتماد به نفس - حس لذت دانایی
گروه محوری	- تربیت و یادگیری مؤثر - یکپارچگی کلاس - از هم آموختن	- تربیت اجتماعی - تربیت علمی
کرامت بانی	- کمک به تعالی متربی - افزایش انگیزه و شوق آموختن	- تقویت روابط کریمانه با یکدیگر - کمک به آرامش و تعادل جامعه
ترکیبی بودن	- تناسب با هدف‌های چند بُعدی - افزودن به ظرفیت اثرگذاری روش‌ها	- تحقق هدف‌های تربیتی - فرصت بهتر و بیشتر برای یادگیرنده
سازگاری با واقعیت	- اشتراک در فطرت و تفاوت در استعدادها - متفاوت بودن شرایط کلاس درس	- عدالت در تربیت - سهولت در تعاملات
توازن و تعادل	- پیشگیری از افراط و تفریط در عوامل تربیت - امکان بهره‌مندی از عوامل و منابع مؤثر در تربیت	- کمک به رشد همه جانبه
رشد همه جانبه	- توانایی‌های فطری به‌عنوان یک واقعیت - خسارات ناشی از رشد تک ساحتی	- پرورش انسان متعادل - شکل‌گیری جامعه متعادل
فعال‌سازی متربی	- مختار و صاحب اراده بودن متربی - فعالیت متربی شرط اصلی تربیت و یادگیری مؤثر	- اقتناع درونی متربی - تربیت مفید و مؤثر - نشاط تربیت
بسیج همه قوا	متربی، قوا و امکانات فطری متعدد دارد. عقلانیت حکم می‌کند که از آن‌ها در فرآیند تربیت و تدریس بهره‌برداری شود.	- تربیت و یادگیری قوی و عمیق - پویایی و طراوت متربی - شکرگزار به نعمات الهی
خدا محوری	در تربیت اسلامی خداوند در کانون هستی قرار دارد و در همه‌ی عناصر تربیت و تدریس باید خداوند حضور داشته باشد.	- پرورش انسان متدین و علم‌گرا - شکل‌گیری جامعه دین‌محور و علم‌گرا
برهان محوری	برهان محوری در تدریس باعث تعمیق یادگیری و افزایش توانایی تحلیل می‌شود.	- متربی سرمایه‌ای به نام عقل دارد. - تدریس با تعقل پر بار می‌شود.
ارزش‌مداری	تربیت و یادگیری به‌طور ذاتی ارزش‌مدار و آمیخته به ارزش است.	- کمک به تربیت همه جانبه - شکل‌گیری روحیه حساس به ارزش‌ها در متربی
توأم بودن تعلیم و تربیت	- عدم کفایت تعلیم در تعالی فرد - پیوند ذاتی تعلیم و تربیت	- تربیت انسان متعادل - شکل‌گیری تدریجی جامعه‌ی متعادل

جدول ویژگی‌های تدریس مطلوب

مراحل تعیین روش‌های تدریس

آسان‌ترین و درعین حال سطحی‌ترین کار در انتخاب روش‌های تدریس در فرآیند برنامه‌ریزی درسی آن است که از بین انواع روش‌های موجود، تعدادی انتخاب و به معلمان پیشنهاد شود. این شیوه در این الگو توصیه نمی‌شود بلکه تأکید می‌گردد مراحل زیر مورد توجه باشد:

گام اول: تعیین منابع الهام بخش تدریس است. به نظر می‌رسد چهار منبع: دلالت‌های روشی برنامه درسی ملی، جایگاه روش تربیت در قرآن، تربیت و یادگیری در متون علمی و واقعیت‌های اثرگذار در تعیین روش‌ها جهت دهنده باشند. در عنوان مثال موضوع "تفکر" در اسناد تحولی به طرق مختلف مورد تأکید است. این تأکید نشان دهنده و دلالت بخش این نکته است که باید روش‌هایی پیشنهاد شود که تفکر را تقویت می‌نمایند. همین‌طور اگر قرار است زمینه برای تولید علم فراهم شود حتماً باید از روش‌های تقویت‌کننده مهارت‌های علمی استفاده شود.

روش‌های تربیت در قرآن کریم نیز منبع مهم و اثرگذار است و در تعیین روش‌ها به این منبع اساسی باید توجه کرد. بی‌تردید قرآن کتاب هدایت است و انتظار دریافت روش تدریس از این کتاب الهی مورد تأکید نیست، ولی می‌توان از جهت‌گیری‌ها و روش‌های تربیت در قرآن الهام گرفت و تربیت قرآنی را با روش‌های تدریس در آمیخت. همین‌طور در متون علمی براساس یافته‌های جدید توصیه‌هایی به معلمان و مربیان می‌شود. اهم این توصیه‌های علمی را نیز باید به درستی درک کرد و بهره‌برداری نمود. به همین ترتیب مجموعه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی و آموزشی وجود دارد که نمی‌توان به آن‌ها بی‌توجهی کرد. فرض کنید میزان و سطح دانش و مهارت معلمان در کشور ما محدودیت‌های که از این ناحیه متوجه نظام برنامه‌ریزی می‌شود یکی از ابعاد این واقعیت‌هاست چنانچه این واقعیت‌ها را درک نکنیم نمی‌توانیم روش‌های مطلوب را اجرات کنیم و پیش ببریم.

گام دوم: با هم‌نگری و تحلیل منابع است. چهار منبع مذکور هر کدام جایگاهی دارند از جهت ارزش و جایگاه، روش‌های تربیت قرآنی بالاترین ارزش را دارد ولی توجه به سه منبع دیگری نیز به حکم عقل و تدبیر است و رعایت آن‌ها به کارآمدی روش‌ها می‌افزاید. با هم‌نگری این منابع و تحلیل آن‌ها و به یک جمع بندی مؤثر، از جمله اقدامات اساسی است. چون در این گام است که "وحدت نظر" در خصوص نحوه ورود به انتخاب روش‌ها به دست می‌آید. این اقدام مهم با قوت کارشناسی و توان تحلیلی شورای برنامه‌ریزی درسی مربوط رابطه‌ی مستقیم دارد. اصولاً ترکیب چند مؤلفه در کارهای علمی نیازمند توان کارشناسی است.

گام‌های سوم و چهارم **روش‌های عام و خاص** تدریس را امکان‌پذیر می‌سازد. منظور از روش‌های عام آن‌هایی هستند که فراتر از حوزه‌ی تربیت و یادگیری خاص کاربرد عام دارند. روش‌های خاص مقید به نسبت روش‌ها با ماهیت هر یک از حوزه‌هاست. در این مرحله است که هدف‌های تربیت و یادگیری هر حوزه به طور مستقیم در انتخاب روش‌های تدریس اثر گذار است. روش‌ها وسایلی برای تحقق هدف‌ها هستند. هر قدر درک درستی از هدف‌ها به دست آید به همان اندازه اقدام صحیح و منطقی انتخاب روش‌ها عملی خواهد شد.

گام‌های چهارگانه تعیین روش‌ها در دسته‌بندی مطالب و الگوی پیشنهادی صفحات بعد صراحت بیشتری پیدا می‌کند:

اشارات روشی در برنامه درسی ملی

- * کمک به شکوفایی فطرت
- * امکان درک و تغییر پدیده‌ها، وقایع و روابط
- * کاوشگری و تلاش برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها
- * امکان درک و تغییر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی
- * امکان مرور شایستگی‌های کسب شده توسط دانش‌آموز
- * فرصت برای پیوند:
- نظر و عمل
- دانش و تجارب پیشین با یادگیری‌های جدید
- حوزه‌ها و دروس با یکدیگر
- * بهره‌گیری از روش‌های فعال خلاق و تعالی بخش
- * زمینه‌سازی برای تولید علم
- * امکان بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی

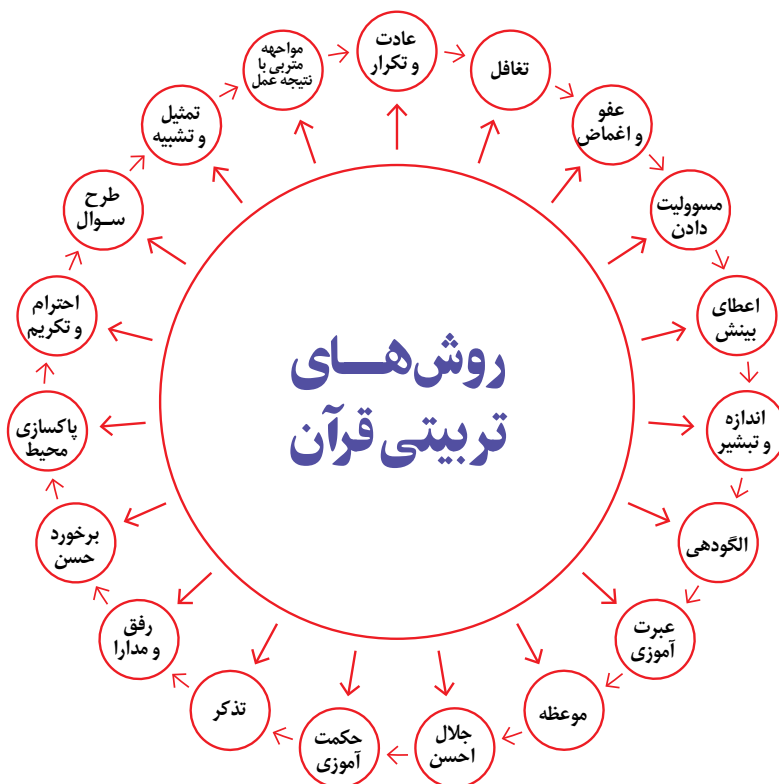
جایگاه روش تربیت در قرآن

قرآن کتاب هدایت و تربیت است ولی طرح مباحث تربیتی در این کتاب الهی با کتاب‌هایی که در حوزه‌ی تربیت نگارش یافته متفاوت است. تفاوت‌های عمده‌ای در نحوه‌ی بیان مطالب، کیفیت و تنظیم مشاهده می‌شود:

الف) عام و کلی بودن: مباحث تربیتی و اخلاقی به صورت کلی و اجمال بیان شده است. خطوط کلی در قرآن بیان شده و تفصیلی آن را به سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و تجارب بشری سپرده است.

ب) به هم پیچیدگی مطالب: کمتر به چشم می‌خورد قرآن یک مطلب را از ابتدا تا انتها در یک سوره جمع کند و جدای از مطالب دیگر، یک جا و نظام مند بیاورد. موضوعات مختلف درهم تنیده می‌شود.

ج) بیان استدلالی و اقناعی: قرآن در بسیاری از موارد مطالب را با استدلال و بیان فلسفه و یا بیان نتایج آن‌ها همراه کرده است تا مخاطب خود را اقناع کند و در پذیرش به او کمک کند.



«یادگیری» در متون علمی، آموزشی جدید

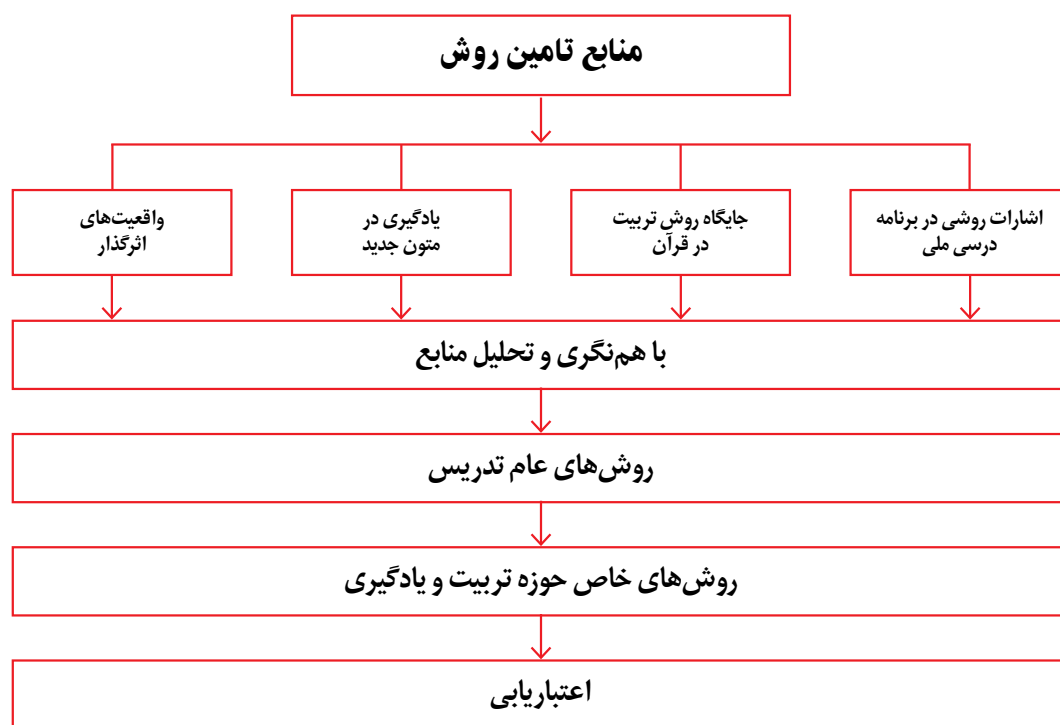
- ۱- یادگیری مادام‌العمر و ویژگی‌های تدریس
- ۲- شخصی‌سازی یادگیری و نقش معلم
- ۳- توجه خاص به سال‌های پر نفوذ و مهم پیش دبستانی
- ۴- تاکید به مهارت‌های زندگی در انتخاب و اجرای روش‌ها
- ۵- فناوری‌های جدید و یادگیری سریع و آسان
- ۶- تراکم اطلاعات و منابع متعدد
- ۷- مسایل اجتماعی جدید نظیر محیط زیست، بهداشت و...
- ۸- یادگیری‌های تلفیقی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر
- ۹- یادگیری تجربی (یادگیری از طریق انجام دادن)
- ۱۰- اختیارات وسیع معلم در فرآیند یاددهی- یادگیری
- ۱۱- یادگیری‌های زمینه‌ای (اتصال یادگیری به محیط پیرامون)

واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی

- * نسخه کلی تدریس همیشه شفاف‌بخش نیست.
- * واقعیت‌های محدود‌کننده تدریس
 - تنوع فرهنگی
 - تفاوت در توانایی معلمان
 - تراکم بالای کلاس
 - کلاس‌های چند پایه
 - امکانات نابرابر
- * لزوم تنوع روش‌ها
- * ضرورت اختیار معلم در انتخاب روش
- * استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تبادل تجربیات

تأمل مهم

در متون علمی آموزشی جدید توصیه‌هایی وجود دارد که مورد پذیرش تربیت قرآنی و دلالت‌های برنامه درسی ملی نیست هدف از ذکر آن‌ها در این مجموعه آن است که از جنبه‌های مثبت آن‌ها به عنوان تجارب جهانی استفاده شود و جنبه‌های منفی نیز مورد نقد جدی قرار گیرد. به عنوان مثال «شخصی سازی یادگیری» چه از جهت فلسفی و چه از جهت واقعی قابل پذیرش نیست. در نگاه انسان شناختی - تربیت اسلامی همه‌ی دانش‌آموزان ضمن تفاوت، دارای یک وجه مشترک بسیار مهم به نام فطرت الهی می‌باشند. لذا روش‌های تربیت و تدریس باید براساس این وجه مشترک به ایجاد وحدت و همگرایی کمک کند. همراه با این از تفاوت‌های فردی نیز نباید غافل باشد.



الگوی تعیین روش‌های تدریس و رویکرد فطرت‌گرا

مرحله ششم: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

تعیین نظام ارزشیابی متناسب با رویکرد فطرت‌گرای توحیدی در برنامه ریزی درسی به تعمق و تغییر جهت اساسی در اجزاء و عناصر این مولفه‌ی مهم برنامه درسی نیاز دارد. طی سال‌های طولانی موضوع ارزشیابی صرفاً وسیله‌ای برای تمایز و تفکیک دانش‌آموزان در انتقال یا عدم انتقال به پایه بالاتر در نظر گرفته شده و نقش موثری در پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان نداشته است به دلیل نهادینه شدن همین نگرش در نظام تعلیم و تربیت کشور است که ارزشیابی توصیفی در دوره‌ی ابتدایی نیز تغییر اساسی در این عرصه پدید نیآورده است. به علاوه این نکته بسیار مهم که توانایی معلمان در ارزشیابی دانش‌آموزان و استفاده از این وسیله در پیشرفت تحصیلی و تربیتی آنان نقش اول را ایفا می‌کند؛ از این جهت نیز وضع رضایت‌بخش نداریم. بدین ترتیب با توجه به ضرورت‌ها و اقتضائات رویکرد فطرت‌گرا، چه ویژگی‌هایی برای نظام ارزشیابی باید جستجو کرد؟

اولین ویژگی این است که ارزشیابی باید "تربیت‌محور" باشد. وقتی ارزشیابی "تربیت‌محور" شد؛ الزامات دیگری نمایان می‌شود که نمی‌توان به آن‌ها بی‌اعتنا بود. نقطه مقابل تربیت‌محوری، "تعلیم‌محوری" است تعلیم نیز مهم است ولی نباید همه چیز را تحت تأثیر کامل خود قرار دهد وقتی از تربیت سخن گفته می‌شود بدون تعلیم موردنیاز مفهوم ندارد. تأکید به تربیت در ارزشیابی استلزاماتی دارد که در مطالب بعدی مورد تأمل و توجه قرار می‌گیرد.

ارزشیابی باید شاخص‌هایی برای رشد همه جانبه و فطرت‌گرا در اختیار داشته باشد. تعیین و اجرای این شاخص‌ها کار آسانی نمی‌باشد لکن از تولید و به کارگیری آن‌ها گزیری و گریزی نداریم. بدون در اختیار داشتن چنین شاخص‌هایی چگونه می‌توانیم رشد و تعالی فطرت را مورد سنجش قرار دهیم؟ چگونه بفهمیم که متربی در رشد عقلانی، رشد معنوی، رشد اجتماعی، رشد عاطفی و سایر ابعاد رشد تعالی پیدا کرده است؟ جز از طریق بکارگیری شاخص‌ها راه دیگری داریم؟

ارزشیابی نباید با روش‌های کمی و غرق شدن در عدد و رقم دچار گزافه‌گویی و یا فریبندگی شود. با این که ناچار هستیم در بعضی محاسبات از روش کمی هم استفاده کنیم لکن نباید با اصالت دادن به کمیت از حقایق دور شویم در تهیه شاخص‌ها نیز به این ضرورت باید توجه کنیم.

از ابزارهای گوناگون در گردآوری اطلاعات برای ارزشیابی استفاده کنیم. بی‌تردید نخواهیم توانست با بهره‌گیری از یک ابزار (آزمون) اطلاعات جامعی برای قضاوت کسب کنیم. چون هر ابزاری حد و اندازه خاص دارد و نمی‌توان به آن استناد نمود. معمولاً در ارزشیابی‌ها از آزمون کتبی در شکل غالب آن استفاده می‌شود در حالی که این آزمون آگاهی محدودی در اختیار ما قرار می‌دهد.

با تحلیل دقیق هدف‌های یادگیری و تربیت راه مطمئن‌تری برای تدوین نظام ارزشیابی می‌توان یافت. یکی از هدف‌های اساسی ارزشیابی فهم میزان تحقق هدف‌های تربیتی است. زمانی می‌توانیم به این فهم برسیم که روش ارزشیابی و هدف‌های آن از تحلیل هدف‌های تربیت و یادگیری اخذ شده باشد به عنوان مثال اگر در هدف‌های تربیت از "تزکیه" و یا "حیات طیبه" و امثال اینها حرف می‌زنیم تحقق آن را با کدام روش‌ها ارزشیابی عملی خواهیم کرد؟ هر قدر هدف‌های ما ارزشی‌تر باشد به همان اندازه در ارزشیابی با چالش مواجه خواهیم شد.

در همه‌ی مراحل ارزشیابی کرامت انسان باید حفظ شود متربی یک انسان است با همه‌ی ویژگی‌ها، نیازها و علایقش. روش‌های ارزشیابی به اندازه‌ای که از حرمت‌گذاری به انسان زاویه بگیرد از اعتبار و ارزش ساقط می‌شود و هر قدر این ویژگی‌ها را رعایت کند با ارزش می‌شود؛ یکی از آن‌ها کرامت انسانی است که گاهی در چرخه‌ی ارزشیابی مورد لطمه قرار می‌گیرد و عزت نفس متربی را مصدوم می‌کند. اخلاق با ارزشیابی رابطه‌ی وثیقی دارد و یکی از جلوه‌های آن مراعات ارزش و کرامت انسان است.

ارزشیابی صرفاً یک اقدام پایانی نیست بلکه در همه‌ی مراحل یادگیری و تربیت باید انجام گیرد. رشد متربی یک امر تدریجی است و ارزشیابی آن نیز باید تدریجی باشد برای رعایت تدریجی لازم است در ضمن تربیت، پایان مرحله‌ی معین از تربیت و حتی پس از آن نیز با روش‌های مناسب ارزشیابی صورت گیرد.

نتیجه محوری و فرآیند محوری به طور توأمان باید در ارزشیابی مورد توجه باشند. هر چند طبق شرایط دوره تحصیلی ممکن است یکی از این دو وجه اهمیت و نقش بیشتری پیدا کند لکن در هیچ دوره تحصیلی یکی از این دو حذف نمی‌شود. علت این که از حذف یکی از این دو باید پرهیز کرد، وجوه هدف‌های تربیتی در هر دوره تحصیلی است ضمن این که از تحقق تدریجی هدف‌های گام به گام باید اطلاع حاصل کنیم از وضع هدف‌های کلی در پایان سال نیز باید با خبر باشیم. از جمله موقعیت‌هایی که به حفظ تعادل نیاز دارد همین نقطه است

مرحله هفتم: تعیین محتوای آموزش معلمان

گام اول در این مرحله آن است که معلمان همراه و همزمان با برنامه ریزی درسی باید مورد توجه قرار گیرند و در خصوص محتوای آموزش آنان تصمیم‌گیری شود. قبل از هر چیز معلمان هر یک از دروس که در حوزه‌های تربیت و یادگیری سازماندهی خواهند شد باید نسبت به ماهیت برنامه

آموزش ببینند و توجیه شوند. گاهی به دلیل عدم شناخت لازم آنان از سرشت برنامه درسی، در اجرای برنامه‌ها با رغبت کافی برخورد نمی‌کنند.

گام دوم: تحلیل هدف‌های برنامه و درک صحیح از ابعاد و حیطه‌های آن‌هاست. چه حدی از هدف‌ها، حیطه‌ی شناختی دارد؟ چه بخشی از آن‌ها بُعد توانشی و مهارتی دارند؟ و چه حدی از آن‌ها به ارزش‌ها و نگرش‌ها ارتباط پیدا می‌کند؟ در هر حال معلمان وظیفه دارند به تحقق هدف‌ها کمک کنند.

گام سوم: تعیین ابعاد اصلی محتوای آموزش معلمان بر اساس هدف‌های تحلیل شده است. قاعدتاً آموزش‌هایی باید به معلمان داده شود تا بتوانند برنامه‌ها را اجرا کنند.

گام چهارم: آگاه‌سازی معلمان نسبت به راهبردهای یاددهی، یادگیری و روش‌های تدریس مناسب است. هرچند نمی‌توان معلمان را در انتخاب روش‌ها محدود کرد لکن براساس ماهیت برنامه درسی و مواد آموزشی تولید شده، می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد.

گام پنجم: تبیین روش‌های ارزشیابی متناسب با برنامه درسی است، ارتباط ساختاری روش‌های ارزشیابی با اهداف و محتوای برنامه قابل انکار نمی‌باشد. انتظار می‌رود معلمان قادر باشند از انواع ارزشیابی در فرآیند تربیت و یادگیری استفاده کنند.

گام ششم: غنی‌سازی محتوای تربیت و یادگیری است. با این که محتوای آموزش معلمان با محتوای برنامه درسی مربوط باید ارتباط معنادار داشته باشد لکن قفل کردن محتوای این دو نیز مطلوب نیست. در آماده‌سازی معلمان برای تدریس باید قدری وسیع‌تر اندیشید و وسیع‌تر برنامه ریزی کرد بخشی از این آمادگی‌ها از طریق مطالعات شخص خود معلم باید حاصل شود ولی بخشی از آن باید در دوره‌های آموزشی آماده‌سازی معلمان پیش بینی شود.

نقش الگویی معلم

آثار تعلیمی و تربیتی شخصیت معلم بر روی دانش‌آموزان غیر قابل انکار است و اعتقادات دینی ما و یافته‌های متعدد روانشناسان این تأثیر بی‌بدیل را تعیین می‌کند. با این که با "گفتن" و "خواستن" از معلم، نقش الگویی او تحقق عینی پیدا نمی‌کند لکن از طرح و توضیح اهمیت آن در برنامه‌های تربیت معلم نباید غافل بود. آنان باید بدانند و به آنان باید آموزش داده شود که صرفاً گفته‌های شما نیست که در مربی اثر می‌گذارد، اعمال و کردار شما بیش از گفتار شما در او اثر گذار است. معلم معارف اسلامی باید صبغه‌ی معارفی داشته باشد، معلم مطالعات اجتماعی باید صبغه‌ی اجتماعی

و فرهنگی داشته باشد، معلم ادبیات باید صیغه‌ی ادبیاتی داشته باشد، عین این قاعده درباره تک تک دروس و معلمان صدق می‌کنند. اگر معلم تا حدودی رنگ درس خود را نگیرد نمی‌تواند دانش‌آموزان را به رنگ آن درس در بیاورد.

فرآیند تعیین نقش مربی

تحلیل هدف‌ها:

نقش مربی نیز مانند نقش معلم براساس تحلیل هدف‌های برنامه درسی تعیین می‌شود. همه‌ی تلاش‌ها برای این است که هدف‌های تربیت و یادگیری تحقق یابند با تحلیل هدف‌ها تا حدود زیادی مشخص می‌شود که چه اقداماتی برای رسیدن به هدف‌ها باید انجام پذیرد.

تعیین ابعاد مهارتی برنامه:

برنامه درسی ابعاد متعددی دارد یکی از آن‌ها بعد مهارتی است. البته این بعد جدا از سایر ابعاد نیست لکن برای تعیین نقش مربی به مهارت‌ها باید بیشتر توجه کرد. مهارت‌ها به فعالیت‌هایی تحلیل می‌شوند و از طریق تأمل در فعالیت‌ها می‌توان تا حدودی نقش مربی را معلوم کرد.

تعیین نقش مربی:

با تعیین و تحلیل ابعاد مهارتی برنامه تا حدود زیادی زمینه برای تعیین نقش مربی فراهم می‌شود. به علاوه این نکته بسیار مهم که همه‌ی فعالیت‌ها و همه‌ی نقش‌های مربی از قبل تعیین کردنی نیست. در ضمن تدریس و به اقتضای مباحث، فعالیت‌های پیش‌بینی نشده متعددی ضرورت پیدا می‌کند.

مرحله‌ی هشتم: تعیین نقش مربی

مربی در تربیت خود نقش مؤثری دارد و بی‌توجهی به آن، برنامه درسی را از زنده بودن ساقط می‌کند. برنامه درسی زنده، برنامه‌ای است که در آن فعالیت‌های یادگیری و تعامل مفید بین مربیان با یکدیگر و مربیان با محیط و مربیان با مربی قوی‌تر و غنی‌تر باشد. مربی قبل از این که مربی باشند انسان است و انسان نیز دارای اراده و اختیار می‌باشد. چگونه ممکن است موجود مختار

را در فرآیند تربیت بی‌اختیار رها کرد؟ خداوند متعال هم علاوه بر ارسال رسل و انزال کتب، اراده و خواست فردی را در فلاح و رستگاری متربی مؤثر دانسته و به طور صریح فرموده است: "علیکم انفسکم" شما را بر نفس هایتان باد" بدین تربیت در فرآیند برنامه ریزی درسی و برای عملی شدن بخشی از تحول بنیادین آموزش و پرورش باید نقش متربی را در مراحل مختلف برنامه ریزی درسی و تدریس تعیین نمود. باید براساس اهداف و محتوای برنامه مشخص کرد، دانش‌آموزان کدام فعالیت‌های یادگیری را باید انجام دهند؟ کدام ارزش‌ها در آنان درونی شود و خود متعلم برای آموزش ارزش‌ها و درونی شدن آن‌ها از کدام روش‌ها باید بهره مند شود. در تعیین نقش متربی باید از وجه مهارتی برنامه آگاه بود و فعالیت‌های یادگیری متناسب با آن را تعیین کرد. این فعالیت‌ها برای مشخص نمودن نقش متربی می‌تواند جهت دهنده باشد از این نکته نیز نباید غفلت کرد که در تعیین نقش متربی نباید راه افراط را پیمود. همان‌طور که غیبت متربی در برنامه آسیب‌زاست، حضور افراطی او نیز مطلوب نمی‌باشد.

مرحله ی نهم: نقش خانواده

در اسناد تحولی نقش مؤثر و اصلی خانواده در برنامه ریزی درسی منظور شده است. علت این طرز تلقی نسبت به خانواده اثر عملی و ریشه‌ای والدین در شکل‌گیری شخصیت فرزندان می‌باشد. فرزندانی که در سن هفت سالگی تربیت رسمی می‌شوند تا پایان دوره‌ی متوسطه در آن قرار دارند. در این دوره‌ی دوازده ساله با این که بیشترین زمان دانش‌آموز در محیط مدرسه سپری می‌شود ولی رابطه و نسبت او با والدین باقی است و آثار تربیتی متعددی به جا می‌گذارد. این رابطه از چند جهت قابل تأمل و بررسی است. اولاً دانش‌آموز با آن چه که از پدر و مادر و سایر اعضای خانواده یاد گرفته است وارد مدرسه می‌شود. در حقیقت او دو کیف با خود دارد، یک کیف دستی است که کتاب‌ها و لوازم قرارداده یا قرار گرفته است. دو ممکن است بین آورده دانش‌آموز از خانه با آن چه که در مدرسه می‌آموزد تضاد و تعارض وجود داشته باشد. از طریق تعامل و اقدامات مشترک می‌توان از آثار منفی تعارض‌ها کاست. ثانیاً تداوم ارتباط و آثار تربیت خانوادگی طی سال‌های متمادی نیز می‌تواند مخمل یا مُمدِ رشد دانش‌آموز باشد. ایفای نقش مؤثر خانواده در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری تربیتی مؤثر خواهد بود و تعادل روحی و روانی فرزند را به وجود خواهد آورد. ثالثاً وسعت تربیت و تأثیر متقابل نهاد خانه و مدرسه، نقش خانواده در برنامه ریزی درسی و اجرای برنامه‌ها را ضروری می‌سازد. باید در تدوین هدف‌های برنامه درسی و تحقق آن‌ها، خانواده‌ها دخالت مؤثر داشته باشند. ممکن است این سوال طرح شود که آیا خانواده‌ها

از توانایی و آمادگی لازم برای انجام چنین کاری برخوردار می‌باشند؟ پاسخ این است بی تردید تعداد چنین خانواده‌هایی کم است و اغلب آن‌ها فرزند خود را به مدرسه می‌سپارند و پس از آن سهم چندانی برای خود قایل نیستند. بیدار کردن خانواده‌ها نسبت به نقش آنان در نیل به هدف‌های تربیتی یکی از همین مسوولیت‌هاست. لکن نباید دست روی دست گذاشت و وضع کنونی را تحمل کرد. از جایی باید شروع کرد. در آن خانواده‌ها و یا موقعیت‌هایی که شرایط مساعدی دارند باید ارتباط نظام‌مند ساختاری را شروع کرد. بعضی از خانواده‌ها به دلیل سواد بالا و تجربه کافی در تدوین هدف و یا تحقق هدف‌ها مؤثر خواهند بود، بخشی نیز چنین توانایی را ندارند. از این گروه نیز می‌توان به نسبت توانایی‌ها بهره‌برداری‌های لازم را به عمل آورد و زمینه‌های رشد آنان را فراهم کرد.

فرصت ایفای نقش برای خانواده‌ها چگونه باید فراهم شود؟ با چه راه‌کارهایی می‌توان به این امر مهم به تدریج جامه عمل پوشاند؟

نخستین گام آن است که هریک از حوزه‌های تربیت و یادگیری نسبت به ساختار و توانایی‌های خانواده‌های امروزی تحلیل درستی داشته باشند و به شناخت مناسب برسند. بخشی از این شناخت بُعد کمی خواهد داشت و بخشی نیز از تحلیل‌های کیفی به دست خواهد آمد تحقیقاتی که از طرف مراکز تحقیقاتی مربوط به نهاد خانواده در کشور انجام گرفته در این خصوص می‌تواند جهت دهنده باشد. ممکن است از این نهادها خواسته شود با توجه به نیازهای حوزه‌های تربیت و یادگیری، تحقیقات انجام یافته را در جمع کارشناسان ارائه کنند و از طریق هم‌اندیشی بصیرت لازم در کارشناسان ایجاد شود. **گام دوم** تعیین سهم و نقش خانواده‌ها در تعیین هدف‌های تربیتی و یادگیری است. هر قدر فهم و بصیرت ناشی از گام اول بیشتر و عمیق‌تر باشد. در گام دوم بهتر عمل خواهد شد. می‌توان هدف‌های پیشنهادی را با استفاده از وسایل و ابزارها فناوری و فضای مجازی در معرض ارزیابی و داوری خانواده‌ها قرار داد و از آنان خواست نظر خود را در مورد هدف‌ها بیان کنند. ممکن است تعدادی از آن‌ها در این موضوع مشارکت کنند. در این مرحله هر تعداد از آنان فعال باشند موفقیت بزرگی باید محسوب شود و برای توسعه‌ی آن تدبیر لازم به عمل آید.

گام سوم بازبینی هدف‌ها براساس دیدگاه‌های خانواده‌هاست. ممکن است در بعضی عرصه‌ها، آنان نقش مفید و مؤثری داشته باشند و در برخی نیز نتوانند به‌طور مفید نظر بدهند. طبق آن بخش که نظر داده‌اند بازبینی لازم در هدف‌ها به عمل می‌آید و احتمالاً تغییراتی در آن‌ها انجام خواهد پذیرفت.

گام چهارم فرصت‌سازی و تعیین راه‌کارهای مناسب برای مشارکت خانواده‌ها در عملیاتی کردن هدف‌هاست. آیا خانواده‌ها می‌توانند در تحقق هدف‌ها نیز اقدامی بکنند؟ به نظر نگارنده پاسخ مثبت است. در شرایطی که قول و فعل والدین و ساختار خانواده‌ها در تربیت فرزندان به‌طور مستقیم اثر دارند و گاهی آموخته‌های مدرسه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند چگونه ممکن است نهاد خانواده‌ها در تربیت و شکل‌گیری شخصیت آنان مؤثر نباشد؟ بر این اساس آنان قادر هستند به‌طور آگاهانه در تحقق هدف‌های تربیتی مؤثر باشند. نوع و میزان اثرگذاری آنان را شورای برنامه‌ریزی درسی مربوط تعیین می‌کند.

گام پنجم ارزیابی هدف‌ها و محتواها از سوی خانواده‌هاست. محتواها و روش‌های آموزش که در قالب بسته‌های آموزشی ارائه خواهند شد به‌طور کامل در معرض داوری خانواده‌هاست.^۴

مرحله ی دهم: محیط و تربیت یادگیری

اثر محیط تربیت روی متربی در همه مراحل تربیت و سطوح تحصیل غیرقابل انکار است. ویژگی‌ها و نوع محیط با توجه به سطح تحصیلی تفاوت‌هایی دارد ولی اصول کلی آن مشترک است. دو ظرف مکان و زمان در رشد انسان در مظهر مؤثر هستند و با تأمل بیشتر در این خصوص نسبت تمثیلی ظرف و مظهر را با تسامح باید پذیرفت. گاهی بین فرد و مختصات محیطی چنان پیوندی شکل می‌گیرد که به سختی بتوان بین آن‌ها مرزی مشخص کرد. به همین دلیل در برنامه‌ی درسی محیط تربیت یکی از عناصر برنامه در نظر گرفته شده است. برای تعیین و پیشنهاد ویژگی‌های محیط تربیت گام‌های زیر را باید برداشت:

گام اول: تحلیل هدف و محتوا

دو عنصر هدف و محتوا اهمیت بسیار بالایی دارند و سایر عناصر در پرتو اقتضائات این دو معین می‌شوند. صرفاً تدریس معلم نیست که زمینه ساز رشد متربی است بلکه اشارات و دلالت‌های محیطی نیز اثرگذار هستند. اگر محیط مناسب باشد روش‌های تدریس نیز در فضای فراخ‌تر انتخاب می‌شوند.

۴ - آنان می‌توانند پس از مدتی از تدریس دروس در مدارس، دیدگاه‌های خود را برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارسال نمایند. لازم است بستری در این خصوص در سیستم سامانه‌ای سازمان فراهم شود تا به سهولت ارتباط خانواده‌ها یاری رساند. مراحل و گام‌های دیگری نیز طبق تجربیات کارشناسی می‌توان افزود.

گام دوم: تحلیل ویژگی‌ها و ابعاد شخصیت تربیتی

ویژگی‌های تربیتی در سطوح مختلف رشد در ساماندهی محیط تربیت، تعیین کننده است. بعضی از این ویژگی‌ها به عوامل انسانی موجود در محیط ارتباط پیدا می‌کند و برخی نیز به ویژگی‌های فیزیکی مربوط هستند. در محیط تربیت، انسان‌هایی از قبیل: معلم، مدیر، دانش‌آموزان و سایر عوامل قرار دارند و نوع رفتار و عملکرد آن‌ها بخشی از محیط را تشکیل می‌دهند. ممکن است یک رفتار خواسته و یا ناخواسته معلم یا سایرین اثری در ذهن تربیتی باقی بگذارد که به آسانی نتوان اثر منفی آن را زدود. اگر عملکرد مثبت را شاهد باشد آثار آن نیز در تعالی تربیتی اثر خواهد داشت. لذا محیط تربیت صرفاً به محیط فیزیکی محدود نمی‌شود. به علاوه این که اجزای فیزیکی محیط نیز جایگاه خاصی دارند.

بر این اساس و بنا به ظرافت‌های تعیین محیط تربیت باید ویژگی‌های رشدی تربیتی به خوبی تحلیل و مطابق آن دلالت‌هایی برای ساماندهی محیط به دست آورد. به عنوان مثال دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی از طریق «بازی» تربیت می‌شوند. بخش عمده‌ی تربیت آن‌ها به وسیله بازی است. محیط تربیت و یادگیری در این دوره باید امکان بازی‌های متنوع تربیتی را فراهم نماید.

گام سوم: تحلیلی بر مفهوم کلی «تربیت»

از دوره‌ی پیش دبستان تا پایان دوره‌ی متوسطه و حتی دوره‌ی دانشگاهی موضوع تربیت جریان دارد. به مثابه جریان آبی است که در هر منطقه‌ای متناسب با ویژگی‌های آن، وضع متفاوتی پیدا می‌کند. در تعیین و سفارش ویژگی‌های محیط تربیت و یادگیری علاوه بر اقتضائات خاص دوره‌ی تحصیلی مربوط، به ویژگی‌های عام و مشترک تربیت و یادگیری نیز باید توجه کرد. به چند نمونه از این ویژگی‌ها، اشاره می‌شود:

- * تربیت در فضای امن شکل می‌گیرد. هر نوع عامل مخل امنیت تربیتی نباید در محیط وجود داشته باشد.
- * تربیت بیشتر جوشش از درون است. امکان این جوشش تربیتی در محیط فراهم باشد.
- * تربیت تعاملی است. با این که بخشی از زمینه‌های تربیت با تلاش‌ها و انگیزه‌های فردی به وجود می‌آید ولی تعامل با دیگران و داد و ستدهای تربیتی باید در محیط فراهم آید.
- * تربیت، مستمر است. برای نهادینه کردن تربیت در وجود تربیتی باید کوشش‌های مداوم

داشت و لوازم این کوشش مستمر در محیط فراهم شود. به بیان دیگر در محیط باید ثابتاتی وجود داشته باشد که امکان مداومت را ممکن سازد.

* تربیت اشاره‌پذیر است. همه چیز تربیت با بیان عیان و صریح نیست. گاهی یک اشاره محیطی چه در قالب نوشته و چه در قالب طرح، تصویر و غیره اثرگذار است. این اشارات محیطی مشتمل بر اجزا و عناصر ثابت و یا متغیر خواهد بود.

* تربیت سالم مورد انتظار است، سلامت تربیت و سلامت، عوامل تربیت در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی همراه با سایر ویژگی‌ها، موضوع بسیار مهم و اجتناب‌ناپذیر است. بخشی از سلامت تربیت به سلامت محیط وابسته است. به‌عنوان مثال تربیت متعادل و سالم نوعاً همراه با شادی و هیجانات متربی است. محیط باید امکان بروز این هیجانات را فراهم آورد ولی از «لودگی» و «هیجانات مخرب» باید شدیداً پرهیز کند.

* تربیت، جامعیت دارد. تربیت انسان جامع و به فعلیت رساندن قوای فطری به‌صورت یکپارچه، ضرورت تربیتی در فطرت‌گرایی توحیدی است. محیط تربیت با پذیرش این ضرورت باید مشتمل بر دلالت‌ها، امکانات و فرصت‌های لازم برای رشد همه‌جانبه باشد نه انسان تک بُعدی

گام چهارم: تعیین ویژگی‌های محیط تربیت

با تحلیل‌های سه‌گانه فوق دلالت‌های مناسب و واضح برای تعیین و پیشنهاد ویژگی‌های محیط تربیت فراهم می‌شود. هر قدر تحلیل‌ها جامع‌تر و اساسی‌تر باشد برنامه‌ریزی مطلوب برای محیط تربیت و یادگیری به عمل می‌آید. بهتر است ویژگی‌های مزبور به‌طور تفکیکی و تحت عناوین: ویژگی‌های معنوی، عقلانی، عاطفی، هنری و غیره دسته‌بندی شود.

فصل چهارم

یادداشت‌ها





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی

قصه

"دوره"

و

قصه

"حوزه"

دکتر حسن ملکی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



یادداشت پیش رو به قلم دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در باب تحلیل "تفکیک دوره و حوزه یادگیری" که در مقطعی از فرآیندهای کاری سازمان پژوهش مطرح شده بود؛ نوشته شده است.

«دوره» و «حوزه» این دوگانه مخمل و غیرمنطقی از حدود سه سال قبل در فرهنگ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وارد شد و گویا جاخوش کرده است و قصد رحل اقامت ندارد. این ثنویت تلفاتی داشت؛ زخم‌هایی باقی گذاشت و ضربات روحی و روانی وارد نمود. چرا این مسئله رخ داد و چرا هنوز باقی است و به مزاحمت خود ادامه می‌دهد؟ علت بروز این مسئله را در چند چیز باید جستجو نمود. بارزترین آن‌ها عدم فهم درست و دقیق «برنامه درسی ملی» به‌عنوان یک زیرنظام سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. شاید این سند مهم بارها و بارها توسط افراد مختلف ملاحظه و مطالعه شده است ولی رویدادهای آموزشی و تربیتی و تحلیل‌های برخی مدیران و کارشناسان نشان می‌دهد فهم دقیق از این سند حاصل نشده است. (در این خصوص در مطالب بعدی شرح داده خواهد شد)

علت دوم سوء فهم در ماهیت دوره تحصیلی و جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت است. تلقی غالب این است که «دوره» حصاری است که تا سنگ چین دور آن با اندازه‌گیری و محاسبه سانتی‌متر و حدود و ثغور هندسی چیده نشود و نگهبان و یا نگهبان‌هایی جهت مراقبت از نفوذ اغیار گماشته نشود. آرامش خیال به دست نمی‌آید و اصولاً دوره تحصیلی شکل نمی‌گیرد.

علت سوم هم با کمال تأسف و تأثر نقشه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده از سوی تعدادی از عناصر تحول ستیز است که اکنون تحت عنوان «مدافعان دوره» تجمع یافته‌اند و با طرح این موضوع ناصحیح و مخمل «اول دوره سپس حوزه» به بدنه کارشناسی و کارشناسان بسیار عزیز و بصیر دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف، سنگ پرتاب می‌کنند. این گروه تلاش می‌کنند در داخل سازمان نیز همراهانی داشته باشند تا با یک تشکل حساب شده از تداوم و گسترش اندیشه تحولی در جهت مفاد برنامه درسی ملی جلوگیری کنند. شخصاً اعتقاد دارم که، هرگز کارشناسان هوشیار و با بصیرت تحت تأثیر این حرکات نامیمون قرار نخواهند گرفت و راه خود را با رعایت موازین فلسفی و علمی ادامه خواهند داد. این نکته در همین قسمت از مطالب یادآوری می‌شود که، علل اول و دوم تأثیرگذارتر و مبنایی‌تر در این مسئله هستند و علت سوم در فضایی که به‌وسیله «سوءفهم» اسناد پدید می‌آید؛ رشد می‌کند. لذا اگر خدای متعال یاری فرماید و کارشناسان عزیز مساعدت کنند و فهم درست برنامه درسی ملی و درک عمیق‌تر دوره تحصیلی تحقق یابد، راه تحول هموارتر می‌شود. برای آن که از این تأکید اینجانب تعبیر دیگری نشود، اعتراف می‌کنم، خود بنده که بارها در برنامه درسی ملی اندیشیده‌ام، باز در مطالعه بعدی و مکرر نکات تازه‌ای به دست می‌آورم. لذا هیچ مانع و عذری وجود ندارد که افراد دست اندرکار هم این سند را به طور مکرر مطالعه کنند و به دلالت‌های آن به طور عمیق پی ببرند. به علاوه این که اصولاً به سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی باید با حکمت دینی و معنوی نگریست تا چیزی عاید انسان

شود. کلمه به کلمه و عبارت به عبارت این سند بر پایه اندیشه قرآنی و فلسفه فاخر اسلامی، نگارش یافته و حدی از حکمت اسلامی را در آن می‌توان ملاحظه کرد. البته در این جا قصد تقدیس سند برنامه درسی ملی را ندارم؛ ولی ارتباط وثیق آن با مقدسات را می‌خواهم یادآور شوم. ممکن است همین اسناد ایراد و اشکال متعددی نیز داشته باشند، ولی آن‌ها در جای خود و در زمان خود باید بررسی و اصلاح شوند. فعلاً این سند هنوز باقی است و باید به‌طور دقیق فهم و از مظلومیت آن دفاع شود. بارزترین ظلم به این سند آن است که «دوره، دوره گویان» بر پیکر این سند و راهنماهای برنامه درسی منشعب از آن سنگ بزنیم و نام آن را دفاع از عقلانیت برنامه‌ریزی بگذاریم. بدون تردید برخی از همکاران محترم که با این جهت‌گیری، پیش‌روی تحول، مانع ایجاد می‌کنند، صداقت دارند و به زعم خود سخن درستی می‌گویند؛ لکن مطابق شرحی که در سطور بعدی خواهد آمد، با استدلال معلوم خواهد شد که آنان صداقت دارند، ولی کاوش دیگری در مفاد و معانی برنامه درسی ملی باید انجام دهند و به لایه‌های دیگری از حقایق نهفته در آن پی ببرند. از ناحیه برخی دیگر از «محبان دوره» اخیراً این مسئله طرح و گزارش می‌شود که «راهنماهای برنامه درسی به اندازه کافی در سازمان بررسی نشده‌اند و به شورای عالی آموزش و پرورش فرستاده شده‌اند.» افرادی که این نوع تردیدها را در اذهان می‌آفرینند، قدری واقع بین و درست اندیش باشند و توجه کنند. حقیقتاً این قبیل افراد باید پاسخ خود را از تلاش‌های جهادگونه کارشناسان عزیز و بصیر حوزه‌های تربیت و یادگیری یازده‌گانه و به علاوه دوره پیش دبستان بگیرند. توصیه می‌کنم در محضر مدیران محترم این حوزه‌ها قرار گیرند و روایت آنان را بشنوند و سپس درباره «تردید پاشی» خود بیاندیشند و حقیقت را دریابند. من در مقابل تک‌تک مدیران عزیز گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی دوازده‌گانه و کارشناسان آن‌ها تعظیم می‌کنم و به وجود آن‌ها مباحثات می‌کنم که توانستند يك ضرورت معوقه ده ساله را با کوشش و مجاهدت علمی و عملی به سامان برسانند و دوازده علم تحول را در فضای تعلیم و تربیت کشور به اهتزاز درآورند. اینجانب در این مقطع از مسئولیت خود در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مستظهر به این شایستگی‌های همکاران محترم هستم و به عنوان يك افتخار از آن یاد می‌کنم و یاد خواهم کرد.

چرا هنوز باقی است؟

در مطلع عرایض خود دو سؤال طرح کردم. یکی این که چرا این مسئله رخ داد؟ و سؤال دوم این که چرا هنوز هم باقی است؟ به پاسخ سؤال نخست تا حدودی پرداختم و اکنون قدری راجع به سؤال دوم توضیح می‌دهم.

در سال ۱۳۹۸ که بنا بود برنامه‌های سال ۱۳۹۹ تدوین شود، هشت کلان پروژه طرح شد و مقرر گردید این پروژه‌ها تعقیب شوند. به‌طور طبیعی به تناسب ماهیت هر دفتر، فعالیت‌ها توزیع شد. از جمله آن‌ها پروژه‌های دوره‌های تحصیلی بود که علی‌رغم اینکه در همان زمان ابلاغ شد؛ انجام نگرفت و اکنون که سال ۱۴۰۰ آغاز شده است، آن کلان پروژه‌ها به وقوع نپیوسته است. این همه تأخیر در انجام کارها يك مصیبت بزرگ سازمانی است، ولی مصیبت‌بارتر اینکه عملیاتی کردن برنامه درسی ملی به طراحی دوره تحصیلی پیوند خورد. اما این پیوند جوش نخورد، زیرا دو نهال نامتجانس هرگز به هم نمی‌پیوندند. انصافاً در کجای برنامه درسی ملی درج شده است که برای انجام و اجرای حوزه‌های یازده‌گانه دوره تحصیلی، را باید طراحی کنید؟ اصلاً این ضرورت از کجا و چرا به‌وجود آمد؟ آیا جز این است که گویی خود تدوین‌کنندگان سند نیز به عمق مطالبات برنامه درسی ملی پی نبرده‌اند؟ آیا در برنامه درسی ملی، در جایی قید شده است که ابتدا باید دوره طراحی شود و سپس به حوزه‌ها پرداخته شود؟ اصلاً چنین چیزی وجود ندارد و با کمال تأسف این حرف و شعار نادرستی است که بر زبان‌ها افتاده و قلوب عده‌ای را نیز تسخیر کرده و اکنون در حساس‌ترین لحظات تحول همه ما را اذیت می‌کند. امیدوارم این عزیزان که در خارج و داخل سازمان همگرایی دارند و قصد ایجاد شك و تردید در افکار و اندیشه کارشناسان بسیار عزیز گروه‌ها را دارند، بازاندیشی کنند و همت و اراده خود را صرف تداوم راه تحول نمایند و به تحقق هدف‌های مشترک یاری رسانند. ناگفته نماند اینجانب نیز در آغاز مسئولیت خود در سازمان، انجام پروژه طراحی دوره تحصیلی را نفی نکردم؛ اما همیشه به آن به‌عنوان يك پروژه تحقیق می‌نگریستم، مانند ده‌ها پروژه دیگر که گزارش تحقیق آن باید آماده شود. ولی هرگز در نظر نبود که، برنامه‌ریزی درسی تحولی و تولید راهنماهای برنامه درسی را به این پروژه پیوند بزنم. قصد این بود که این تحقیق انجام گیرد و از یافته‌های آن در مسیر راه تحول بهره‌برداری شود. متأسفانه این نیت و اقدام اکنون به يك مرام تبدیل شده است. چه بسا قصد و نیت آنانی که به این تقدم دوره به حوزه پافشاری می‌کنند، پاک و خالص باشد ولی انگیزته نامناسبی در سازمان به دنبال دارد. از جمله اموری است که باید از خداوند طلب کنیم تا با عنایت خاص او سامان پیدا کند.

برنامه درسی ملی و آمیختگی دوره و حوزه

اگر برنامه درسی ملی با ابعاد و مؤلفه‌هایش به درستی فهم شود، پیوند ذاتی دوره و حوزه در ساختار آن پذیرفته می‌شود و هیچ دلیل و ضرورتی برای دامن زدن به دوگانه‌ای به‌نام دوره و حوزه باقی

نمی‌ماند. اصولاً اقتضائات دوره و مختصات حوزه آنچنان در آمیخته است که نباید به صورت تفکیکی عمل نمود. جایگاه حوزه‌ها را نباید در حد عناوین دروس و موضوعات درسی تقلیل داد و سپس آن‌ها را لزوماً زیرمجموعه دوره طبقه‌بندی کرد. ماهیت هر حوزه در برنامه درسی ملی به نحوی است که حدود تربیت و یادگیری را نشان می‌دهد و طبق اصول ناظر بر برنامه‌ریزی درسی، رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، الگوی هدف‌گذاری، هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی و شایستگی‌های پایه ناظر به محکمت تربیتی می‌باشد. منظور از محکمت، مجموعه‌ای از اصول و ضرورت‌های تربیتی است که از قراردادهای و حدس و گمان افراد به دست نمی‌آیند بلکه از مبانی و اصول بنیادین تربیتی ریشه می‌گیرد. دو نمونه از حوزه‌ها جهت توضیح و تصریح این مطلب ذکر می‌شود.

در حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی این طور آمده است:

«تعمیق معرفت و ایمان متریبان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است؛ تا به متریبان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را بدهد تا بتوانند براساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند، فرد را توانمند سازد که، به گونه‌ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشند ...»

برای تحقق آنچه که در این فراز آمده است، باید منتظر چیزی به نام دوره تحصیلی بمانیم؟ مگر کارکرد حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی به طور صریح جهت‌گیری و اهداف تربیتی در این حوزه را نشان نمی‌دهد؟ مگر برای تعمیق معرفت و ایمان متریبان باید از جایی یا از دلالت دوره تحصیلی مجوز بگیریم؟ مجموع مطالبی که درباره این حوزه و سایر حوزه‌ها در برنامه درسی ملی قرار داده شده است، اقدامات برنامه‌ای متناسب با هر حوزه را مطالبه می‌کند. به علاوه اینکه هر یازده حوزه، وجوه مشترک نیز دارند که لزومی به پرداختن به آن‌ها نیست. نتایج یادگیری دانش‌آموزان در حوزه حکمت و معارف اسلامی در پایان دوره‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

- آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت
- احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن
- تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامع در شرایط مختلف اجتماعی
- احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان

- بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی

قاعدتاً در دوره‌های تحصیلی برای کمک به انجام و تحقق این نتایج، باید تدبیراندیشی شود. یعنی دوره‌ها براساس ضرورت‌های تربیتی حوزه‌ها باید سامان پیدا کنند، نه بالعکس. آیا با توجه به انتظاراتی که در حوزه‌ها طرح شده، می‌توان دوره طراحی کرد و براساس آن نسبت به حوزه‌ها حکم صادر کرد؟ نتیجه چنین طرز تلقی ای این خواهد بود که، طبق یافته‌های پروژه دوره تحصیلی، نسبت به حوزه‌های یادگیری تعیین تکلیف و محتملاً برخی چیزها تغییر کند. حقیقتاً ما چنین اختیار و اجازه‌ای داریم؟ مگر برنامه درسی ملی با همه عناصر و مؤلفه‌هایش قانون نیست؟ مگر می‌توان براساس نتایج یک پروژه مجموعه‌ای از ضرورت‌های تربیتی مستخرج از مبانی را تغییر داد؟ ضرورت و کارکرد حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی نیز نمونه دیگری است که، کفایت برنامه درسی ملی را در پرداختن به راهنماهای برنامه درسی نشان می‌دهد.

«پرورش علمی دانش‌آموزان و برخوردار شدن ایشان در سواد علمی فناورانه در بُعد شخصی و فردی از لازمه‌های زندگی سالم و موفقیت‌آمیز و در بُعد اجتماعی لازمه بقای عزت‌مدار و توسعه پایدار ایران اسلامی است، از این رو رشد و ارتقای توان‌مندی‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموزان در عرصه علوم تجربی به شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می‌انجامد.

آموزش علوم تجربی از يك سو در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درك دنیای اطراف و زمینه‌سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق فهم عظمت خلقت ضرورت دارد و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روز افزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته‌ها و فرآورده‌های علمی فناورانه ضروری می‌نماید. از این رو اگرچه پرورش سواد علمی فناورانه، محور مشترك تمامی برنامه‌های آموزش علوم به شمار می‌آید؛ ولی براساس مبانی تربیت اسلامی علاوه بر این محور، تعمیق و

تعالی نگرش توحیدی و دستیابی به درك غایت‌مند از خلقت و به عبارتی باز کشف و کشف و رمز و راز لایه‌های مادّی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است.»
طبق معانی نهفته در فراز فوق چند هدف کلی به برنامه درسی علوم جهت می‌دهد و قاعدتاً در راهنمای برنامه درسی این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد.

- شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی
- تکریم، آبادانی و ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی
- کسب بصیرت و بینش عمیق نسبت به درك دنیای اطراف و تعظیم خالق متعالی از طریق فهم عظمت خلقت
- تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دستیابی به درك غایت‌مند از خلقت

این انتظارات و مشابه این‌ها که در بیانیه سایر حوزه‌ها ارایه شده است، به برنامه‌ریزی درسی نیاز دارد نه به ایجاد تردید از طریق طرح نشانی غیراصولی به نام دوره. مگر طراحی دوره با جهت‌گیری دیگر و یا با ایده تعلیم و تربیت دیگر می‌تواند این جهت‌گیری اصیل و ریشه‌دار را تغییر دهد؟ ما باید تلاش کنیم برای تحقق این انتظارات و جهت‌گیری‌ها راهنماهای برنامه درسی شفاف تدوین کنیم و به تدریج به سوی تولید بسته‌های تربیت و یادگیری گام برداریم.

پیوند حوزه‌ها به هدف‌های دوره تحصیلی

تدوین‌کنندگان برنامه درسی ملی پیوند حوزه و دوره را در نظر داشته‌اند و سعی کرده‌اند امکان آن را در متن برنامه درسی ملی فراهم کنند. آنانی که مرتب تکرار می‌کنند: «اول دوره بعد حوزه» به این سؤال بدون اغراض بیانیدهند که در برنامه درسی ملی چگونگی پیوند حوزه و دوره پیش‌بینی نشده است؟ لطفاً به این فراز توجه کنید:

«حوزه‌های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روش‌ها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط داشته؛ لیکن عناوین موضوعات درسی در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی لزوماً معادل عناوین حوزه‌ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارایه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط آن‌ها

با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف گذاری، شایستگی‌های پایه، هم خوانی با اسناد فرا دستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است:

الف) اهداف دوره‌های تحصیلی

ب) شایستگی‌های پایه

ج) اهداف خاص حوزه یادگیری

د) اهداف مرتبط با سایر حوزه‌ها»

طبق راهکاری که در فراز فوق در برنامه درسی ملی پیش بینی شده است. برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌ها، رابطه طولی یا هدف‌های دوره‌های تحصیلی و رابطه عرضی با سایر حوزه‌ها را به دست می‌آورند.

اگر ارتباط هدف‌های برنامه درسی حوزه‌های ۱۱ گانه با هدف‌های چهارگانه فوق به نحو مطلوب صورت گیرد، یکپارچگی برنامه‌ها تحقق می‌یابد. هدف‌های دوره‌های تحصیلی و شایستگی‌های پایه بالاتر از حوزه‌ها هستند و هدف‌های خاص هر حوزه و هدف‌های مرتبط با سایر حوزه‌ها نیز به ارتباط عرضی هدف‌ها کمک می‌کنند.

نتیجه‌گیری

بر این اساس برنامه درسی ملی به عنوان یک سند بالادستی برنامه‌ریزی درسی نباید با هیچ عامل و مداخله دیگری مخدوش و از هویت اصلی خود خارج شود. بی تردید در فرآیند عملیاتی شدن آن می‌توان از پژوهش‌ها و نوآوری‌های کارشناسان و نخبگان کمک گرفت ولی نمی‌توان با طرح این سخن ناصحیح که: «اول باید دوره را طراحی کنیم بعد به حوزه‌ها بپردازیم» مانع برنامه‌ریزی درسی عملیاتی شد. پروژه طراحی دوره تحصیلی مانند سایر پروژه‌ها مورد بهره برداری قرار می‌گیرد ولی نمی‌تواند عناصر دوره را از نو تعریف کند، زیرا این عناصر در متن برنامه درسی ملی تعیین تکلیف شده است. هدف‌های دوره‌های تحصیلی، شایستگی‌های پایه، هدف‌های ارتباطی حوزه‌ها با یکدیگر، معلم، دانش آموز، محیط تربیت، محتوا و غیره در برنامه درسی ملی مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. باید براساس این اجزا و مولفه‌های دوره، گام‌های بعدی برداشته شود و با توجه به هریک از دوره‌های تحصیلی جزئی‌تر و کاربردی‌تر شود. در این قسمت از مراحل برنامه‌ریزی درسی باید از تحقیقات و تأملات مدد گرفت و به صورت علمی و عملی کارها را پیش برد. آنچه که تحت عنوان

"برنامه مکمل" نام برده می‌شود، ناظر بر این اقدامات است که هریک از حوزه‌های یازده‌گانه تحت چند اصل کلی انجام خواهند داد. این اصول به شرح زیر است:

• **حفظ اصالت:** برنامه درسی ملی یک سند ریشه‌دار و اصیل است. پایه‌های فکری و فلسفی آن را باید در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی جست و جو کرد و به صورت مشخص و قابل دسترس در مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین یافته است.

• **وحدت و یکپارچگی:** در مراحل کاربردی برنامه‌ریزی درسی و تکمیل راهنماها، انسجام و یکپارچگی برنامه‌های درسی نباید مخدوش شود. در شرایط کنونی کثرت راهنماها (یازده حوزه) براساس اقتضات دوره و بیانیه حوزه‌ها انسجام یافته‌اند. علاوه بر این، حوزه‌های یازده‌گانه نیز با بیان انتظارات متقابل تا حدودی جهت‌گیری واحد دارند. با این که در خصوص این ویژگی، اقدامات تکمیلی و وحدت بخش می‌توان انجام داد؛ ولی نمی‌توان یکپارچگی را مخدوش کرد.

• **توأم بودن قیاس و استقراء:** برنامه‌های مکمل الزاماً و منطقاً از طریق پیوند دو رویکرد قیاسی و استقرایی انجام خواهند گرفت. «چتری از بالا و تجمع داده‌ها از پایین» به هم پیوند خواهند خورد و زمینه برای تصمیم‌گیری را فراهم خواهد کرد. چتر بالا همان اهداف دوره‌های تحصیلی در چارچوب ساحت‌های تربیتی به علاوه هدف‌های هریک از حوزه‌های تربیت و یادگیری است. ممکن است هدف‌های مصوب دوره‌های تحصیلی نقص و اشکال هم داشته باشند ولی اگر نواقص را مانع تصمیم‌گیری‌های خود بپذیریم، هیچ قدمی به پیش نباید برداریم و کارها را باید تعطیل کنیم. فرض ما بر این است که هر سند مصوب و قانونی چتر بالاسر ماست. سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و هدف‌های دوره‌های تحصیلی جهت‌دهنده به تصمیمات ما هستند و هر زمان ترمیم و اصلاح شوند، نسخه‌های جدید مصوب مبنای عمل خواهند بود. برای توضیح و تصریح توأم بودن رویکرد قیاسی و استقرایی در تهیه راهنماهای مکمل، تعیین عناوین دروس و زمان آموزش به عنوان نمونه بررسی می‌شود. قاعدتاً هریک از حوزه‌های یازده‌گانه مطابق اهداف و محتوای خود عناوین درسی را بررسی و پیشنهاد می‌دهند. هر قدر این کار را با خرد جمعی و با کل‌نگری انجام دهند، عناوین درسی منطقی‌تر و قابل اعتنائتری را پیشنهاد خواهند داد. به همین ترتیب زمان آموزش را نیز طبق هدف‌های هر درس

ارائه خواهند کرد. پس از این که همه حوزه‌ها پیشنهادهای خودشان را دادند، مجموع آن‌ها و با نگاه کلی در شورای راهبری که فوق همه حوزه‌هاست بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. ممکن است در این مرحله اختلاف نظر بین حوزه‌ها باشد که یک امر طبیعی است، اما با ضرورت‌های فراحوزه‌ای تصمیم نهایی اتخاذ می‌گردد.

● **ترجیح رویکرد تلفیقی:** در هر یک از مراحل برنامه‌ریزی درسی مخصوصاً در بخش محتوا و تعیین عناوین دروس شایسته است رویکرد تلفیقی تعیین موضوعات درسی بین رشته‌ای ملاک عمل قرار گیرد. رویکرد تلفیقی در مصالحه و توافق حوزه‌ها مخصوصاً در دوره‌های ابتدایی و دوره اول متوسطه موثر است و امکان تحقق انتظارات مشترک در آن وجود دارد.

● **استفاده از تجارب جهانی:** در کشورهای دیگر مشابه کار ما و با برخی تفاوت‌ها انجام می‌گیرد یا در حال انجام است هریک از حوزه‌های یازده‌گانه از طریق مطالعه و دریافت تجربه سایرکشورها می‌توانند دلایل لازم را برای پیشنهاد خود در نظر بگیرند. این نکته مورد تصدیق است که نمی‌توان الگوی یک کشور را در کشور دیگر اجرا کرد، اما می‌توان از تجارب سایر کشورها بهره برد. آنان در تعیین عناوین دروس و زمان بندی چگونه عمل می‌کنند؟ تا حدی که اطلاعات موجود است قاعده خط کشی شده در این خصوص وجود ندارد و نوعاً این که هدف‌های آموزشی را مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند، چون نهایتاً از طریق عناوین دروس و زمان آموزش، هدف‌ها تحقق می‌یابد. هرچند احتمال دارد تعبیرها و تفسیرها و انتظارات تدوین کنندگان هدف‌ها متفاوت باشد و نقطه تلاقی در تصمیم‌گیری‌ها ایجاد کند ولی تا حدود زیادی می‌تواند جهت دهنده باشد.

● **پرهیز از تعصب و تأکید بر استدلال:** یکی از عواملی که از اتخاذ تصمیم متعادل جلوگیری می‌کند، تعصبات رشته‌ای و گروهی است. هر قدر تعصب بیشتر باشد، توافق کمتر خواهد بود و برعکس هر قدر برهان‌پذیری و توجه به شرایط کلی، عمومی و افزون‌تر باشد، هماهنگی لازم تحقق خواهد یافت. لذا از همه حوزه‌های محترم تقاضا می‌شود، بیش از پیش به استدلال‌های علمی، آموزشی و محدودیت‌های اجرایی تکیه کنند و با نگاه کل نگر به حصول توافقات یاری رسانند.

من الله التوفیق



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش

آسیبها

و

راهکارها

دکتر حسن ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



تحول بنیادین آموزش و پرورش به دلیل غفلت و اهمال مدیران و صاحب منصبان در نظام تعلیم و تربیت کشور به یک سند معطل تبدیل شده است. بی تردید از این سند نباید متن مقدس ساخت به نحوی که کسی نتواند آن را نقد کند لکن علاوه بر این احتیاط؛ از تبدیل شدن آن به یک "سند معطل" نیز باید جلوگیری کرد. البته اکنون تا حدودی به معطلی و مغفول ماندن طولانی مبتلا شده است و لازم است از وقوع رویدادهای بعدی پیشگیری نمود. لازم است بار دیگر همه علاقه مندان به تعلیم و تربیت اصیل و بومی در خصوص این پرسش بیاندیشند که سند تحول بنیادین چه ماهیتی دارد؟ پس از ده سال از تصویب آن باید ماهیت نگری کنیم. هر قدر انسان به ماهیت امور بنگرد امر ممدوحی است ولی اگر ماهیت نگری با تغییر در ماهیت تصمیمات منجر نشود بی فایده است. سند تحول بنیادین ماهیتاً، مبناست. ماهیت مبنایی دارد و با چیزی جز بنا یا بناهای متناسب با آن به اتمام نمی‌رسد. در مثل مناقشه نیست؛ برای ساختن یک بنا در امور فیزیکی و مادی ابتدا فونداسیون و اساس را تدارک می‌بینند. معمولاً برای ایجاد یک پایه و مبنای محکم وقت و اندیشه ورزی زیاد صرف می‌شود. چون پایه‌ها باید محکم باشند تا بناها استحکام لازم را داشته باشند. حال اگر

پایه‌ها و میناها در زمین آماده شد ولی بناها اضافه نشدند در طول زمان باد و باران و طوفان آن‌ها را پر می‌کند و به یک چیز هزینه بر تبدیل می‌نماید. پایه‌ها باید با اضافه شدن دیوارها و ستون‌ها به زینت "اتمام" مزین شود و مورد بهره برداری درست قرار گیرند. در مسایل غیرمادی و فکری نیز همین گونه است. اگر میناها تدوین شود باید بناهای فکری بر روی آن سوار شود در غیر این صورت غبار زمان روی آن را می‌پوشاند و طوفان زندگی آن را غیرقابل استفاده می‌سازد. متأسفانه مبنایی به نام سند تحول بنیادین نیز به بیماری "تعطیلی" دچار گشت. هر بار و در هر دوره‌ای برای خالی نبودن عریضه و گاهی نیز برای تبلیغ و فریب حرف از سند تحول بنیادین زده می‌شد ولی هیچ فایده‌ای نداشت و البته بنا نبود فایده‌ای داشته باشد. هیچ انسان عاقل مدعی نیست که این سند بدون اشکال و نقص است، هر متنی که انسان‌ها بسازند کاستی‌های خود را خواهد داشت، مهم فهم درست و پذیرش نقص‌ها و اقدام برای برطرف کردن آن‌هاست.

سند تحول بنیادین شناسنامه‌ی فرهنگی و تربیتی ماست. قبل از تدوین آن ما بدون شناسنامه بودیم، هویت نداشتیم. مجبور می‌شدیم با شناسنامه‌های بدلی و غریبه به حیات نامعقول خود ادامه دهیم. اصولاً دنیا طوری نیست که خلأها و کاستی‌ها برای همیشه باقی بمانند، اگر کاستی‌ها به طرز صحیح و اصیل برطرف شد فرجی حاصل می‌شود ولی اگر نشد، با جایگزین‌های نامناسب و ناشایست پر می‌کنند. اصولاً خلأها تداوم ندارند. یا با محتوای اصلی و اصیل و یا با محتوای بدلی و اسیر پر می‌شوند. ماقبل از تصویب سند تحول اسیر دست اندیشه‌های عاریتی و غریبه بودیم و پس از تصویب آن صاحب شناسنامه شدیم. با کمال تأسف این جایگاه سند مغفول ماند و اعتنای شایسته به آن نشد.

۱- نگاه آسیب شناسانه

چرا این سند مهم و کم نظیر با همه نواقصی که دارد اجرایی نشد؟ با نگاه آسیب شناسانه، کدام موانع و آسیب‌ها باعث شد این غبن تاریخی در تعلیم و تربیت ایران پدید آمد. بی شک تا آسیب‌ها فهم نشوند و پذیرفته نشوند چیزی عوض نمی‌شود. بارزترین آسیب‌ها همان غفلت و معطل ماندن سند است که شرح داده شد. علاوه بر آن مواردی وجود دارد که شرح داده می‌شود.

۱/۱ - فقر الگو

برای عملیاتی کردن سند به الگوهای نیاز است. بدون آن‌ها نمی‌توان بناها را به مبنا متصل نمود. "الگوی ربط" می‌تواند بناها را به مبنای اتصال دهد و انسجام و یکپارچگی ایجاد کند. همان معماری و یکپارچه‌سازی که در ساختن بناهای فیزیکی مورد توجه قرار می‌گیرد در بناهای فکری و تربیتی نیز باید لحاظ شوند. به جای تدوین الگوهای ربط در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش اسناد غیرمفیدی به نام زیرنظام‌ها تهیه شد. تجربه نشان داد که زیرنظام‌ها کارایی لازم را ندارند و وضع کنونی آن‌ها اثری جز زیور آرشیوها ندارد. برای نمایش دادن شاید به درد بخورد ولی برای تداوم تحول در آموزش و پرورش مفید نمی‌باشد. زیر نظام‌ها در حقیقت توزیع و تعیین سهم هریک از بخش‌های مختلف آموزش و پرورش است. این اقدام ناصحیح باعث شد کثرت جای وحدت را بگیرد و اقدامات تحولی تجزیه شود. تفکیک لازم است ولی تجزیه آسیب‌زا است. به جای این زیرنظام باید الگوهای عملی جهت دهنده در هر بخش تدوین می‌شد و نحوه عمل هریک را برای اجرای سند در برنامه درسی ملی مشخص می‌کرد. این الگوها را با عنوان الگوی ربط باید مورد حمایت قرار داد و اجرایی نمود. بی‌توجهی به الگو یا الگوهای ربط در عملیاتی کردن سند از جمله غفلت‌های خسران‌آفرین است. در این چند سال بارها تذکر داده شد ولی بی‌توجهی کردند.

۱/۲ - مدرسه تراز سند، معلوم نیست

همه تصمیمات در برنامه‌ها نهایتاً در مدرسه باید اجرایی شود. همه رویدادهای اصلی و اثرگذار در این موسسه تربیتی رخ می‌دهد. هنوز ساختار، ویژگی‌ها و هندسه دقیق مدرسه در تراز انقلاب و سند تحول بنیادین طراحی و تصویب نشده است. آیین‌نامه اداره امور مدرسه در دست تدوین بود که ناقص مانده است. با وجود این کاستی عظیم چگونه می‌توان انتظار داشت که طرح‌ها و برنامه‌های تحولی ستاد در مدارس اجرایی شود؟ کما این که اجرایی نشده است. چرا بسته‌های تحولی به نحو مطلوب اجرایی نشد؟ چرا کثرت جلسات و تراکم مباحث و گاهی نیز مناقشه‌های حرفه‌ای نتوانست این مشکل را حل کند؟ پاسخ آن است که "مدرسه" متحول نشده است. همان مدارس پیشین است ولی ما مکرر طرح و بخشنامه ارسال می‌کنیم و به جایی نمی‌رسد. مانند آن چه که سال‌ها قبل در اجرای سند تحول در دوره متوسطه پیش آمد. ناگواری‌ها و اعوجاجات به جایی رسید که تعداد بخشنامه‌های ارسالی به استان‌ها را باید با ماشین باربری حمل می‌کردند. خواستیم انحرافات را با

بخشنامه حل کنیم و نتوانستیم. نباید اجازه دهیم اکنون نیز این تجارب تلخ تکرار شود و عقلانیت رخت بربندد. شک نکنیم که در اجرای سند تحول بنیادین از مدار تدبیر و عقلانیت زاویه گرفته‌ایم. چه طور می‌شود که در مدرسه غیرتحولی، برنامه‌های تحولی را اجرا کرد؟ به عنوان نمونه به همین دلیل برنامه ویژه مدرسه (بوم) به درستی اجرا نشد. نقش و شرایطی که برای معلم مدرسه منظور شده و طی سال‌های نهادینه شده است اجازه نمی‌دهد، برنامه‌های تحولی اجرا شود.

۱/۳ - عدم فهم یکسان از محتوای سند

هنوز خیلی‌ها جایگاه مبنایی سند را باور و فهم نکرده‌اند. توضیحی که در مورد رابطه بنا و مبنا داده شده از نظر خیلی‌ها از نخبگان مورد توجه نیست. گاهی به این سند مهم به عنوان یک کتابچه‌ای نگاه می‌شود که نهایتاً باید مطالعه کرد و برداشتهایی نمود. براساس همان برداشتها عمل کرد. در فهم درست مفاهیم اساسی سند کاستی‌های فراوان وجود دارد. حقیقتاً واژگانی که در سند به کار رفته ریشه فلسفی و اعتقادی دارند و وجه تمایز آن با سایر اسناد و فلسفه‌ها به شمار می‌روند. اصولاً در فضای معنایی فلسفه تربیت اسلامی واژه‌های نوساخته شده است. متأسفانه این واژه‌ها مورد درک درست قرار نگرفته است. به عنوان مثال "حیات طیبه" به عنوان یک موضوع قرآنی و اصیل برای خیلی‌ها از طراحان، معلمان و کارشناسان مبهم است. تحلیل و اجرای آن از طریق برنامه‌های درسی و تربیتی که گام‌های بعدی و عملیاتی به شمار می‌روند به پیگیری خاص نیاز دارد، اصولاً در فهم خود مفاهیم هنوز ابهامات و تفاوت برداشتها وجود دارد. هنوز فهم حیات طیبه و مفاهیم مشابه به حافظه تربیتی اقشار مختلف تعلیم و تربیت تبدیل نشده است. عمدتاً لقلقه زبان است و به علم و آگاهی تبدیل نشده است. به همین دلیل سند تحول نزد عاملان و مجریان تربیت غریب است.

۱/۴ - زلزله در مدیریت

اجرای سند به ثبات مدیریت نیاز دارد. چنانچه همه نواقص برطرف شود و برای اجرای سند هیچ مانع و مشکلی وجود نداشته باشد به مدیرانی نیاز دارد که فرصت لازم برای اجرای آن در اختیار داشته باشند. تغییر دولت‌ها و گاهی نگرش بانندی و گروهی باعث تعویض مدیران می‌شود و آنان نیز نمی‌توانند برنامه‌های خود را با واقعیت‌ها به درستی تطبیق دهند و اقدامات عملی و امتدادی به عمل آورند. اصولاً مدیریت با زمان و زمینه پیوند وثیق دارد. هر یک از این دو در اختیار نباشد مدیر نمی‌تواند ایده‌های خود را به طرح و برنامه و برنامه‌های خود را به اقدامات اجرایی موثر تبدیل کند. گاهی تغییر مدیریت

لازم و ضروری است ولی اگر از حد بگذرد و به یک رویه تبدیل شود موجب زیان و ضرر خواهد شد. اکنون در کشور ما دچار تغییرات مخمل شده‌ایم. یک مدیر همین که سفره مدیریتی خود را پهن می‌کند باید در فکر جمع کردن آن باشد. فرصت لازم را ندارد تا بر سر سفره تولیدات، خود را بیاورد و به ذائقه‌ها عرضه کند.

۱/۵- عدم تمایل کافی برای اجرای سند

این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که برای اجرای سند اراده قوی و پیشرو به وجود نیامده است. مدیران و کارشناسانی وجود دارد که به این تحول علاقه دارند و در خصوص آن مطلب نوشته‌اند. تحلیل کرده‌اند و قواعدی نیز تدوین نموده‌اند. ولی اراده کلان و وسیع که بتواند همه را به حرکت درآورد شکل نگرفته است. شاید یکی از علل این باشد که نتوانسته‌ایم فواید و آثار واقعی و عینی اجرای سند و برنامه‌های تحولی را به جامعه معرفی کنیم. تا زمانی که شخص وزیر آموزش و پرورش خود را مجری اسناد تحولی نداند و در این راه همه جانبه وارد نشود چیزی تغییر نخواهد کرد. تا کنون چنین وزیری با چنین شجاعتی دیده نشده است. بی حکمت نیست که گفته می‌شود مردم از دین ملوک خود پیروی می‌کنند. هر راه و رویه‌ای از رئیس صادر شود نزد مرئوس به فرهنگ تبدیل می‌گردد و به اراده جمعی تبدیل می‌شود. حقیقتاً چنین فضایی از سوی وزیران دیده نشده است.

۱/۶- فقدان نگاه راهبردی در اجرای سند

نگاه راهبردی باعث می‌شود، نقطه‌ای که در آن قرار داریم به درستی تحلیل شود، جایی که قرار است برسیم به نحو مطلوب تعریف شود، مراحل بین راه مشخص گردد و نحوه نیل به آن نیز تدارک دیده شود. به علاوه این که در برنامه راهبردی هوشیاری نسبت به محیط وجود دارد. نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تنظیم می‌گردد و رابطه آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. با تعیین هدف‌های عملیاتی و راهبردی مناسب نقشه راه برای حرکت به دست می‌آید. در عملیاتی کردن سند و پیش برد برنامه‌های تحولی به این قاعده توجه لازم را نکردیم. انصافاً چه زمانی تمرکز به این کردیم که در اجرای سند تحول چه فرصت‌هایی در اختیار داریم؟ کدام تهدیدها مطرح هستند؟ نقاط قوت و ضعف ما کدامند؟ حتی در پیگیری‌های سال‌های اخیر نیز که به نظر می‌رسید بناست با درایت بهتر و بیشتر برنامه‌ها را پیش ببریم خبری از این نگاه راهبردی نبود و نیست. نگاه راهبردی حال را به آینده، گذشته را به حال و آینده را به واقعیت‌ها متصل می‌سازد و اقدامات را از جهت نظری

و عملی معنادار می‌سازد. در مواجهه با اجرای سند تحول نه تنها برنامه راهبردی نداشتیم بلکه برنامه‌های معمولی اثرگذار را نیز به طرز صحیح پیش نبردیم.

۱/۷- عدم اطلاع و حمایت ارکان نظام از اجرای سند

کارهای بزرگ به حمایت‌های وسیع نیاز دارد. اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کار بزرگی است و از یک جهت بزرگترین کارهاست. تعلیم و تربیت در قیاس با سایر ابعاد فعالیت‌های نظام جایگاه بسیار بالایی دارد و همه انبیای عظام علیهم السلام برای انسان‌سازی مبعوث شده‌اند. اگر در برنامه‌های خود از اقتصاد، سیاست، امنیت و غیره حرف می‌زنند همه جنبه وسیله‌ای دارند و در ارتباط با هدف اساسی یعنی تربیت انسان‌ها معنا و جایگاه پیدا می‌کنند. سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نقشه کلی تعلیم و تربیت هستند و به حمایت ارکان نظام و قوای کشور نیاز دارند. چنانچه قوه مقننه، قوه قضائیه و سایر ارکان مدافع و حامی تعلیم و تربیت باشند و به اجرایی شدن سند تحول کمک کنند رویدادهای بزرگی در کشور به وقوع می‌پیوندد. در سال‌های پیشین چنین حمایتی نبود. هر موقع مسایل آموزش و پرورش طرح می‌شد تحلیل‌هایی به عمل می‌آیند و جهت‌گیری‌های آشکار می‌گشت ولی هیچ‌گاه تعلیم و تربیت آن‌طور که شایسته‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران است مورد حمایت قرار نگرفت. در همین سال‌های اخیر مدیرانی که برای آموزش و پرورش انتخاب شده‌اند تأمل کنید. انصافاً اگر نزد ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش جایگاه درستی می‌داشت چنین انتخاب‌های نامناسب و جهت‌گیری‌های ناصحیح به عمل می‌آمد؟ یک نفر مدافع واقعی نظام تعلیم و تربیت است و آن هم رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی است. معظم له قوی‌ترین و اصیل‌ترین مواضع را نسبت به تعلیم و تربیت دارند لکن چون بدنه‌ی آموزش و پرورش و بخش عمده‌ی مسئولان چنین موضع قوی ندارند فرامین و مواضع رهبری مورد عنایت ساختاری قرار نمی‌گیرد. در نتیجه سال‌ها می‌گذرد و مشکلات حل نشده باقی می‌مانند. نمونه بارز این نقیصه، اجرایی نشدن سند تحول بنیادین در طی سال‌های اخیر علیرغم تذکر و تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. ایشان طی ده سال گذشته هر سال فرموده‌اند که این سند را عملیاتی کنید لکن اقدام جدی و اثرگذار صورت نپذیرفته است. هرگز نمی‌توان اقدامات موردی و مقطعی را اجرای سند تحول بنیادین تلقی نمود.

۱/۸ - ضعف جدی در مشارکت اجتماعی

برای پیشرفت نظام تعلیم و تربیت و اجرای اسناد، مشارکت اقشار تصمیم گیرنده یک امر ضروری است و هیچ چیز دیگر جایگزین آن نمی شود. آن چه که تحت عنوان تقسیم کار ملی نامیده می شود برای اجرای سند مورد نیاز است. هریک از جوامع مرتبط با تعلیم و تربیت ظرفیت و اثر گذاری خاص خود را دارد. جامعه معلمان به قدری قدرت دارند که در صورت برنامه ریزی درست می توان از طریق آنان برنامه های مهم و وسیع را اجرایی کرد. متأسفانه به دلیل اقدامات نامناسب برای تشکل های معلمی و گاهی غلتیدن آنان به سمت جناح های سیاسی و زاویه گرفتن از مصالح تعلیم و تربیت، اعتبار تشکل ها مخدوش شده است لکن هنوز امیدی برای بهره مندی از آنان و نیل به هدف های تعلیم و تربیت وجود دارد. به نظر می رسد برای مشارکت اجتماعی معلمان در اجرای سند و سایر فعالیت های تعلیم و تربیت باید الگوی مشارکت درست تدوین کرد. تاکنون چنین الگویی تهیه نشده است. همین طور در چگونگی ارتباط با خانواده محتاج الگوست. اگر قصد بهره مندی از نخبگان را داشته باشیم به الگوی مشارکت نخبگان در تعلیم و تربیت نیاز داریم. در مجموع بدون الگو قادر به اداره امور به نحو مطلوب نخواهیم بود. اگر گروه های مختلف به کمک مسئولان نیابند و کمک های خود را متناسب با نقش و جایگاه شان به طور هدفمند انجام ندهند موفقیت کافی به دست نخواهد آمد.

۱/۹ - فقدان پیوست مالی اجرای سند

بدون حمایت مالی و تأمین ضرورت ها و نیازهای اقتصادی؛ برنامه های تحولی پیش نمی رود. از جمله نواقص در این مسیر این بود که پیوست مالی نداشتند و در اجرای برخی از برنامه ها توقف و یا حداقل کندی پیش می آمد. احتمالاً علاوه بر پیوست مالی پیوست های دیگری نیز مورد نیاز باشد ولی حمایت های مالی از فعالیت اجرای تحول بنیادین مهم و اساسی است.

۲ - اقدامات ضروری برای آینده

نواقص ذکر شده نباید باعث ناامیدی در پیگیری های جدی کارهای تحولی شود بلکه باید این مسیر با برنامه ریزی دقیق تر و گام های استوارتر تعقیب شود. بعضی از نواقصی در طبیعت اقدامات تحولی است و برخی نیز در اثر کم توجهی به وجود آمده است. باید برای هر دو وجه چاره ای اندیشید و برنامه ها را پیش برد.

۲/۱- طراحی ساختار مدرسه تراز تحول

با این که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی در خصوص ساختار مدرسه دلالت‌های مشخصی ارائه گردیده است تا کنون مدرسه مطلوب طراحی و تصویب نشده است. این در حالی است که همه اقدامات تحولی در مدرسه باید به ثمر برسد. چگونه ممکن است بدون تعیین تکلیف نقش تحولی نیروی انسانی شاغل در مدرسه بتواند انتظارات را برآورده کرد؟ معلم چه نقشی باید ایفا کند؟ اگر می‌تواند به طراحی نیز بپردازد حدود و ثغور فعالیت‌ها چگونه است؟ مدیر آموزشی دارای کدام حقوق و تکالیف است؟ در اجرای برنامه‌های تحولی چه نقشی دارد؟ قاعدتاً بخشی از برنامه‌ریزی‌های آموزشی بر عهده‌ی مدیر آموزشگاه باید گذاشته شود. نسبت و رابطه‌ی مربی پرورشی با معلم چه وضعی خواهد داشت آن چه که در وضع فعلی وجود دارد دامن زدن به تفکیک است در حالی که تلفیق و یکپارچه‌سازی آموزش و پرورش از ضرورت‌های برنامه‌های تحولی است، برای تلفیق باید در نقش‌ها یکپارچه‌سازی و نظام ارتباطی موثر صورت پذیرد. به طور کلی هم نقش‌ها باید تغییر کند و هم نظام نقش‌ها و شبکه ارتباطی آن‌ها وضعی تحولی به خود بگیرد. در مورد هریک از عناصر تعلیم و تربیت برنامه‌های درسی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر باید بازاندیشی اساسی نمود. تعویق در طراحی مدرسه مطلوب یکی از معایب اساسی است.

۲/۲- تدوین الگوهای ربط

تحول اساسی زمانی رخ می‌دهد که از ارتباط بناها به مبنا اطمینان حاصل شود. در مبانی نظری سند و ساختار آن صورت بندی خاص برای مبنا به عمل آمده است. مبنا فیلسفی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و...؛ مطابق فلسفه تربیت اسلامی تدوین یافته‌اند. اگر مبانی به طریق صحیح و نظام ارتباطی دقیق به بناهای مختلف متصل نشود. روح مبانی در کالبد طرح‌ها و برنامه‌ها دمیده نمی‌شود. به همین دلیل عنوان "الگوی ربط" برای این منظور انتخاب شده است. هریک از بخش‌های آموزش و پرورش نخستین سوالی که باید از خود کنند این است که جهت گیری و هدف‌های مورد نظر چگونه به جهت گیری و هدف‌های کلی اسناد تحولی ارتباط می‌یابند؟ اولین عنصر و اولین تصمیمی که معمولاً در برنامه‌ریزی‌ها تعیین می‌شود عنصر هدف است. چنانچه هدف‌های هریک از اجزای نظام تعلیم و تربیت به هدف‌های کلی سند تحول بنیادین مرتبط نشود، تحولی به وقوع نمی‌پیوندد. از طریق ارتباط است که هویت‌ها معلوم می‌شود. نوع الگوی ربط با توجه به ماهیت هر بخش متفاوت است. درک این تفاوت‌ها در تدوین الگوی ربط اثر مستقیم دارد.

۲/۳- برنامه ریزی جهت اشاعه سند

با این که سال‌ها از تصویب و ابلاغ سند سپری می‌شود ولی هنوز در حافظه فردی و اجتماعی اقشار مختلف تعلیم و تربیت استقرار نیافته است. سخنرانی‌های متعدد، برگزاری سمینارها و نوشتن مقالات گوناگون و کارهای مشابه دیگر نتوانسته این مهم را تحقق بخشد. به نظر می‌رسد اقدامات موثر دیگری باید به عمل آورد. باید به نقطه‌ای برسیم وقتی که از سند تحول و اقدامات تحولی حرف زده می‌شود همه برداشت‌ها یکسان و پذیرش همگانی داشته باشند. این نه به این معناست که باید همه محتوای آن را بپذیرند و کاملاً مطیع باشند، ممکن است نقدهای جدی هم داشته باشند ولی آگاهانه نقد کنند. اگر بعد از فهم نقد صورت گیرد، اثر بخش و ثمر بخش خواهد بود. موثرترین اشاعه همزمان با اجراست. چنانچه اجرای سند با برنامه‌ریزی دقیق و عالمانه صورت گیرد و تا حدودی آثار و نتایج آن را در میدان و عمل ببینند، به پذیرش سند کمک می‌کند. بین "فهم" و "پذیرش" باید تفاوت گذاشت ممکن است جامعه سند را بفهمند ولی نپذیرد. فهم به ارتباط موثر کمک می‌کند ولی پذیرش به اجرای کامل آن یاری می‌رساند برای فهم و پذیرش باید برنامه‌ریزی کرد.

۲/۴- الگوی اجرایی بومی

الگوهای اجرای گوناگون در ادبیات علمی برنامه‌ریزی درسی معرفی شده است. تنوع الگوها نشان می‌دهد که باید به عرصه اجرا نیز عالمانه و با رعایت اصول نگریست و گام‌های منطقی و درست برداشت از جمله عواملی که در انتخاب و تدوین الگوی اجرا، موثر است نوع نظام آموزشی است. در نظام‌های غیرمتمرکز، اجرا با الگوهای متکثر و با محوریت کامل معلم قابل پیگیری است و در نظام‌های متمرکز با اقدامات از بالا به پایین و در نظام‌های نیمه متمرکز با ترکیبی از دو الگوی مذکور برنامه‌ریزی شود. نظام تعلیم و تربیت ما فعلاً متمرکز است و شاید با الهام از مفاد سند تحول کاهش پیدا کند. بی تردید نظام غیرمتمرکز با فلسفه تربیتی اسلامی تناسب ندارد و تمرکز مطلق نیز مورد تایید نیست. باید الگویی طراحی کرد که در آن ضمن صیانت از اصول و ارزش‌های اسلامی به نوآوری‌ها و خلاقیت‌های مدیران داده شود و رویش طرح‌ها و برنامه‌ها از سطوح پایین انجام گیرد. اجرای سند تحول و برنامه درسی ملی نیز با این رویکرد باید پیش برود، لازم است ضمن طراحی اصول کلی و تمرکز گرایانه به شرایط استان‌های مختلف توجه شود و معلمان و خانواده‌ها نیز از

شرکای جدی الگوی اجرا محسوب شوند. نقش معلمان، دانش آموزان و خانواده‌ها در راهبردها و راهکارهای مختلف سند تصریح شده است. شرط طراحی الگوی اجرا آن است که جایگاه افشار مختلف در سند به درستی فهم شود و دلالت‌های مرتبط با آن‌ها استخراج شود. به عبارت دیگر شیوه اجرا نیز باید به عنوان یکی از مصادیق "بنا" به مبانی و اصول کلی تعلیم و تربیت ارتباط منطقی داشته باشد.

۲/۵- صلاحیت عوامل اجرا

آنانی که سند تحول را عملیاتی می‌کنند باید "صلاحیت تحولی" داشته باشند. احتمالاً این واژه جدیدی است که وارد عرصه و هندسه صلاحیت‌ها می‌شود. صلاحیت تحولی به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، طرز تلقی‌ها، شناخت‌ها، موضع‌گیری‌ها و مهارت‌ها اطلاق می‌شود. که فرد را برای اقدام تحولی راستین آماده می‌کند و آنان را به ایفای نقش موثر وادار می‌سازد. یک عنصر تحولی باید بدون دستور و بخشنامه‌های مرسوم وارد عرصه تحول شود و گاهی نیز از مسئولان مطالبه کند. اصولاً مقوله‌ی تحول مقوله‌ی انتظار نیست بلکه مقوله حرکت و مطالبه است. کارشناسی که عمق تحول را فهمیده است باید به تعهدات ناشی از آگاهی و ضرورت عمل کند و به صورت فعال و در جنبه‌های نظر و عمل کوشا باشد. بی تردید برای ایفای نقش مطالبه گر و فعال باید از طریق آموزش‌های مداوم و ارتباطات موثر و هم‌اندیشی‌های مکرر کسب صلاحیت کند و آمادگی کسب نماید. البته این آمادگی یک امر مستمر است و مقطعی نیست زیرا که تحول با وقایع و رویدادهای نو مواجه می‌شود و علاوه بر آموزش‌های حضوری باید از امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات و فضای مجازی کمک گرفت و برنامه‌های آماده سازی را به نحو کامل و همه جانبه اجرا کرد روش کارگاهی در بین روش‌های مختلف نتیجه بخش تر است؛ هرچند صرفاً به یک روش نباید اکتفا کرد.

۲/۶- پرهیز از اختلاط نقش‌ها

یکی از اقدامات غیرعادی و نامعقول در پیگیری برنامه‌های تحولی آن است که اعتبار نقش‌های سازمانی را نادیده بگیریم و با ایجاد نقاط تلاقی در وظایف کارها را پیش ببریم. بی تردید این رویه درست نیست زیرا که موجب سردرگمی، کاهش انگیزه و کاهش کارآمدی فعالیت‌ها می‌شود. به عنوان مثال سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به حکم قانون مسئول برنامه‌های درسی و تألیف کتاب‌های درسی است. همه محتواهایی که به مدارس وارد می‌شوند باید مورد تأیید این

سازمان باشند. بر این اساس برنامه‌های تحولی و تغییرات محتوایی نباید و نمی‌تواند در معاونت‌های دیگر آموزش و پرورش تولید و یا تایید شوند. همین‌طور قلمرو اختیارات سازمانی سایر حوزه‌ها نیز محترم هستند و باید در یک فضای تفاهمی و توافقی اقدامات تحول را مدیریت کرد. نباید از یاد برد که تحول به انضباط خاص خود محتاج است و انضباط نیز به مدیران و کارشناسانی با ذهن و عمل منضبط نیاز دارد. در صورت اختلاط نقش‌ها، مسئولیت‌ها و پاسخ‌گویی به هاله‌ای از ابهام می‌روند در فضای مبهم نیز هدف‌ها تحقق نمی‌یابد.

۲/۷- ساختار تحول‌گرا

ساختار تشکیلاتی و مناسبات نقش‌ها باید طوری باشد که بتوان برنامه‌ها را تا مدرسه مدیریت کرد و اجرا نمود. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی به‌طور متمرکز اداره می‌شود و این شیوه مطابق دلالت‌های سند تحول بنیادین قابل تعدیل است. قدری از تمرکز باید کاست و به استان‌ها اختیار داد. برای کاهش تمرکز لازم است در مراکز استان‌ها و مناطق مختلف کانون‌های برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوا تأسیس شوند و در چارچوب ثبات تحول به امور متغیر و قابل انعطاف میدان عمل و تصمیم‌گیری داده شود. این که این کانون‌های استانی چگونه باشند و تا چه حدی اختیارات داشته باشند به بحث کارشناسی نیاز دارد. با کمال تأسف در همین فضای تحولی در آموزش و پرورش و ضرورت ایجاد ساختار جدید و منعطف، با یک تصمیم ناصحیح معاونت‌های پژوهشی در استان‌ها حذف شد و رابطه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با استان‌ها قطع گردید. در حال حاضر این سازمان که تولیدات آن در کل کشور توزیع می‌شود و برای هر سفره‌ای هست با استان‌ها هیچ رابطه تشکیلاتی ندارد.

۲/۸- طرح یک سوال راهبردی

هنوز هم دیر نشده و می‌توان این سوال راهبردی را طرح کرد که مناسب‌ترین الگو و یا الگوها برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین کدام است؟ هر چند این سوال باید در آغاز طرح می‌شد و ریشه‌ای‌تر جواب داده می‌شد ولی هنوز هم به دلیل اهمیت موضوع قابل طرح و پیگیری است. این سوال در آغاز برای مجریان تحول، به‌طور عمیق پاسخ داده نشده است. مانند خیلی از کارها که "نشئه‌گی" به "ورزیدگی" غلبه می‌کند در راه تحول نیز به نظر می‌رسد همین عارضه، اختلال ایجاد کرده است. به عنوان مثال در آن لحظات حساس که هیجانانگیز و تبلیغ‌گرایی غالب بود به

درستی نیاندیشیدند که زیرنظام چه تأثیری در تحول دارد؛ آیا به جز انشقاق و تجزیه امور اثری دارند؟ با تقسیم سهم‌ها و توزیع راهبردها بین معاونت‌های مختلف وزارتخانه که تحول رخ نمی‌دهد به جای این که "الگوی ربط" طراحی کنند و کارهای خود را با قلاب‌های صحیح و محکم به مبانی متصل سازند به توزیع اجزای سند رو آوردند. در جاهای دیگر نیز چنین اشتباهاتی به وقوع پیوسته است. همین رویه‌های غلط مانع تداوم معقول و منطقی فعالیت‌های تحولی شد و پیامدهای منفی آن ظاهر شده است. لذا شایسته است آموزش و پرورش به طور شجاعانه و مانند آنچه که سال‌ها پیش در تغییر بنیادین دوره تحصیلی متوسطه و رجعت از راه غلط رخ داد؛ عمل کند و از شیوه‌های ناصحیح دست بردارد و اصلاحات جدی انجام دهد.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش

شورای عالی

آموزش و پرورش «از حاشیه

تا متن»

دکتر حسن ملکی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



اولین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در دولت سیزدهم با حضور رئیس جمهور مردمی و انقلابی حضرت آیت الله رئیسی در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲۹ تشکیل شد و درخصوص جایگاه و اقتدار این شورای بسیار مهم در آموزش و پرورش مباحث اساسی طرح و تبادل نظر شد. به نظر می‌رسید همه اعضای شورا و سرپرست محترم آموزش و پرورش همگی مسرور و شادکام بودند که مهم‌ترین نهاد هدایتگر نظام تعلیم و تربیت با شاکله کامل خود تشکیل شده است. بدون تردید اگر از همان آغاز مطابق قانون رؤسای محترم جمهوری مستقیماً در جلسات شرکت می‌کردند و رهبری مباحث و مصوبات را به عهده می‌گرفتند خیلی از امور حل و فصل می‌شد. شورای عالی آموزش و پرورش با رئیس اصلی و قانونی خود اقتدار پیدا می‌کند نه با جلسات بدون رهبر. درست است که مقام وزارت آموزش و پرورش بدون کمک و همراهی سازمان‌های بیرون از آموزش و پرورش حل نمی‌شود اما هماهنگی‌های ملی و همراهی‌های کلان به نفع آموزش و پرورش در شورای عالی

آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که مقام محترم رئیس جمهور ریاست این شورا را عهده‌دار شود تا به تبع آن وزرای عضو شورا متعهدانه شرکت نمایند. به‌علاوه نمایندگان محترم عضو؛ در صورت حضور و رئیس اصلی شورا، متعهدانه شرکت می‌کنند و به موقع برای حمایت‌های قانونی از مصوبات شورا اقدام لازم را به عمل می‌آورند. در هر صورت جلسه مورخ بیست‌ونهم شهریورماه شورای عالی آموزش و پرورش بسیار مبارك بود زیرا که با اقتدار قانونی خود تشکیل گردید. در این جلسه برخی واقعیات توصیف شد و برخی قواعد نیز به‌عنوان اصول و روش‌های مؤثر و مفید پیشنهاد گردید.

پیشرفت کشور در گرو آموزش و پرورش

مطرح شد که در گذشته و در دولت‌های مختلف نوعاً آموزش و پرورش در کانون توجه نبوده و به‌عنوان يك رسالت ملی که همه باید برای اعتلای آن بیاندیشند و ایفای نقش کنند نگاه نکرده‌اند. یکی از علل این وضع نامطلوب این بوده است که حاصل تلاش‌ها و برنامه‌های تربیتی دیربازده است و در کوتاه مدت توجهات را به خود جلب نمی‌کند. مخصوصاً اینکه به آموزش و پرورش به‌عنوان يك نهاد در کنار سایر نهادها نگاه کرده‌اند نه به‌عنوان يك امر سرمایه‌ای. هنوز هم این تفکر ناقص و ناصحیح کم‌وبیش وجود دارد و مانع برنامه‌ریزی‌های ریشه‌ای و با گستره ملی می‌شود. تأثیر فعل و انفعالات سیاسی و چرخش‌های باندی و گروهی را نیز اضافه کنیم به پیچیدگی موضوع افزوده می‌شود. بی‌تردید یکی از اضلاع تعلیم و تربیت پویا تربیت سیاسی است و مدیران این نهاد باید سیاسیون هوشیار باشند ولی سیاسی کار و سیاست باز نباید باشند، گاهی سیاسی کاری‌ها و بازی‌های سیاسی مانع از تدبیرهای اصیل تربیتی شده و موجبات عدم ثبات مدیریتی در آموزش و پرورش را فراهم ساخته است. همه شاهد بودیم که در هشت سال گذشته چهار وزیر و دو سرپرست در آموزش و پرورش ظاهر شده‌اند. کاری با ماهیت افراد ندارم و بیشتر نفس این تغییرات پی‌درپی مورد نظر است. چرا این همه عدم ثبات؟ دلیلش این است که با کمال تأسف سیاسی کاری در تصمیم‌گیری‌ها پیشگام بوده و نگذاشته وزیر کارآمد انتخاب شود و یا وزیر انتخاب شده با برنامه مشخص و با آرامش لازم به فعالیت خود ادامه دهد.

نباید غفلت کرد که در مجموعه آموزش و پرورش عنصر معلّم و صلاحیت‌های او مهم‌ترین نقش را در پیشرفت امور و در انسان‌سازی ایفا می‌کند. تربیت معلّم را کلید اصلی توسعه در تعلیم و تربیت باید محسوب نمود و در این عرصه برنامه‌ریزی کرد. دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی

با این قصد تأسیس شده‌اند و قرار است معلمان مورد نیاز از مسیر این دانشگاه‌ها تربیت شوند. عملاً این دو دانشگاه با وضعی که دارند قادر نیستند این آرزو را برآورده کنند. این که معلمان در مسیر صحیح پرورش پیدا کنند. انتظار کاملاً بجا و درستی است ولی اینکه آیا دانشگاه فرهنگیان با محدودیت‌های عدیده‌اش قادر به پاسخ دادن به این نیاز است محل تردید می‌باشد. ای کاش این اتفاق می‌افتاد و این امر ممکن می‌بود ولی آیا در شرایط کنونی این خواسته بسیار مهم نظام تحقق پیدا می‌کند؟ به نظر می‌رسد به وسعت و عمق این دانشگاه باید افزود. وسعت؛ ناظر بر گسترش پذیرش و عمق معطوف به کیفیت تربیت و یادگیری است. در هر دو وجه باید بازنگری اساسی صورت گیرد.

شورای عالی آموزش و پرورش و منفذهای فسادزا

آیا در این نهاد می‌توان نشانه‌هایی از فساد یافت؟ رئیس جمهور محترم در تبلیغات انتخاباتی خود فرمودند «با فساد باید مبارزه کرد نه با مفسد». این سخن کاملاً درستی است. مصادیق فساد در این نهاد کدام است؟ هرچا مقرراتی باشد که «عدالت» را نادیده بگیرد و توازن را بهم بزند مصداقی از فساد است. فساد در مقابل صلاح است. توازن و عدالت جلوه‌ای از صلاح است و ظلم و فساد نشانی از بروز و ظهور بهم ریختگی و انحراف. باید همگی مراقب باشیم. فساد صرفاً سیمای آشکار و معروف ندارد. گاهی با وضع عادی و نامرئی رخنه می‌کند و به تدریج مرئی و غیرعادی می‌شود، یک سازمان یا نهادی برای یک مأموریت ویژه تأسیس شود ولی به دلیل عدم مراقبت از مسیر و طریق خود منحرف گردد، مصداقی از فساد است. در اثر این اهمال پیامدهای منفی زیادی برای افراد و یا منافع سازمانی و در نهایت برای جامعه پدید می‌آید. غفلت از انواع و ابعاد فساد، زمینه‌ساز فسادهای گوناگون است.

علاوه بر این، مصادیق بارز و خسارت‌زای دیگر نیز قابل طرح است. تعارض منافع از جمله آنهاست و این مسئله ممکن است در شورای عالی آموزش و پرورش نیز صدق کند. این شورا، تنها شورای سطح بالای رسمی و هدایتگر است. چنانچه در بین اعضای آن فردی یا افرادی باشد که مسایل و منافع شخصی آنان با مصالح تعلیم و تربیت گره خورده است چگونه می‌تواند در گفتگوها و مصوبات این شورا بی‌طرف قضاوت کند؟ بر این اساس در انتخاب اعضای شورا باید دقت کرد و افراد بصیر و به دور از تمایلات و جهت‌گیری‌های منفعت طلبانه انتخاب نمود. چه بسا همین مسئله باعث شود شورای عالی در مأموریت خود موفق نشود.

شورای عالی و تمایز وظایف

در جایگاه و تمایز وظایف شورای عالی و پرورش با شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی باید بازنگری لازم صورت گیرد. ممکن است در وظایف قانونی و یا در اجرای قوانین بین این نهادها اختلاط نقش‌ها حادث شده باشد. وظیفه‌ای که به‌عهده آموزش و پرورش است نباید مخدوش شود و وظایفی که به‌عهده نهاد دیگری است نباید از طریق این شورا تعقیب گردد. در سال‌های اخیر مواردی خلاف این دیده شده است. موضوعاتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی بررسی و تصویب شده است که از وظایف آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود و این عدم توجه به تفاوت‌های سازمانی ابهامات و در نهایت اختلالاتی ایجاد کرده است. نمونه بارز این مسئله، تأسیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک است. در این خصوص تجربه زیسته و بدون واسطه داریم. اینجانب که مسئول یکی از بخش‌های حساس آموزش و پرورش یعنی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هستم در جریان مباحث اساسی این موضوع مهم قرار نمی‌گرفتم و بعداً مطلع می‌شدم که به تصویب شورای انقلاب فرهنگی رسید. حتی مسئول سازمان پژوهش را عضو هیأت امنای سازمان جدیدالتأسیس نیز قرار نداده بودند و بعداً با پیگیرهای متعدد این عضویت انجام شد. به هیچ عنوان تمایل ندارم با طرح مثال‌ها و نمونه‌های مربوط به حیطه مسئولیت خودم، هدف اصلی نگارش این مطالب تحت‌الشعاع قرار گیرد ولی چون عین‌الیقین به آن‌ها دارم نمونه‌ای را ذکر نمودم. نمونه‌های متعدد دیگری می‌توان ذکر کرد که نشان‌دهنده اختلاط وظایف است. در ارتباط با مجلس شورای اسلامی نیز باید دقیق عمل کرد. بی‌تردید، مجلس شأن و جایگاه قانون‌گذاری دارد و نهاد دیگری نمی‌تواند قانون‌گذاری کند. شورای عالی آموزش و پرورش نیز برای تبدیل مصوباتش به قانون باید از مجلس استمداد کند. علت عضویت نمایندگان از مجلس در شورا نیز همین نکته است. حقیقتاً این موضوع نیز مورد توجه لازم قرار نگرفته و به نقش و اثر نمایندگان محترم مجلس توجه لازم نشده است.

بُعد اقتصادی شورای عالی آموزش و پرورش

تأثیر توانایی و جایگاه اقتصادی این شورا نیز قابل انکار نمی‌باشد و بی‌اعتنایی به آن خسارت‌زا می‌باشد. مگر ممکن است آموزش و پرورش سهم ناچیزی در درآمد ناخالص ملی داشته باشد ولی به موفقیت‌هایی نیز برسد؟ طبق اظهار یکی از اعضای شورای عالی، سهم آموزش و پرورش از

درآمد ناخالص ملی ۲/۵ درصد است و این حد از سهم در مقایسه با موارد مشابه در جهان بسیار پایین می‌باشد. این کاستی و نقص در شرایطی است که ما در نظام جمهوری اسلامی ایران به حق اعتقاد داریم که تربیت انسان‌ها در رأس برنامه‌های ما قرار دارد. درست است که در شرایط کنونی به دلیل مشکلات معیشتی مردم باید به این امور توجه جدی داشته باشیم ولی اصالت تعلیم و تربیت همچنان باقی است. شورای عالی آموزش و پرورش با این اصالت کار دارد. هرگز نباید آموزش و پرورش یک دستگاه مصرف کننده تلقی شود و شأن آن در تصمیمات حکمرانی کشور تقلیل پیدا کند. البته تقلیل یافته است باید در فکر جبران بود. بخش عمده مشکلات معلمان کشور به تنگناهای اقتصادی مربوط می‌شود. انکار این واقعیت مانع فهم درست خیلی از حقایق دیگر است. معلمان سایر منزلت‌ها را از منظر بی‌توجهی به همین واقعیت تحلیل می‌کنند. اعتقاد دارند که اگر ما معلمان منزلت اجتماعی داشتیم و جایگاه واقعی معلم واقعاً مورد اعتنا قرار می‌گرفت این قدر از جهت اقتصادی وضع نامناسب نمی‌داشتیم. حقیقتاً جای خوشحالی بسیار دارد که آقای رئیس جمهور در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش فرمودند که این مسئله را برای همیشه باید حل کنیم.

عدالت آموزشی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

بدون شك امکانات آموزش و پرورش به‌طور متوازن در سطح کشور توزیع نمی‌شود و با آموزش و پرورش نیز به نحو عادلانه در سطح ملی رفتار نمی‌گردد. این مسئله یکی از مسایل «غریب» است و باید به امر «قرب» تبدیل گردد. آیا مدارس مناطق محرومی ماند سیستان و بلوچستان و خوزستان و امثال این‌ها با سایر مناطق کشور اصلاً قابل مقایسه است؟ آیا باید همیشه تکرار کنیم و شاهد باشیم که در بخش‌های قابل توجه کشور از ضروری‌ترین نیازهای آموزشی محروم هستند ولی در سایر مناطق تفاوت‌های بارزی دیده می‌شود؟ این بی‌عدالتی در نظام جمهوری اسلامی ایران که اصالتاً برای اجرای عدالت پدید آمده است قابل توجیه نمی‌باشد. اکنون از شورای عالی آموزش و پرورش باید پرسید که شما در خصوص تحقق عدالت آموزشی چه کرده‌اید؟ بی‌تردید با یک مصوبه یا یک تصمیم نمی‌توان عدالت را برقرار کرد ولی با همت والا و استمرار در پیگیری‌ها و ارتباط مؤثر با کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس می‌توان خیلی از امور را حل کرد. متأسفانه این نوع پیگیری‌ها روال نبوده و نیست. باید آموزش و پرورش و نهایتاً دولت این موضوع مهم و سایر موارد را در قالب لایحه به مجلس ارائه دهد و برای تبدیل آن به قانون پیگیری گردد.

کاهش تمرکز در آموزش و پرورش

حقیقتاً وقت آن است که شورای عالی آموزش و پرورش درخصوص نظام مدیریتی آموزش و پرورش از جهت توزیع قدرت بین مرکز و استان‌ها و مناطق آموزشی تدبیر مناسب و ممکن اعمال کند. بی‌تردید نظام غیرمتمرکز برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مناسب نیست زیرا که مطابق فلسفه تربیتی اسلام باید جهت‌گیری واحدی بر تعلیم و تربیت کشور حاکم باشد و ایدئولوژی اسلامی در همه اجزا و عناصر آن ساری و جاری باشد. به عبارت دیگر تعلیم و تربیت رسمی کشور بر پایه یک فلسفه آن‌هم فلسفه تعلیم و تربیت اسلام باید اداره شود. با این رویکرد باید همه بخش‌های تعلیم و تربیت اسلام اداره شود. با این رویکرد باید همه بخش‌های تعلیم و تربیت و در همه سطوح این تفکر را تعقیب کنند. تمرکز مطلق هم مناسب حال تعلیم و تربیت ما نیست زیرا که در این حالت نیز آزادسازی نیروی فکر و اندیشه و قابلیت‌های مدیریتی در مناطق کشور اتفاق نمی‌افتد و خیلی از نیازها و اقتضائات مختلف مناطق مورد بی‌توجهی یا کم‌توجهی قرار می‌گیرد. نباید نظام تعلیم و تربیت کشور خود را از توانایی‌های موجود در استان‌ها محروم کند و دچار انحصار مغل شود. لذا شایسته است در شورای عالی این مسئله به‌طور عالمانه و منطقی مورد بررسی قرار گیرد و شیوه‌های تدوین گردد. جز شورای عالی آموزش و پرورش در کجا می‌توان این موضوع را حل کرد؟ در گذشته چندبار در دستور کار قرار گرفته منتها چند عامل باعث شده که به نتیجه نرسد. یک عامل، برخورد سیاسی و گروهی با این مسئله است. ما وقتی که یک موضوع علمی را از وضع کارشناسی و منطقی خود خارج می‌کنیم و سلیقه سیاسی خود را اعمال می‌کنیم به نتیجه نخواهیم رسید و ناامیدی و یأس بوجود خواهیم آورد. در حالی که اگر با این مسئله و مسایل مشابه به‌صورت کارشناسی و عمیق برخورد می‌شد تاکنون حل شده بود و از آثار آن جامعه استفاده می‌کرد. عامل دوم عدم استمرار است. خیلی از مسایل به دلیل اهمال و سستی به پایان نرسیدند و ناکام مانده‌اند.

شناخت عالمانه نیازهای اجتماعی

نسبت و رابطه آموزش و پرورش با جامعه دو طرفه است. این ظرافت اجتماعی اگر به درستی درک نشود و برای تحقق آن اقدامات اصولی صورت نگیرد نه آموزش و پرورش موفق می‌شود و نه جامعه به خواسته‌هایش می‌رسد. برای تأثیر جامعه بر روی آموزش و پرورش نیازها را باید شناخت. نیازسنجی برای آن است که تعلیم و تربیت کشور پاسخ‌گوی خلأها و کاستی‌ها شود و تافته جدا بافته نباشد. نیازهای اجتماعی را باید عالمانه بررسی کرد و عاملان به کاربرد تا در هیچ زمانی ما گسسته از

نیازها نباشیم و دچار کاستی نشویم. در اکثر مواقع نظر سنجی‌ها را به نام نیازسنجی طرح می‌کنند و مبنای تصمیم‌گیری‌ها را به صورت غیرواقعی تدوین و معرفی می‌نمایند. الگوهای نیازسنجی در منابع علمی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی معرفی شده است. به علاوه اینکه نوع و سطح نیاز که در انتخاب الگو مؤثر است.

ما که طبق فلسفه تربیتی مقبول خودمان به نیازهای وحیانی نیز اعتبار قابل هستیم و آن‌ها را لازم الاتباع می‌دانیم از چه مدل نیازسنجی باید استفاده کنیم. نیازها صرفاً اکتشافی نیستند که براساس داده‌ها و اطلاعات بر آمده از واقعیت‌ها تعیین شوند. بخشی از نیازها کاملاً تدوینی و پیشینی هستند و اقدامی جز متناسب‌سازی آن‌ها با سطوح تحصیلی نداریم. اکنون نکته اساسی این است که این وجوه مهم و خاص تعلیم و تربیت را چه مرجعی جز شورای عالی می‌تواند رهبری کند؟ آیا اکنون این نقش را ایفا می‌کند؟ بی‌تردید شورا وارد این عرصه‌ها نمی‌شود و خیلی از عقب ماندگی‌ها به همین موضع انفعالی ارتباط دارد.

رهبری تحوّل همه‌جانبه

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای انقلاب فرهنگی رسید و از طریق رئیس جمهور محترم وقت برای اجرا ابلاغ گردید. در سال ۱۳۹۲ نیز برنامه درسی ملی به‌عنوان زیر نظام آن تصویب شد و ابلاغ گردید. طی سال‌ها رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ایران تذکر می‌دادند که چرا سند تحوّل در آموزش و پرورش اجرا نمی‌شود. این تأکید معظّم‌له را همگان می‌شنیدند ولی توجه جدی نمی‌شد. طی چند سال از رویکردی به نام «همسوسازی» حرف زده شد و براساس آن تغییراتی در بعضی عناوین و محتواهای کتاب‌های درسی به عمل آمد و به همین‌ها اکتفا شد. در حالی که تحول بنیادین از طریق الگوهای عملیاتی مشخص باید پیگیری شوند و به‌طور منطقی ارتباط بین بنا و مبنا وضوح پیدا کند. حقیقتاً به‌طور جدی به این ضرورت (تدوین الگوی ربط) عنایت نشد و به جای آن زیرنظام‌های سند تحول را تدوین نمودند به این امید که هر بخشی از آموزش و پرورش قسمتی و تعدادی از راهکارهای مندرج در سند را اجرا کنند. به نظر اینجانب شیوه تولید زیرنظام‌ها، حرکت به سوی تجزیه سند تحول است و به نتیجه نمی‌رسد. هر یک از معاونت‌های آموزش و پرورش باید با رویکرد کل‌نگر و با توجه به ماهیت هر بخشی الگوی عملیاتی پیاده‌سازی سند را طراحی کنند و آن‌ها به تصویب برسانند و سپس همه فعالیت‌های تحولی خود را در قالب «الگوی ربط» خود مدیریت کنند. این پیشنهاد به‌طور مکرر در جلسات شورای

معاونان و شورای تحول مطرح گردید ولی کسی اعتنا نکرد. اکنون که در آغاز دولت سیزدهم قرار داریم جز بسته‌های تحولی و برخی اقدامات موردی و غیر منسجم اتفاقی نیفتاده است. به علاوه اینکه بسته‌های تحولی نیز به دلیل همین نگرش تجزیه‌ای به سند و عدم رهبری صحیح به جایی نرسید. موارد پراکنده نیز گشایش مفیدی در اجرای سند به وجود نیاوردند زیرا که تک مضراب‌هایی نواخته شد و هیچگاه صدای یکپارچه و هماهنگ به گوش نرسید.

تداوم تحوّل تا سطح مدرسه

بی‌تردید هیچ انسان عاقلی نمی‌پذیرد که درباره تحول حرف‌ها و ایده‌های کلی و انتزاعی طرح شود ولی در عمل هیچ‌گره و مشکلی را حل نکند. مدارس که در صف مقدم تعلیم و تربیت قرار دارند باید از آثار برنامه‌های تحوّل برخوردار شوند و خود نیز تحول را در تغییر رفتار دانش‌آموزان مدیریت کنند، به عبارت دیگر لباس تحول به پیکر آموزش و پرورش پوشانده شود و مدارس نیز از این پوشش تحولی بهره‌مند شوند. چرا این اتفاق نیفتاد؟ برای اینکه ما به یک وظیفه بسیار مهم خود عمل نکردیم و «مدرسه تحولی» را طبق مفاد سند تحول بنیادین به صورت همه جانبه تدوین نمودیم. قاعدتاً این نقشه تحوّل مدرسه باید ادامه همان الگوهای عملیاتی پیاده‌سازی سند باشد و ارتباط خود را با آن‌ها حفظ کند. لطفاً به سؤالات زیر توجه فرمائید:

- ۱- مدیر مدرسه تحول‌گرا کیست و چه توانایی‌ها و صلاحیت‌ها باید داشته باشد؟
- ۲- معلم تحول‌گرا کدام است و چه صلاحیت‌هایی باید داشته باشد تا تربیت تحولی را رهبری کند؟
- ۳- مربی پرورشی کیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
- ۴- شورای مدرسه تحول‌گرا کدام است و چه نقشی در تحول واقعی می‌تواند داشته باشد؟
- ۵- دانش‌آموز تحول یافته کدام است و چه ویژگی‌هایی باید دارا باشد؟
- ۶- در نهایت مدرسه تحول‌گرا چه ساختاری دارد و برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در تراز سند تحول چه ظرفیت و امکانی را در خود باید ایجاد نماید؟

ممکن است سؤالات اساسی دیگر نیز قابل طرح باشند که در این موارد شش‌گانه طرح نشوند. آنچه که در این نوشته مورد تأکید می‌باشد ضرورت طراحی نقشه مدرسه تحول‌گراست.

معلم رهبر اصلی تحوّل

همه شرایط و امکانات آماده باشد ولی معلم آماده و شایسته تحول نداشته باشیم به هیچ نقطه امیدبخش نخواهیم رسید. در وضع فعلی آموزش و پرورش، نه فهم درستی از توانمندسازی معلم وجود دارد و نه ساختار مناسب و کارآمد برای این کار موجود است. مطابق مقررات آموزش‌های ضمن خدمت معلمان از طریق معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی وزارتخانه باید صورت گیرد که این کار به صورت هدفمند و مستمر انجام نمی‌گیرد. مقرر شده است سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای کتاب‌های نونگاشت، معلمان را آموزش دهد که این هم در اجرا به دلیل ناهماهنگی‌های بین معاونت‌ها و عدم نظارت لازم به نحو صحیح و مؤثر انجام نمی‌شود. لازم به ذکر است که در دو سال اخیر از جمله اقدامات بسیار نامطلوبی که در آموزش و پرورش رخ داد قطع ارتباط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با ادارات کل استان‌هاست. قبلاً با وجود پست معاونت‌های پژوهشی در استان‌ها تحت نظر سازمان، ارتباط مؤثر با استان‌ها امکان پذیر بود و امور گوناگون با آنان هماهنگ می‌شد. اکنون که این ارتباط قطع است قاعدتاً هیچ رویداد مؤثری نمی‌توان انتظار داشت. منظور از بیان این نقص تشکیلاتی یادآوری این نکته است که اگر بنا باشد مهم‌ترین بخش آموزش و پرورش یعنی سازمان پژوهش قصد همراهی و همکاری در آماده‌سازی معلمان را داشته باشد و یا اقدام جنبی دیگری بخواهد انجام دهد امکان پذیر نمی‌باشد. در خصوص توانمندسازی معلم این نکته مهم را متذکر شوم که هر نوع کوتاهی در این مسئله، خسارت به تعلیم و تربیت است زیرا که هدف‌های تعلیم و تربیت با تدریس معلم و با ایفای نقش دانش‌آموزان تحقق می‌یابند. صرفاً برنامه‌های درسی و سایر اقدامات بدون وجود معلم کارگشایی ندارند و گاهی نیز سرمایه‌ها حیف و میل می‌شوند. لذا در این خصوص شورای عالی آموزش و پرورش باید چاره‌ای بیاندیشد.

شورای عالی چه باید بکند؟

در ضمن تحلیل مسائل آموزش و پرورش پیش گفته به اولویت‌های کاری شورای عالی نیز اشاراتی شد ولی در پایان چند اقدام مهم و مرتبط به هم توضیح داده می‌شود. این شورا قبل از هر چیز باید خود را با مقیاس اهداف و رسالت قانونی‌اش مورد ارزیابی قرار دهد. به این سؤال اساسی پاسخ واقع بینانه داده شود که آیا در مسیر درست و نظام مند حرکت کرده است؟ آیا صراط و ظایف خود را شناخته و منطق این راه را پیموده است؟ اینجانب به عنوان فردی که در کنار

سایر همکاران کاروان آموزش و پرورش را همراهی کرده‌ام، نظرم منفی است. یعنی اینکه این شورای بسیار مهم در عمل دچار روزمرگی‌ها شده و به دستور جلسات موردی مشغول شده و اقدامات اساسی را تا حدود زیادی فراموش کرده است. این حقیقت وقتی آشکار می‌شود که بررسی وضع موجود و ارزیابی موقعیت فعلی به دور از هر نوع اغراض صورت پذیرد.

پس از اینکه اوضاع فعلی بررسی شد، وضع مطلوب این شورا با عنایت به جایگاه قانونی تعیین گردد، وضع مطلوب براساس وظایف تدوین می‌شود ولی ممکن است بنا به ضرورت‌های فرهنگی، تربیتی و علمی نوپدید غنی سازی شود و آینده متعالی‌تر برای آموزش و پرورش ترسیم گردد. بدون تردید در تدوین وضع مطلوب باید از صاحب نظران آگاه به ضرورت‌های تربیتی روز و معتقد به اسناد تحولی آموزش و پرورش یاری گرفت و اقدامات علمی قابل دفاع به عمل آورد.

پس از تعیین وضع مطلوب برنامه‌های عملیاتی مناسب در جهت حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب تهیه و پس از تصویب اجرا گردد. این برنامه‌ها ممکن است رابطه طولی و یا رابطه عرضی با یکدیگر داشته باشند و در اولویت بندی در جایگاه‌های متفاوت قرار گیرند ولی همه آن‌ها از جهت ضرورت و تناسب قابل دفاع خواهند بود. در همین بررسی است که احتمالاً بعضی طرح‌های پژوهشی نیز مطرح و پیگیری خواهد شد.

شورای عالی ضمن مدیریت این مسیر سه مرحله‌ای و به طور موازی با آن، بررسی جدی مسائل اساسی جامعه را در ارتباط با نظام تعلیم و تربیت کشور می‌تواند آغاز کند. قاعدتاً کمیسیون‌های تخصصی کار را باید تعقیب کنند و نهایتاً در شورا بررسی گردد. به عنوان نمونه مسئله بسیار مهم پیری جمعیت و وظیفه آموزش و پرورش در پیشگیری از آن و مداخله در روند حرکت جمعیتی کشور موضوع کاملاً اساسی و غیر قابل اغماض است. مسئله عدالت آموزشی نمونه دیگری از مسائل اساسی است. به طور واقع بینانه عدالت آموزشی در کشور اجرا نشده است. چرایی آن و چگونگی تحقق آن از طریق شورای عالی باید پیگیری و نظارت شود. بدون شك جنبه‌های اجرایی و مدیریتی این مسئله از طریق معاونت‌های مربوط قابل پیگیری است لکن سیاست گذاری دقیق و همه جانبه وظیفه شورای عالی است

نظارت مستمر به وضع آموزش و پرورش در سطح ملی و دریافت بازخوردهای لازم از واقعیت‌های موجود، وظیفه دیگر شورای عالی در شرایط حاضر است. احتمالاً گفته شود که نظارت بر عملکردها از طریق واحدهای خاص در بدنه آموزش و پرورش انجام می‌گیرد و شورا نباید وارد این امور شود. به نظر می‌رسد از همین طرز تلقی درباره مسائل آموزش و پرورش طی سالیان گذشته آسیب دیده‌ایم.

این نوع نگاه به مسائل که از يك «ساده انگاری» ناشی می‌شود، باعث شده است که شورای عالی خود را از متن دور کند و به حاشیه‌ها بپردازد. منظورم از متن، امور بی اهمیت نیستند، بلکه گاهی مسائل مهمی نیز در دستور کار قرار می‌گیرد ولی از نظام انتخابگری هدفمند ریشه نمی‌گیرد، بلکه مواردی است که هر کدام به طریقی روی میز دبیرکل شورای عالی قرار می‌گیرد و دستور جلسات را تشکیل می‌دهد. حقیقتاً وقت آن است که شورای عالی از بصیرتی که از بررسی وضع وجود و تحلیل و تدوین وضع مطلوب به دست می‌آورد به نظام ضرورت‌هایی دست یابد و به طرق مناسب و ممکن به بررسی آن‌ها بپردازد. از این طریق است که افق نوینی پیش روی آموزش و پرورش گشوده می‌شود.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

تأملی

در نقش تحولی

وزیر

آموزش

و پرورش

دکتر حسن ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



آموزش و پرورش تحول طلب به وزیر تحول گرا نیاز دارد. گرایش به تحول و باور عمیق به تغییرات اساسی در این نهاد بی بدیل و اثرگذار شرط لازم و بسیار مهم است؛ ولی شرط کافی نیست. گرایش به تحول با اراده قوی و تحقق آن در عرصه عمل کامل می شود. چنانچه وزیر، تحول گرا نباشد يك نقص بنیادین است و اگر تحول گرا باشد ولی توان اجرای آن را نداشته باشد نقص دیگر است. در طول سال های پیشین با موضوع تحول به انحای مختلف برخورد شده است. وجه مشترك همه آنها تك گزینی در عرصه تحول است. هرکدام از وزراء يك مورد خاص را به زعم خود پسندیده و همان را به اجرا درآورده است. از آنجا که هر جزء در متن کل معنا و جایگاه پیدا می کند عمل به جزء نتوانسته گره گشا باشد و گاهی گره آفرین نیز شده است. حقیقتاً تحول را یکپارچه دیدن و برای اجرای آن یکپارچه برنامه داشتن و اجرای یکپارچه برنامه؛ سه شرط اصلی تحول راستین است. وزیری که انتخاب می شود باید این سه وجه را دارا باشد. نگرش یکپارچه، برنامه یکپارچه و اجرای یکپارچه.

نگرش یکپارچه به این معناست که هر يك از اجزای "نظام تعلیم و تربیت کشور را در يك شبکه ارتباطی" با سایر اجزا می‌بیند و به کل آن نیز موجودیت خاص قائل است. «کل» ویژگی‌ها و اقتضائاتی دارد که تک‌تک اجزا لزوماً ندارند. بی‌تردید وزیر محترم نه جزء نگر غافل از کل باید باشد و نه کل نگر غافل از جزء. جزء و کل را باهم دیدن و نظام ارتباطی آن‌ها را مورد توجه قرار دادن شرط تحول‌گرایی است. برنامه یکپارچه داشتن برای تحول نیز وجه دوم تحول است. وقتی که پای برنامه به میان می‌آید همه عناصر يك برنامه کارآمد و خوب نمایان می‌شود. برنامه تعهدآور است در آن جهت‌گیری و هدف‌های مورد انتظار معلوم می‌شود و راه‌های نیل به هدف‌ها و نحوه نظارت بر اجرا نیز تعیین می‌گردد. در مجموع برنامه تحولی، چگونگی حرکت و نقشه گام‌ها و اقدامات را با خود دارد. برنامه نیز با همه امتیازاتش به تنهایی راه‌گشا نیست و چیزی جز مجموعه‌ای از تصمیمات نمی‌باشد. اجرای برنامه است که نهایتاً شرایط را تغییر می‌دهد. می‌توان اجرا و تغییر را معادل یکدیگر تلقی کرد و الگوی مناسب برای آن طراحی و اجرا کرد.

در مجموع سخن اصلی نویسنده این یادداشت آن است که وزیر مطلوب و کارآمد برای ایجاد تغییرات اساسی باید سه ویژگی کلان و چند ویژگی خرد را دارا باشد. يك ویژگی، داشتن گرایش قوی به تحول است، دوم برنامه داشتن جهت تحقق عینی آن گرایش و سوم توان اجرایی کردن برنامه. ضمناً تمام اقدامات يك وزیر تحول‌گرا از طریق همکاران و به طور خاص معاونان تحول‌گرا و معتقد به برنامه‌های وزیر قابل انجام است. وزیر به تنهایی کاری پیش نمی‌برد.

افرادی که در پیرامون وزیر حضور خواهند داشت به قدری مهم هستند که می‌توانند ممد و یا مخل باشند. آنان هستند که در تصمیم‌سازی‌ها مستقیماً دخالت می‌نمایند و در اجرای تصمیمات نیز بدون واسطه ایفای نقش می‌کنند. لذا در انتخاب آنان باید دقیق بود و کارها را به اصحاب واقعی و شایسته سپرد.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی



همه حاضرند،

فقط یک نفر

غایب است:

مفاهمه

تحول‌گرایان

دکتر حسن ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر است و مفاهمه تحول گرایان ضرورتی بالاتر. چنانچه این فهم متقابل و این باور عمیق شکل نگیرد هر نوع تلاش و هم اندیشی های افراد و گروه های تحولی به فاصله ها می افزاید. این ضعف اساسی در درك متقابل تحولی قبل از سطوح پایین در بین مدیران لایه اول مشاهده می شود. بنا به مثلِ فیل داستان مثنوی مولوی هرکس از تحول همان را می خواهد که آن را حس کرده است. به همین دلیل در بیان مطالبات تحول گرایانه بین مدیران فاصله زیادی دیده می شود. یکی از جهت کمبود نیروی انسانی سختی های کشیده است تحول را در تأمین نیروی انسانی توانمند و یا در توانمندسازی معلمان و مدیران معرفی می کنند. آنانی که به طور تکراری در خصوص برنامه های درسی و کتاب های درسی مطالبی شنیده و با سختی هایش سر کرده اند چاره کار تحول را در تحول برنامه درسی تلقی می نمایند. هر يك از بخش های دیگر نیز همین وضع را دارند. از جهت مفهومی نیز وضع مشابه وجود دارد. هنوز برای بعضی از مدیران رده نخست به درستی فهم نشده است که ساحت های تربیت در مجموعه اقدامات تحولی چه جایگاهی دارد؟ در کجا و چگونه باید به ساحت ها پرداخت یا هنوز ابهام جدی بین

متولیان اصلی وجود دارد که "چگونه باید سند تحول را اجرا نمود؟" اصلاً آیا مجاز هستیم از اجرای سند سخن بگوییم؟ اصلاً باید اجرا کنیم یا این که کتابچه سند تحول بنیادین را پیش روی خود قرار دهیم و به آن تماشا کنیم؟ گویی چنین فکر می‌کنند که هر قدر بیشتر به فیزیک سند بنگریم در اجرای سند خبره‌تر می‌شویم. به همین ترتیب، هنوز در فهم دقیق مفاهیم اساسی موجود در اسناد تحولی اشتراك فهم لازم به وجود نیامده است. این که "فطرت" به چه معناست و در بین مفاهیم تحولی چه جایگاهی دارد؛ درك مشترك پدید نیامده است. لذا از این نمونه‌ها می‌توان به طور متعدد بیان نمود. چرا این مفاهیم علی‌رغم گذر سال‌ها و سعی‌ها در عرصه تحول شکل نگرفته و فقدان آن چه لطمه‌ای به اصل موضوع وارد کرده است؟ به نظر نگارنده به این دلیل مفاهیم برقرار نشده که مقدمه لازم برای آن وجود نداشته است. مفاهیم در هر چیز به اراده جدی و باور به مفاهیم محتاج است. اگر طرفین مفاهیم اراده محکم و قوی برای فهم متقابل نداشته باشند و اصولاً در تحقق این اراده تردید جدی داشته باشند؛ مقدمه مفاهیم ایجاد نشده است. اعتقاد جدی دارم که در خصوص اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همین ضعف بسیار اساسی رخ داده است. اراده قوی که مقدمه مفاهیم است وجود نداشته و هنوز هم وجود ندارد: ممکن است کسی و کسانی بپرسند پس این همه سروصدای تحولی چیست؟ باید گفت همان سروصداست. اگر سرها به سرها تبدیل نشود و صداهای صائب صید نشوند اراده برای تحول پدید نمی‌آید. هرچیزی به سر تبدیل شد "سرگشا" پیدا می‌شود. مشکل همین است که هنوز پس از سال‌ها موضوع تحول به سر تبدیل نشد تا سرگشا از راه برسد.

حضرت آقا، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ایران در رأس از اسرار تحول و از سیر تحول مطالب زیادی فرموده‌اند ولی در سطوح پایین آن سر به يك موضوع روز ولی بدون "راز" بدل گشته است. مشکل اجرای سند تحول همین است که همه فکر می‌کنند که سند را اجرا می‌کنند. هرکاری که کرده‌اند در جهت اجرای سند رخ داده است. اگر این طور است پس چرا ثمراتش را نمی‌بینیم؟ چرا نتایج آن در زندگی دیده نمی‌شود؟ همین تلقی‌های ناصحیح باعث شد فرصت‌های زیادی از دست بدهیم و تهدیدهای زیادی را به دست خودمان متوجه اجرای سند کنیم. چرا باید هنوز تلقی این باشد که اگر بسته‌های تحولی را اجرا کنیم به معنای اجرای سند است؟ یا بعضی چنین بیان‌دیشند که چنانچه زیرنظام‌ها را به اجرا در آوریم در جهت سند حرکت می‌کنیم. همه آن اقدامات بی تردید آثاری دارد ولی هیچ يك از آن‌ها اجرای واقعی سند نیست با کمال تأسف هنوز این حقیقت از جهت نرم افزاری و فکری جان‌فشارده است که سند تحول جایگاه مبنایی دارد و اصولاً با مبنای چه مواجهه‌ای

باید داشته باشیم؟ منطقاً در مسیر تحول چه نسبتی با مینا باید برقرار کنیم؟ بناها با میناها چه رابطه و نسبتی باید داشته باشند؟ البته هر کس این نسبت را به طور شایسته متوجه نشود باید الزاماتش را نیز بپذیرد باید متعهد به لوازم آن باشد باید خود را برای یک دگردیسی تحولی آماده کند. خیلی‌ها حوصله این کارها را ندارند. سهل بینی و سهل اندیشی متأسفانه اختلال اساسی ایجاد کرده است. باعث شده است که ما در نظام تعلیم و تربیت خود ده سال را از دست بدهیم و پایان هر سال نیز گزارش زیبا تهیه و تقدیم کنیم و کار خود را نیز مورد ستایش قرار دهیم؛ مشکل ما در اجرای سند دقیقاً همین جاست. "درست ندیدن و درست عمل نکردن"؛ حال چه باید کرد؟ چشم‌ها را باید شست، طور دیگر باید نگریست.

بی‌تعارف بگویم که ما برای رهایی سند تحول از مظلومیت؛ باید نگاه خودمان را به سند از مظلومیت درآوریم. ما با طرز تلقی‌های ناصحیح به اجرای سند، ظلم کرده‌ایم. باید ابتدا خودمان را رها کنیم تا سند رها شود معمولاً با سند رهاسازی می‌کنند ما باید با رهاسازی خود سند را آزاد کنیم. سند تحول اسیر دست طرز تلقی‌های غلط ماست. اینجانب آمادگی دارم این را با فریاد بلند بگویم که «خود را آزاد کنید سند آزاد می‌شود»





هدف متعالی
برنامه درسی فطرت‌گرا،
تعالی فطرت الهی
دانش‌آموز
است

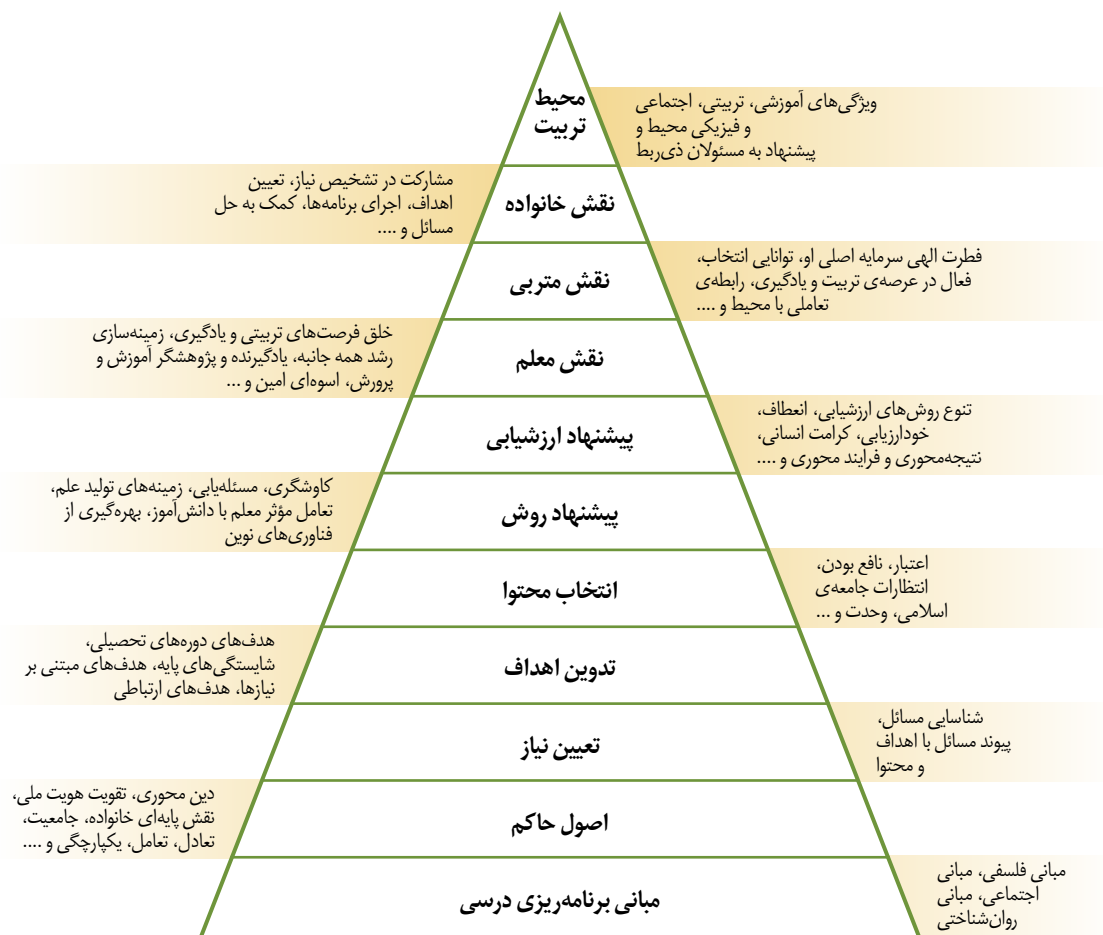
دکتر حسن ملکی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



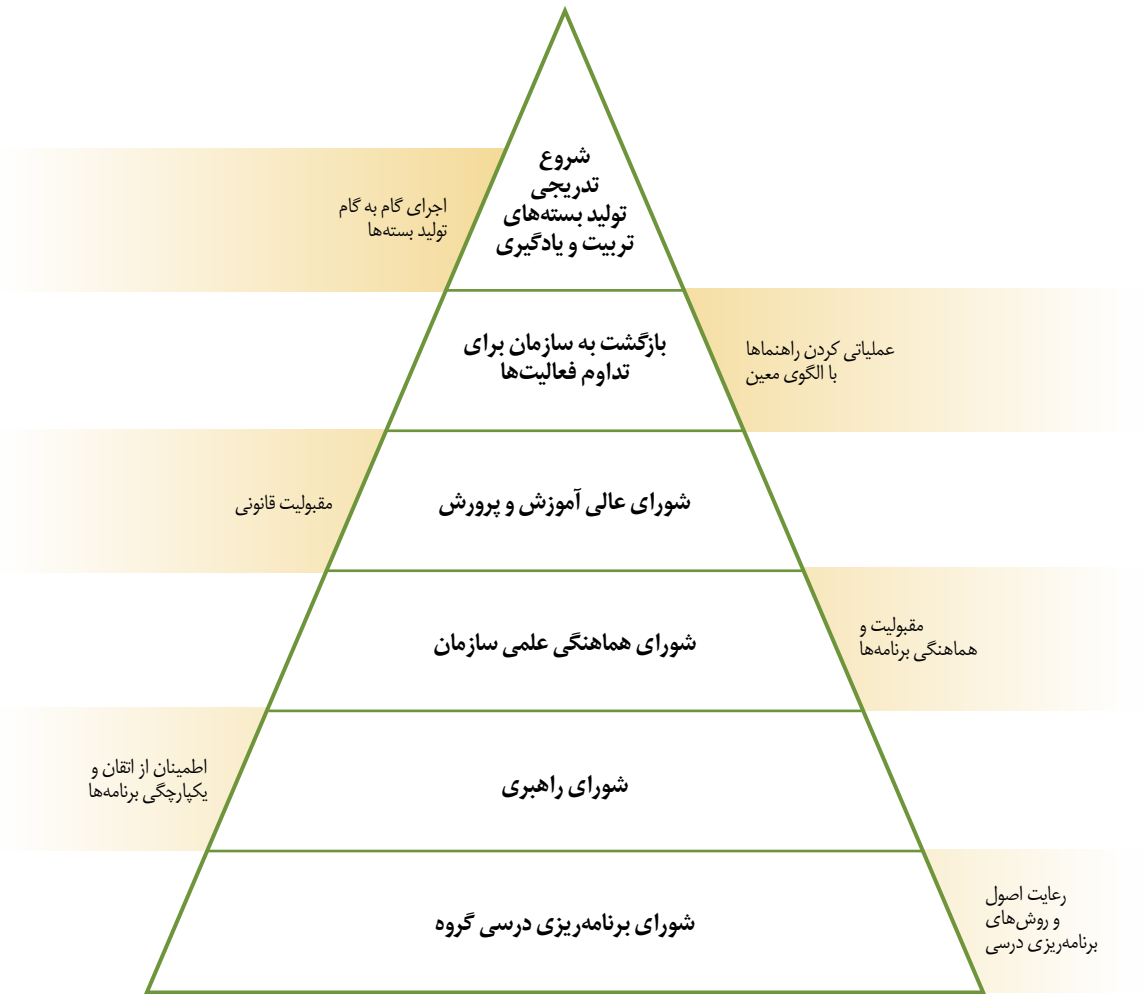
مسافر راه تحول هستیم و در آن ملال و خستگی نمی‌شناسیم. راهی که دلیل آن اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، وسیله‌ی طی طریق آن مدیریت جهادی، انگیزه‌ی حرکت، نیل به هدف‌های متعالی و نتایج آن، پرورش و تعالی فطرت الهی دانش‌آموزان معصوم است. بخشی از راه را پیموده‌ایم و به ایستگاه نخست رسیده‌ایم. با اینکه این مرحله از سفر فوق‌العاده ضروری و اجتناب‌ناپذیر بود ولی به آن اکتفا نمی‌کنیم و هم‌زمان به چگونگی تداوم پیمایش می‌اندیشیم. آنچه که با عناوین راهنمای برنامه‌ی درسی در یازده حوزه‌ی تربیت و یادگیری و دوره‌ی پیش از دبستان تدوین شده، نقشه‌های راه است و دلالت‌های قوی و آشکار برای گام‌های بعدی تحول در عرصه‌ی عمل ارائه می‌دهد. این دلالت‌ها با مجاهدت‌های کارشناسان متعهد و با بصیرت سازمان، تدوین یافته و ادامه‌ی راه نیز با همین عزیزان امکان‌پذیر است.

خدا را سپاس می‌گوییم که به حیات ما تداوم بخشید و امکان پرداختن به برنامه‌های درسی تحولی در نظام جمهوری اسلامی ایران را ارزانی داشت. فرصت گران‌بهایی است و بدون شک علاوه بر شکوه تحول در شخصیت متریبان و درک لذت آن، آثار معنوی و تکاملی بی‌بدیلی باقی خواهد گذاشت.

برنامه‌ریزی درسی و تولید طرح‌های تربیتی فطرت‌پرور، با‌اصاله ارزشمند است و چنانچه با اخلاص انجام گیرد، پیامدهای پایا و تعالی‌بخش در روح و روان طراحان آن باقی خواهد گذاشت. به حول و قوه‌ی الهی و با تدبیر کارشناسی و خردجمعی سفر خود را در این صراط تحول ادامه خواهیم داد. مرحله‌ی بعدی تولید بسته‌های تربیت و یادگیری و رساندن پیام و محتوای تحول به سطح مدارس است. چنانچه به این نقطه از سفر نرسد گویی که کاری انجام نداده‌ایم. همه‌ی تلاش‌ها برای این است که نهایتاً در منش و روش کودکان و نوجوانان آثار تحول نمایان شود. این مقصود مقدس تحقق یافتنی است زیرا که عشق و انگیزه‌ی کم نظیری سفر تحول را حمایت می‌کند. قلم و قدم کارشناسان با انگیزه‌ی تحول حمایت می‌شود و در قلوب تک تک آنان شور و شوق دگرگونی اساسی در برنامه‌های درسی استقرار یافته است. از خدای متعال و مقلب‌القلوب طلب می‌کنیم این شور تحول را در قلب‌ها زنده نگه دارد و ما را در تداوم این راه یاری فرماید.



«الگوی فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه‌ریزی درسی»



«فرایند بررسی، تصویب و تداوم راهنماهای برنامه‌ی درسی»



ساختار تشکیلاتی

آموزش

و پرورش،

پذیرش تحول

را ندارد

دکتر حسن ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



در ادامه‌ی بررسی مسائل اساسی آموزش و پرورش، در این قسمت ساختار تشکیلاتی این وزارتخانه، مورد نقد قرار می‌گیرد. ممکن است برخی اشکال بگیرند که فردی که هم‌اکنون معاونت وزیر و مسئولیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارتخانه را نقد می‌کند در حالی که قاعده‌تاً یا باید تعریف و تمجید کند و یا حداقل سخن نقدآمیزی طرح ننماید. چنانچه این نکته در ذهن کسی باشد پیشاپیش می‌گوییم که با کمال تأسف همین نوع ملاحظه‌کاری‌ها و محافظه‌کاری‌های مخرب مانع از این می‌شود که حقایق آشکار گردد و موانع برطرف شود. نویسنده‌ی این مطالب تعلیم و تربیت سالم و بویا را از همه کس بیشتر دوست دارد و جز این چیزی و موقعیتی برای او اصالت ندارد. لذا باید نقد کرد ولی همراه با نقد دلیل آورد. اصولاً بدون برهان قوی نقد کردن عقلانی نیست و عقلاً نیز آن را نمی‌پذیرند. بر این اساس ساختار تشکیلاتی معیوب وزارتخانه با ذکر چند برهان مورد نقد قرار می‌گیرد.

نشانه‌های تحول در تشکیلات کجاست؟

سند مهمی به نام تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ تولید شد و به دنبال آن اسناد فرعی متعددی نیز ارائه شد. عدم توفیق وزارتخانه در اجرای سند تحول نیز بر کسی پوشیده نیست و به اندازه‌ی کافی در معرفی نقص‌ها و کاستی‌ها سخن گفته شده است. با تصویب این اسناد قاعداً باید در ساختار تشکیلاتی نیز تغییراتی به وجود می‌آید و نقش‌های مختلف و مؤثر برای ایفای نقش تحولی تعریف می‌شود. این اقدام صورت نگرفت و با کمال تأسف تلاش شد پیام نو در ظرف کهنه اجرا شود. چگونه ممکن است ظرف غیرتحولی پیام و برنامه‌های تحولی را در خود جا دهد و بپروراند؟ برهان قوی برای درستی این نقض هم انواع شوراها و کمیته‌هایی است که چه در سطح وزارتخانه و چه در سطح معاونت‌ها به‌طور غیررسمی شکل گرفته است. برخی از این کمیته‌ها و شوراها نیز چند جلسه تشکیل می‌دهند و سپس یا تعطیل می‌گردند و یا از رمق می‌افتند. این کاستی بزرگ محصول این است که تحول بنیادین در آموزش و پرورش به‌طور عمیق باور نشد و همت لازم برای دگرگونی در ساختار نیز پدید نیامد.

عدالت آموزشی محصور در یک دفتر

همه می‌دانیم که عدالت آموزشی یکی از ضرورت‌های راهبردی بی‌بدیل نظام آموزشی است. هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین عدالت آموزشی شود. این موضوع مهم نه به یک دوره‌ی تحصیلی و نه به یک حوزه‌ی معرفتی خاص و نه به زمان محدود، منحصر نمی‌شود. عدالت یک راهبرد بسیار مهم است که با پی‌گیری آن یکی از هدف‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران به وقوع خواهد پیوست. چرا در ساختار کنونی، عدالت آموزشی در یک دفتر منحصر شده است؟ آیا دفتر آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی نباید عدالت‌محور باشند؟ چرا این موضوع در سایر معاونت‌ها جایگاه ندارد؟ به نظر نگارنده عدالت آموزشی روح همه‌ی تصمیمات در برنامه‌های آموزش و پرورش است. یکی از ارکان اندیشه‌ی اسلامی عدالت است. لذا همه جای کشور از جمله آموزش و پرورش باید این رکن بی‌بدیل را در اهداف و روش‌های خود تعقیب کند. با قرار دادن عدالت در دفتری به نام "دفتر توسعه‌ی عدالت آموزشی و آموزش عشایر" این شبهه به وجود می‌آید که گویی هنوز عدالت آموزشی یک هدف اساسی و عمده نیست و هنوز گستره‌ی وسیع آن در نظام تعلیم و تربیت باور نشده است.

بازوی تشکیلاتی سازمان پژوهش در استان‌ها را قطع کردند

این اقدام بسیار غیرکارشناسی و کاملاً جهت‌دار حدود یک سال و نیم قبل در آموزش و پرورش رخ داد. با کمال تأسف در همان آغاز نقد و اعتراض هم به جایی نرسید و به‌نظر می‌رسید تمایل به شنیدن نقد ندارند و قرار است این اقدام غلط صورت پذیرد و اعتراض فردی و جمعی نگارنده در بیان پیامدهای منفی این تصمیم به جایی نرسید و ساختار معیوب را به استان‌ها ابلاغ کردند. نتیجه‌ی این اقدام ناصحیح این شد که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی معاونت پژوهشی ادراکات کل آموزش و پرورش را از دست داد و بازوی ارتباطی آن قطع شد. در حالی که مهم‌ترین محصول این سازمان یعنی برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی در سر سفره‌ی هر یک از شهروندان است و طبق دلالت‌های سند تحول و برنامه‌ی درسی ملی سازمان پژوهش موظف است با مدارس و معلمان و به‌طور کلی با میدان اجرای برنامه‌های درسی مرتبط باشد و زمینه‌های موقعیت برنامه‌ها را فراهم نماید.

پژوهشگاه آموزش و پرورش را از جای قانونی خود کردند

طبق مصوبه‌ی شورای عالی اداری که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است. پژوهشگاه با سازمان پژوهش ادغام شده است. استدلال آنان برای ادغام این بود که در یک وزارتخانه دو مرکز پژوهشی معنا ندارد. سازمان پژوهش طبق قانون تأسیس آن، به نیازهای پژوهشی وزارتخانه باید پاسخ بگوید. تأسیس یک تشکیلات موازی دردی را دوا نمی‌کند و به دردها نیز می‌افزاید. با کمال تأسف با فشارهای خاص اجتماعی، سیاسی وزیر وقت آموزش و پرورش را در سال ۱۳۹۹ وادار کردند که ایشان برخلاف قانون، فردی را به‌عنوان رئیس پژوهشگاه منصوب کند و از همان زمان در دسرهای فراوانی برای آموزش و پرورش فراهم سازد. طی سال‌هایی که پژوهشگاه وابسته به سازمان پژوهش بود هیچ عیب و اشکالی به‌وجود نمی‌آمد. همین که به‌طور غیرقانونی برای ریاست آنجا ابلاغ صادر شد مسئله‌ها و مشکلات آغاز گردید. یکی از دلایل محکم غیرقانونی بودن انتزاع پژوهشگاه از سازمان تداوم وابستگی اداری و مالی پژوهشگاه به سازمان است. اگر واقعاً انتزاع پژوهشگاه مبنای قانونی داشت چرا تاکنون اتفاق نیفتاد؟ اینجانب شخصاً امید به این دارم که با تغییر دولت این اقدام غیرکارشناسی و کاملاً غیرقانونی اصلاح شود و ادغام پژوهشگاه طبق قانون مجدداً تحقق پیدا کند. در صورت نگاه علمی و واقع‌بینانه راهی جز تداوم ادغام نیست.

کمیته‌های تدوین محتوا در استان‌ها چرا؟

طبق قانون طراحی و تدوین هر نوع محتوا در آموزش و پرورش اعم از پیش‌دبستان، دبستان، متوسطه و فنی‌وحرفه‌ای وظیفه‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. جایگاه و ساختار تشکیلاتی درون سازمان نیز همین حقیقت را نشان می‌دهد. اگر غیر از این باشد محتواهای آموزشی که از ظرافت خاص برخوردار هستند صدمه می‌بینند و ممکن است برخی نااهلان نیز مطابق اهداف دخالت کنند. در دو سال اخیر به دلیل عدم نظارت لازم به حدود و ثغور تشکیلاتی و شرح وظایف معاونت‌های مختلف آموزش و پرورش به بهانه‌ی تولید محتوا در استان‌ها کمیته‌های تدوین محتوا تشکیل دادند و مجموعه‌ای از محتواهای معیوب را به مراکز پیش‌دبستان تحمیل نمودند. نظر به اینکه این نوع اقدامات قسری و غیراصولی از سوی وزارتخانه نیز حمایت می‌شد، این کمیته‌ها در استان‌ها پا گرفت و هنوز هم هستند. بدین ترتیب باید گفت نقص ساختار تشکیلاتی آموزش و پرورش با تعدی تشکیلاتی در سطوح پائین وضع مخرب‌تر و نامطلوب‌تر پیدا می‌کند.

سازمان تعلیم و تربیت کودک و یک تأمل اساسی

این سازمان در ماه‌های اخیر به قصد ساماندهی به امور آموزشی و تربیتی دوره‌ی پیش‌دبستان به ساختار تشکیلاتی اضافه شد. از آنجا که یک قانون است همگان وظیفه‌ی کمک و حمایت دارند لکن یک تأمل بسیار مهم نیز در این خصوص وجود دارد نباید از آن غافل شد. پیوستگی و انسجام تعلیم و تربیت چه در طول و چه در عرض یک ویژگی خدشه‌ناپذیر است. این ضرورت چه از جهت دینی و چه از جهت یافته‌های روان‌شناختی مورد تأکید است و بی‌اعتنایی به آن زیان‌آور است. با تشکیل سازمان مزبور و پرداختن آن به مهدکودک و پیش از دبستان ممکن است بین دوره‌ی ابتدایی و پیش‌دبستان گسستگی پدید آورد. چه تضمینی وجود دارد که این اتفاق نیفتند؟ دو تشکیلات سازمان تربیت کودک و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در عرض هم قرار گرفته‌اند در حالی که دوره‌های تحصیلی که در این دو سازمان برنامه‌ریزی می‌شود در طول یکدیگر هستند. در شرایط فعلی به دلیل تأکیدی که به عمل آمد مسئولیت کمیته‌ی تدوین محتوا را به سازمان پژوهش محول کردند ولی تضمین برای ادامه‌ی این وضع وجود ندارد. در اساسنامه‌ی سازمان تربیت کودک و ساختاری که برای آن پیش‌بینی شده این اجازه را می‌دهد که به محتوا نیز پردازند. در حالی که در نظام تعلیم و تربیت ایران صرفاً سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مسئولیت تدوین محتوا در کل دوره‌های تحصیلی را دارد و از این موضوع باید حمایت و صیانت کرد.

نکته‌ی پایانی

ضروری است مسئولان تعلیم و تربیت برای بازبینی فرایند تحول در بخش‌های مختلف به این پرسش پاسخ دهند که آیا ساختار تشکیلاتی کنونی ویژگی‌های تحولی لازم را دارد؟ آیا با این ظرف تشکیلاتی می‌توان محتوای وسیع و چند بُعدی تحولی را قرار داد و پیش برد؟ آیا چنین نقش‌ها در شرایط کنونی شایستگی تولید هنجارها و الگوهای لازم برای تحول بنیادین را دارند؟ یکی از عوامل بازدارنده‌ی تحول همین ساختار معیوب است که کسی به آن توجه نکرده است. می‌توان با تشکیل شوراها و کمیته‌های غیررسمی به تحول پرداخت ولی ضمانت اجرایی آن کم است. به‌علاوه این موضوع که در ساختار کنونی معایب واضح وجود دارد که در اثر اغراض خاص و منافع تشکیلاتی به‌وجود آمده است. هنوز کسی پاسخ این سؤال را نداده است که چرا معاونان پژوهشی استان‌ها را حذف کردید؟ به کدام هدف می‌خواستید برسید؟ چرا باید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که ریشه‌دارترین سازمان است با آموزش و پرورش استان‌ها رابطه نداشته باشد در حالی که تولیدات آن محور و کانون اصلی همه‌ی مدارس کشور است؟ آیا برنامه‌های درسی در مجموعه‌ی فعالیت‌های آموزش و پرورش قطب اصلی نیستند؟ چرا باید این قطب اصلی در مدارس کشور با صاحب اصلی خود یعنی سازمان پژوهش بی‌ارتباط باشد؟





جشنواره‌ی
بین‌المللی فیلم رشد
با کدام اندیشه
پشتیبانی
می‌شود؟

دکتر حسن ملکی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



جشنواره‌ی فیلم رشد سابقه‌ی تاریخی نسبتاً طولانی دارد و آغاز آن به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. پس از انقلاب اسلامی چند سال وقفه ایجاد شد. سپس از سال ۱۳۶۴ با یک بازنگری آغاز گردید. رویداد مهمی است که می‌تواند در خصوص سینمای آموزشی و پرورشی گام‌های مؤثری بردارد و فضای نوینی در تعلیم و تربیت کشور ایجاد کند. با سایر جشنواره‌ها مانند جشنواره‌ی فیلم فجر و امثال آن تفاوت ماهوی دارد. ما در این جشنواره فیلم‌هایی را انتخاب می‌کنیم که جنبه‌ی محتوایی و تربیتی آن قوی‌تر باشد. با سایر جنبه‌های هنری از قبیل نحوه‌ی کارگردانی خوب یا فیلم‌نامه نویسی و امثال اینها که نوعاً در جشنواره‌های هنری لحاظ می‌شود کار نداریم. عمدتاً محتوای فیلم را ارزیابی می‌کنیم و چنانچه امتیاز لازم را آورد تولیدکنندگان آن را مورد تقدیر قرار می‌دهیم.

بین هنر و تربیت سه نسبت می‌توان در نظر گرفت. یک نسبت، "تفکیکی" است. یعنی هنر مسیر خود را برود و علم و تربیت نیز راه خود را ادامه دهند و دو بخش جدا باشند. بی‌تردید این وضع مطلوب نخواهد بود زیرا که رابطه‌ی هنر با تربیت به قصد اثرگذاری روی دانش‌آموزان چه از جهت علمی و چه از جهت اعتقادی و دینی کاملاً تأیید شده است. اگر هنر تنها باشد و کاری با تربیت و علم نداشته باشد به یک پوسته تبدیل می‌شود که عمر نخواهد داشت و اگر تربیت نیز در قالب هنر ارائه نشود نافذ نخواهد بود. بنابراین، این دو در ارتباط با یکدیگر ثمربخش خواهند بود.

نسبت دوم؛ نسبت "وسیله‌ای" است یعنی علم و تربیت وسیله باشند تا هنری شکل بگیرد. در این حالت، هنر تولید شده صرفاً برای هنر خواهد بود و اثر تربیتی نخواهد داشت چون که در تدوین آن محتوای تربیت مور نظر نبوده است. این حالت نیز مقبول نیست زیرا که در تعلیم و تربیت براساس فلسفه‌ی تربیتی اسلامی رشد همه‌جانبه‌ی متربی مطرح است. ممکن است در یک کار هنری یکی از ابعاد تربیت‌محور باشد، مانعی ندارد ولی بدون جهت‌گیری تربیتی نیست. هنر برای هنر مطلوب نیست بلکه هنر برای تربیت مطرح و مقبول است.

حالت سوم؛ اصالت دادن به تربیت و محتوای علمی و قائل بودن به هنر به‌عنوان "وسیله و قالب" است. در اینجا نیز هنر مهم است ولی نه به‌عنوان مقصود بلکه به‌عنوان یک قالب و وسیله.

برای رساندن پیام به مخاطب به هنر نیاز داریم. هنر پیام‌ها را تلطیف و نافذ می‌سازد. در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم رشد این سیاست تعقیب می‌شود. «هنر به‌عنوان وسیله و تربیت به‌عنوان هدف». حتی برای تربیت بُعد هنری و زیبایی‌شناختی نیز نمی‌توان و نباید صرفاً از هنر کمک گرفت. در تربیت هنری نیز تربیت مطرح است نه صرفاً هنر. سیاست دیگر ما آن است که از طریق جشنواره‌ی فیلم رشد از تجارب سایر کشورها نیز استفاده کنیم. بی‌تردید الگوهای ما در عرصه‌های مختلف باید بومی و جوشش از درون باشد ولی از تجارب دیگران نیز باید بهره گرفت. در کشورهای دیگر تولیدکنندگان فیلم‌های آموزشی و تربیتی گوناگون وجود دارد که شناسایی آنها و استفاده از آنها در فعالیت‌های هنری و تربیتی لازم و ضروری است. فقط باید مراقب بود ارزش‌های خود را بر ما تحمیل نکنند به تعبیر دیگر خردورزی در استفاده از تجارب دیگران را نیز نباید از دست بدهیم.

از طریق این جشنواره فیلم‌های آموزشی گوناگون مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و تعدادی انتخاب می‌شود.

بهره‌مندی از فیلم‌های برگزیده در جهت تقویت مسیر تحول برنامه‌های درسی سیاست دیگری است که دنبال می‌کنیم. سازمان پژوهش در مدار تحول قرارداد و قصد جدی داریم سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی را عملیاتی کنیم. در این مسیر کتاب درسی از انحصار خارج و رسانه‌های دیگر نیز با آن همراه می‌شود. تنوع و کارآمدی رسانه‌ها در جهت هدف‌های تربیتی معین از لوازم تحول است. فیلم‌های آموزشی رسانه‌ی مهمی هستند که می‌توانند آموزش‌ها را مؤثرتر کنند و به رغبت یادگیری و آموختن نیز بیفزایند. تولیدات و برگزیده‌های جشنواره بررسی و در بسته‌های تحول و یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. البته از سایر جشنواره‌ها مانند: جشنواره‌ی کتاب رشد، عکس رشد و محتواهای الکترونیکی نیز می‌توان استفاده‌های مشابه به‌عمل آورد.

یکی دیگر از برنامه‌های در دست اقدام سازمان استقرار رمزینده‌های سریع پاسخ در کتاب‌های درسی است. رمزینده‌ها در واقع پیوند فناوری با محتواهاست که در نوع خود کار با ارزش و مفیدی است. تعدادی از فیلم‌های منتخب جشنواره در این رمزینده‌ها قرار می‌گیرند و با هدایت معلم در فرایند یادگیری استفاده می‌شوند. این اقدام تازه‌ای است که از طریق واقعیت‌های افزوده‌ی محتواهای آموزشی غنی‌سازی می‌شوند.

ورود فیلم‌های آموزشی منتخب به مدارس کشور و به نمایش در آمدن آنها برای دانش‌آموزان و حتی معلمان و والدین تکمیل‌کننده‌ی جشنواره است. اگر این کار صورت نگیرد و فیلم‌ها به دانش‌آموزان نرسند مانند این است که درختی کاشته‌ایم ولی میوه نمی‌دهد. میوه‌ی درخت جشنواره توسط دانش‌آموزان چیده می‌شود. هر قدر این میوه رسیده‌تر باشد برای آنان مطلوب‌تر خواهد بود. علاوه بر این جشنواره‌ی امسال با حضور خانواده‌ی شهید لندی شکوه افزون‌تری یافته است. نشانی به نام این نوجوان شهید تهیه شده که به تعدادی از تولیدکنندگان فیلم‌های آموزشی مرتبط به شهید لندی تقدیم می‌شود.

از خانواده‌ی این عزیز دعوت کرده‌ایم در جشنواره شرکت کنند و با حضورشان این رویداد تربیتی - فرهنگی را به فرهنگ شهادت مرتبط سازند. صمیمانه از این خانواده‌ی محترم تشکر می‌کنم. از این موضوع یک پیام نیز دریافت می‌کنیم که تعهد ما برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت پایا و ماندنی است و هرگز از آن جدا نخواهیم شد. تلاش خواهیم کرد همراه با سایر ابعاد تربیت به موضوع شهید توجه ویژه کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش

بازدید

از

نمایشگاه

دستاورد های

جهاد دانشگاهی

دکتر حسن ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



روز نهم دی‌ماه سال ۱۴۰۰ که بصیرت و میثاق با ولایت مردم ایران را به خاطر می‌آورد بنا به دعوت قبلی از نمایندگانی دستاوردهای علمی و تحقیقاتی جهاد دانشگاهی بازدید کردم. روز خوبی بود به این دلیل که از یافته‌های علمی این نهاد جوشیده از انقلاب اسلامی با خبر شدم و با شرحی که کارشناسان مربوطه به‌عمل آوردند تا حدودی به اهمیت آنها پی بردم. به‌دلیل ارتباطی که مسئولیت اینجانب در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با آن یافته‌ها داشت خوشحالی‌ام مضاعف شد. سازمانی که اکنون مسئول آنجا هستم یک بخش بسیار مهم در کشور و مستقر در آموزش و پرورش است و نوعی مرجعیت علمی برای سایر قسمت‌های این وزارتخانه دارد. افراد دانشمندی در گروه‌های مختلف اشتغال دارند و رسالت بسیار مهم فرهنگی، تربیتی در این سازمان انجام می‌گیرد. همه‌ی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی دوره‌های تحصیلی گوناگون توسط این نهاد طراحی و تولید می‌شود و همه‌ی نشریات علمی، آموزشی نیز به همین ترتیب.

وقتی از نمایشگاه بازدید کردم به‌طور طبیعی ذهنم مشغول شد به اینکه با مراکز علمی و پژوهشی از جمله جهاد دانشگاهی ارتباط خود را باید تقویت کنیم و به تبدلات فکری بیافزاییم. به‌عنوان نمونه ملاحظه کردم یک تحقیقی در مورد سرمایه‌ی اجتماعی به‌عمل آورده‌اند و شاخص‌های مختلف آن را در استان‌های گوناگون مقایسه کرده‌اند. نشان می‌داد که هر استان در چه مورد وضع مطلوب و در کدام مورد وضع نامطلوبی دارد. این قبیل یافته‌های متنوع استانی در تدوین برنامه‌های درسی متفاوت؛ کمک می‌کند. همین‌طور در ارتباط با نهاد خانواده، آسیب‌های آن و موضوع بسیار مهم تعارض منافع نیز مطالعاتی انجام داده‌اند که در مدیریت برنامه‌های درسی و هماهنگی نهادهای تربیتی می‌تواند مفید باشد. تعارض منافع از جمله منفذهای فساد خیز است که در سازمان پژوهش نیز باید تعقیب شود. درخصوص این موضوعات و ده‌ها موضوع دیگر مطالعاتی انجام داده‌ایم و براساس آنها اکنون تحول در برنامه‌های درسی را پی‌گیری می‌کنیم لکن به سایر مطالعات نیز نیاز داریم تا پایه‌های مستحکمی برای برنامه‌ریزی درسی تحولی پدید آوریم.

بی‌تردید تعامل علمی و پژوهشی سازمان پژوهش با سایر مراکز تحقیقاتی مفید و مبارک است و عقل سازمانی ایجاب می‌کند که با برنامه‌ریزی دقیق به آن بپردازیم. هیچ‌کس و سازمانی نمی‌تواند ادعا کند که آنچه به‌دست آورده‌ام تنها دانش است و برای نیل به هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت کفایت می‌کند. هر قدر، اطلاعات وسیع‌تر به‌دست آید و تحلیل درستی از آنها صورت پذیرد راه مطمئن‌تری برای نیل به حقیقت امور فراهم می‌گردد.



یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for taking notes.

